

# کیمهان

۵۰۴

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۴ اسفند ۱۴۰۳ تا پنجشنبه ۷ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۷۰

# سال نو

# دشوار اما با امید





خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:  
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم  
کیهان شماره ۱۹۷۰ (۵۰۴)

۲۴ اسفند ۱۴۰۳ تا ۷ فروردین ۱۴۰۴  
۱۴ تا ۲۷ مارس ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سردبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

زمان تحویل سال ۱۴۰۴ به وقت ایران :

روز پنجشنبه ۱ فروردین ماه ۱۴۰۴ ۱۲:۳۱

زمان تحویل سال ۱۴۰۴ به وقت بریتانیا :

روز پنجشنبه ۲۰ مارس ۲۰۲۴ ۰۹:۰۱



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاهل عنکیوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های خاتم رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و با انتشارات ساتراپ و سور هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.  
Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30887, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdous Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی  
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهر ایران  
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل فرمایید.  
Web: [www.pirnia.com](http://www.pirnia.com) Email: [pirnia@pirnia.com](mailto:pirnia@pirnia.com)

این آخرین شماره کیهان لندن در سال ۱۴۰۳ است.  
شماره بعدی (۵۰۵) جمعه ۸ فروردین ۱۴۰۴ منتشر خواهد شد.

# کیهان

## \*\* فهرست مطالب \*\*

سر مقاله - سال صلح، سال آزادی، سال امنیت / الاهی بقرات ..... ۴  
تیزتر هفته - سال نودشوار اما با امید ... / ..... ۴-۵

شورای امنیت در باره افزایش ذخایر اورانیوم با درجه ممنوعه در ایران جلسه محرمانه... / ..... ۶  
واکنش کاخ سفید به اظهارات خامنه‌ای: دو گز بنه دارید: بامدا که هو توافقی یا حمله نظامی!... / ..... ۶-۷  
ترامپ: به خامنه‌ای نامه دادم: بامدا که همی کنیم و با اقدام دیگری خواهیم کرد!... / ..... ۷  
توافق اولیه میان آمریکا و کره این در جده: کی یف آتش بس ۳۰ روزه را پذیرفت... / ..... ۸  
بلومبرگ: تحریم‌ها باعث اختلال در صادرات نفت ایران به چین شده است... / ..... ۸-۹  
گسترش جنگ سایبری حزب الله علیه اسرائیل، آمریکا و کشورهای منطقه... / احمد ارفات ..... ۱۰  
آمریکا باند تبهکار «فاکسترات» در سوئد را به دلیل همکاری با حکومت ایران... / ..... ۱۱  
انقلاب و سرگردان انقلابی... / اخیر اندیش (احمد احرار) ..... ۱۱  
خطره یک سفر نروژی... / ایرج پزشکی زاد ..... ۱۲-۱۴  
رزمایش مشترک جمهوری اسلامی روسیه و چین نزدیک جاپهار: ترامپ نگران نیستم... / ..... ۱۵  
رویتز: دولت ترامپ به دنبال متوقف کردن نفتکش‌های ایرانی است... / ..... ۱۶  
دیپلمات ارشد دولت ترامپ: احتمالاً باید به نامه اتمی جمهوری اسلامی رانابود کنیم... / ..... ۱۶-۱۷  
اشینگل: جمهوری اسلامی به دنبال آزاد ساختن میلیارد دلار پول بلوگ شده در... / ..... ۱۷  
نگرانی خامنه‌ای از بروز اعتراضات اجتماعی به دلیل «مشکلات معیشتی»... / ..... ۱۸  
عراقچی: نامه ترامپ هنوز به دست ما نرسیده: نشست سه جانبه در پکن درباره... / ..... ۱۸-۱۹  
کارت زرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزیر کار دولت پزشکیان... / ..... ۱۹  
دیپلمات ارشد دولت ترامپ: احتمالاً باید به نامه اتمی جمهوری اسلامی رانابود کنیم... / ..... ۲۰  
درگیری و حشایانه نیروهای دولت جولانی با «طرفداران بشار اسد» و شهر وندان علوی... / ..... ۲۱  
اسماعیل عدوی: جمهوری اسلامی نظارت سه گانه بر سیستم آموزشی دارد... / ..... ۲۲  
نقش مذهب و روحانیت در ایران پس از جمهوری اسلامی... / ..... ۲۲  
سیستم آموزشی در نظام‌های آیدنولوژیک... / ..... ۲۲  
جمهوری اسلامی ایران و احساس خطر از ترکیه... / احسن فحس (ایندیپندنت عربی) ..... ۲۲-۲۳  
برکناری هاوادم قبول مذاکره با غرب: در ایران چه می گذرد؟... / اهدی رؤوف (ایندیپندنت عربی) ..... ۲۳  
کره شمالی خاور میانه یا ایران آزاد: انتخاب با شماست!... / بیژن نامدار ..... ۲۴-۲۵  
نشست غیر علنی شورای امنیت در باره تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی... / ..... ۲۶  
وزیر خزانه داری دولت ترامپ: حکومت ایران را دوباره ورشکسته می کنیم... / ..... ۲۷  
درخواست نایک از ترامپ: برای خامنه‌ای طوری شرط بگذار که بتواند پدیدد!... / ..... ۲۷  
اتحادیه آزاد کارگران خواستار «اعتصابات سراسری» شد... / ..... ۲۸-۲۹  
انور قراش نامه ترامپ را به ایران برد... / ..... ۲۹  
تقابل قدرت‌ها؛ پشت پرده نژادنگاری ترامپ به روسیه در برابر چین... / ابراهم فرخی ..... ۳۰-۳۱  
بهترین رهبر برای ایران: از دیدگاه مدیر بیت تغییر... / الن بستکیان ..... ۳۱-۳۲  
ایران در بازی هم‌سرمین شیران... / ..... ۳۲  
به مناسبت روز جهانی زن: هزاران سال جنس دوم: پنجاهمین سال... / الاهی بقرات ..... ۳۲-۳۳  
به مناسبت روز جهانی زن: نه «جنس دوم» نه «نیمه دیگر»؛ جنس دیگر... / الاهی بقرات ..... ۳۴-۳۵  
خامنه‌ای: تحریم فرصت است!... / بهنام محمدی ..... ۳۵  
طرح دستمزد «منطقه‌ای-صنعتی»... / اروشک آسترکی ..... ۳۶-۳۷  
از پشت تریبون تا پشت پرده!... / بهنام محمدی ..... ۳۷  
تعلیق حلیا دو طاقی پژوهشگر ایرانی از دانشگاه ییل به دلیل ارتباط با گروه‌های فلسطینی... / ..... ۳۸  
چندگشته و مجروح در حمله هوایی اسرائیل به حومه دمشق... / ..... ۳۸  
ساخته در یکی از مراکز نیروی دریایی سپاه پاسداران با چند گشته و زخمی... / ..... ۳۹  
انتقاد سرگنی لاوروف از شروط آمریکا برای معامله با جمهوری اسلامی... / ..... ۳۹  
فائز علوی مدافع حقوق بشر: خواست مردم ایران با آنچه حکومت جمهوری اسلامی... / ..... ۴۰-۴۲  
سال ۱۴۰۳، سال «جهش تولید با مشارکت مردم» به پایان می رسد!... / بهنام محمدی ..... ۴۳  
محاكمه سه روز نامه نگار که درباره حادثه «متر و پل» و فسادهای اداری در خوزستان... / ..... ۴۴  
اعتراض به انتصاب «باورناپذیر» علی اکبر صالحی به عنوان رئیس بنیاد ایران شناسی... / ..... ۴۵  
پزشکان اورژانس: مطالبات ما را بر داخل نکنید، فقط بیماران بد حال راویت می کنیم!... / ..... ۴۶-۴۷  
یک هفته پس از عزل وزیر اقتصاد: احضار ۱۱ وزیر دولت پزشکیان به مجلس شورای اسلامی... / ..... ۴۷-۴۸  
اشتغال پرستان افغانستانی غیرمجاز در بیمارستان‌های ایران... / ..... ۴۸-۴۹  
نتیجه سیاست‌های دستوری فرزندان آوری: تولد ده‌ها هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت... / ..... ۵۰-۵۱  
هشدار انجمن داروسازان: اگر مطالبات داروخانه‌ها در چند روز پرداخت نشود داروها... / ..... ۵۱-۵۲  
تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل می شود... / ..... ۵۲-۵۳  
مقامات دولتی هم «بحران فاجعه بار کم آبی» را تأیید می کنند: جیره بندی آب آغاز شد... / ..... ۵۴-۵۵  
در بیانیه‌ای مشترک هشدار داده شد: رقم حداقل دستمزد دنیا بد از ۶۰ میلیون تومان... / ..... ۵۵  
خامنه‌ای باز اراهای ارز و طلا را متلاطم کرد... / ..... ۵۶  
فاصله دستمزد و هزینه زندگی، عامل بروز بدیده «شاغلان فقیر» در ایران... / ..... ۵۶-۵۷  
درآمد بیش از ۸۵ درصد جامعه کارگری ماهانه کمتر از ۱۸ میلیون تومان است... / ..... ۵۸-۵۹  
مرگ در تهران گران تر می شود... / ..... ۶۰  
چین لوبسون، تکپهان «کلهها» وانی «گلستان»... / ..... ۶۰  
گرانی سرسام آور شب عید: از آجیل و میوه و شیرینی تاسفر!... / ..... ۶۰-۶۱  
بحران معیشتی کارگران و دستمزدی که فراتر نیست عادلانه افزایش پیدا کند!... / ..... ۶۲  
ضرب و جرح یک دانش آموز توسط ناظم مدرسه... / ..... ۶۳  
پیش بینی هادرباره تورم سال ۱۴۰۴... / ..... ۶۴-۶۵  
«انجمن حقوق بشر ایران و متحدان» و «جستواره هنر برای صلح»... / ..... ۶۵  
بیماران اطلاعاتی در حال تغییر مغز ما... / ..... ۶۵  
تأیید احکام متهمان پرونده قتل دارپوش مهرجویی و همسرش در دیوان عالی... / ..... ۶۶  
سهیم ناچیز زنان از اشتغال در ایران: عقب‌تزاز زنان در پاکستان و عربستان!... / ..... ۶۷  
خبرهای کوتاه... / ..... ۶۸-۶۹  
پشت جلد- عکس هفته / ایران خدا حافظ!... / ..... ۷۰

بازنشر  
بازنشر

بازنشر  
بازنشر





## سال صلح، سال آزادی، سال امنیت

فاصله آغاز سال خورشیدی در قلمرو گسترده فرهنگی ایرانی در خاور با شروع سال میلادی در باختر سه ماه است. به اندازه‌ی یک زمستان.

اگرچه همزمانی کریسمس با یلدا، شبی که پیام‌آور گرما و روشنی و پیروزی نور بر تاریکی است نیز با امید همراه است اما آغاز بهار با نو شدن زمین و زمان که چهره‌ی خشک و خاکستری و سرد طبیعت را با آب و جوانه و نور و رنگ نقش می‌زند و جسم و جان را به شادی در می‌آورد، به راستی همزاد امید و آینده‌ای است که باید از راه برسد و می‌رسد.



ایرانیان در سال‌های اخیر هر نوروز را با همین امید جشن گرفته‌اند. با نگاهی به روند این سال‌ها روشن می‌شود که هر اندازه آنها با همه‌ی فراز و نشیب‌ها در این مسیر ماریج و لایه به لایه به تغییری که برایش تلاش می‌کنند، نزدیک می‌شوند، به همان اندازه رژیم اهریمنی که سال‌ها امید و باور به نیروی خود را از مردم ربوده بود، از آینده دور می‌شود. هرچه ایرانیان از پیر و جوان در داخل و خارج، توانمندتر و برومندتر و با آگاهی و خودآگاهی زیباتر می‌شوند، جمهوری اسلامی با همه زمامداران و حامیان پیر و جوانش فرسوده‌تر و ناتوان‌تر و زشت‌تر و تاریک‌تر می‌شود.

اینبار بهار و نوروز در حالی فرا می‌رسد که نه تنها ایران بلکه منطقه و جهان در آستانه‌ی یک دگرگونی سیاسی و اجتماعی قرار دارند که چه بسا زمانش بسی پیش از اینها رسیده بود؛ از همان بهمنی که چهره ایران و خاورمیانه و دموکراسی‌ها را به تدریج زیر آوار خود تغییر داد؛ با از همان شهریوری که برج‌های دوقلو فرو ریخت؛ و یا از تمام ماه‌هایی که اهریمن جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایرانی و غیرایرانی را اعدام و ترور می‌کرد و همزمان به تأمین و تسلیح انواع شبه‌نظامیان نیابتی می‌پرداخت و برنامه اتمی و موشکی و تسلیحاتی خود را پیش می‌برد؛ و یا دست‌کم از دی ۹۶ یا آبان ۹۸ و یا ماه‌های پرتلاطم ۱۴۰۱! اما نه! حتا دو سال اختلال در کار جهان با ویروس چینی و پیامدهای بلندمدت آن نیز ظاهراً از یاد رفت! گویا یک حمله نظامی در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ توسط روسیه به خاک اوکراین در بغل گوش اروپا و یک حمله تروریستی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ توسط گروه تروریستی حماس به خاک اسرائیل لازم بود تا روشن شود که یک جای کار جهان و نهادهای بین‌المللی‌اش می‌لنگد که بخشی از آن چیزی نیست جز موفقیت گروه‌های تروریستی در مشارکت و یا کسب قدرت سیاسی مانند ایران و رژیم‌های مافیایی و غیردموکراتیک که داعیه‌ی ابرقدرتی دارند اما از آینده خود مطمئن نیستند و بقای خود را مانند روسیه یا در نظامیگری و تهدید می‌بینند و یا مانند چین با اقتصاد گام‌گسیخته به تهدید تبدیل می‌شوند تا از پس جمعیت خود برآیند.

اینست که وقتی به قطعات رویدادها و تحرکات نه تنها در جغرافیای سیاسی جهان بلکه در روند افول و شکست جمهوری اسلامی که سرنوشت خود را به روسیه و فلسطین و چین گره زده و به برآمدن جامعه ایران نگاه می‌کنیم، می‌توان بیش از پیش امیدوار بود که ساله که در پیش است، سال صلح و آزادی و امنیت باشد چرا که به نظر می‌رسد جهان نیز در یافته جمهوری اسلامی نه فقط مشکل ایرانیان بلکه یک مشکل بین‌المللی است که در معادله‌ی قدرت‌های منطقه و غرب می‌بایست حل شود.

# سال نو دشوار اما با امید



● مردمی که نزدیک به نیم قرن با انواع مبارزه مدنی و سیاسی علیه حکومت برآمده از انقلاب ۵۷ پایداری کرده‌اند، احساس می‌کنند بیش از همیشه به رهایی از شر جمهوری اسلامی نزدیک شده‌اند و همین کام تلخ ناشی از درد و رنج آنها را که به استقبال نوروز می‌روند با امید و باور به «سپیدی» پس از پایان «شب سیه» شیرین می‌سازد.

سال ۱۴۰۳ در شرایطی به پایان می‌رسد که اکثر شهروندان در ایران ماه‌های دشواری را پشت سر گذاشته‌اند. از تشدید گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی و تداوم محدودیت‌ها و سانسورها تا قطع و جیره‌بندی برق و آب و گاز و آلودگی هوا که عرصه‌ی زندگی را بر آنها تلخ و تنگ کرده است. ۴۶ سال زمامداری جمهوری اسلامی در حالی سبب تلخ شدن نوروز به کام بخش گسترده‌ای از مردم شده که در آنسو «امید» به پایان آن نیز همچنان زیر پوست جامعه ایران جاریست.

در آخرین روزهای اسفندماه گزارش‌های میدانی حاکی از رکود شدید در بازارهای مختلفی است که همواره در این ماه پرفروش‌ترین روزهای سال را داشته‌اند. بازار پوشاک و کفش، مواد خوراکی و لوازم خانگی که معمولاً در روزهای منتهی به نوروز پررونق بود، حالا با رکود عمیق روبروست.

به گفته بسیاری از فعالان بازار، مردم تماشاگران خاموش در بازارها هستند و همه چیز آنقدر گران است که گویی «گرد مرده بر بازار پاشیده‌اند». سعید جلالی قدیری دبیر اتحادیه تولیدکنندگان پوشاک اعلام کرده رکود عمیق این روزها حتی در روزهای کرونا و قرنطینه هم وجود نداشت.

### سال خاکستری اقتصاد ایران

کاهش شدید قدرت خرید مردم و در آنسو گرانی بی‌سابقه کالاها در انتهای سالی رخ داده که اقتصاد ایران مسیری ناهموار را طی کرده و به باور بسیاری از فعالان اقتصادی سالی خاکستری بر اقتصاد ایران گذشت و شوک‌های مختلفی همزمان بر آن وارد آمده است.

افزایش کم‌سابقه قیمت ارز، جیره‌بندی انرژی، رکود

تورمی ناشی از تنش‌زایی جمهوری اسلامی در منطقه، تداوم تحریم‌ها و از سر گرفته شدن برنامه فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی را می‌توان از جمله مهمترین شوک‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۳ ارزیابی کرد.

در حالی که در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی که اکنون سال نخست اجرای آن رو به اتمام است رشد اقتصادی هشت درصدی پیش‌بینی شده بود، بر اساس آخرین آمار رسمی از سوی مرکز آمار، در پاییز ۱۴۰۳ به یک و شش دهم درصد رسید و این در حالیست که بدون نفت، تنها یک و نیم درصد بوده است.

در زمستان امسال اما صادرات نفت نیز به شدت کاهش یافت. مسعود پزشکیان ۱۲ اسفندماه اعلام کرد که نفت ایران در نفتکش‌ها بر روی دریاها شناور مانده و خریداری ندارد.

رئیس بانک مرکزی هم که وعده داده بود در سال ۱۴۰۳ تورم به ۲۰ درصد کاهش پیدا کند اما نه تنها بر پایه آمارهای غیرقابل اطمینان حکومتی تورم در کانال ۳۰ درصد باقی ماند بلکه تورم ماهانه در بهمن‌ماه به میزان کم‌سابقه چهار و یک دهم درصد افزایش یافت. بیش از چهار درصد تورم تنها در یک ماه بیانگر عمق فاجعه‌ای است که در اقتصاد کشور جریان دارد.

قیمت ارز و طلا نیز با افزایش بی‌سابقه‌ی روبرو شد. بخشی از این افزایش قیمت به علت سیاست‌های دولت برای جبران مقداری از کسری بودجه بوده است. قیمت دلار در تابستان امسال و در سرآغاز فعالیت دولت پزشکیان حدود ۴۸ هزار تومان بود اما اکنون با حدود دو برابر افزایش در کانال ۹۴ هزار تومان قرار دارد.



➔ امسال همچنین قطع برق، گاز و گازوئیل در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی زیادی بی‌سابقه در اقتصاد کشور برجای گذاشت. در سال آینده نه تنها تأمین انرژی همچنان با بحران روبروست که بحران آب هم به آن افزوده شده است. کاهش بارندگی‌ها در سال آبی جاری، چهار دهه مدیریت

فشار بر فعالان صنفی و سیاسی در هفته‌های گذشته و با تشدید مشکلات معیشتی، افزایش پیدا کرده است. آمار اعدام همچنان صعودی است و سرکوب مخالفان با شدت در جریان است. پخش مصاحبه محسن رفیق‌دوست تروریست و وزیر پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روزهای گذشته را نیز می‌توان پیامی به مخالفان جمهوری اسلامی

«وفاق» نیز شکست خورده‌اند. اختلافات شدید در میان جریان‌های درون‌حکومتی که هر یک مدعی قدرت برتر برای سکنداری نظام، به ویژه بعد از علی خامنه‌ای، هستند به بالاترین سطح خود رسیده است. بسیاری از اصلاح‌طلبانی که در نمایش انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ برای مسعود پزشکیان سنگ تمام گذاشتند تا او را بر کرسی ریاست دولت بنشانند، در روند تشکیل دولت با او دچار اختلاف شده و با عملکرد به شدت ضعیف تیم اقتصادی او که نسبتی با وعده‌های پرمطراق انتخاباتی ندارد، به منتقدان او تبدیل شده‌اند.

در آنسوی حکومت، جریان‌های نزدیک به «جبهه پایداری» تلاش می‌کنند مسعود پزشکیان را با زیر ضرب گرفتن کابینه زیر فشار قرار دهند و حتی او را به سمت استعفا بکشاند. عزل عبدالناصر همتی به عنوان سرپرست تیم اقتصادی دولت، برکناری و استعفای محمدجواد ظریف، احضار ۱۱ وزیر کابینه به مجلس شورای اسلامی برای پاسخ به نمایندگان، بخشی از فشارهای رقبا به مسعود پزشکیان و جریان حامی او در آخرین ماه سال به شمار می‌رود. این قضیه اما تازه آغاز شده و به نظر می‌رسد در سال جدید خورشیدی دولت اصلاح‌طلبان روزهای سختی را با رقبای درون‌حکومتی خود در پیش داشته باشد.

### خیالات رهبری که «جام زهر» ننوشید!

در میدانی که نبرد سنگین میان جریان‌های درون‌حکومتی بر سر قدرت و یا به عبارت بهتر «بهره‌مندی از رانت ناشی از قدرت» در جریان است، رهبر حکومت تلاش دارد تا لحظه مرگ به «دشمنی» با آمریکا ادامه دهد. علی خامنه‌ای تلاش می‌کند از شکست خود، نقشی بجا بگذارد که گویا تا لحظه مرگ ایستادگی کرد و «جام زهر» ننوشید! مقاومت خامنه‌ای در ماه‌های گذشته سبب آغاز مرحله جدیدی از تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، با حملات نظامی مستقیم شد و همچنین مسیر هرگونه مذاکره با ایالات متحده را تا لحظه تنظیم این گزارش بسته است.

لججاری رهبر فرتوت جمهوری اسلامی اما مورد پذیرش بسیاری از «خودی‌ها» هم نیست. بخشی از حکومتی‌ها رویکرد علی خامنه‌ای را تهدیدی برای حیات نظام قلمداد کرده و بخشی دیگر نگران تشدید فشارهای اقتصادی و قطع شدن شریان باریکی هستند که همچنان فرصت بهره‌مندی از منابع ایران را برای آنها فراهم کرده است. همه این مسائل درگیری‌ها و اختلاف نظر را به سطوح عالی نظام کشانده و شاید حتی سبب شود مرگ ناگهانی رهبر نظام در هفته‌ها و ماه‌های آینده سرنوشت جمهوری اسلامی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

هرچه اختلافات و درگیری‌ها در جمهوری اسلامی افزایش می‌یابد، نظام بیشتر به سمت فروپاشی پیش می‌رود. ساختار فاسد و ناشایسته سالاری که بیش از چهار دهه ایران را با انواع بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی روبرو کرده و انواع محرومیت و فلاکت را بر مردم تحمیل کرده، به لبه پرتگاهی رسیده که حتی به صورت علنی از سوی برخی از «خودی‌ها» نیز نسبت به آن هشدار داده می‌شود.

به همین نسبت اما مردمی که نزدیک به نیم قرن با انواع مبارزه مدنی و سیاسی علیه حکومت برآمده از انقلاب ۵۷ پایداری کرده‌اند، احساس می‌کنند بیش از همیشه به رهایی از شر جمهوری اسلامی نزدیک شده‌اند و همین کام تلخ ناشی از درد و رنج آنها را که به استقبال نوروز می‌روند با امید و باور به «سپیدی» پس از پایان «شب سیه» شیرین می‌سازد.



در خارج کشور ارزیابی کرد. در این مصاحبه که پس از سال‌ها، ناگهان در شکنده‌ترین روزهای جمهوری اسلامی تهیه و منتشر شده، محسن رفیق‌دوست روایت ترورهای سازمانیافته چهره‌های اپوزیسیون را با «افتخار» شرح می‌دهد!

اینهمه قلدری و سرکوب و تهدید نشان می‌دهد جمهوری اسلامی به شدت از «قدرت مردم» هراس دارد و نگران آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری آنهاست؛ اعتراضاتی که ممکن است ضربات نهایی را به پیکر فرسوده جمهوری اسلامی وارد آورده و بر ۴۶ سال از سیاه‌ترین روزهای تاریخ ایران نقطه پایان بگذارد!

### شکست پروژه «وفاق» و تشدید «نفاق»!

کشته شدن مشکوک ابراهیم رئیسی در سقوط هلیکوپتر در اردیبهشت ۱۴۰۳ و برگزاری زود هنگام انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی در تیرماه فرصتی طلایی برای حکومت به شمار می‌رفت تا بار دیگر با استفاده از کارت «اصلاح‌طلبان» تنور انتخابات را داغ کند. با همه پولی که خرج شد و افرادی که در این پروژه به کار گرفته شدند و دو دوره‌ای کردن انتخابات و هراس‌آفرینی درباره سعید جلیلی رقیب پزشکیان و البته آمارسازی که شیوه مرسوم حکومت است، باز هم جمهوری اسلامی نتوانست همراهی بخش قابل توجهی از شهروندان واجد شرایط رأی دادن را با خود داشته باشد و با تحریم آشکار نمایش انتخابات، بحران مشروعیت رژیم بیش از پیش نمایان گشت.

با وجود تبلیغ توهم تحول و «وفاق» و وعده‌فروشی در انتخابات اما چیزی نباید که بار دیگر اثبات شد هیچ چهره و جریانی نخواهد توانست گسست عمیق تاریخی و فرهنگی بین مردم ایران و حکومت را ترمیم کند بلکه ساختار جمهوری اسلامی با چنان فرسودگی و آشفتنگی روبروست که خامنه‌ای و اصلاح‌طلبانش حتی در نمایش

ناکارآمدی آبی جمهوری اسلامی را نمایان کرده و هنوز وارد فصل بهار نشده‌ایم که جیره‌بندی آب در چند شهر از جمله تهران آغاز شده و در استان‌های دیگر مانند اصفهان نیز جیره‌بندی آب به زودی انجام خواهد شد.

خالی ماندن سدهای کشور نه تنها تأمین آب مورد نیاز کشاورزان و آب آشامیدنی را با بحران روبرو کرده، بلکه نیروگاه‌های آبی تولید برق را نیز یکی پس از دیگری از مدار خارج کرده است!

در آنسو، خزانه دولت خالیست و تأمین هزینه‌های جاری کشور با بحرانی جدی روبروست. طی شش ماه گذشته برای پرداخت معوقات کشاورزان، آموزگاران و پرستاران و همچنین ارائه بسته یارانه‌ای در آخر سال، دست دولت در صندوق توسعه ملی دراز بوده است. صندوق توسعه ملی هم دیگر چنان ذخایری ندارد و بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی منابع حکومتی تنها ۱۰ میلیارد دلار دارایی داشت که چند روز پیش دولت با مجوز علی خامنه‌ای یک میلیارد دیگر از آن برداشت کرد و ماند ۹ میلیارد دلار!

شواهد به روشنی نشان می‌دهد که مشکلات و بحران‌های اقتصاد در ۱۴۰۴ نیز تشدید می‌شود و ادامه خواهد داشت، به باور بسیاری از کارشناسان اقتصادی اگر جمهوری اسلامی نتواند نظر ایالات متحده را جلب و به توافق برای برداشته شدن تحریم‌ها برسد، مشخص نیست اقتصاد کشور با مصائب و بحران‌های پیچیده‌ای که دارد چند ماه دیگر تاب بیارود!

### سرکوب مردم برای «تاب‌آوری»

جمهوری اسلامی در حالی که نتوانسته بنیه اقتصاد کشور را با وجود منابع سرشار حاصل از چند دهه خام‌فروشی نفت به شکلی تقویت کند که این روزها فلج نشود، اما همچنان به هر ضرب و زوری تلاش می‌کند تا مردم را وادار به «تاب‌آوری» کند. نخستین ابزارش هم «سرکوب» است!



## شورای امنیت درباره افزایش ذخایر اورانیوم با درجه ممنوعه در ایران جلسه محرمانه برگزار می‌کند



شورای امنیت سازمان ملل متحد / نیویورک

## واکنش کاخ سفید به اظهارات خامنه‌ای: دو گزینه دارید: یا مذاکره و توافق یا حمله نظامی!

● برایان هیوز سخنگوی شورای امنیت ملی در واکنش به اصرار خامنه‌ای برای عدم مذاکره: رژیم «ایران تنها دو گزینه نظامی یا یک توافق جدید را در پیش رو دارد.» او تأکید کرد که «اگر مجبور باشیم به صورت نظامی وارد عمل شویم، اوضاع بسیار وحشتناک خواهد شد.»

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی روز ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ در جلسه علنی مجلس درباره دیدار کارگزاران نظام با خامنه‌ای گفت: «مذاکره‌هایی آمریکا با هدف خلع سلاح ایران است.»

● شیخ محمد بن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر هشدار داد که هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در سواحل خلیج فارس، کشورهای منطقه را بدون آب خواهد گذاشت.

● در ایران محافل سیاسی حکومتی و اغلب کارشناسان و مسئولان نظام تهدید ترامپ یا اسرائیل به استفاده از گزینه نظامی را جدی نمی‌گیرند. آنها به اتفاق معتقدند که اسرائیل بدون پشتیبانی آمریکا دست به اقدام نظامی نمی‌زند و دونالد ترامپ هم گزینه نظامی را عملی نمی‌کند و فقط به عنوان اهرم فشار برای امتیاز گرفتن مطرح می‌کند.

تأکید مجدد رهبر جمهوری اسلامی به عدم مذاکره با آمریکا، با واکنش کاخ سفید روبرو شد. سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحده می‌گوید، «امیدواریم رژیم ایران مردم و منافع واقعی خود را بر تروریسم ارجح بداند.»

خامنه‌ای عدم مذاکره با «دولت‌های قُلدر» را دو روز پس از آن مطرح کرد که دونالد ترامپ با خبر دادن درباره ارسال نامه‌ای به وی، بار دیگر گفت که جمهوری اسلامی یا باید توافق را بپذیرد و یا با گزینه نظامی جلوی فعالیت‌های اتمی آن گرفته خواهد شد. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی روز ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ در جلسه علنی مجلس درباره دیدار کارگزاران نظام با خامنه‌ای گفت: «مذاکره‌هایی آمریکا با هدف خلع سلاح ایران است.» او تأکید کرد، «رفع تحریم از مسیر قوی شدن ایران و خنثی‌سازی تحریم امکان‌پذیر است؛ لذا ما منتظر هیچ نامه‌ای از سوی آمریکا نمی‌مانیم.»

برایان هیوز سخنگوی شورای امنیت ملی با تکرار هشدار ترامپ تأکید کرد: «ایران تنها دو گزینه نظامی یا یک توافق جدید را در پیش رو دارد.» او تأکید کرد که «اگر مجبور باشیم به صورت نظامی وارد عمل شویم، اوضاع بسیار وحشتناک خواهد شد.»

احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در حالی جدی‌تر از گذشته مطرح است که اخیراً نیروهای هوایی آمریکا و اسرائیل در یک آزمایش مشترک هدف قرار دادن احتمالی تأسیسات استراتژیک در ایران را تمرین کردند. همزمان چند محموله از بمب‌های سنگین نیز از

در شبکه «ایکس» نوشت: «اگر هدف از مذاکرات، بررسی نگرانی‌ها درباره هرگونه احتمال نظامی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران باشد، چنین گفتگوهایی ممکن است مورد بررسی قرار گیرد.»

حکومت ایران همواره قصد خود را برای ساخت سلاح هسته‌ای رد کرده است، اما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده که جمهوری اسلامی با سرعتی «چشمگیر» در حال غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۶۰ درصد است، که به سطح تسلیحاتی حدود ۹۰ درصد نزدیک است.

به گفته مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد هیچ توجیه غیرنظامی ندارد. کشورهای غربی نیز می‌گویند در هیچ برنامه غیرنظامی، نیاز به غنی‌سازی اورانیوم در چنین سطح بالایی وجود ندارد و تا کنون هیچ کشوری بدون ساخت سلاح هسته‌ای، این سطح از غنی‌سازی را انجام نداده است.

بریتانیا، فرانسه و آلمان به شورای امنیت اعلام کرده‌اند که آماده‌اند در صورت لزوم، «مکانیسم ماشه» را برای بازگرداندن تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی فعال کنند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۸ آذرماه ۱۴۰۳ تهدید کرده بود، «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

برخی تحلیلگران نزدیک به حکومت هشدار داده‌اند که امکان فعال شدن مکانیسم ماشه قبل از مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا، اگر که اصلاً انجام شود، وجود دارد.

برخی مقامات جمهوری اسلامی در گذشته تهدید کرده بودند که در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، احتمال خروج جمهوری اسلامی ایران از NPT و قطع همکاری با آژانس وجود دارد.

● به گفته دیپلمات‌ها، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۱۲ مارس (۲۲ اسفندماه) نشست پست درهای بسته برگزار می‌کند تا «افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌سازی‌شده در ایران تا سطح نزدیک به درجه تسلیحاتی» را بررسی کند.

● این کشورها خواسته‌اند که شورای امنیت بر سر تعهد جمهوری اسلامی ایران به ارائه «اطلاعات لازم به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» جهت «روشن ساختن مسائل باقیمانده مرتبط با کشف ذرات مواد هسته‌ای در چندین مکان اعلام نشده در ایران» گفتگو کنند.

● درخواست برگزاری این نشست محرمانه از سوی شش عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت، شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، کره جنوبی، یونان و پاناما ارائه شده است.

به گفته دیپلمات‌ها، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز چهارشنبه ۱۲ مارس (۲۲ اسفندماه) نشست پست درهای بسته برگزار می‌کند تا «افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌سازی‌شده در ایران تا سطح نزدیک به درجه تسلیحاتی» را بررسی کند.

خبرگزاری رویترز، دوشنبه ۲۰ اسفندماه گزارش داد درخواست برگزاری این نشست محرمانه از سوی شش عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت، شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، کره جنوبی، یونان و پاناما ارائه شده است.

این کشورها خواسته‌اند که شورای امنیت بر سر تعهد جمهوری اسلامی ایران به ارائه «اطلاعات لازم به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» جهت «روشن ساختن مسائل باقیمانده مرتبط با کشف ذرات مواد هسته‌ای در چندین مکان اعلام نشده در ایران» گفتگو کنند.

هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نیویورک به درخواست رویترز برای اظهار نظر درباره این نشست پاسخ نداده است. نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل ۱۹ اسفندماه

## ترامپ: به خامنه‌ای نامه دادم؛ یا مذاکره می‌کنیم و یا اقدام دیگری خواهیم کرد!



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

خامنه‌ای در دور اول ریاست جمهوری ترامپ نیز با مذاکره مخالفت کرد. او ۲۲ مرداد ۱۳۹۷ در یک سخنرانی گفت: «مذاکره با آمریکا را امام ممنوع اعلام کرد، من هم ممنوع اعلام کردم، اگر هم بر فرض محال یک وقتی قرار باشد دولت جمهوری اسلامی با آمریکا مذاکره بکند، با دولت ترامپ هرگز مذاکره نخواهد کرد.»

ترامپ پس از بازگشت مجدد به کاخ سفید پس از احیای «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی دو گزینه پیش روی مقامات تهران گذاشت: معامله و امضاء یک توافق مکتوب و یا مبارزات تأسیسات اتمی.

یک روز پیش از مصاحبه ترامپ با «فاکس بیزنس»، وزیر خزانه‌داری آمریکا طی سخنرانی در «باشگاه اقتصادی نیویورک» با تأکید بر اجرای کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی تهدید کرد، دسترسی تهران به سیستم مالی بین‌المللی قطع خواهد شد و «رژیم را دوباره ورشکسته می‌کنیم.»

اسکات بسنت هشدار داد، «جمهوری اسلامی دیگر نه امنیت اقتصادی خواهد داشت و نه امنیت ملی». او با اشاره به اینکه هدف «ضعیف‌تر» کردن اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی است، گفت: «اگر من جای ایرانی‌ها بودم، همین حالا تمام سرمایه‌ام را تبدیل به ارز می‌کردم.»

مقامات جمهوری اسلامی تهدید کرده‌اند در صورت افزایش فشارهای بین‌المللی یکی از گزینه‌های آنها ساخت مپ اتم است. در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان هشتم آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید کشورهای غربی گفته بود، «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

● رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با شبکه «فاکس بیزنس» گفت، «ترجیح می‌دهم با ایران مذاکره کنم و روز پنجشنبه نامه‌ای به خامنه‌ای ارسال کردم.»

● دونالد ترامپ روز جمعه ۷ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفندماه) در همین مصاحبه توضیح داد: «در صورت شکست مذاکرات، گزینه دیگر این است که باید اقدامی انجام داد، زیرا ایران نباید به سلاح اتمی دست یابد.»

● خامنه‌ای در دور اول ریاست جمهوری ترامپ نیز با مذاکره مخالفت کرد. او ۲۲ مرداد ۱۳۹۷ در یک سخنرانی گفته بود، «مذاکره با آمریکا را امام ممنوع اعلام کرد، من هم ممنوع اعلام کردم، اگر هم بر فرض محال یک وقتی قرار باشد دولت جمهوری اسلامی با آمریکا مذاکره بکند، با دولت ترامپ هرگز مذاکره نخواهد کرد.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با شبکه «فاکس بیزنس» گفت: «ترجیح می‌دهم با ایران مذاکره کنم و روز پنجشنبه نامه‌ای به خامنه‌ای ارسال کردم.»

ترامپ روز جمعه ۷ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفندماه) در همین مصاحبه توضیح داد: «در صورت شکست مذاکرات، گزینه دیگر این است که باید اقدامی انجام داد، زیرا ایران نباید به سلاح اتمی دست یابد.»

این نامه بخشی از تلاش‌های ترامپ برای رفع نگرانی‌ها درباره فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش اعلام کرد که «نبايد با آمریکا مذاکره کرد.» او توضیح داد، «مذاکره با آمریکا نه عاقلانه است و نه منطقی و هیچ کمکی به ما برای رفع مشکلات نخواهد کرد.»

➔ آمریکا به اسرائیل منتقل شده است.

در واکنش به این رویدادها عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حاشیه نشست اضطراری وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی گفت: «برنامه هسته‌ای ایران را نمی‌توان با حمله نظامی نابود کرد» و «حمله اسرائیل به ایران به درگیری گسترده‌تر در خاورمیانه»



پرواز جنگنده‌های سنتکام از ناو ترومن / مارس ۲۰۲۵

منتهی خواهد شد.

شیخ محمد بن عبدالرحمن بن جاسم آل ثانی نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر نیز شنبه ۱۸ اسفندماه هشدار داد که هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در سواحل خلیج فارس، کشورهای منطقه را بدون آب خواهد گذاشت.

او تأکید کرد که قطر با اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالف است و «تا زمانی که به یک راه حل دیپلماتیک بین آمریکا و ایران نرسیم» از تلاش دست نخواهد کشید.

در ایران محافل سیاسی حکومتی و اغلب کارشناسان و مسئولان نظام تهدید ترامپ یا اسرائیل به استفاده از گزینه نظامی را جدی نمی‌گیرند. آنها به اتفاق معتقدند که اسرائیل بدون پشتیبانی آمریکا دست به اقدام نظامی نمی‌زند و دونالد ترامپ هم گزینه نظامی را عملی نمی‌کند و فقط به عنوان اهرم فشار برای امتیاز گرفتن مطرح می‌کند.

برخی دیگر از مسئولان نظام از جمله مسعود پزشکیان نیز می‌گویند، «اگر مراکز هسته‌ای را بزنند، دوباره آنها را می‌سازیم!»

آنچه نظام و شخص علی خامنه‌ای در مورد آن ابراز نگرانی می‌کنند، پیامدهای اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی و ریزش درون نظام به ویژه در داخل «نیروهای مسلح» است. در واپسین روزهای سال ۱۴۰۳، گرانی و تورم سرسام‌آور باعث رکود و کساد بازار شده و افزایش جهشی قیمت دلار تجارت و کسب و کار را مختل کرده و نظام راهکاری برای خروج از بحران ندارد مگر اینکه «مقاومت» کند تا شاید گشایشی حاصل شود.

اینهمه در حالیست که هرگونه حمله نظامی به نقاطی در ایران، ضربه‌ای مهلک به اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی خواهد بود و با اینهمه به نظر می‌رسد خامنه‌ای تصمیم خود را برای عدم مذاکره با آمریکا گرفته و این قمار خطرناک برای نظام را به جان خریده است.



## توافق اولیه میان آمریکا و اوکراین در جده؛ کیف آتش بس ۳۰ روزه را پذیرفت؛ آمریکا کمک‌های خود را به اوکراین از سر گرفت



نشست جده

## بلومبرگ: تحریم‌ها باعث اختلال در صادرات نفت ایران به چین شده است

● اجرای تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌ها و نفتکش‌های حامل نفت ایران و ممنوعیت برای تخلیه این محموله‌ها در پایانه‌های نفتی بین‌المللی، باعث کاهش سرعت جریان صادرات نفت جمهوری اسلامی به چین شده است.

● بلومبرگ، ۸ مارس ۲۰۲۵ گزارش داد، این تحریم‌ها از یکسو باعث افزایش هزینه‌های انتقال نفت شده و از سوی دیگر نیاز به دور زدن محدودیت‌های آمریکا تاجران را مجبور به اقدامات خطرناک کرده است.

● بر اساس داده‌های شرکت «کپلر»، پس از اعمال تحریم‌های اخیر علیه نفتکش‌ها و اپراتورهای آنها، بیش از دو سوم از حدود ۱۵۰ کشتی که سال گذشته در حمل و نقل نفت خام ایران نقش داشتند، اکنون در فهرست سیاه مقامات آمریکایی قرار گرفته‌اند.

اجرای تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌ها و نفتکش‌های حامل نفت ایران و ممنوعیت برای تخلیه این محموله‌ها در پایانه‌های نفتی بین‌المللی، باعث کاهش سرعت جریان صادرات نفت جمهوری اسلامی به چین شده است.

● بلومبرگ، ۸ مارس ۲۰۲۵ گزارش داد، این تحریم‌ها از یکسو باعث افزایش هزینه‌های انتقال نفت شده و از سوی دیگر نیاز به دور زدن محدودیت‌های آمریکا، تاجران را مجبور به اقدامات خطرناک کرده است.

بر همین اساس با کاهش تعداد نفتکش‌های در دسترس و افزایش هزینه‌های تدارکاتی و لجستیک، صادرات نفت ایران به چین با موانع زیادی روبرو شده است.

به گفته مدیران پالایشگاه‌های خصوصی چین، که خریداران اصلی نفت ایران هستند، در هفته‌های اخیر ارسال برخی محموله‌ها به دلیل عدم پایبندی فروشندگان به تعهداتشان دچار اختلال شده‌اند. اگرچه دلیل مشخصی برای این اختلال اعلام نشده، اما آنها افزایش هزینه‌ها و مشکلات لجستیکی را عامل این تأخیرها می‌دانند.

این وضعیت با تحریم‌هایی که علیه برخی نفتکش‌های ایرانی در حین مسیر اعمال شده، وخیم‌تر شده و مشکلات بیشتری را برای خریدارانی که به دلیل حساسیت موضوع خواستار ناشناس ماندن هستند، ایجاد کرده است.

چین همواره برای تأمین واردات نفت خود به تجارت با ایران متکی بوده است؛ با این حال، این رابطه تحت نظارت فزاینده واشنگتن قرار دارد. بر اساس داده‌های شرکت «کپلر»، پس از اعمال تحریم‌های اخیر علیه نفتکش‌ها و اپراتورهای آنها، بیش از دو سوم از حدود ۱۵۰ کشتی که سال گذشته در حمل و نقل نفت خام ایران نقش داشتند، اکنون در فهرست سیاه مقامات آمریکایی قرار گرفته‌اند.

پالایشگاه‌های چینی، به ویژه پالایشگاه‌های خصوصی معروف به «تیبات»، اکنون با عدم قطعیت بیشتری در تأمین محموله‌های نفتی مواجه هستند که منجر به تأخیر و نوسانات قیمت شده است. برخی تاجران برای حفظ

نشست منتشر کرد آمده، «هیئت اوکراینی بار دیگر مراتب قدردانی عمیق مردم اوکراین از پرزیدنت ترامپ، کنگره ایالات متحده و مردم آمریکا را به دلیل امکان پذیر ساختن پیشرفت معنادار در مسیر صلح، ابراز کرد.»

در این نشست اوکراین پیشنهاد ایالات متحده برای اجرای یک آتش بس فوری و موقت ۳۰ روزه را پذیرفت. این آتش بس با توافق متقابل طرفین قابل تمدید است و اجرای آن مشروط به پذیرش و اجرای همزمان از سوی فدراسیون روسیه است. بر اساس این توافق، ایالات متحده به روسیه اطلاع خواهد داد که عملکرد متقابل روسیه، کلید دستیابی به صلح است.

از سوی دیگر مقرر شد که ایالات متحده فوراً تعلیق اشتراک‌گذاری اطلاعات با اوکراین را لغو کند و کمک‌های امنیتی به اوکراین را از سر بگیرد. به گزارش برخی خبرنگارهای غربی بخشی از این توافق شامل رفع تعلیق کمک‌های نظامی نیز می‌شود. هیئت‌های آمریکا و اوکراین درباره اهمیت تلاش‌های بشردوستانه به عنوان بخشی از روند صلح، به ویژه در طول دوره آتش بس یاد شده، از جمله تبادل اسرای جنگی، آزادی زندانیان غیرنظامی و بازگرداندن کودکان اوکراینی که به زور از آن کشور منتقل شده‌اند، گفتگو کردند.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه آمریکا، هر دو هیئت توافق کردند که تیم‌های مذاکره‌کننده خود را معرفی کرده و بلافاصله مذاکرات را برای دستیابی به یک صلح پایدار که امنیت بلندمدت اوکراین را تأمین کند، آغاز کنند. ایالات متحده متعهد شد که در مورد این پیشنهادات خاص با نمایندگان روسیه گفتگو کند و هیئت اوکراینی نیز بار دیگر بر الزام مشارکت شرکای اروپایی در فرآیند صلح تأکید نمود. همچنین رؤسای جمهور هر دو کشور توافق کردند که در اسرع وقت، توافق جامعی را برای توسعه معادن حیاتی اوکراین و به منظور توسعه اقتصاد اوکراین و تضمین رفاه و امنیت بلندمدت اوکراین منعقد کنند.

● نمایندگان ایالات متحده و اوکراین ۱۱ مارس ۲۰۲۵ (۲۱ اسفندماه) در جده جهت برقراری صلح پایدار برای اوکراین دیدار کردند. در این نشست که پس از بیش از هشت طول کشید، اوکراین پذیرفت که آتش بس موقت ۳۰ روزه با روسیه برقرار شود.

● مارکو ریبویو وزیر خارجه آمریکا پس از پایان نشست جده گفت: «ما اکنون این پیشنهاد را به روس‌ها ارائه خواهیم داد و امیدواریم که آنها پاسخ مثبت دهند.» او تأکید کرد اکنون «توپ در زمین روسیه است.»

نمایندگان ایالات متحده و اوکراین، ۱۱ مارس ۲۰۲۵ (۲۱ اسفندماه) در جده جهت برقراری صلح پایدار برای اوکراین دیدار کردند. در این نشست که پس از بیش از هشت طول کشید، اوکراین پذیرفت که آتش بس موقت ۳۰ روزه با روسیه برقرار شود. مارکو ریبویو وزیر خارجه آمریکا پس از پایان نشست جده گفت: «ما اکنون این پیشنهاد را به روس‌ها ارائه خواهیم داد و امیدواریم که آنها پاسخ مثبت دهند.» او تأکید کرد اکنون «توپ در زمین روسیه است.»

کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید سه‌شنبه ۱۱ مارس (۲۱ اسفند) به خبرنگاران گفت که مذاکرات بین مقامات ارشد آمریکایی و اوکراینی در جده، عربستان سعودی، درباره جنگ در اوکراین «مثبت و سازنده» بود.

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین نیز پس از پایان مذاکرات در عربستان سعودی در کنفرانس مطبوعاتی خود به خبرنگاران گفت: «اوکراین از این پیشنهاد استقبال می‌کند، ما آن را مثبت می‌دانیم. ما آماده انجام چنین اقدامی هستیم. ایالات متحده آمریکا باید روسیه را متقاعد کند که این کار را انجام دهد. طرف آمریکایی استدلال‌های ما را درک می‌کند.»

او همچنین افزود: «امروز، کلید در دست روسیه است. کل جهان خواهد دید که چه کسی صلح می‌خواهد و چه کسی نمی‌خواهد.» در بیانیه‌ای که وزارت خارجه آمریکا درباره این



دونالد ترامپ با بازگرداندن مجدد کارزار «فشار حداکثری» می‌خواهد فروش نفت ایران را به «صفر» برساند. اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) طی سخنانی در «باشگاه اقتصادی نیویورک» با تأکید بر اجرای کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی تهدید کرد، دسترسی تهران به سیستم مالی بین‌المللی قطع خواهد شد و «رژیم را دوباره ورشکسته می‌کنیم.» گفته می‌شود دولت دونالد ترامپ در حال بررسی طرحی

کشتی فعال در صنعت نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی را در چارچوب کارزار «فشار حداکثری» تحریم کرد. در میان کسانی که تحریم شده‌اند، دلانان نفت در امارات متحده عربی و هنگ کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و جمهوری خلق چین دیده می‌شوند. حمید بورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، عباس اسدروز مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران، سیدعلی میری و غلامحسین گرامی مدیران پایانه نفتی جزیره خارگ

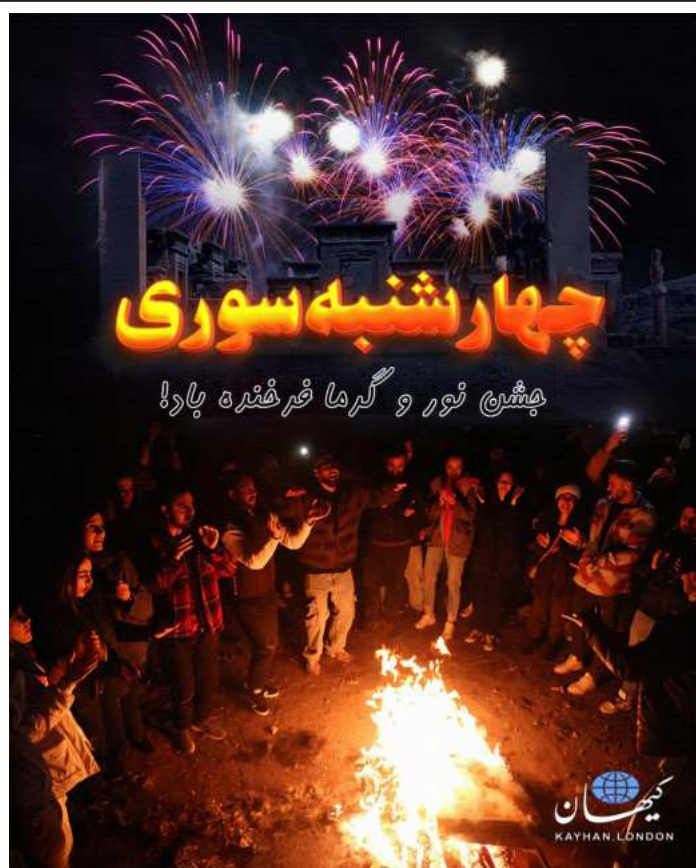
➔ زنجیره تأمین، به راهکارهای پیچیده‌ای مانند انتقال محموله‌ها از کشتی به کشتی و تغییر مبدأ ظاهری نفت روی آورده‌اند. با این حال، این اقدامات خطرات بیشتری مانند اجرای سختگیرانه‌تر تحریم‌ها، مشکلات قانونی و زیان‌های مالی برای آنها در پی دارد. مسعود پزشکیان ۱۲ اسفندماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی در جلسه استیضاح وزیر اقتصاد اعتراف کرد که «کشتی‌های ما به خاطر تحریم نمی‌دانند نفت و گاز خود



برای متوقف کردن و بازرسی نفتکش‌های جمهوری اسلامی در دریا تحت یک توافق بین‌المللی با هدف مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است.

و پایانه میعانات گازی پارس جنوبی و علی معلمی مدیر پایانه‌های دریای مازندران نیز در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

را چطور تخلیه کنند.» دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) ۲۲ شخص، سه نهاد و ۱۳



## گسترش جنگ سایبری حزب الله علیه اسرائیل، آمریکا و کشورهای منطقه

● حزب الله پس از حملات اسرائیل در سال گذشته میلادی که موجب کشته شدن بسیاری از فرماندهان ارشد و میانی این گروه و به ویژه رهبران آن چون حسن نصرالله و هاشم صفی‌الدین شد، ناتوان از مقابله نظامی جنگ خود را از زمین به فضای مجازی منتقل کرده است.

● ارتش سایبری حزب الله که «چدار» (Cedar) نام دارد و مرکز آن در محله شیعه‌نشین ضاحیه در حومه جنوبی بیروت است، با حمایت مالی و فنی جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۲ آغاز به کار کرد. بودجه این ارتش سایبری در ماه‌های گذشته ۶۰۰ درصد افزایش داشته است.

**احمد رأفت -** حزب الله پس از حملات اسرائیل در سال گذشته میلادی که موجب کشته شدن بسیاری از فرماندهان ارشد و میانی این گروه و به ویژه رهبران آن چون حسن نصرالله و هاشم صفی‌الدین شد، ناتوان از مقابله با ارتش این کشور و از دست دادن بخش قابل توجهی از تسلیحات خود، به ویژه موشک‌هایی که از جمهوری اسلامی دریافت کرده، جنگ خود را از زمین به فضای مجازی منتقل کرده است. «چدار» (Cedar) نام ارتش سایبری حزب الله است که مرکز آن در محله شیعه‌نشین ضاحیه در حومه جنوبی بیروت قرار دارد.

«چدار» پس از کشته شدن بسیاری از اعضا و فرماندهان حزب الله توسط پیچرهائی که قبل از رسیدن به دست این گروه توسط اسرائیل دستکاری شده بودند، فعالیت‌هایش را بطور قابل توجهی افزایش داده است. یک کارشناس امنیت سایبری لبنانی که به دلایل قابل درک می‌خواهد نامی از او برده نشود، به کیهان لندن می‌گوید «پس از حملای پیچری اسرائیل و کشته شدن حسن نصرالله و هاشم صفی‌الدین، فعالیت‌های ارتش سایبری حزب الله و بودجه آن که توسط جمهوری اسلامی تأمین می‌شود بطور قابل توجهی افزایش یافته است.» همین کارشناس در ادامه از «افزایش ۶۰۰ درصدی بودجه Cedar و اشتغال بیش از ۳۰۰ هکر در مرکز ضاحیه» می‌گوید. او در ادامه می‌افزاید «پس از حملات پیچری تا اول ماه مارس ۲۰۲۵، دست‌کم ۲۵۰ حمله سایبری به وبسایت‌های اسرائیلی انجام گرفته است. در روزهای گذشته شدیدترین یگان سایبری به نام «رضوان» وابسته به «چدار» موفق به هک وزارت امنیت ملی اسرائیل و تمام ۱۱ سازمان زیرمجموعه آن از جمله، پلیس، اداره سلاح و مهمات، سازمان زندان‌ها و آتش‌نشانی شده و توانسته اطلاعاتی را در رابطه با شماری از شهرک‌نشینان دارای سلاح منتشر سازد.

به گفته این کارشناس لبنانی، «اسرائیل تنها کشوری نیست که مورد حملات ارتش سایبری حزب الله قرار گرفته است. این ارتش سایبری تا کنون به شبکه‌های ارتباطی و وبسایت‌هایی در آمریکا، بریتانیا، مصر، پادشاهی سعودی، اردن، امارات متحده عربی و حتی نهادهای وابسته به حکومت خودگردان فلسطین در کرانه باختری رود اردن نیز حمله کرده است.» اطلاعاتی که این کارشناس سایبری در اختیار کیهان لندن قرار داده است، از سوی یکی از مهم‌ترین شرکت‌های امنیت سایبری آمریکائی-اسرائیلی به نام «چک پوینت تکنولوژی» نیز که معتقد است حزب الله «پیچیده‌ترین و تاثیرگذارترین سازمان تروریستی خاورمیانه در فضای مجازی» است، تأیید می‌شوند.

اداره ملی سایبری اسرائیل در دسامبر ۲۰۲۴ نسبت به



ملل متحد ارتش و نیروهای امنیتی لبنان تنها گروه‌های مسلحی هستند که حق حضور در جنوب لبنان را دارند.

یکی دیگر از بندهای این توافق مستقیماً به فعالیت‌های جمهوری اسلامی در خاک لبنان ارتباط دارد: تمامی تأسیسات غیرمجاز تولید تسلیحات و لوازم جانبی آن و همچنین زیرساخت‌های مرتبط با آنها برچیده خواهد شد و نیروهای ارتش لبنان در تمام مرزها و گذرگاه‌های این کشور مستقر خواهند شد و شبه‌نظامیان حزب الله به شمال رودخانه لیتانی عقب‌نشینی خواهند کرد. ظاهراً بندهای این توافق همگی تا کنون اجرا شدند. مراکز تولید موشک و دیگر مهمات در جنوب لبنان متوقف یا تعطیل شده‌اند، ولی ارسال اسلحه از سوی جمهوری اسلامی برای حزب الله، اگرچه نه مانند سابق، ولی به صورت قاچاق از سوریه ادامه دارد. درگیری قاچاقچیان وابسته به حزب الله با نیروهای امنیتی دولت جدید سوریه و بمباران این مناطق در چندین مورد از سوی نیروی هوایی اسرائیل، تأییدی بر این واقعیت است.

در نشست ناقره که پس از خاتمه آتش‌بس ۶۰ روزه که ۷ آذر آغاز شده و قرار بود ارتش اسرائیل از لبنان خارج شود، مسائل دیگری هم در دستور کار قرار داشتند. اسرائیل در پایان آتش‌بس ۶۰ روزه عمده ارتش خود را از لبنان خارج کرد ولی هنوز در پنج نقطه در خاک این کشور حضور دارد و قرار هم نیست به زودی از این مناطق عقب‌نشینی کند. ارتش اسرائیل تا اطلاع ثانوی در تل‌الحمامص در جنوب شهرک خیام، جل‌الدواویر بین مرکبا و حولا، جبل‌الدیر در جنوب عیترون، جبل‌البلاط بین رامیه و مروحین و در جنگل‌های لیونه و علما الشعب باقی خواهد ماند. ادامه حضور در این پنج نقطه برای تأمین امنیت پنج شهرک اسرائیل شلومی، زرعیت، آویوم، مارگریوت و متولو است که ۶۰ هزار نفر از ساکنان آن بلافاصله پس از حملات حزب الله بعد از ۷ اکتبر مجبور به ترک آنجا شدند و هنوز هم به خانه‌هایشان باز نگشته‌اند.

بر مبنای توافقی که ۷ آذر برای پایان دادن به جنگ بین اسرائیل و لبنان به دست آمد، حزب الله یا هر گروه مسلح دیگری در لبنان نباید هیچ اقدام تهاجمی علیه اسرائیل انجام دهد، و اسرائیل نیز از جانب دیگر متعهد شده است هیچ اقدام تهاجمی علیه اهدافی در لبنان از زمین، هوا و دریا انجام ندهد. بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان

افزایش حملات فیشینگ هک‌های لبنانی و ایرانی هشدار داده بود. این هکرها با جعل هویت شرکت امنیت سایبری آمریکایی F5، ایمیل‌های حاوی بدافزار به مقامات فناوری اطلاعات در اسرائیل ارسال کرده بودند.

البته «چدار» از سال ۲۰۱۲ میلادی فعال است ولی از سال ۲۰۲۱ به خطری جدی برای شبکه‌های مجازی در منطقه و در خارج از آن تبدیل شده است. هک‌های وابسته به ارتش سایبری حزب الله در نوامبر ۲۰۲۳ مرکز پزشکی «زیو» در شهر «صفد» اسرائیل را هدف قرار دادند و در این حمله موفق شدند به سیستم‌های اطلاعاتی بیمارستان نفوذ کرده و اطلاعات بیماران را به سرقت ببرند. به گفته مقامات اسرائیلی، این حمله بخشی از استراتژی گسترده‌تر جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی در اسرائیل بوده است.

در نشست ناقره که پس از خاتمه آتش‌بس ۶۰ روزه که ۷ آذر آغاز شده و قرار بود ارتش اسرائیل از لبنان خارج شود، مسائل دیگری هم در دستور کار قرار داشتند. اسرائیل در پایان آتش‌بس ۶۰ روزه عمده ارتش خود را از لبنان خارج کرد ولی هنوز در پنج نقطه در خاک این کشور حضور دارد و قرار هم نیست به زودی از این مناطق عقب‌نشینی کند. ارتش اسرائیل تا اطلاع ثانوی در تل‌الحمامص در جنوب شهرک خیام، جل‌الدواویر بین مرکبا و حولا، جبل‌الدیر در جنوب عیترون، جبل‌البلاط بین رامیه و مروحین و در جنگل‌های لیونه و علما الشعب باقی خواهد ماند. ادامه حضور در این پنج نقطه برای تأمین امنیت پنج شهرک اسرائیل شلومی، زرعیت، آویوم، مارگریوت و متولو است که ۶۰ هزار نفر از ساکنان آن بلافاصله پس از حملات حزب الله بعد از ۷ اکتبر مجبور به ترک آنجا شدند و هنوز هم به خانه‌هایشان باز نگشته‌اند.

بر مبنای توافقی که ۷ آذر برای پایان دادن به جنگ بین اسرائیل و لبنان به دست آمد، حزب الله یا هر گروه مسلح دیگری در لبنان نباید هیچ اقدام تهاجمی علیه اسرائیل انجام دهد، و اسرائیل نیز از جانب دیگر متعهد شده است هیچ اقدام تهاجمی علیه اهدافی در لبنان از زمین، هوا و دریا انجام ندهد. بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان



## آمریکا باند تبهکار «فاکسترات» در سوئد را به دلیل همکاری با حکومت ایران تحریم کرد

● دو وزارتخانه آمریکا (خزانهداری و وزارت خارجه) چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۲۵ (۲۲ اسفندماه) شبکه جنایتکار «فاکسترات» را تحریم کردند. این شبکه یک گروه تبهکار در سوئد است که علاوه بر اقدامات جنایی، در قاچاق مواد مخدر نیز فعال است.

● نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا می‌گویند این شبکه با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری داشته و حملاتی را از جمله علیه سفارت اسرائیل در استکهلم در ژانویه ۲۰۲۴ هماهنگ کرده است.

دو وزارتخانه آمریکا (خزانهداری و وزارت خارجه) چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۲۵ (۲۲ اسفندماه) شبکه جنایتکار «فاکسترات» را تحریم کردند. این شبکه یک گروه تبهکار در سوئد است که علاوه بر اقدامات جنایی، در قاچاق مواد مخدر نیز فعال است.

نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا می‌گویند این شبکه با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری داشته است و حملاتی را از جمله علیه سفارت اسرائیل در استکهلم در ژانویه ۲۰۲۴ هماهنگ کرده است. «رهو مجید» سرکرده متواری این گروه، نیز به دلیل ارتباط با رژیم ایران مشمول تحریم شده است. به گفته وزارت خارجه آمریکا، فاکسترات با ایران برای هدف‌گیری منافع اسرائیل و یهودیان در اروپا همکاری کرده است. او متولد اقلیم کردستان عراق است.

اسکات بسنت وزیر خزانهداری آمریکا اظهار داشت که جمهوری اسلامی ایران با استفاده از سازمان‌های جنایی و قاچاقچیان، بدون توجه به تبعات آن برای جوامع اروپایی، اهداف خود را دنبال می‌کند. او افزود که آمریکا و شرکایش به مقابله با عوامل پیشبرنده دستور کار بی‌ثبات‌کننده ایران ادامه خواهند داد. مارکو رویو وزیر خارجه آمریکا نیز این تحریم‌ها را عاملی برای تقویت امنیت آمریکا و متحدانش توصیف کرد. فعالیت‌های فاکسترات بیشتر نیز در سوئد مورد توجه قرار گرفته بود، جایی که این گروه از مجرمان و افراد زیر سن قانونی برای عملیات خود بهره می‌برد.

جیسون بردسکی مدیر سیاست‌گذاری سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» تأکید کرد که این شبکه به نمایندگی از رژیم ایران، یهودیان و منافع اسرائیل را هدف قرار داده است.

اولف کریسترسون نخست‌وزیر سوئد یکشنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵ (۲۳ دی‌ماه) در یک سخنرانی در کنفرانس سالانه «جامعه و دفاع» با اشاره به اقدامات خرابکارانه روسیه و جمهوری اسلامی گفته بود، «ما در دوران جنگ‌های نیابتی بسر می‌بریم. [رژیم] ایران از باندهای بزهکار سوئدی استفاده می‌کند تا به شکل نیابتی جرائم سنگین در کشور ما مرتکب شود.»

## انقلاب و سرکردگان انقلابی

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۹) آبان ۱۳۸۵

خبراندیش (احمد احرار)



نیکلای دوم به همراه خانواده، ۱۹۱۳ میلادی

اینجا در حال تکوین است. برای چه در تهران نشسته‌ای؟ بیا اینجا و به ما کمک کن. من هم با یک دنیا امید برای فعالیت و مبارزه در راه آرمانم راهی تبریز شدم. روزی که وارد شدم پیشه‌وری شخصاً با استقبال گرمی از من پذیرایی کرد و کارهایی که کرده بودند در زمینه نظامی و اداری و اصلاحات ارضی برای من شرح داد که بسیار امیدوار گردیدم. بعد گفت یکی دو روز باش تا کار شایسته‌ای برای تو تعیین کنم. دو روز بعد به من گفت امشب ما جلسه‌ای دوستانه داریم، تو هم بیا. آن شب من وقتی وارد کاخ پیشه‌وری شدم با منظره‌ای مواجه گردیدم که اصلاً منتظر آن نبودم. من انتظار داشتم که در یک جلسه حزبی و انقلابی شرکت کنم. اما آنچه دیدم یک مجلس عیش و نوش بود. گیل‌سهای مشروب بود که به‌سلامتی پیشه‌وری و فرقه و استالین و شوروی بالا می‌انداختند و چند تا خانم نیز مجلس‌داری می‌کردند. گاهی می‌خواندند، گاهی می‌رقصیدند، گاهی هم با پیشه‌وری و رهبران دیگر فرقه به مغازله و عشقبازی مشغول بودند.

من مات و مبهوت در گوشه‌ای نشستم و یکی دو بار که پیشه‌وری تعارف کرد که وارد گود شوم مؤدبانه معذرت خواستم.

فردای آن روز به هر ترتیب بود پیشه‌وری را لحظه‌ای تنها گیر آوردم و گفتم «مرد، این چه بساطی است که راه انداخته بودی. تو یک عمر ادعای انقلابی بودن داشتی. می‌خواستی جامعه را زیر و رو کنی، اساس ظلم و بیعدالتی را برکنی. حالا این جوری انقلاب کرده‌ای. خجالت نمی‌کشی؟»

پیشه‌وری صاف و پوست‌کنده در جواب من گفت «امامی، من یک عمر رنج و بدبختی کشیده‌ام. در تمام زندگیم هیچ وقت تفریح و خوشگذرانی نداشتم. در جوانی در باکو جان می‌کندم تا نانم را در بیابورم. بعد حزب کمونیست درست کردیم و دائماً دلهره دستگیری و مجازات را داشتیم. پس از آن هم ده سال در زندان بودم با وضعی که خودت دیدی. بعد از زندان هم باز دوندگی برای تأمین معاش بود و زد و خوردهای سیاسی و عصبانیت و ناراحتی. حالا این آخر عمری موقعیتی پیدا کرده‌ام و امکان تفریح و تلافی مافات. اگر حالا این کار را نکنم پس کی بکنم؟!»

نایب‌رئیس شورای شهر و تنی چند از «مسؤلان» امور در اردبیل، که فارغ از مزاحمت اغیار در گوشه باغی بساط عیش گسترده و مشغول کیف و حال بوده‌اند، با ورود سرزده مأمورین امنیتی و انتظامی عیششان منحص شده است. «زمین ترکیب و پیدا شد سر خر!»

بنا به اظهار دادستان اردبیل، پرونده امر به دادرسی ویژه روحانیت ارجاع شده است. این توضیح، آقای دادستان را از ذکر عناوین بازداشت‌شدگان معاف و خواننده و شنونده را از کنجکاوی بی‌نیاز می‌سازد.

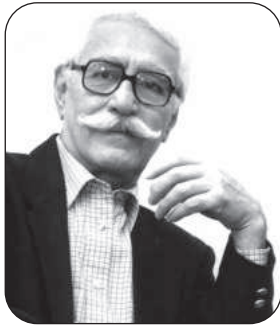
یادتان هست که نخستین وزیر معمم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در حالت مشابهی غافلگیر شد و او را «محترمانه» اخراج کردند.

وقتی در روسیه انقلاب شد، تزار نیکلای دوم که به باغبانی علاقه داشت از رهبری انقلاب درخواست کرد به وی اجازه دهند مابقی عمر را دور از غوغای سیاست، به کار گل و گیاه بپردازد. لنین با این تقاضا موافقت کرد اما با مخالفت شدید کمیته‌ها و کمیته‌چی‌ها روبرو شد که فریاد برداشتند «ما انقلاب نکردیم که تزارها با باغبانی بپردازند!»

چیزی نگذشت که تزار و خانواده‌اش اعدام شدند تا نهال انقلاب با خون آنها آبیاری شود. چندی بعد، باز سر و صدای انقلابیون بلند شد و رهبران انقلاب را از این که کاخ‌نشین شده‌اند و مثل تزارها زندگی می‌کنند به باد انتقاد گرفتند. آن وقت، استالین در مقاله‌ای تند و تیز به این انتقادات جواب داد و نوشت «ما انقلاب نکرده‌ایم که مانند زاغه‌نشینان زندگی کنیم!»

دکتر انور خامه‌ای در خاطرات خود با عنوان «فرصت بزرگ از دست‌رفته»، از قول باقر امامی مؤسس کروژوکهای مارکسیستی و یکی از اعضای گروه موسوم به کمونیست‌های قدیمی داستانی از روابط او با پیشه‌وری نقل می‌کند شیدنی:

«هر دو ما نسبت به حزب توده انتقادات داشتیم. روابط ما گرم و دوستانه بود. پس از این که جریان تشکیل فرقه دموکرات و تأسیس حکومت خودمختار آذربایجان پیش آمد، پیشه‌وری برای من پیغام فرستاد که آنچه تو و من تمام زندگی خود را صرف مبارزه در راه آن کرده‌ایم اکنون در



ایرج پزشک‌زاد

اعتراض و فحش دادن می‌کرد. این وسیله شادی و خنده همه بخصوص ما بچه‌ها شده بود. چهره مشخص دیگر مسافرین يك طلبه خیلی جوان بود که چانه را به زحمت به مختصر ریش هنوز کرکی آراسته بود. يك زن آراسته پا به ماه هم که با شکم بزرگش فقط در ردیف آخر جا می‌گرفت، با يك پسر بچه دماغوی شاید ده ساله، که مادر اصغری صدایش می‌زد، سوار شدند، که از همان اولین لحظه پسر بچه نغمه «ننه من گشمنه» را سر داد که دفعه اول با جواب «کوفت بخوری الان يك سنگ لمبوندی» و دفعات بعد هر بار با «کوفت بخوری» یا «کارد به سیرابیت بخوره» روبرو شد. اعتراض خانواده ما به تأخیر حرکت و جواب گاراژدار که «رفتیم آقا، رفتیم» تمام شدنی نبود. ساعت از ۹ هم گذشت و به ۱۰ رسید. آخرین مسافران بعد از مدتها چانه زدن سر قیمت بلیط، ساعت ۱۱ سوار شدند و عاقبت اتوبوس به سلامتی از در گاراژ بیرون آمد.

هنوز کاملا وارد خیابان نشده بودیم که یکی از ته ماشین صلا در داد: حق پدر صلوات فرست را بیمارزد! که بلافاصله اولین صلوات فرستاده شد. لال از دنیا نری دومی را بلندتر ختم کن! دومی هم فرستاده شد. با آل عبا محشور بشی بعدی را بلندتر ختم کن!... موضوع صلوات فرستادن در سفرها بخصوص در سفرهای زیارتی امری عادی بود و همه با آن کاملا آشنایی داشتند. در طول سفر هر يك از مسافران، محض ثواب، سایرین را به فرستادن صلوات دعوت می‌کرد و صلوات دوم و سوم بخصوص که باید با حد اعلاي صدا فرستاده می‌شد، اگر برای ما بچه‌ها زحمتی نداشت و حتی خوشمان می‌آمد که عضلات حلق را به کار بیندازیم، به یقین اعصاب بزرگترها را آزار می‌داد ولی از آن چاره‌ای نبود. شعارهای این بانایان خیر صلوات هم با مختصر تغییری همیشه همانها بود که همه همسالان ما به یاد دارند:

- لال از دنیا نری يك صلوات بلند ختم کن... با آل عبا محشور بشی دومی را بلندتر...  
الته وقتی يك «آقا» یعنی يك معمم در ماشین بود شعارها يك ته مایه عربی می‌گرفت:  
- به شرف اسمع السامعین صلوات بلند ختم کن!... به عزت اسرع الحاسبین دومی را بلندتر!... به عظمت احکم الحاکمین سومی را بلندتر!...

یا به صورت تهدید به مجازات بعد از مرگ تجلی می‌کرد:  
- سرازیری قبر بی‌یاور ثمانی صلوات بلند ختم کن!... شب اول قبر روسپاه نکیر و منکر نشی دومی را بلندتر!...  
و در این قبیل موارد مسافرین از وحشت فشار قبر، از همان صلوات اول چنان صداها را بالا می‌بردند که در و پنجره ماشین به لرزه می‌افتاد. و حال دومی و سومی معلوم است.

سالها پیش، از یکی از نزدیکان صادق هدایت - خانلری یا رضوی یا انجوی - شنیدم که هدایت يك بار که با



## خاطره یک سفر نروزی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: فروردین ماه ۱۳۸۴ - شماره ۱۰۹۸)

از رفتن به دیدن آقای ساعدالممالک برای خداحافظی جدا خودداری می‌کرد. زیرا که از قرار، آقای ساعدالممالک در سفر سال گذشته به مشهد، از او خداحافظی نکرده بود. مراغه به جایی رسید که خانم بزرگ تهدید کرد که اصلا سفر را موقوف می‌کند.

به التماس و درخواست ما بچه‌ها، بزرگترها راه حلی پیدا کردند. به این ترتیب که دسته جمعی از خانه به قصد دیدار و خداحافظی با آقای ساعدالممالک بیرون رفتیم. چون خانم بزرگ خداحافظی اش را قبلا کرده بود، دیگران از آقای ساعد خداحافظی کردند و گواهی دادند که دانی جان غلامضخان هم بوده و در مراسم خداحافظی شرکت کرده است.

بلیط اتوبوس، بعد از مدتی بحث و جدال و تردید بین گاراژ فردشیشه و گاراژ فولادی، عاقبت با استناد به وقت شناسی نسبی، از گاراژ اولی تهیه شد. صبح زود، بعد از گذشتن از قلعه یاسین و رد شدن از زیر قرآن، با چند درشکه به طرف خیابان ناصرخسرو محل گاراژ فردشیشه حرکت کردیم. چون تحویل سال حدود ساعت ۷ بعد از ظهر بود و با توجه به این که مدت سفر بین ۴ تا ۵ ساعت برآورد شده بود، تصمیم بر این بود که ساعت ۸ صبح - که آن وقتها می‌گفتند ۴ به ظهر - حرکت کنیم که موقع ناهار طوری به قم برسیم که فرصت مستقر شدن و آماده شدن را داشته باشیم و بتوانیم طبق نذر خانم بزرگ در لحظه تحویل سال در حرم باشیم.

کمی بعد از ساعت ۷ صبح به گاراژ رسیدیم. خانم بزرگ و دانی جان در صندلی پشت راننده که می‌گفتند تکانش کمتر است جا گرفتند و ما در ردیفهای جلو نشستیم. مسافران دیگر هم به مرور می‌رسیدند و هرکدام بعد از چانه زدن سر بهای بلیط به توافق می‌رسیدند و سوار می‌شدند. از جمله يك ژاندارم مسلح به تفنگ همراه يك پیرمرد حدوداً شصت ساله سوار شدند. با تمام قول و قرار حرکت سر وقت، هیچ خیری از حرکت نبود. متصدی گاراژ در پیاده روی خیابان برای سفر تبلیغ می‌کرد، چون اتوبوس هنوز جا داشت و باید پر می‌شد. بزرگترهای ما بی‌تابی می‌کردند. ولی ما بچه‌ها سرمان با پرحرفی و هره و کزه گرم بود. حکایت پیرمرد همراه ژاندارم شنیدنی بود. از قرار، اهل سلطان‌آباد بود. چون برای اشتغال به کار در کرج از او شناسنامه خواسته بودند و نداشت، از شناسنامه پسر مرحومش استفاده کرده بود. کارفرما هم به همین که شناسنامه او را گرو بگیرد اکتفا کرده و به تاریخ تولد توجهی نکرده بود. دو سه سال بعد، وقتی موقع خدمت نظام وظیفه فرزند از دست رفته رسیده بود و از طرف اداره نظام وظیفه اراک احضار شده بود، می‌دانم چطور و به چه مناسبت و وسیله‌ای در کرج گیر افتاده بود. هرچه اعتراض کرده بود که سن و سالی دارد، فایده نکرده و اداره نظام وظیفه کار را به تحقیق در محل موکول کرده بود. حالا، ژاندارم او را تحت الحفظ به اراک می‌برد که آنجا به وضعش رسیدگی شود. از سن و سال خودش - مثل خیلی‌ها در آن دوران - اطلاع دقیقی نداشت و در جواب دانی جان که از سن واقعی اش پرسید، گفت: والله، يك پنجاه شصت سالی دارم. ژاندارم به محض سوار شدن به مسافران رساند که پیرمرد از لفظ پوستین بدش می‌آید. در نتیجه، هرکس از هر گوشه ماشین به بهانه‌ای از پوستین یاد می‌کرد و پیرمرد، جدی یا شوخی، شروع به

سفر از اروپا به آمریکا، به علت فاصله زیاد، هر قدر هم کتاب و مجله برای وقت کشی برداشته باشید، باز خسته کننده و کسالت انگیز است. اما سفر اخیر من، به برکت يك عبارت خلبان بسیار راحت و حتی به خوشی گذشت. حالا عرض می‌کنم چطور:

در صندلی شماره C۳۴ هواپیما که سر ردیف بود جا داشتم و به این ترتیب يك طرفم آزاد بود. و این، در هواپیماهای آمریکایی که گاه بین دو مسافر ماشاءالله تنومند آمریکائی می‌افتید سعادت است. موتورهای هواپیما در انتظار اجازه پرواز از برج مراقبت می‌گریزند. صدای خوش آمد خلبان از بلندگو شنیده شد: «کاپیتن جکسون به شما خوش آمد می‌گوید. مدت پرواز ما از پاریس تا سانفرانسیسکو یازده ساعت خواهد بود و در ارتفاع سی هزار پائی...»

دنباله صحبتش را نشنیدم. حواسم به دنبال «یازده ساعت» به جای دیگری رفت. این رقم یازده ساعت را یکبار دیگر در جای دیگری شنیده بودم. در دنیای خاطرات به شصت هفتاد سال پیش و يك سفر نروزی برگشتم.

از اول اسفندماه بیشتر صحبت ما بچه‌ها در اطراف سفر عید نروزی دور می‌زد. ما تنها نبودیم. بزرگترها هم از این سفر که مدتها بود به تأخیر افتاده بود می‌گفتند. مادر بزرگ مدتها قبل نذر کرده بود که اگر حاجتی که داشت برآورده شود، عید نروزی به زیارت قم برود. وعده داده بود که بعضی‌ها را هم به شرط و شروطی به این سفر برود. شرط و شروط در مورد ما بچه‌ها این بود که درس و مشقمان مرتب باشد و رخت عیدمان را تا روز عید نپوشیم. شور و شوق ما برای این سفر هیچ عجیب نبود. چون آن وقتها سفر تفریحی وجود نداشت. کسی از شهر خودش برای تفریح بیرون نمی‌رفت. تعطیلات هم در همان جایی می‌گذشت که بقیه سال گذشته بود. نه تابستان سفر شمال رسم بود و نه عید نروزی سفر جنوب. اگر کسی کاری داشت سفر می‌کرد. سفرهای زیارتی به مشهد و قم هم در واقع سفر کار بود. کاری داشتند و حاجتی داشتند می‌رفتند از اتمه طلب کنند. به هر حال همه امید تفریح ما بچه‌ها این سفر عید بود و خدا می‌کردیم که اتفاقی نیفتد که موقوف شود. چون سال پیش هم قرار همین سفر بود ولی به علت فوت یکی از پیرمردهای دوردست خانواده موقوف شده بود.

در هفته سوم اسفند بودیم که با شنیدن خبر اقدام برای گرفتن جواز سفر، دلمان تا حدی قرص شد. آن وقتها، تا پیش از شهریور ۱۳۲۰، برای سفر در داخل مملکت هم باید اجازه می‌گرفتند. اسم رسمی این اجازه «جواز» بود که کلاتری محل اقامت مسافر صادر می‌کرد. معمولاً برای اینکه صدورش زیاد طول نکشد، با پارتی اقدام می‌کردند. پارتی ما، در کلاتری محل، آقای زین‌العابدین خان، قاضی دادگستری بود. جواز با وساطت او دو روزه صادر شد. در مرحله بعد خطری که برای موجودیت سفر پیش آمد مسأله يك خداحافظی بود. خداحافظی از بستگان و دوستان جزو مراسم لازم‌الاجرای سفر بود و مسافرت بدون خداحافظی را به منزله بی‌احترامی و حتی اهانت می‌شمردند. خطر پیش آمده برای سفر ما این بود که دانی جان غلامرضا خان - به قول همه غلامضخان - با تمام اصرار و ابرام خانم بزرگ،



چوبی سه بر در دست داشت که وقتی راننده می‌خواست دنده عوض کند در فاصله دنده دو و یک آن چوب را پشت چرخ اتوبوس می‌گذاشت که عقب نرود.

تا گردنه را پشت سر گذاشتیم و سرازیر شدیم دو ساعت از ظهر گذشته بود. خانم بزرگ مدام از دای جان ساعت می‌پرسید و دای جان به ممدآقا غُر می‌زد. کمی بعد دم قهوه خانه‌ای برای صرف نهار توقف کردیم. خانواده ما حاضر بودند برای زود رسیدن به مقصد از نهار بگذرند ولی با تمام مسافران می‌شد در افتاد بخصوص که فریادهای «نه من گشتم» اصغری غیرقابل تحمل بود. با اینکه تمام وسائل طبخ و آذوقه را همراه داشتیم، خانم بزرگ برای زودتر تمام کردن نهار رضایت داد که از تخم مرغ نیمروی قهوه خانه بخوریم.

ناهار را خورده بودیم و در اتوبوس انتظار راننده را می‌کشیدیم که غیبش زده بود. وقتی انتظار از حد گذشت، دای جان اصغری را فرستاد ببیند چه بر سر راننده آمده است. رفت و خبر آورد که در اطراف پشت قهوه‌خانه پای منقل مشغول کشیدن تریاک است. دای جان از کوره در رفت و اولین کسی را که پیدا کرد که غیظش را سر او خالی کند، شاگرد راننده بود. فریاد زد: این مردکه کدام گوری است؟ نمی‌شد گورمرگش تریاکش را صبح بکشد ما را اینطور آلاخون والاخون نکند؟ شاگرد راننده خونسرد جواب داد:

- ای آقا! صبح چه ربطی به حالا دارد؟ این ممدآقا عملی است. اگر بعد از نهار خودش را ناسزد کی ماشین را براند؟ خوششان می‌آید که خمار پشت رل بنشینند شب عیدی سی چهل تا بنده خدا را نفله کند؟ تا شما گرد و خاک سر و صورتتان را بتکانید کارش تمام شده، رفتیم.

دلیل بی‌جوابی بود، ولی پیشنهاد تکاندن گرد و خاک هیچ عملی نبود. خاکی که به سر و روی مسافران نشسته بود نه آنقدر بود که بشود تکاند. هرکس صبح هر رنگ لباسی پوشیده بود حالا به رنگ بژ خاکی یک دست درآمده بود. باری، حدود ساعت سه و نیم بعد از ظهر بود که با سلام و صلوات به راه افتادیم. شاگرد راننده مژده داد که به برکت مهارت ممدآقا در رانندگی و بلدیتش در سرعت، پیش از ساعت پنج بعد از ظهر به قم می‌رسیم و یادآوری می‌کرد که وقتی به کوشک نصرت برسیم مثل این است که به قم رسیده باشیم. اتفاقی که تا کوشک نصرت پیش آمد از ناحیه زن آبست بود که وقتی برای چندمین بار از راننده خواست که ماشین را نگه دارد تا او رفع حاجت کند، راننده که تریاکش را کشیده و سرحال بود، وقتی ترمز کرد گفت:

- بفرماید! این هم واسه خاطر این دختر چارده ساله که سلسله‌البول دارد!

زن آبست در حال پیاده شدن سخت برآشفتم و به راننده شروع به هتاکی کرد:

- سلسله‌البول بابات داره! نه‌هات داره! جد و آبادت داره! و در مراجعت به اتفاق اصغری، با قلوه سنگی که همراه آورده بود شیشه یک چراغ جلوی اتوبوس را شکست. دعوا و مرافعه و فحاشی بین راننده و شاگردش از طرفی و زن آبست و اصغری از طرف دیگر، مدتی وقت گرفت. این بار وقتی به راه افتادیم، باز طلبه به آواز، صلا صلوات در داد: - به شرف رحمت ارحم الراحمین صلوات بلند ختم کن!...

به عزت عظمت احکم الحاکمین دومی را بلندتر!... ولی ممدآقا راننده که از جنگ و جدال با زن آبست هنوز عصبانی بود، صدای او را برید:

- تو دیگه بنشین سرجات، قمرالملوک! یک دور دیگه چهچه بزن از ماشین می‌اندازمت پائین ها!

طلبه آمد اعتراض کند ولی خوشبختانه ژاندارم میانه را گرفت و با پیشنهاد تهیه یک پوستین برای پیرمرد

صاحب صفا صلوات... سومی را بلندتر!  
- بریده باد زبانی نگوید این کلمات - که بر یکایک احباب انبیا صلوات...

ممدآقا راننده، که تا پست بازرسی کهریزک، شاید از ترس بعضی بی‌قانونی‌ها که کرده بود و ما خبر نداشتیم ساکت بود، با شنیدن آواز طلبه به زبان آمد و بعد از خنده صداداری گفت:

- حالا بیا آواز این قمرالملوک را گوش کن!  
ظاهرا طلبه به علت سر و صدای ماشین، این متلک را نشنید. چون به ردیف «بریده باد زبانی» آنقدر ادامه داد تا داد و قال دای جان با راننده صدای آواز او را پوشاند. ساعت تحویل نزدیک می‌شد و ما هنوز در اوایل راه بودیم. ولی راننده خونسرد با خلق خوش جواب داد که طوری خواهیم رسید که حتی فرصت چرت بعد از نهار را هم داشته باشید و شاگرد راننده بر سبیل تملق به استادش از مهارت ممدآقا در رانندگی و اینکه از چه کسانی در سرعت جلو زده است، داد سخن داد.



\*\*\*

چند کیلومتر بعد از کهریزک در جاده به انتظار رسیدن دو مسافر قاچاق متوقف بودیم. خوشبختانه ژاندارم آدم راحتی بود و گاهگاه به پیرمرد تحت‌الحفظش پیشنهاد می‌کرد که اگر سردش است برای او فکر یک پوستین بکنند و فحش و فریاد پیرمرد و خنده دیگران گرفتگی محیط را جبران می‌کرد. یکی دیگر از وقایع پر سر و صدای این مدت انتظار، مرافعه مسافرن ردیفهای آخر با زن آبست دربار اصغری بود که در نتیجه پرخوری مرتباً بوی ناخوشایندی صادر می‌کرد و مادرش مانع می‌شد که شیشه‌ها را باز کنند. شاگرد راننده هم هر بار متلکی بار می‌کرد: - اصغری، می‌خواهی خیرات کنی دست نگه دار برسیم سر خاکشان! یا - اصغری، این کارخانه گلاب کشی را شب عیدی تعطیل کن!

عاقبت انتظار به پایان رسید و مسافران قاچاق خود را به ما رساندند و به سلامتی به راه افتادیم. مشکل بعدی گردنه حسن آباد بود. آنهایی که سفر قم را به یاد دارند، به خاطر می‌آورند که این گردنه آنقدرها هم گردنه نیست زیرا جاده از تپه‌های بلندی عبور می‌کند. البته بالا رفتن از همان شبه گردنه، برای اتوبوس قراضه ما در حکم بالا رفتن از هیمالیا بود. شاگرد راننده پیاده دنبال اتوبوس می‌آمد. یک قالب

اتوبوس سفر کرده بود، آنقدر از این تکرار بی‌انتهای صلواتها با صدای بلند آزار دید که تصمیم جدی به انتقام گرفت. بعد از مدتی، سفری به قم با اتوبوس به اتفاق حسن قائمیان جور کرد. و از لحظه حرکت، دقیقه به دقیقه خودش دعوت به صلوات بلند و بلندتر را تکرار کرد. به قدری به این کار ادامه داد که نفس همه را برید. عاقبت یکی از مسافران سالمند قمی در یکی از قهوه‌خانه‌های میان راه، حسن قائمیان را به کناری کشیده و با التماس و وعده یک چلوکباب در قم، از او خواسته بود که وساطت کند تا این همسفر مؤمن و مقدسش این تکرار دعوت به ختم صلوات را تمام کند. و توضیح داده بود که چون کسبه رقیبش به او نسبت بی‌دیانتی داده‌اند ناچار است از همه بلندتر صلوات بفرستد. ولی از بس فرستاده تنگی نفس گرفته و گلویش زخم شده است.

به اتوبوس خودمان برگردیم. حدود ظهر بود که حضرت عبدالعظیم را پشت سر گذاشتیم. نباید فراموش کرد که آن وقتها سرعت اتوبوسها، در آن جاده‌های خاکی پر دست

انداز از پنجاه کیلومتر در ساعت تجاوز نمی‌کرد و بخصوص اتوبوس کهنه و قراضه ما مسلماً پنجاه کیلومتر در ساعت هم سرعت نداشت و یکی دیگر از علل کندی سفر ما این بود که ماشین چند بار به خاطر احتیاج زن آبست به ادرار کردن توقف کرده بود. احتیاجی که ناگهان او را می‌گرفت و چون در اطراف پناهگاهی نبود باید مدت‌ها به اتفاق اصغری می‌رفت تا جای مناسبی پیدا کند.

اتوبوس کمی بعد از حضرت عبدالعظیم توقف کرد و مسافران قاچاق را که جواز نداشتند پیاده کرد. زیرا مرز بازرسی در ده کهریزک بود و مسافران بی‌جواز باید از بیراهه و تپه و ماهور خودشان را به آن طرف پست بازرسی می‌رساندند.

ماشین در پست بازرسی کهریزک به اندازه شاید یک ربع ساعت توقف کرد تا مأموران جواز مسافران را بازرسی کردند و اجازه حرکت دادند. صلواتها که مدت کوتاهی شاید از ترس مأموران اونیفورم پوشیده قانون دچار وقفه شده بود، از سر گرفته شد. این بار طلبه جوان ابتکار عمل را در دست گرفت و از ته اتوبوس به آواز شش دانگ شروع کرد:

- بریده باد زبانی نگوید این کلمات - که بر شفیع روز قیامت هدا صلوات... دومی را بلندتر!  
- بریده باد زبانی که نگوید این کلمات - که بر حبیب خدا

مشمول خدمت نظام وظیفه محیط دعوا را خندان کرد. اصولا طلبه‌ها در آن دوران چندان نقش و زوری نداشتند. آسته می‌آمدند و آسته می‌رفتند.

اما هر و کز خنده را واقعه‌ای ناگهانی بند آورد. تازه به کوشک نصرت رسیده بودیم که موتور ماشین پت پتی کرد و خاموش شد. راننده با یک فحش عرض و ناموسی به سازنده ماشین، ترمز دستی را کشید و پیاده شد. به اتفاق شاگردش به سراغ موتور ماشین رفت. مدتی در انتظار گذشت. هوا سرد نبود و ما بچه‌ها از فرصت برای بازی در اطراف اتوبوس استفاده می‌کردیم. عاقبت شاگرد راننده خبر داد که می‌توانیم برای استراحت به قهوه خانه برویم چون تعمیر موتور معطلی خواهد داشت. باز فریاد خانواده ما به آسمان رفت بخصوص دائی جان آتشفشان شد. ولی راننده هم که دلائل خودش را داشت کوتاه نیامد و فریاد زد:

می‌فرمائید چه کنم، آقا جان؟ موتورش را که من ساخته‌ام، یک زن... فرنگی ساخته. بنزینش را که صدجور آت و آشغال قاطی دارد که من درست نکرده‌ام، یک مادر... فرنگی درست کرده. این جاده سگ مصب را که من ساخته‌ام، یک ... لا اله الا الله، نمی‌گذارند دهن آدم و ناشود! صد دفعه به ارباب گفتم بابا سه تا از این فوردها را بده یک شورت بگیر! - خوب، حالا چه باید بکنیم؟

- والله، دیگر با خداست. اگر ما بتوانیم یک کاریش بکنیم که چه بهتر. اگر نه باید یکی را بفرستیم تهران، آن هاراطون میکانیک را با یک کربورات نو بیاورد.

ناچار همه تن به قضا دادند و در قهوه خانه به انتظار نشستند. ترس از گذراندن شب در قهوه خانه کثیف دود گرفته و احتمالا پر از حشرات گزنده گوناگون، عجله برای رسیدن به مقصد را از یاد برده بود.

ساعت ۶ بعد از ظهر بود که شاگرد راننده خبر داد که می‌توانیم سوار بشویم. اتوبوس حرکت کرد. ولی چه حرکتی! خیال می‌کنم باید این شیوه حرکت را به‌عنوان یک چشمه تازه از ابتکارات رانندگان ایرانی در تاریخ تحولات اتومبیل ثبت کرد: کاپوت موتور بالا بود. شاگرد راننده روی گلگیر سمت راست نشسته بود، یعنی در واقع خود را به نحوی روی گلگیر بند کرده بود. یک آفتابه حلبی در دست داشت. از لوله آفتابه که سرش را فشرده و تنگ کرده بودند، در کاربوراتور ماشین که سرش را برداشته بودند، به آرامی بنزین می‌ریخت و اتوبوس با سرعت کمی تندتر از پیاده، با تکانهای نامنظم حرکت می‌کرد. راننده که از فرط عصبانیت رودروایی را کنار گذاشته بود، با هر تکان یک فحش عرض و ناموسی به سازنده ماشین و تصفیه کننده بنزین و هاراطون مکانیک که ظاهرا آخرین بار موتور را تعمیر کرده بود، نثار می‌کرد. بی‌صبری و عصبانیت راننده به همه مسافرن سرایت کرده بود و تمام خشم و غضب خود را در لحن عصبی صلواتی که می‌فرستادند بروز می‌دادند.

کوتاه کنیم. وقتی به سلامتی وارد گاراژ فردشیشه در قم شدیم ساعت ۹ شب بود. از ماشین که پیاده شدیم، راننده ضمن تبریک نوروز و سال نو، برای جبران زحمات شاگردش وساطت کرد:

- انشاءالله سال نو مبارک باشد. عیدی این جواد ما یادتان نرود. دائی جان با صدائی خفه از عصبانیت گفت:

- عیدی شما را می‌گذاریم پیش آن رئیس فلان فلان شده متوفیات که این نعش کش را زیر پای ما گذاشت. خجالت هم خوب چیزی است! بیست فرسخ راه تهران قم در یازده ساعت؟! خاطره این سفر نوروزی و رقم یازده ساعت در ذهن من حک شده است و از یاد رفتنی نیست. علی‌الخصوص که در آن سفر در قم اتفاقاتی افتاد که دائی جان مدتها از آن یاد می‌کرد. روز اول سال در حرم مطهر کیف پولش را از جیبش

زدند. و موقع بیرون آمدن کفش عید پسرش سیامک را - با وجود مراقبت کفشدار - یکی دیگر پوشیده و رفته و به جای آن کفش پاره پوره‌ای گذاشته بود. در نتیجه این حکایت را هر عید و به مناسبت هر سفر زیارتی برای هرکسی نقل می‌کرد: - بله، سفر آن سال ما به قم هم واقعا حکایتی بود. اول از تهران تا قم یازده ساعت در راه بودیم. روز بعد هم در حرم کیف پوم را از جیبم زدند. کفش بنده زاده سیامک را هم یک پدرسوخته‌ای پوشید و رفت.

\*\*\*

با این سیر و سیاحت در خاطره یک سفر نوروزی عمده راه دراز را بی کسالت و حتی به خوشی سر کرده بودم. اما، انگار طبیعت برای اینکه آدمیزاد خیال نکند که می‌تواند بی‌دغدغه امور جاری، با خاطرات گذشته‌اش به عیش بنشیند، واقعیتی را به رخ کشید.

دقیقا آن طرف راهروی هواپیما در صندلی‌های D۳۳

و E۳۴ يك پسر بچه تنومند آمریکائی و مادر تنومندتر از خودش جا گرفته بودند. بچه که بیشتر راه در خواب بود، به محض بیدار شدن، مثل اصغری و اتوبوس تهران - قم، نغمه «ننه من گشنمه» را - البته به زبان خودش - سر می‌داد. ولی مامانش به جای منوی رنگارنگ ننه اصغری از قبیل «کار» و «کوفت کاری» و «درد و مرض» - سوسیس و سلامی و کالباس تعارف بچه می‌کرد. که شاید به علت این پذیرایی زیاده از حد محبت آمیز بود که از ناحیه بچه تنومند بوهای ناخوشایندی نفس همسایگان را تنگ کرد.

خوشبختانه در این موقع خلبان اعلام کرد که کم کردن ارتفاع برای نشست در سانفرانسیسکو را آغاز کرده است. و در سانفرانسیسکو، من که با خاطراتم در طول این سفر عشرت کاملی کرده بودم، به خلاف سایر مسافرین خسته و کوفته، شادان و خندان هواپیما را ترک کردم و این را مدیون کاپیتن جکسون هستم.

### حاشیه‌ای بر سفرنامه پزشک زاد

سفرنامه ایرج پزشک‌زاد مرا هم به یاد دو ترانه قدیمی، یاد مانده از همان سال و زمانه انداخت: «من همی‌رم نری بی‌خبر» و «ماشین مشدی ممدلی» که اولی تصویرگر سفر است و دومی تصویری از وسیله سفر. هر دو ترانه از سروده‌های غلامرضا روحانی است که با صدای گرم جواد بدیع‌زاده یکی در بیروت و دیگری در آلمان روی صفحه گرامافون ضبط شده بود. روح هر دو شادان بود. - «سردبیر - احمد احرار»

#### ماشین مشدی ممدلی نه بوق داره نه صندلی!

بس که ماشالله محکمه  
راه نرفته پنجره  
سرعت سیر این اتول  
از خر و گاو کمتره  
صاحب‌بلیاقتش  
بس که فقیر و مضطره  
از حلبی شکسته‌ها  
ساخته میل و صندلی  
ماشین مشدی ممدلی  
ارزون و بی‌معطلی  
این اتولی که من می‌گم  
فورد قدیم لاریه  
رفتن توی این هوتول  
باعث شرمساریه  
نه باب کورس شهریه  
نه قابل سواریه  
بار کشیده بس که از  
قزوین و رشت و انزلی  
ماشین مشدی ممدلی  
ارزون و بی‌معطلی  
این اتولی که از قفس  
تنگ تر و کوچیک تره  
جای چهل مسافر  
گنده و چاق و لاغره  
شوفره بس که ناشیه  
اتول همیشه یه وره  
راه نرفته در می‌ره  
لاستیک چرخ اولی  
ماشین مشدی ممدلی  
ارزون و بی‌معطلی  
صندلی‌هاش فتر داره  
بلیت فروش مشدی و  
شوفر بی‌هز داره  
بهر مسافران خود  
زحمت و دردسر داره  
رفتن با اتول بُود  
باعث کوری و شلی  
ماشین مشدی ممدلی  
ارزون و بی‌معطلی

#### من همی‌رم نکنی سفر!

خواسته حسین با های و هوی  
به قریه‌ای کند سفر  
جمع شدند دور او  
عمه و خاله و پدر  
تا به دم اتول مبین  
بدرقه رفت کل صفر  
گفت به شوهرش که چون  
بُود سفر پر از خطر  
من همی‌رم نری بی‌خبر  
من همی‌رم نرنی به در  
من همی‌رم نکنی سفر  
ای که صدای بوق تو  
صدای گوساله بُود  
در این سفر آه بود  
درد بود / ناله بود  
درد بود / مرگ بود  
دژه بود / چاله بود  
حال که این اتول مبین  
آلت قتاله بود  
تو را به جان لوطیان  
ازین خیال درگذر  
من همی‌رم نری بی‌خبر  
من همی‌رم نرنی به در  
من همی‌رم نکنی سفر  
اتول مبین یه ور شده  
برو به کل قلبی بگو  
اگر نبود کل قلبی  
به مشهدی ولی بگو  
شکسته چرخ دومی  
ز چرخ اولی بگو  
علی به دادت برسه  
بلند یا علی بگو  
تو را به جان کل نقی  
ترا به جان مش صفر  
من همی‌رم نری به سفر  
من همی‌رم نرنی به در  
من همی‌رم نکنی سفر



## رزمایش مشترک جمهوری اسلامی با روسیه و چین نزدیک چابهار؛ ترامپ: نگران نیستم



کیهان

که بیش از یک چهارم نفت جهان از طریق آن حمل و نقل می‌شود. آمریکا حضور نظامی گسترده‌ای در این منطقه دارد و ناوگان پنجم خود را در بحرین مستقر کرده است.

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که این تمرینات دریایی مشترک شامل ۱۵ کشتی جنگی، ناوهای پشتیبانی و قایق‌های توپ‌دار، همچنین هلیکوپترها خواهد بود.

طبق گزارش خبرگزاری دولتی «تاس»، وزارت دفاع روسیه اعلام کرده است که ناوهای «رزکی»، «آلدار تسیندنژاپوف» و تانکر «پچنگا» از ناوگان اقیانوس آرام این کشور در این رزمایش شرکت دارند.

چین نیز ناوشکن مجهز به موشک هدایت‌شونده «باوتو» از نوع «۵۲D» و کشتی تدارکاتی «گائویوهو» را از یک ناوگان همراه در نزدیکی منطقه برای شرکت در این تمرینات اعزام کرده است.

وزارت دفاع چین اعلام کرد که این رزمایش‌ها با هدف «تقویت اعتماد نظامی و افزایش همکاری عملی» برگزار می‌شود و شامل حملات شبیه‌سازی شده به اهداف دریایی، عملیات بازرسی و توقیف کشتی‌ها و تمرینات جستجو و نجات خواهد بود.

رسانه‌های دولتی ایران گزارش داده‌اند که این کشور یک ناوچه موشک‌انداز رادارگریز و یک کشتی گشتی را برای شرکت در این رزمایش‌ها اعزام کرده است.

رزمایش مرکب دریایی که جمهوری اسلامی با همکاری شناورهای چین و روسیه برگزار می‌کند از نظر بزرگی، تاکتیک، ادوات و نیرو در ردیف رزمایش‌های محدود منطقه‌ای درجه دو است اما با تبلیغات رسانه‌ای آن را بزرگنمایی می‌کند؛ آنهم در حالی که توانایی‌ها و ضعف‌های نظامی دولت‌های مختلف از جمله جمهوری اسلامی موضوعی نیست که قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده از آن خبر نداشته باشند.

با اینهمه ترامپ روز یکشنبه در پاسخ به پرسشی درباره این رزمایش‌ها گفت که «اصلاً» نگران نمایش قدرت این سه رقیب آمریکا نیست.

او در گفتگو با فاکس‌نیوز که در هوایی ریاست جمهوری ایالات متحده انجام شد، اظهار داشت: «ما قوی‌تر از همه آنها هستیم. ما قدرت بیشتری نسبت به آنها داریم.» در واشنگتن نگرانی‌ها درباره همکاری استراتژیک فزاینده بین چین، روسیه، جمهوری اسلامی و کره شمالی افزایش یافته است؛ نمایندگان کنگره آمریکا این ائتلاف را «محور اقتدارگرایی»، «محور خودکامگان» و «محور دیکتاتورها» نامیده‌اند.

برخی معتقدند نگرانی در این است که دشمنی مشترک این کشورها با آمریکا آنها را بیش از پیش به همکاری با یکدیگر سوق داده بطوری که تهدید ناشی از هر یک از آنها نه تنها در یک منطقه بلکه در چندین نقطه جهان همزمان افزایش یافته است.

**ناوچه‌های نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در رزمایش**

این رزمایش در شرایطی برگزار می‌شود که تنش‌ها میان آمریکا و جمهوری اسلامی افزایش یافته است. دونالد ترامپ از زمان بازگشت به کاخ سفید که هنوز دو ماه از آن نگذشته، سیاست «فشار حداکثری» خود علیه حکومت ایران را از سر گرفته است. این فشار از جمله شامل تلاش برای کاهش صادرات نفت ایران به صفر به منظور جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای می‌شود؛ اقدامی که علی‌خامنه‌ای آن را «قلدری» خوانده است.

**اهمیت دریای عمان**

دریای عمان یک گذرگاه استراتژیک محسوب می‌شود که اقیانوس هند را به تنگه هرمز متصل می‌کند؛ تنگه‌ای

● روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۳ اعلام شد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شامل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور شناورهای از ارتش چین و روسیه در آب‌های جنوب شرقی ایران در نزدیکی بندر چابهار یک رزمایش مشترک برگزار می‌کنند.

● مصطفی تاج‌الدینی سخنگوی این رزمایش می‌گوید: «برقراری امنیت کامل خطوط کشتیرانی در منطقه یادشده، به ویژه در محدوده بین تنگه هرمز، تنگه مالاکا و تنگه بابالمندب که به مثلث طلایی مشهور شده، ضامن حفظ منافع اقتصادی است.»

● ترامپ گفت که «اصلاً» نگران این رزمایش نیست و تأکید کرد: «ما قوی‌تر از همه آنها هستیم. ما قدرت بیشتری نسبت به آنها داریم.»

روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۳ اعلام شد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شامل ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور شناورهای از ارتش چین و روسیه در آب‌های جنوب شرقی ایران در نزدیکی بندر چابهار یک رزمایش مشترک برگزار می‌کنند.

این رزمایش با نام «کمبرند امنیتی ۲۰۲۵» پنجمین مانور دریایی مشترک این سه کشور از سال ۲۰۱۹ تا کنون محسوب می‌شود.

مصطفی تاج‌الدینی معاون عملیات نیروی دریایی ارتش و سخنگوی رزمایش مرکب کمبرند امنیت دریایی ۲۰۲۵ می‌گوید: «برقراری امنیت کامل خطوط کشتیرانی در منطقه یادشده، به ویژه در محدوده بین تنگه هرمز، تنگه مالاکا و تنگه بابالمندب که به مثلث طلایی مشهور شده است، از یکسو ضامن حفظ منافع اقتصادی در صحنه جهانی بوده و از سوی دیگر، همکاری و همگرایی نیروهای دریایی مختلف را می‌طلبد و به همین دلیل این رزمایش دریایی سه جانبه در دستور کار قرار گرفته است.»

در این میان، مقامات آمریکایی به دنبال بررسی روش‌هایی هستند که کنترل بر مسیر انتقال نفت ایران در دریاهای افزایش دهند.

**ترامپ: نگران نیستم**

سی‌ان‌ان که منتقد سیاست‌های دونالد ترامپ است، در گزارشی نوشت، «ناوهای جنگی ایران، چین و روسیه با آغاز رزمایش مشترک سالانه خود در خلیج عمان روابط نظامی خود را به نمایش می‌گذارند و این درحالیست که دونالد ترامپ، در حال برهم زدن اتحاد‌های سنتی غربی است.»

در این گزارش آمده، «رزمایش مشترک جمهوری اسلامی با چین و روسیه، نشانه‌ای از همکاری رو به افزایش این سه نیروی اقتدارگراست که در تلاش‌اند نفوذ آمریکا را متعادل کرده و نظم جهانی تحت رهبری غرب را به چالش بکشند.» سی‌ان‌ان در ادامه همچنین نوشت: «اما امسال، اهمیت این مانور بیش از همیشه به نظر می‌رسد، زیرا ترامپ در حال تضعیف اتحاد فرآتلانتیک- که برای دهه‌ها سنگ بنای امنیت غرب بوده- از طریق نزدیکی به روسیه و بی‌توجهی به اوکراین است.»

## رویترز: دولت ترامپ به دنبال متوقف کردن نفتکش‌های ایرانی است



نفتکش‌های ایران در آب‌های آزاد/ عکس: رویترز

## دیپلمات ارشد دولت ترامپ: احتمالاً باید برنامه اتمی جمهوری اسلامی را نابود کنیم

عباس عراقچی می‌گوید: «بررسی راه‌هایی برای ایجاد اعتماد بیشتر و شفافیت بیشتر در مورد برنامه انرژی هسته‌ای ما در ازای لغو تحریم‌های غیرقانونی» است.

نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل اعلام کرد، مذاکره با آمریکا درباره ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای می‌تواند بررسی شود.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید، تهران برای بررسی راه‌های ایجاد اعتماد و شفافیت در مورد برنامه هسته‌ای در حال گفتگوهای جداگانه با چین، روسیه و همچنین سه کشور اروپایی است اما یک مقام آمریکایی گفته «احتمالاً باید برنامه هسته‌ای حکومت ایران را نابود کنیم».

دو روز بعد از اعلام ارسال نامه به علی خامنه‌ای توسط دونالد ترامپ و همزمان با تهدید مقامات آمریکا و اسرائیل در مورد احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی، عباس عراقچی شامگاه یکشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ در «ایکس» نوشت هدف از گفتگوهای فعلی با اروپا و همچنین روسیه و چین «بررسی راه‌هایی برای ایجاد اعتماد بیشتر و شفافیت بیشتر در مورد برنامه انرژی هسته‌ای ما در ازای لغو تحریم‌های غیرقانونی» است.

او همچنین با تکرار موضع رژیم مبنی بر اینکه «تحت فشار و ارباب مذاکره نخواهیم کرد» نوشت آمریکا هرگاه با [جمهوری اسلامی] ایران «محتزمانه» برخورد کرده از احترام متقابل برخوردار بوده و هر زمان موضع تهدیدآمیز گرفته برخورد [رژیم] ایران را شاهد بوده است. عراقچی نیز با تکرار حرف‌های خامنه‌ای تأکید کرده مذاکره با قدری و دستور دادن متفاوت است.

علاوه بر این، نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل دو روز بعد از اعلام ارسال نامه دونالد ترامپ به علی خامنه‌ای، اعلام کرد اگر هدف از مذاکرات، رفع نگرانی‌ها از احتمال نظامی شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی باشد، این پیشنهاد «می‌تواند بررسی شود».

در ادامه این بیانیه آمده است: «اما اگر هدف، برچیدن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با این ادعا باشد که آنچه اوپاما در دستیابی به آن ناکام ماند، اکنون محقق شده است، چنین مذاکراتی هرگز انجام نخواهند شد».

از سوی دیگر ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد مسکو احتمال موافقت جمهوری اسلامی با محدود شدن برنامه هسته‌ای خود را در ازای لغو تحریم‌های غرب رد نمی‌کند. زاخارووا نیز یکشنبه ۱۹ اسفندماه در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی «هاآرتص» گفت روسیه و آمریکا باید از «نفوذ» خود برای حل «مشکلات منطقه‌ای، از جمله در خاورمیانه» استفاده کنند.

این مقام روسی با اشاره به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی افزود اتخاذ رویکردی مشابه برجام می‌تواند «برای ایجاد ثبات در وضعیت موجود مفید باشد». زاخارووا تأکید کرد: «ما آماده‌ایم تا برای کاهش تنش‌ها و یافتن راه حل‌های پایدار که امکان دستیابی به توافقی مؤثر و بلندمدت

اشاعه» (PSI) که در سال ۲۰۰۳ راه‌اندازی شد، انجام شود. هدف از این ابتکار جلوگیری از قاچاق سلاح‌های کشتار جمعی است. این ابتکار به رهبری آمریکا شکل گرفت و پیش از ۱۰۰ کشور آن را امضاء کرده‌اند. یکی از منابع گفت که این ساز و کار می‌تواند دولت‌های خارجی را قادر سازد تا به درخواست واشنگتن، محموله‌های نفتی ایران را متوقف کرده و مورد بازرسی قرار دهند که این امر عملاً تحویل محموله‌ها را به تأخیر انداخته و زنجیره‌های تأمین درآمد تهران را مختل می‌کند.

دو منبع دیگر اعلام کردند که شورای امنیت ملی آمریکا، که مسئول تدوین سیاست‌های کاخ سفید است، در حال بررسی امکان بازرسی‌های دریایی است.

مشخص نیست که آیا واشنگتن تا کنون با امضاکنندگان «ابتکار امنیت اشاعه» تماس گرفته و میزان تمایل آنها به همکاری با این پیشنهاد را سنجیده است یا نه.

جان بولتون مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا در دولت اول ترامپ که در زمان شکل گرفتن این ابتکار، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا بود، به رویترز گفت: «کاملاً موجه خواهد بود» که از این ابتکار برای کند کردن صادرات نفت ایران استفاده شود. او همچنین تأکید کرد که فروش نفت برای ایران «به وضوح حیاتی است تا بتواند درآمد لازم را برای فعالیت‌های گسترش تسلیحات و حمایت از تروریسم به دست آورد».

شورای امنیت ملی کاخ سفید به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداده است. وزارتخانه‌های نفت و امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز به درخواست‌های جداگانه برای اظهار نظر پاسخی نداده‌اند. مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی پیش از این در جریان جلسه استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد در مجلس شورای اسلامی اعتراف کرد: «قانون ترامپ کلی از کشتی‌های ما را در دریا تحریم کرد، نمی‌دانند محموله را چگونه تخلیه کنند».

این سازوکار به دولت‌های خارجی اجازه می‌دهد محموله‌های نفتی ایران را دائماً متوقف و بازرسی کنند تا تحویل‌ها به تأخیر بیفتد.

طبق گفته شش منبع دولتی در آمریکا به رویترز، معاونان و وزرای ترامپ در حال بررسی راه‌هایی برای متوقف کردن و بازرسی کشتی‌هایی‌اند که از نقاط کلیدی مانند تنگه مالاکا در آسیا و دیگر مسیرهای دریایی عبور می‌کنند.

دولت دونالد ترامپ در حال بررسی طرحی برای متوقف کردن و بازرسی نفتکش‌های جمهوری اسلامی در دریا تحت یک توافق بین‌المللی با هدف مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است.

رئیس جمهور آمریکا با هدف جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، متعهد شده است که کارزار «فشار حداکثری» علیه حکومت ایران را احیا کند و صادرات نفت آن را به «صفر» برساند.

خبرگزاری رویترز ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد مقامات دولت ترامپ اکنون در حال بررسی راه‌هایی برای متوقف کردن و بازرسی کشتی‌هایی هستند که از تنگه‌های حیاتی مانند تنگه مالاکا در آسیا و دیگر مسیرهای دریایی عبور می‌کنند. این اقدام می‌تواند تحویل نفت خام به پالایشگاه‌ها را به تأخیر بیندازد و همچنین طرفینی را که در تسهیل این تجارت نقش دارند در معرض آسیب‌های اعتباری و تحریم‌ها قرار دهد.

یکی از منابع می‌گوید: «نیازی به غرق کردن کشتی‌ها یا بازداشت افراد نیست تا اثر بازدارنده‌ای ایجاد شود». او افزود، «تأخیر در تحویل نیز عدم اطمینان را در شبکه تجارت غیرقانونی ایجاد می‌کند».

دولت آمریکا در حال بررسی این موضوع است که آیا بازرسی در دریا می‌تواند تحت چارچوب «ابتکار امنیت



## اشپیگل: جمهوری اسلامی به دنبال آزاد ساختن میلیاردها دلار پول بلوکه شده در «دویچه بورس»



clearstream deutsche borse group

بودجه نظامی جمهوری اسلامی بطور کامل از محل منابع دولتی تامین نمی‌شود، بخشی از درآمدهای نفتی کشور به این بخش اختصاص می‌یابد. اما تحریم‌های بین‌المللی فروش نفت را برای جمهوری اسلامی با چالش‌های جدی مواجه کرده است. با وجود این محدودیت‌ها، جمهوری اسلامی توانست در ابتدای سال ۲۰۲۵ به موفقیتی بزرگ دست یابد. پیشتر «والاستریت ژورنال» گزارش داده بود که جمهوری اسلامی موفق به آزاد ساختن نزدیک به دو میلیارد دلار درآمد نفت بلوکه شده در چین شده است. اکنون تهران تلاش می‌کند، میلیاردها دلار باقیمانده را از حساب‌های بلوکه شده در اروپا آزاد کند.

یک مقام اجرایی از گروه «انرژی سپهر» که از نوامبر ۲۰۲۳ تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد، هدایت این عملیات را بر عهده گرفته است.

منابع امنیتی می‌گویند این فرد که در آزاد ساختن منابع مالی ایران در چین نقش کلیدی داشت، اکنون مسئول تلاش برای آزاد کردن مبلغ هنگفتی است که نزد شرکت «کلیر استریم» باقی مانده است. بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۱۸ شکایتی را علیه شرکت «کلیر استریم» برای آزاد ساختن ۴/۹ میلیارد دلار مسدود شده به همراه سود آن مطرح کرد. اما گزارش‌های سالانه بورس آلمان (Deutsche Börse) نشان می‌دهد که این شرکت شانس زیادی برای موفقیت حکومت ایران در این دعوی حقوقی قائل نیست.

از مبلغ اولیه، حدود ۱/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به حسابی در آمریکا منتقل شد تا به عنوان غرامت به قربانیان حمله تروریستی به پایگاه نظامی آمریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳ پرداخت شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که مبالغ دیگری نیز برای پرداخت خسارات مشابه در نظر گرفته شده است. بر اساس برخی منابع ایرانی، تنها ۱/۷ میلیارد دلار از این دارایی‌ها همچنان در اختیار شرکت «کلیر استریم» باقی مانده است.

● هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» پنجشنبه ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی به دنبال آزاد ساختن میلیاردها دلار پول بلوکه شده ایران در یکی از شرکت‌های وابسته به بورس آلمان است.

● در این گزارش به نقل از منابع مالی آگاه گزارش شد که ارزش اولیه این دارایی‌های مسدود شده حدود ۴/۹ میلیارد دلار برآورد شده است.

● به نوشته اشپیگل، بخشی از این دارایی‌ها متعلق به بانک مرکزی ایران است که نزد شرکت «کلیر استریم» (Clearstream) در لوکزامبورگ نگهداری می‌شود.

هفته‌نامه آلمانی «اشپیگل» پنجشنبه ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی به دنبال آزاد ساختن میلیاردها دلار پول بلوکه شده ایران در یکی از شرکت‌های وابسته به بورس آلمان است.

در این گزارش به نقل از منابع مالی آگاه گزارش شد که ارزش اولیه این دارایی‌های مسدود شده حدود ۴/۹ میلیارد دلار برآورد شده است.

به نوشته اشپیگل، بخشی از این دارایی‌ها متعلق به بانک مرکزی ایران است که نزد شرکت «کلیر استریم» (Clearstream) در لوکزامبورگ نگهداری می‌شود.

بخشی دیگر نیز از طریق یک بانک ایتالیایی مدیریت شده است. شرکت کلیر استریم از سال ۲۰۰۸، تمامی حساب‌های مرتبط با بانک مرکزی ایران را مسدود کرده است، زیرا آمریکا این شرکت را به اعمال تحریم و مجازات تهدید کرده بود.

کارشناسان امنیت بین‌المللی بر این باورند که تهران به شدت نیازمند ارز برای تامین مالی نیروهای مسلح خود و تجهیز حزب‌الله لبنان است.

حکومت ایران در عین حال موظف است به تعهدات خود در قبال معاملات تسلیحاتی با روسیه عمل کند و از آنجا که

را فراهم کند، همکاری نزدیک با تهران و دیگر طرفین درگیر داشته باشیم.»

پایگاه خبری بلومبرگ ۱۴ اسفندماه به نقل از منابع آگاه گزارش داد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه، به درخواست دونالد ترامپ، پذیرفته که برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی میانجیگری کند. اما مقامات کاخ سفید اعلام کردند چنین درخواستی از روسیه نداشتند و پیشنهاد میانجیگری از سوی مسکو مطرح شد.

اظهارات تکراری وزیر خارجه جمهوری اسلامی درباره گفتگو برای «اعتمادسازی» که در تمام دولت‌های پیشین در همین ارتباط تکرار شده، اکنون در حالی بیان می‌شود



تأسیسات هسته‌ای احمدی روشن (نظرن)

که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۸ اسفندماه طی یک سخنرانی در جمع کارگزاران نظام گفت، «اصرار برخی از دولت‌های قلدر برای مذاکره به منظور حل مسائل نیست» بلکه «مسیری برای تحکم و طرح توقعات جدید» است که از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی فراتر می‌رود و «امکان‌های دفاعی»، «برد موشک‌ها» و «توانایی‌های بین‌المللی» حکومت ایران را شامل می‌شود. اینهمه از سوی جریان‌های سیاسی نظام به عنوان «خلع سلاح» جمهوری اسلامی ارزیابی می‌شود. در واکنش به ابراز تمایل وزیر خارجه جمهوری اسلامی، برخی ناظران با یادآوری تجربیات گذشته، تأکید کرده‌اند که حکومت زیر فشار است و از کانال‌های مختلف برای وقت‌گشی استفاده می‌کند.

در مقابل اما با افزایش سطح غنی‌سازی و میزان ذخایر اورانیوم با غلظت نزدیک به درجه تسلیحاتی در ایران، احتمال یک اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در کاخ سفید جدی‌تر از گذشته مطرح و با صراحت بیان می‌شود.

آدام بویلر فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا در امور گروگان‌ها می‌گوید، برای ایالات متحده «دشوار نیست» که به اسرائیل کمک کند تا برنامه اتمی جمهوری اسلامی را نابود کند. او در گفتگویی با شبکه «فاکس نیوز» افزود: «احتمالاً باید این کار را انجام دهیم.»

در چنین شرایطی در داخل حکومت نیز اختلاف بر سر مذاکره با آمریکا یا مقاومت در برابر فشارهای سنگین بین‌المللی از جمله تحریم‌ها افزایش یافته است.

در این میان، عباس عراقچی در حالی موضوع «اعتمادسازی» را تکرار می‌کند که پنجشنبه ۸ آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید علیه کشورهای غربی گفته بود «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

## نگرانی خامنه‌ای از بروز اعتراضات اجتماعی به دلیل «مشکلات معیشتی»

● علی خامنه‌ای روز ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ در یک سخنرانی طولانی، اصلی‌ترین مسئله را «اقتصاد» دانست و هشدار داد، «تهدیدیهایی که دشمنان می‌کنند، عمدتاً متوجه به معیشت مردم است؛ عمدتاً تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای اطلاعاتی متوجه معیشت مردمند».

● رهبر جمهوری اسلامی همچنین گفت، «قصد و طرح کلی این است که کاری کنند که جمهوری اسلامی از عهدهی اداره‌ی معیشت مردم نتواند برپاید، و این تبعات خودش را خواهد داشت؛ دنبال این هستند».

● او که اساساً متوجه نیست مشکلات اقتصادی ناشی از ساختار فاسد و معیوب جمهوری اسلامی است که وی ۳۵ سال است رهبری و تصمیم‌گیری‌های آن را در دست دارد، در بخشی از همین سخنرانی تأکید کرد، «نقش تحریم‌ها در ایجاد مشکلات اقتصادی انکار ناپذیر است». با اینهمه نگفت راهکار نظام برای خروج از این بحران چیست؟ او فقط توصیه کرد که مسئولان سراغ «اصلاح اقتصادی» و راهکارهایی بروند که به تحریم‌ها ربطی ندارد، از جمله مبارزه با قاچاق! آنهم در حالی که بزرگ‌ترین قاچاقچی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که سال‌هاست شاهرگ‌های اقتصادی کشور را به انحصار خود و گروه‌های مافیایی وابسته درآورده است.

رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام نسبت به پیامدهای مشکلات معیشتی مردم هشدار داد اما بار دیگر مذاکره با آمریکا را رد کرد و گفت، «با دولت‌های قدر مذاکره نمی‌کنیم» در حاشیه همین دیدار عباس عراقچی وزیر خارجه ادعا کرد، «از ترامپ نامه‌ای دریافت نشده است».

علی خامنه‌ای روز ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ در یک سخنرانی طولانی، اصلی‌ترین مسئله را «اقتصاد» دانست و هشدار داد، «تهدیدیهایی که دشمنان می‌کنند، عمدتاً متوجه به معیشت مردم است؛ عمدتاً تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای اطلاعاتی متوجه معیشت مردمند».

او گفت، «قصد و طرح کلی این است که کاری کنند که جمهوری اسلامی از عهدهی اداره‌ی معیشت مردم نتواند برپاید، و این تبعات خودش را خواهد داشت؛ دنبال این هستند».

بخشی از سخنرانی خامنه‌ای درباره ضرورت «اصلاح نظام ارزی» و «تقویت پول ملی» بود. او گفت پول ملی باید تقویت بشود، این هم در واقعیت زندگی مردم اثر دارد، هم در آبروی کشور اثر دارد.

او که اساساً متوجه نیست مشکلات اقتصادی ناشی از ساختار فاسد و معیوب جمهوری اسلامی است که وی ۳۵ سال است رهبری و تصمیم‌گیری‌های آن را در دست دارد، به برخی راهکارهای اقتصادی دولت‌ها برای کاهش تورم انتقاد کرد و گفت: «حتی اگر چنانچه مثلاً می‌گویند یک فرمولی وجود دارد که اگر عمل کنیم، تورم می‌آید پایین حتی تک‌رقمی ممکن است بشود؛ اما قیمت ارز می‌رود فلان قدر می‌شود، این درست نیست. برای خاطر اینکه اگر پول ملی بالا رفتن قیمت ارز، ارزشش کاسته شد، تورم هرچه هم پایین باشد، این پول، قیمتی ندارد، قدرت خرید برای مردم فقیر و ضعیف به وجود نمی‌آید. اگر می‌خواهید قدرت خرید برای

## عراقچی: نامه ترامپ هنوز به دست ما نرسیده؛ نشست سه‌جانبه در پکن درباره برنامه اتمی جمهوری اسلامی



سخنرانی علی خامنه‌ای در جمع کارگزاران نظام / اسفند ۱۴۰۳

● عباس عراقچی روز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ در حاشیه جلسه هیأت دولت با خبرنگاران توضیح داد، «نامه ترامپ نوشته شده و هنوز به دست ما نرسیده؛ قرار است یک فرستاده از یکی از کشورهای عربی آن را در تهران تحویل دهد».

● جریان‌های وابسته به قدرت از جمله اصلاح‌طلبان برای مذاکره به حکومت فشار می‌آورند و هشدار می‌دهند که امکان وقوع جنگ زیاد است اما مسعود پزشکیان که مورد حمایت جریان اصلاح‌طلب است، روز ۲۱ اسفندماه طی اظهاراتی در واکنش به دیدار ترامپ و زلینسکی گفت که «اصلاً من نمی‌آیم با تو [مذاکره کنم]؛ هر غلطی می‌خواهی بکن».

● نشست سه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه در سطح معاونین وزارت خارجه با تمرکز بر تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای جمعه ۲۴ اسفندماه در پکن برگزار می‌شود.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید قرار است نامه‌ای که دونالد ترامپ برای علی خامنه‌ای نوشته، توسط «فرستاده‌ای» از یک کشور عربی به دست رهبر نظام برسد. همزمان اعلام شد معاونان وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پکن با نمایندگان روسیه و چین درباره برنامه‌های اتمی رژیم گفتگو خواهند کرد.

عباس عراقچی روز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ در حاشیه جلسه هیأت دولت با خبرنگاران توضیح داد، «نامه ترامپ نوشته شده و هنوز به دست ما نرسیده، قرار



سخنرانی علی خامنه‌ای در جمع کارگزاران نظام / اسفند ۱۴۰۳

مردم بالا برود، به پول ملی باید اهتمام ورزیده بشود. یکی از اساسی‌ترین کارها این است».

### نفی مجدد مذاکره با آمریکا

رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرد که قصد آمریکاییان از مذاکره «تک‌گم» و «طرح توقعات جدید» است. او بدون اشاره به فشارها برای پذیرش «خلع سلاح» از سوی جمهوری اسلامی گفت: «مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست و توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جا نروید، فلان چیز را تولید نکنید، برد موشکتان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر کسی می‌تواند اینها را قبول کند؟»

خامنه‌ای همچنین افزود: «البته اسم مذاکره را هم تکرار می‌کنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند که بله، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟»

قابل توجه اینکه با اینکه دونالد ترامپ در مصاحبه با «فاکس بیزینس» گفت که برای علی خامنه‌ای نامه فرستاده است اما رژیم آن را انکار می‌کند و وزیر خارجه‌اش مدعی شده که چنین نامه‌ای دریافت نشده است.

در این میان، اشاره و تأکید علی خامنه‌ای به پیامدهای مشکلات معیشتی مردم نشان می‌دهد که او نیز مانند دیگر مقامات رژیم نگران آغاز موج تازه‌ای از اعتراضات اجتماعی است.

رهبر جمهوری اسلامی در بخشی از همین سخنرانی تأکید کرد، «نقش تحریم‌ها در ایجاد مشکلات اقتصادی انکارناپذیر است». با اینهمه نگفت راهکار نظام برای خروج از این بحران چیست؟ او فقط توصیه کرد که مسئولان سراغ «اصلاح اقتصادی» و راهکارهایی بروند که به تحریم‌ها ربطی ندارد، از جمله مبارزه با قاچاق! آنهم در حالی که بزرگ‌ترین قاچاقچی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که سال‌هاست شاهرگ‌های اقتصادی کشور را به انحصار خود و گروه‌های مافیایی وابسته درآورده است.



# کارت زرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزیر کار دولت پزشکیان



احمد میدری، وزیر کار دولت چهاردهم

از کارگران تا بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، می‌تواند بهانه لازم به نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای کشاندن احمد میدری به جلسه استیضاح را فراهم کند.

بر اساس آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی کارت زرد در مجلس به معنای نارضایتی از عملکرد یک وزیر است و اگر یک وزیر سه بار از مجلس کارت زرد بگیرد، استیضاح خواهد شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی سختگیری نسبت به عملکرد نامطلوب دولت پزشکیان را آغاز کرده‌اند و هفته گذشته، پس از عزل عبدالناصر همتی، ۱۱ وزیر دیگر کابینه پزشکیان را برای ارائه گزارش و پاسخگویی به سؤالات نمایندگان به مجلس احضار کردند.

وزرای آموزش و پرورش، کشور، علوم، نیرو و تعاون برای ارائه گزارش و وزیر نفت، نیرو، اطلاعات، جهاد کشاورزی، خارجه، ارتباطات و دفاع، طی هفته جاری برای پاسخگویی به ۴۹ سؤال نمایندگان به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه می‌کنند.

روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از برگزاری نشست استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، رأی اعتماد خود را از وی پس گرفتند و یکی از مهمترین وزرای کابینه را عزل کردند.

ساعاتی پس از عزل همتی، شوک دوم به دولت مسعود پزشکیان وارد شد و محمدجواد ظریف «معاون راهبردی» و مشاور وی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک برکنار شد. خبر برکناری محمدجواد ظریف با عنوان «استعفا» در آخرین ساعات شامگاه یکشنبه از سوی خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد.

محمدجواد ظریف بامداد روز دوشنبه ۱۳ اسفندماه در حساب خود در شبکه «ایکس» نوشت که روز گذشته به «دعوت» غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به دیدار او رفته و اژه‌ای «با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت» ظریف به دانشگاه برگردد و او هم «بی‌درنگ» قبول کرده است.

وی تأکید کرد که «امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه‌ها برای سنگ‌اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود.»

● کامران غضنفری از افراد نزدیک به «جبهه پایداری» درباره انتصابات مدیران این وزارتخانه از جمله مدیر «شستا» (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) از وزیر کار سؤال پرسید و وزارتخانه را متهم کرد که انتصاب برخی افراد با وجود استعلام منفی بوده است.

● نمایندگان مجلس شورای پس از شنیدن پاسخ‌های احمد میدری با ۹۹ رأی موافق، ۱۳۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از ۲۴۰ رأی ماخوذه اعلام کردند که از پاسخ‌های وزیر قانع نشدند و به او کارت زرد دادند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به علت قانع نشدن از پاسخ احمد میدری وزیر کار درباره «انتصابات» این وزارتخانه به او کارت زرد دادند.

جلسه بررسی سؤال کامران غضنفری نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس از احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره انتصابات در این وزارتخانه امروز سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

کامران غضنفری از افراد نزدیک به «جبهه پایداری» درباره انتصابات مدیران این وزارتخانه از جمله مدیر «شستا» (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی) از وزیر کار سؤال پرسید و وزارتخانه را متهم کرد که انتصاب برخی افراد با وجود استعلام منفی بوده است.

احمد میدری این موضوع را تکذیب و تأکید کرد که همه انتصاباتش با تأیید مراجع اطلاعاتی و امنیتی بوده است. پس از پاسخ میدری این نماینده اعلام کرد که از پاسخ‌ها قانع نشده و درخواست کرد که این مسئله به رأی گذاشته شود.

نمایندگان مجلس شورای هم پس از شنیدن پاسخ‌های احمد میدری با ۹۹ رأی موافق، ۱۳۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از ۲۴۰ رأی ماخوذه اعلام کردند که از پاسخ‌های وزیر قانع نشدند و به این ترتیب احمد میدری اولین کارت زرد خود را از مجلس دوازدهم دریافت کرد.

احمد میدری پیشتر نیز چند بار برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی احضار شده بود که بخش قابل توجهی از سؤالات درباره انتصاب مدیران جدید در شرکت‌های تابع وزارت کار بوده است.

احمد میدری در جلسه امروز نیز اعتراف کرده که زد و بندهای سیاسی بر انتصاب مدیران در جمهوری اسلامی سایه انداخته و این روند تحت روابط و رانت صورت می‌گیرد.

او در بخشی از پاسخ خود به کامران غضنفری گفت: «سیاست‌زدگی در نظام اداری اجازه وجود دولت کارآمد را به شدت محدود کرده است.»

کارت زرد به احمد میدری نخستین کارت زردی است که کابینه مسعود پزشکیان دریافت کرده است. هفته گذشته اما عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد استیضاح شد و نمایندگان با اکثریت آرا رأی اعتماد خود را از او پس گرفته و او را عزل کردند.

اکنون به عقیده بسیاری از تحلیلگران احمد میدری ممکن است به سرنوشت همتی دچار شود. این در حالیست که موضوع رقم حداقل دستمزد یکی از موارد تحت مسئولیت او است که با توجه به نارضایتی عموم جامعه حداقل‌بگیران

است یک فرستاده از یکی از کشورهای عربی آن را در تهران تحویل دهد.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی به اینکه کدام کشور عربی قرار است این نامه را به دست آنها برساند، اشاره‌ای نکرد.

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد نشست سه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه در سطح معاونین وزارت خارجه با تمرکز بر تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها روز جمعه ۲۴ اسفندماه در پکن برگزار می‌شود.

عراقچی پیش از این در حاشیه دیدار مقامات جمهوری اسلامی با خامنه‌ای که به مناسبت ماه رمضان برگزار شد در پاسخ به پرسش خبرنگار صداسویمی حکومت درباره نامه ارسالی دونالد ترامپ گفته بود که «ما هم شنیده‌ایم» اما هنوز چیزی به دست ما نرسیده است. رهبر جمهوری اسلامی نیز در همین مراسم تأکید کرد با «دولت‌های قلدر مذاکره نمی‌کنیم.»

خامنه‌ای همچنین عنوان کرد، مذاکره برای طرف مقابل راهی است برای طرح «توقعات جدید» و سپس افزود: «مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست. توقعات جدیدی مانند برنامه دفاعی، موشکی و توانایی‌های بین‌المللی ایران را مطرح می‌کنند که این توقعات قطعاً از طرف جمهوری اسلامی برآورده نخواهد شد.»

دونالد ترامپ دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است: مذاکره و معامله با امضای یک توافق جدید و یا مهاران تأسیسات اتمی؛ اما مقامات تهران می‌گویند شروط ترامپ برای توافق درواقع همان «خلع سلاح» است. در همین ارتباط خامنه‌ای گفته بود، «مسئله آنها فقط مسئله هسته‌ای نیست، بلکه مذاکره برای آنها راه و مسیری برای طرح توقعات جدید از جمله در زمینه امکانات دفاعی و توانایی‌های بین‌المللی و بیان انتظاراتی از این قبیل است که فلان کار را نکنید، با فلان کس دیدار نکنید، برد موشک را از فلان قدر بیشتر نکنید که قطعاً این موارد از طرف ایران پذیرفته و برآورده نمی‌شود.»

در چنین شرایطی، جریان‌های وابسته به قدرت از جمله اصلاح‌طلبان برای مذاکره به حکومت فشار می‌آورند و هشدار می‌دهند که امکان وقوع جنگ زیاد است اما مسعود پزشکیان که مورد حمایت جریان اصلاحات است، روز ۲۱ اسفندماه طی اظهاراتی در واکنش به دیدار ترامپ و زلینسکی گفت که «اصلاً من نمی‌آیم با تو [مذاکره کنم]؛ هر غلطی می‌خواهی بکن.»

شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار است چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۲۵ در مورد تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی نشست محرمانه برگزار کند که نتیجه آن از اهمیت برخوردار است زیرا این احتمال وجود دارد که زمینه‌ساز فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت مجدد تمام تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی باشد.

در شرایطی که دولت‌های اروپایی اعلام کرده‌اند تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی همچنان از راه دیپلماسی قابل حل و فصل است اما به نظر می‌رسد که اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌کند.

در همین ارتباط، برخی مقامات جمهوری اسلامی از جمله عراقچی تهدید کردند که در صورت افزایش فشارها به حکومت، ساخت بمب اتمی یکی از گزینه‌های آن است. برخی دیگر نیز گزینه خروج از NPT را مطرح می‌کنند.

در همین ارتباط صادق زیباکلام استاد سابق علوم سیاسی در یک مصاحبه هشدار داد «حتا اگر اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ما حمله بکند هم نباید از NPT خارج شویم.»

## دیپلمات ارشد دولت ترامپ:

# احتمالاً باید برنامه اتمی جمهوری اسلامی را نابود کنیم



تأسیسات هسته‌ای احمدی روشن (نطنز)

در همین ارتباط تکرار شده، اکنون در حالی بیان می‌شود که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۸ اسفندماه طی یک سخنرانی در جمع کارگزاران نظام گفت، «اصرار برخی از دولت‌های قلدر برای مذاکره به منظور حل مسائل نیست» بلکه «مسیری برای تحکم و طرح توقعات جدید» است که از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی فراتر می‌رود و «امکان‌های دفاعی»، «برد موشک‌ها» و «توانایی‌های بین‌المللی» حکومت ایران را شامل می‌شود. اینهمه از سوی جریان‌های سیاسی نظام به عنوان «خلع سلاح» جمهوری اسلامی ارزیابی می‌شود.

در واکنش به ابراز تمایل وزیر خارجه جمهوری اسلامی، برخی ناظران با یادآوری تجربیات گذشته، تأکید کرده‌اند که حکومت زیر فشار است و از کانال‌های مختلف برای وقت‌گشی استفاده می‌کند.

در مقابل اما با افزایش سطح غنی‌سازی و میزان ذخایر اورانیوم با غلظت نزدیک به درجه تسلیحاتی در ایران، احتمال یک اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در کاخ سفید جدی‌تر از گذشته مطرح و با صراحت بیان می‌شود. آدام بویلر فرستاده ویژه رئیس جمهوری آمریکا در امور گروگان‌ها می‌گوید، برای ایالات متحده «دشوار نیست» که به اسرائیل کمک کند تا برنامه اتمی جمهوری اسلامی را نابود کند. او در گفتگویی با شبکه «فاکس نیوز» افزود: «احتمالاً باید این کار را انجام دهیم.»

در چنین شرایطی در داخل حکومت نیز اختلاف بر سر مذاکره با آمریکا یا مقاومت در برابر فشارهای سنگین بین‌المللی از جمله تحریم‌ها افزایش یافته است.

در این میان، عباس عراقچی در حالی موضوع «اعتمادسازی» را تکرار می‌کند که پنجشنبه ۸ آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید علیه کشورهای غربی گفته بود «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

علاوه بر این، نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل دو روز بعد از اعلام ارسال نامه دونالد ترامپ به علی خامنه‌ای، اعلام کرد اگر هدف از مذاکرات، رفع نگرانی‌ها از احتمال نظامی شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی باشد، این پیشنهاد «می‌تواند بررسی شود.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «اما اگر هدف، برچیدن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با این ادعا باشد که آنچه اوپاما در دستیابی به آن ناکام ماند، اکنون محقق شده است، چنین مذاکراتی هرگز انجام نخواهند شد.» از سوی دیگر ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد مسکو احتمال موافقت جمهوری اسلامی با محدود شدن برنامه هسته‌ای خود را در ازای لغو تحریم‌های غرب رد نمی‌کند.

زاخارووا نیز یکشنبه ۱۹ اسفندماه در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی «هاآرتص» گفت روسیه و آمریکا باید از «نفوذ» خود برای حل «مشکلات منطقه‌ای، از جمله در خاورمیانه» استفاده کنند.

این مقام روسی با اشاره به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی افزود اتخاذ رویکردی مشابه برجام می‌تواند «برای ایجاد ثبات در وضعیت موجود مفید باشد.» زاخارووا تأکید کرد: «ما آماده‌ایم تا برای کاهش تنش‌ها و یافتن راه حل‌های پایدار که امکان دستیابی به توافق مؤثر و بلندمدت را فراهم کند، همکاری نزدیک با تهران و دیگر طرفین درگیر داشته باشیم.»

پایگاه خبری بلومبرگ ۱۴ اسفندماه به نقل از منابع آگاه گزارش داد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه، به درخواست دونالد ترامپ، پذیرفته که برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی میانجیگری کند. اما مقامات کاخ سفید اعلام کردند چنین درخواستی از روسیه نداشتند و پیشنهاد میانجیگری از سوی مسکو مطرح شد. اظهارات تکراری وزیر خارجه جمهوری اسلامی درباره گفتگو برای «اعتمادسازی» که در تمام دولت‌های پیشین

● عباس عراقچی می‌گوید: «بررسی راه‌هایی برای ایجاد اعتماد بیشتر و شفافیت بیشتر در مورد برنامه انرژی هسته‌ای ما در ازای لغو تحریم‌های غیرقانونی» است.

● نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل اعلام کرد، مذاکره با آمریکا درباره ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای می‌تواند بررسی شود.

● آدام بویلر فرستاده ویژه رئیس جمهوری آمریکا در امور گروگان‌ها، می‌گوید برای ایالات متحده «دشوار نیست» که به اسرائیل کمک کند تا برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را نابود کند. او در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» افزود: «احتمالاً باید این کار را انجام دهیم.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید، تهران برای بررسی راه‌های ایجاد اعتماد و شفافیت در مورد برنامه هسته‌ای در حال گفتگوهای جداگانه با چین، روسیه و همچنین سه کشور اروپایی است اما یک مقام آمریکایی گفته «احتمالاً باید برنامه هسته‌ای حکومت ایران را نابود کنیم.»

دو روز بعد از اعلام ارسال نامه به علی خامنه‌ای توسط دونالد ترامپ و همزمان با تهدید مقامات آمریکا و اسرائیل در مورد احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی، عباس عراقچی شامگاه یکشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ در «ایکس» نوشت هدف از گفتگوهای فعلی با اروپا و همچنین روسیه و چین «بررسی راه‌هایی برای ایجاد اعتماد بیشتر و شفافیت بیشتر در مورد برنامه انرژی هسته‌ای ما در ازای لغو تحریم‌های غیرقانونی» است.

او همچنین با تکرار موضع رژیم مبنی بر اینکه «تحت فشار و ارباب مذاکره نخواهیم کرد» نوشت آمریکا هرگاه با [جمهوری اسلامی] ایران «محتزمانه» برخورد کرده از احترام متقابل برخوردار بوده و هر زمان موضع تهدیدآمیز گرفته برخورد [رژیم] ایران را شاهد بوده است. عراقچی نیز با تکرار حرف‌های خامنه‌ای تأکید کرده مذاکره با قلدری و دستور دادن متفاوت است.



## درگیری وحشیانه‌ی نیروهای دولت جولانی با «طرفداران اسد» و شهروندان علوی در غرب سوریه



اعزام نیروهای دولتی سوریه به مناطق غربی، برای مقابله با «طرفداران اسد» / رویترز

را اعدام کرده‌اند. این خبرها و ویدئوهای مربوطه با واکنش‌های گسترده در سطح جهانی روبرو شده است. بسیاری از شهروندان در کشورهای غربی مقامات دولتی خود را که از روی کار آمدن احمد الشرع جولانی با پشتیبانی آشکار ترکیه استقبال کرده و سیل هیئت‌های نمابندگی و کمک‌های مالی را به سوی آن سرازیر کرده‌اند انتقاد می‌کنند و می‌گویند چرا به تغییرات ظاهری یک تروریست القاعده و داعش اعتماد کرده‌اند. آنها کشتار شهروندان علوی را توسط نیروهای دولتی سوریه «نسل‌کشی» توصیف می‌کنند.

یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل با اشاره به قتل‌عام‌هایی که مأموران دولت جولانی علیه علویان در سوریه انجام می‌دهند، گفته است: «الجولانی عباي خود را درآورد، کت و شلوار پوشید و با چهره‌ای معتدل ظاهر شد. اکنون نقاب را برداشت و چهره واقعی خود را آشکار کرد: یک تروریست جهادی از مدرسه القاعده که مرتکب جنایات علیه مردم غیرنظامی می‌شود.»

او تأکید کرد، «اسرائیل از خود در برابر هرگونه تهدیدی از جانب سوریه محافظت خواهد کرد. ما در مناطق حائل و در کوه هرمون خواهیم ماند و از شهرهای گولان و گالیل دفاع خواهیم کرد. ما جنوب سوریه را غیرنظامی و عاری از تهدیدها نگه می‌داریم و از جمعیت دروزی ساکن آنجا دفاع خواهیم کرد.»

منابع غیررسمی می‌گویند حمله درگیری نیروهای طرفدار اسد با نیروهای دولتی به پشتیبانی جمهوری اسلامی انجام گرفته است اما اطلاعات دقیقی درباره علل و شروع این درگیری‌ها وجود ندارد و وابستگان رژیم ایران بدشان نمی‌آید بی‌ثباتی در سوریه را به خودشان نسبت بدهند. به ویژه آنکه علی خامنه‌ای رهبر نظام اواخر آذرماه ۱۴۰۳ ادعا کرده بود، «به توفیق الهی، مناطق تصرف‌شده سوریه به وسیله‌ی جوانان غیور سوری آزاد خواهد شد.» آنهم در حالی که خود جمهوری اسلامی از داخل و خارج به شدت تحت فشار قرار دارد!

بشار اسد» و شهروندان علوی در غرب سوریه بیش از هزار نفر کشته شدند.

شبکه «اسکای نیوز» یکشنبه ۱۹ مارس ۲۰۲۵ (۱۹ اسفندماه) به نقل از سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) گزارش داد که دو روز درگیری مسلحانه میان نیروهای دولتی و وفاداران به بشار اسد یکی از مرگبارترین درگیری‌های سوریه طی ۱۴ سال اخیر بود.

دولت سوریه اعلام کرده که به حملات از سوی بازماندگان نیروهای اسد پاسخ داده و «اقدامات فردی» را دلیل این خشونت‌ها می‌داند.

در این درگیری‌ها حدود ۷۴۵ غیرنظامی کشته شده‌اند. همچنین ۱۴۸ نفر از نیروهای طرفدار اسد و ۱۲۵ نفر از نیروهای امنیتی کشته شدند اما هیچ آمار رسمی از سوی دولت منتشر نشده است. تصاویر دلخراشی از کشتارها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که توسط نیروهای دولتی سوریه انجام گرفته است. در این میان برخی گزارش‌ها حاکی از تحقیر و کشتار فجیع و همچنین بازداشت شماری از مسیحیان سوری و اقلیت علوی که خانواده بشار اسد نیز به آن تعلق داشت توسط گروه‌های اسلامگرا از جمله نیروهای دولتی سوریه است. در برخی از این ویدئوها گفته و نشان داده می‌شود که نیروهای دولت موقت سوریه به کشاورزان در مزارع حمله و آنها را قتل عام کرده و ده‌ها تن از علوی‌ها را به حرکات تحقیرآمیز از جمله خزیدن روی زمین وادار کرده‌اند.

در حالی که درگیری‌ها میان نیروهای مرتبط با حاکمان جدید سوریه و علوی‌هایی که گفته می‌شود حامی حکومت اسد هستند ادامه دارد، احمد الشرع با تأکید بر ضرورت صلح در سوریه گفته است: «باید وحدت ملی و صلح داخلی را حفظ کنیم. ما می‌توانیم با هم زندگی کنیم.»

برخی منابع اعلام کرده‌اند که در جریان درگیری‌ها، نیروهای دولت الجولانی شماری از علویان غیرنظامی

● دولت سوریه اعلام کرده که به حملات از سوی بازماندگان نیروهای اسد پاسخ داده است و «اقدامات فردی» را دلیل این خشونت‌ها می‌داند.

● در این درگیری‌ها حدود ۷۴۵ غیرنظامی کشته شده‌اند. همچنین ۱۴۸ نفر از نیروهای طرفدار اسد و ۱۲۵ نفر از نیروهای امنیتی کشته شده‌اند اما هیچ آمار رسمی از سوی دولت منتشر نشده است.

● برخی گزارش‌ها حاکی از تحقیر و کشتار فجیع و همچنین بازداشت شماری از مسیحیان سوری و علوی‌ها که خانواده بشار اسد نیز به آن تعلق داشت توسط گروه‌های اسلامگرا از جمله نیروهای دولتی است.

● برخی منابع اعلام کرده‌اند که در جریان درگیری‌ها، نیروهای دولت الجولانی شماری از علویان غیرنظامی را اعدام کرده‌اند. این خبرها و ویدئوهای مربوطه با واکنش‌های گسترده در سطح جهانی روبرو شده است. بسیاری از شهروندان در کشورهای غربی مقامات دولتی خود را که از روی کار آمدن احمد الشرع جولانی با پشتیبانی آشکار ترکیه استقبال کرده و سیل هیئت‌های نمابندگی و کمک‌های مالی را به سوی آن سرازیر کرده‌اند انتقاد می‌کنند و می‌گویند چرا به تغییرات ظاهری یک تروریست القاعده و داعش اعتماد کرده‌اند.

● یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل با اشاره به قتل‌عام‌هایی که مأموران دولت جولانی علیه علویان در سوریه انجام می‌دهند، گفته است: «الجولانی عباي خود را درآورد، کت و شلوار پوشید و با چهره‌ای معتدل ظاهر شد. اکنون نقاب را برداشت و چهره واقعی خود را آشکار کرد: یک تروریست جهادی از مدرسه القاعده که مرتکب جنایات علیه مردم غیرنظامی می‌شود.»

منابع بین‌المللی گزارش می‌دهند در درگیری وحشیانه‌ی نیروهای دولت سوریه و حامیان احمد الشرع با «طرفداران

## جمهوری اسلامی ایران و احساس خطر از ترکیه



اردوغان در دیدار با علی خامنه‌ای/ تهران / ۱۶ شهریور ۱۳۹۷

● اتهام تهران به آنکارا به دلیل ایفای نقش منفی در تحولات سوریه از مواضع مقامات ارشد نظام ایران غایب نبوده است.  
● رهبر جمهوری اسلامی در نام بردن از دولت ترکیه محتاطانه عمل کرد و تنها به اشاره به یک کشور منطقه‌ای در صحبت درباره توطئه آمریکایی- اسرائیلی علیه سوریه بسنده کرد.

حسن فحص (ابندپندنت عربی) - اظهارات هاگان فیدان وزیر خارجه ترکیه در مصاحبه با یکی از شبکه‌های عربی درباره نقش منطقه‌ای ایران و تلاش‌های جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری از حساسیت‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای برای گسترش نفوذ و تحمیل سلطه‌اش، نه موضع جدیدی برای وزیر ترکیه محسوب می‌شود و نه افشای موضوعی تازه است، بلکه می‌توان آن را در چارچوب تشدید اختلافاتی که در سطح روابط دو کشور پدیدار شده و تفاوت مواضع آنها در قبال تحولات منطقه غرب آسیا دسته‌بندی کرد. این تحولات پس از هشتم دسامبر ۲۰۲۴ با سقوط نظام بشار اسد و استقرار گروه «هیئت تحریرالشام» تحت حمایت آنکارا در سوریه بعد جدیدی به خود گرفت.

اتهام رژیم ایران به همسایه ترک خود مبنی بر ایفای نقش منفی در تحولات سوریه در مواضع مقامات ارشد رژیم ایران از جمله رهبر آن دیده می‌شود. او در نام بردن از دولت ترکیه محتاطانه عمل کرد و تنها به اشاره به یک کشور منطقه‌ای در صحبت درباره توطئه آمریکایی- اسرائیلی علیه سوریه بسنده نمود که این موضوع به معنای هدف گرفتن عمق استراتژیک تهران از طریق از بین بردن حلقه اصلی در پروژه منطقه‌ای آن است. در حالی که رهبران سیاسی و نظامی و حتی رسانه‌های وابسته به رژیم جمهوری اسلامی به وضوح بیشتری ترکیه را نام می‌برند و آن را به توطئه علیه رژیم ایران در سوریه متهم می‌کنند.

سخنان علی‌اکبر ولایتی مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی گویای همانچیزی بود که رهبرش تمایلی به بیان آن نداشت. مسیر تحولات منطقه‌ای پس از سقوط اسد باعث شد که رهبری جمهوری اسلامی احساس کند که هدف گرفته شدن یا شکست پروژه منطقه‌ای‌اش تنها به عقب‌نشینی آن به درون مرزهایش محدود نمی‌شود، بلکه به دنبال جایگزین کردن ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای بجای آن در منطقه است. این روند ممکن است فراتر از این برود و

## اسماعیل عبدی: جمهوری اسلامی نظارت سه گانه بر سیستم آموزشی دارد



«انجمن پژوهشگران ایران» کنفرانسی را از ۲۷ فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در پاریس در همکاری با «مرکز مطالعات حقوقی» دانشگاه سوربن برگزار کرد. در این کنفرانس سه روزه در ۱۲ نشست کارنامه ۴۵ ساله جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در دو نشست این کنفرانس که اولی به بررسی سیستم آموزشی در جمهوری اسلامی و دیگری به جنبش‌های مدنی در ایران اختصاص داشت، اسماعیل عبدی دبیر سابق «کانون صنفی معلمان» که پس از گذراندن ۸ سال و ۸ ماه زندان به خارج از کشور آمده نیز حضور داشت.

احمد رأفت در حاشیه این کنفرانس با اسماعیل عبدی گفتگویی انجام داده است.

## نقش مذهب و روحانیت در ایران پس از جمهوری اسلامی



«انجمن پژوهشگران ایران» کنفرانسی را از ۲۷ فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در پاریس در همکاری با «مرکز مطالعات حقوقی» دانشگاه سوربن برگزار کرد. در این کنفرانس سه روزه در ۱۲ نشست کارنامه ۴۵ ساله جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. یکی از این نشست‌ها به بررسی نقش مذهب در امروز و فردای ایران اختصاص داشت که در آن حسن فرشتیان، جلال ایجادی، آزاد فارسانی و حسام نوروزی حضور داشتند.

در حاشیه این نشست، احمد رأفت با حسن فرشتیان حقوقدان و پژوهشگر دینی در رابطه با نقش مذهب و روحانیت در ایران پس از جمهوری اسلامی گفتگویی انجام داده است.

## سیستم آموزشی در نظام‌های ایدئولوژیک



«انجمن پژوهشگران ایران» کنفرانسی را از ۲۷ فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در پاریس در همکاری با «مرکز مطالعات حقوقی» دانشگاه سوربن برگزار کرد. در این کنفرانس سه روزه در ۱۲ نشست کارنامه ۴۵ ساله جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین نشست‌های این کنفرانس به ایدئولوژیک بودن سیستم آموزشی در جمهوری اسلامی اختصاص داشت. در این نشست سعید پیوندی، ناهید حسینی، محمد ریگی درخشان، هومن رضوی و اسماعیل عبدی دبیر سابق «کانون صنفی معلمان» که به تازگی پس از تحمل بیش از ۸ سال زندان از کشور خارج شده است حضور داشتند.

احمد رأفت در حاشیه این نشست با سعید پیوندی جامعه‌شناس و مدیر مرکز تحقیقاتی لیزک (LISEC-Lor) در دانشگاه لورن فرانسه گفتگویی انجام داده است.



## برکناری‌ها و عدم قبول مذاکره با غرب؛ در ایران چه می‌گذرد؟



دیدار خامنه‌ای با پزشک‌ان و هیات دولت / شهریور ۱۴۰۳

تغییر کند، زیرا بر اساس این قانون، انتصاب ظریف به عنوان یکی از معاونان رئیس دولت نقض آشکار قانون محسوب می‌شود.

برکناری وزیر اقتصاد و معاون رئیس جمهور در امور استراتژیک نشان می‌دهد که اصولگرایان بطور کامل بر تمام ارکان دولت جمهوری اسلامی مسلط شده‌اند و قادرند کار آن را مختل کنند. سؤال این است که آیا رهبر رژیم اجازه می‌دهد که رئیس دولت اصلاح‌طلب که برای پاسخگویی به صحنه داخلی به قدرت رسیده، به کار خود ادامه دهد؟ رأی به پزشک‌ان اصلاح‌طلب، با یک مأموریت مشروع، به دلیل نیاز رژیم ایران که با شرایط منطقه‌ای و تهدیدات اسرائیل مواجه است، به یک رئیس جمهور اصلاح‌طلب صورت گرفت. آنهم در حالی که انتظار می‌رفت دونالد ترامپ جایگزین جو بایدن شود. به همین دلیل نظام ایران تلاش کرد تا پیش از آمدن ترامپ، یک رئیس جمهور و دولت اصلاح‌طلب را روی کار بیاورد. اما واقعیت داخلی نشان داد که اصولگرایان توانایی زیادی در مختل کردن کار دولت دارند.

با وجود اختلافات و عدم آزادی عمل اصلاح‌طلبان، می‌توان گفت که این وضعیت داخلی حامل پیام دیگری در مورد مسائل خارجی است، به ویژه در ارتباط با مذاکره با ترامپ و غرب درباره پرونده هسته‌ای.

نظام جمهوری اسلامی در ایران، با وجود تمایل به داشتن یک رئیس جمهور اصلاح‌طلب در برابر ترامپ اما احساس ضعف می‌کند پس تلاش دارد تا از موضع قدرت مذاکره کند. به همین دلیل، شاید هدف از فشارهای وارد شده به دولت پزشک‌ان و استعفا این باشد که این پیام را به واشنگتن منتقل کنند که باید اکنون و پیش از آنکه دولت اصلاح‌طلب از قدرت خارج و دولتی تندرو جایگزین آن شود، مذاکره کرد. به عبارت دیگر، رژیم ایران تلاش می‌کند با اعمال فشار بر دولت پزشک‌ان، موقعیت خود را در برابر غرب و اسرائیل تقویت کند، بجای اینکه تصویری از ضعف به دلیل فرسایش قدرت بازوهای نیابتی خود و قدرتمند شدن دولت راستگرای اسرائیل به نمایش بگذارد.

\*منبع: ایندپندنت عربی

\*نویسنده: هدی رؤوف

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● نظام جمهوری اسلامی در ایران، با وجود تمایل به داشتن یک رئیس جمهور اصلاح‌طلب در برابر ترامپ اما احساس ضعف می‌کند پس تلاش دارد تا از موضع قدرت مذاکره کند. به همین دلیل، شاید هدف از فشارهای وارد شده به دولت پزشک‌ان و استعفا این باشد که این پیام را به واشنگتن منتقل کنند که باید اکنون و پیش از آنکه دولت اصلاح‌طلب از قدرت خارج و دولتی تندرو جایگزین آن شود، مذاکره کرد.

هدی رؤوف (ایندپندنت عربی) - می‌توان گفت که وضعیت داخلی ایران حامل پیامی درباره مسائل خارجی به ویژه مذاکره با ترامپ درباره پرونده هسته‌ای است. برکناری‌ها و فشارهای وارده به سیاست به اصطلاح «وفاق» و «آشتی» میان دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرای رژیم، از سوی تندروها نشان می‌دهد، سیاستی که از سوی رهبر رژیم برای مصلحت نظام پیشنهاد شده بود، با موانعی روبروست. آشتی میان جناحین داخل رژیم شکست خورده و اکنون جریان اصلاح‌طلب می‌گوید که رئیس جمهورشان از زمان انتخاب اعضای کابینه خود با محدودیت‌هایی مواجه بوده است و بحران اقتصادی ایران را نمی‌توان تنها در شش ماه از روی کار آمدن دولت او حل کرد. آنها علت اصلی این بحران را تحریم‌ها و سیاست خارجی نظام می‌دانند.

طی هفته گذشته، ایران شاهد رخدادهای داخلی بسیاری بود که بی‌تردید پیامدهایی برای مسائل خارجی نیز داشت، به ویژه اینکه تهران می‌خواهد از موضع قدرت و نه ضعف با آمریکا مذاکره کند. پس این وقایع را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

چند روز پیش، عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد برکنار شد؛ مجلس شورای اسلامی که اکثریت آن را اصولگرایان تشکیل می‌دهند، با ۱۸۲ رأی موافق و ۸۹ رأی مخالف به عدم کفایت او رأی داد.

یک روز بعد، محمدجواد ظریف از سمت معاونت ریاست جمهوری در امور استراتژیک استعفا داد. اما در واقع، او برکنار شده زیرا رئیس قوه قضائیه از او خواست که برای کاهش فشارها و چالش‌های دولت استعفا دهد.

رخداد دیگر در این تحولات، سخنان مسعود پزشک‌ان رئیس دولت چهاردهم است که اعلام کرد قصد مذاکره با آمریکایی‌ها را داشته، اما با توجه به نظر رهبر نظام مبنی بر عدم مذاکره، چاره‌ای جز تبعیت از اوامر او ندارد.

این رویدادهای داخلی حامل پیام‌های بسیاری در سطح داخلی هستند. برکناری وزیر اقتصاد و پس از آن جواد ظریف و اکنون بحث بر سر استیضاح و برکناری وزرای نیرو و نفت، همگی نشان می‌دهد که بحران اقتصادی ایران تنها به مدیریت اقتصادی بازمی‌گردد، بلکه به سیاست‌های خارجی و تحریم‌ها نیز مرتبط است. اصلاح‌طلبان معتقدند که اصولگرایان اشتباه می‌کنند که فکر می‌کنند نرخ ارز تنها نتیجه مدیریت اقتصادی است و سیاست خارجی هیچ تأثیری بر آن ندارد.

در مورد ظریف، گفته می‌شود که دولت نه تنها به او کمک نکرده، بلکه او را تحت فشارهای سیاسی و رسانه‌ای نیز قرار داده، به‌ویژه در مورد مسئله تابعیت آمریکایی فرزندانش. ظریف انتظار داشت که «قانون مشاغل حساس»

مناطق دیگری در غرب آسیا را نیز دربر بگیرد که می‌تواند به عرصه درگیری بین تهران و آنکارا تبدیل شود. در برابر این تحولات و تغییرات، پذیرش معادلات جدید یا جایگزینی نقش ترکیه بجای نقش جمهوری اسلامی ایران در سوریه و گسترش آن به لبنان و فلسطین برای نظام ایران دشوار بود. از این رو، ناچار شد به مسیر دیگری روی آورد که ممکن است به مهار جاه‌طلبی‌های ترکیه کمک کند. این مسیر شامل بهره‌برداری از برخی نگرانی‌های عربی درباره رشد نقش آنکارا به عنوان یک پروژه نفوذ منطقه‌ای جایگزین به زیان منافع عربی و ایرانی است.

به همین دلیل می‌توان همکاری «حزب‌الله» متحد رژیم ایران در لبنان را در زمان انتخاب رئیس جمهوری ژوزف عون و سپس نخست‌وزیر نواف سلام و تسهیل مأموریت او در تشکیل دولت جدید، درک کرد. این همکاری شاید پیامی از سوی رژیم ایران به سعودی باشد تا با ریاض بطور مثبت در رسیدن به راه‌حلی برای اوضاع منطقه همکاری کند. بازگشت دیپلماسی فعال سعودی چه در سوریه و چه در لبنان می‌تواند تا حد زیادی راه را بر جاه‌طلبی‌های ترکیه که به دنبال تبدیل شدن به بازیگر اصلی منطقه بجای بازیگر عربی است ببندد و همچنین حلقه‌ای در مسیر تضعیف و محاصره نقش ایران خواهد بود.

اصرار حکومت ایران بر تعمیق و گسترش همکاری با عربستان در پرونده‌های منطقه‌ای و موضع مثبت عربستان در رد هرگونه تنش که ممکن است به درگیری نظامی بین تهران و ایالات متحده آمریکا تبدیل شود، لزوماً به این معنا نیست که رژیم ایران از تلاش برای بازسازی مواضع خود در سوریه دست بردارد. به ویژه اینکه مقامات نظامی «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» بارها برنامه‌های خود را برای بازگشت به سوریه در هر یک از سه سناریویی که برای آینده این کشور در نظر گرفته‌اند، اعلام کرده‌اند؛ چه در صورت حفظ وحدت کشور، چه در صورت تجزیه، یا در صورت ورود به مرحله‌ای از آشوب و درگیری‌های داخلی.

تمایل جمهوری اسلام برای بازگشت به سوریه و ترمیم نقش منطقه‌ای خود ممکن است دلیلی برای لحن تند وزیر خارجه ترکیه باشد که سیاست‌های آن را در سوریه «اشتباه» توصیف کرد و گفت که حمایت از یک طرف داخلی برای بی‌ثبات کردن سوریه سیاستی نادرست است.

او همچنین هشدار داد که دیگر طرفین، با اشاره به ترکیه که دارای گروه‌ها و اهرم‌های نفوذی نیز هست، می‌توانند نقش مشابهی در بی‌ثبات کردن اوضاع داخلی ایران ایفا کنند.

مواضع تند آنکارا و توصیف نظام ایران به عنوان ساکن خانه‌ای شیشه‌ای که نباید به دیگران سنگ پرتاب کند، وزارت خارجه جمهوری اسلامی را واداشت که این اظهارات را «خنجر از پشت» و گستاخانه توصیف کند. تهران معتقد است که آنکارا تمامی تفاهات موجود بین دو کشور و همچنین «مسیر آستانه» را نادیده گرفته است. با این مواضع تند و تشدید تنش‌ها، به نظر نمی‌رسد که این وضعیت به سطح رویارویی و قطع روابط برسد، به ویژه از سوی ایران که از اهمیت روابط اقتصادی و حتی سیاسی خود با ترکیه در منطقه غرب آسیا آگاه است. شرایط فعلی که رژیم ایران با آن مواجه است به ویژه انزوایی که پس از شکست‌های پی در پی در خاورمیانه به آن تحمیل شده، تهران را مجبور می‌کند که قبل از اتخاذ هرگونه تنش‌آفرینی یا مواضع تشدیدکننده با هریک از کشورهای همسایه، بسیار محتاط باشد.

\*منبع: ایندپندنت عربی

\*نویسنده: حسن فصیح

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## کره شمالی خاورمیانه یا ایران آزاد؛ انتخاب با شماست!

● در عمل اینکه برای سال آینده چه میزان افزایش حقوق در نظر گرفته می‌شود، اساساً فاقد اهمیت است چرا که یا با تورم این افزایش ناچیز نیز مستهلک می‌شود یا با تداوم برنامه‌های رژیم اصلاً کالایی برای خرید در بازار یافت نخواهد شد! جمهوری اسلامی با سرعت هرچه تمام‌تر کشور را به سمت کره شمالی شدن پیش می‌برد!

● اگر در نظر بگیریم که بسیاری از خانوارهای ایرانی تنها یک نان‌آور دارند، می‌توان نتیجه گرفت که بخش بزرگی از خانواده‌های کارگری و حتی بخش‌هایی از طبقه متوسط نیز زیر خط فقر مطلق قرار می‌گیرند. این موضوع بطور کلی جدا از میزان افزایش حقوق سالانه‌ی کارگران و کارمندان، مادامی که مشکل اصلی، یعنی جمهوری اسلامی بر سر کار باشد، ادامه خواهد داشت.

● عمدتاً گرانی کالا به معنی قحطی و کمبود نیست، بلکه سطوح دسترسی را کاهش می‌دهد. آنچه بسیار حائز اهمیت است، عدم توان یا اراده برای تهیه کالا به قدر کفایت است، فارغ از بهای تمام شده یا عرضه شده آن. استراتژی رژیم خامنه‌ای، زدن از سر و ته ذخایر استراتژیک و اعمال فشار بر عرضه است، تا سرانه مصرف مردم را با توسل به افزایش قیمت‌ها کاهش دهند.



دسترس‌ی دارند.

اصلاً کالایی برای خرید در بازار یافت نخواهد شد! جمهوری اسلامی با سرعت هرچه تمام‌تر کشور را به سمت کره شمالی شدن پیش می‌برد!

این در حالیست که می‌دانیم جمهوری اسلامی ید طولایی در دستکاری آمار و اطلاعات و عدساز به نفع خودش دارد. اما به قول شاهزاده رضا پهلوی «آش آنقدر شور است» که نمی‌شود بیش از این لاپوشانی کرد! دولت‌ها فارغ از اینکه به کدام جناح وابسته باشند و چه کارگزاری در خدمت داشته باشند، بدون در نظر گرفتن منافع ملی و خطرات ناشی از بروز کمبود مواد غذایی به صورت روزمره گذران امور می‌کنند. برنامه جامعی برای تامین نیازهای مردم وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، سیستم فاسد جمهوری اسلامی به سرعت تمام برنامه را از صدر تا ذیل آن در جهت منافع خود، شخصی‌سازی کرده، تا امکان سوء استفاده مالی عوامل‌اش فراهم گردد.

اگر در نظر بگیریم که بسیاری از خانوارهای ایرانی تنها یک نان‌آور دارند، می‌توان نتیجه گرفت که بخش بزرگی از خانواده‌های کارگری و حتی بخش‌هایی از طبقه متوسط نیز زیر خط فقر مطلق قرار می‌گیرند. این موضوع بطور کلی جدا از میزان افزایش حقوق سالانه‌ی کارگران و کارمندان، مادامی که مشکل اصلی، یعنی جمهوری اسلامی بر سر کار باشد، ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر، کارگرانی که حداقل حقوق را دریافت می‌کنند، برای تامین نیازهای اساسی زندگی، از جمله مسکن، خوراک، آموزش، و بهداشت، با کسری جدی درآمد مواجه خواهند شد. این مسئله نشان‌دهنده فاصله شدید میان سطح درآمد و هزینه‌های معیشتی در ایران است که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر رفاه اجتماعی، امنیت غذایی و همچنین پایداری اقتصادی کشور داشته باشد.

### مفهوم کالاهای اساسی در ایران

کالاهای اساسی به اقلامی اطلاق می‌شود که تامین آنها برای حفظ امنیت غذایی، معیشتی و اقتصادی کشور ضروری است. این کالاها معمولاً شامل مواد غذایی،

۲- **دسترس‌پذیری:** اطمینان از اینکه غذا بطور منظم و قابل پیش‌بینی در دسترس است.

۲- **امکان استفاده:** امکانات و توانمندی افراد در استفاده صحیح از غذا بطور مؤثر به دلیل سلامت، تغذیه و دانش در زمینه تغذیه

۴- **ثبات:** اطمینان از اینکه دسترسی به غذا در طول زمان پایدار است، حتی در دوران بحران‌ها.

دسترس‌ی یعنی اینکه آیا افراد امکان مالی برای تهیه مواد غذایی کافی، مغذی و سالم دارند یا نه؟ برای این امر بد نیست با مفهوم فقر آشنا شویم.

**تعریف فقر:** فقر به وضعیتی گفته می‌شود که افراد یا خانوارها توانایی تامین نیازهای اساسی زندگی مانند خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش را نداشته باشند. فقر می‌تواند مطلق یا نسبی باشد.

**فقر مطلق:** به شرایطی گفته می‌شود که فرد حداقل‌های مورد نیاز برای بقا، مانند تغذیه کافی، سرپناه، و خدمات بهداشتی اولیه را ندارد. سازمان ملل و بانک جهانی معمولاً خط فقر مطلق را بر اساس درآمد روزانه کمتر از یک میزان مشخص (بر اساس درآمد روزانه برای کشورهای مختلف) تعیین می‌کنند.

**فقر نسبی:** زمانی که درآمد فرد یا خانوار کمتر از میانگین درآمد جامعه باشد و فرد نتواند به امکانات رفاهی متناسب با استانداردهای اجتماعی دسترسی داشته باشد، دچار فقر نسبی است. این نوع فقر معمولاً در جوامع توسعه‌یافته مطرح می‌شود.

با توجه به آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اینکه خط فقر در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۰ میلیون تومان برآورد شده و حداقل حقوق ماهانه کارگران ۷ میلیون و ۱۶۶ هزار تومان تعیین شده، مشخص است که حداقل حقوق تنها حدود ۳۵ درصد از خط فقر را پوشش می‌دهد. حال برای سال آینده چه میزان افزایش حقوق در نظر گرفته می‌شود، اساساً فاقد اهمیت است چرا که یا با تورم این افزایش ناچیز نیز مستهلک می‌شود یا با تداوم برنامه‌های رژیم

بیژن نامدار - با وضعیتی که در بازار مواد غذایی ایران مشاهده می‌شود، کمبود گسترده کالاهای اساسی، عدم تخصیص ارز برای واردات و خالی بودن گمرکات از این کالاها و گرانی افسارگسیخته، آنهم پیش از سفت شدن کمر بند تحریم‌های ایالات متحده و کشورهای غربی، سرعت تبدیل شدن به کره شمالی به قدری بالا رفته که بعید نیست صداسویمی جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن مقدرات کشور (نبود گاز و برق و مواد غذایی کافی) شروع به تبلیغ خام‌خواری اسلامی هم بکنند!

شاهزاده رضا پهلوی معتقد است: «... آش بی‌کفایتی جمهوری اسلامی چندان شور شده که اعضای دولت دست‌نشانده و فاسد پزشک‌یان تنها شش ماه پس از چیده شدن از سوی خامنه‌ای، یکی بعد از دیگری کنار گذاشته می‌شوند... اینها همه از نشانه‌های بحران عدم مقبولیت و شکاف روزافزون در رژیم‌ی است که راه حلی برای مشکلات ملت ایران ندارد. این بازی‌ها اما واقعیت تلخ زندگی روزانه مردم را که تورم شدید، فقر و بیکاری، خاموشی و سرما، و کاهش ارزش پول ملی‌ست، تغییر نمی‌دهد... وضعیت فاجعه‌بار کنونی، دست‌آورد کلیت نظام اسلامی است و نه این جناح و آن جناح آن.»

واقعیت این است که کثیری از مردم ایران حتی توان تهیه ملزومات پخت آش را هم ندارند! اما چه حقیقت پنهانی وجود دارد که وی را به چنین جمع‌بندی رسانده و چه باید کرد؟

در مقوله امنیت غذایی، برای یافتن پاسخ باید ابتدا به سراغ برخی تعاریف جامع در این خصوص رفت و سپس برخی آمار و ارقام را مرور کرد.

**تعریف امنیت غذایی:** امنیت غذایی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن افراد در هر زمان به غذای کافی، مغذی و سالم دسترسی دارند تا نیازهای تغذیه‌ای و علائق غذایی خود را بطور مؤثر تامین کنند و زندگی سالم و فعال داشته باشند. این مفهوم شامل چهار بعد اصلی است:

۱- **دسترس‌ی:** اطمینان از اینکه افراد به منابع غذایی کافی



دارو، سوخت و کالاهای مصرفی پایه هستند که برای زندگی روزمره انسان ضروری به حساب می‌آیند و در صورت کمبود یا بحران در تأمین آنها، مشکلات جدی برای جامعه و اقتصاد به وجود می‌آید.

در ایران، تولید و توزیع بسیاری از کالاهای اساسی اغلب تحت نظارت دولت قرار دارد. این کالاهای معمولاً شامل موارد زیر هستند:

**مواد غذایی اساسی:** مانند برنج، گندم، آرد، روغن نباتی، شکر، تخم‌مرغ، شیر و فرآورده‌های لبنی، حبوبات و گوشت (قرمز و مرغ)

**سوخت:** مانند بنزین، گازوئیل و گاز طبیعی که برای تأمین انرژی در بخش‌های مختلف صنعت، حمل و نقل و گرمایش ضروری است.

**دارو:** داروهای مورد نیاز برای درمان بیماری‌ها و بهداشت عمومی، از جمله داروهای ضروری در درمان بیماری‌های مزمن و حاد

### ذخیره استراتژیک

مدت ذخیره مواد غذایی استراتژیک بستگی به سیاست‌های حاکم بر کشور، نیازهای جمعیتی، و نوع بحران‌های موجود و احتمالی دارد. در ایران، معمولاً ذخایر استراتژیک مواد غذایی به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که برای ۳ تا ۶ ماه نیازهای اساسی جمعیت را تأمین کند. این ذخایر به ویژه در شرایط بحرانی یا تحریم‌ها، می‌توانند برای جلوگیری از کمبود و افزایش قیمت‌ها نقش حیاتی ایفا کنند.

در برنامه‌ریزی ذخیره مواد غذایی، موارد زیر مد نظر قرار می‌گیرد:

۱- **مقدار مورد نیاز:** بر اساس جمعیت کشور و الگوهای مصرف مواد غذایی تعیین می‌شود.

۲- **نوع مواد غذایی:** اقلامی که دارای عمر ذخیره طولانی هستند و در صورت لزوم به راحتی نگهداری می‌شوند، مانند گندم، برنج، روغن نباتی، شکر، حبوبات و غیره.

۳- **وضعیت بازار و واردات:** در صورتی که کشور وابسته به واردات مواد غذایی باشد، ذخایر به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که در صورت بروز مشکلات در واردات، به مدت مشخصی نیازهای داخلی تأمین شود.

ایران تحت اشغال جمهوری اسلامی بیش از ۵۰ درصد کالاهای اساسی خود را از محل واردات تأمین می‌کند که در بخش کالاهای اساسی خوراکی این وابستگی واردات بطور میانگین، بیش از ۷۰ درصد است. برای بحث و بررسی بیشتر، کسری گسترده در تأمین کالاهای اساسی خانوار در بخش خوراکی‌ها، در جدول زیر به نمایش درآمده است. کسری شدید در کالاهایی که کسش قیمتی زیادی ندارند مانند روغن‌های خوراکی با کمبود شدید واردات به دلیل نبود منابع ارزی لازم برای خرید کالا و خالی شدن تدریجی ذخایر استراتژیک زنگ خطر جدی برای مردم ایران است.

همانطور که مشاهده می‌شود از ۱۹ قلم کالایی، ۱۷ قلم دارای کسری در واردات است، ۳ میلیارد دلار تخصیص کمتر دلار برای واردات، وضعیت وخیم جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. آنهم برای خوراک مردم، و مشخص نیست حاکمیت با چه تفکری، در این شرایط وخیم برای مردم خود، همچنان میلیاردها دلار به حزب‌الله لبنان و شورشیان سوری، حوثی و فلسطینی بذل و بخشش می‌کند!

**کمبود مواد غذایی اساسی** که مستقیماً می‌تواند باعث قحطی شود، عمدتاً شامل اقلامی است که برای تأمین امنیت غذایی و بقا ضروری هستند. این کالاهای معمولاً شامل مواد غذایی با ارزش تغذیه‌ای بالا و ضروری برای رشد، سلامت و

بقای انسان‌ها هستند. برخی از مهم‌ترین این کالاهای عبارتند از:

۱- **گندم:** گندم به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع کربوهیدراتی و غذای پایه در بسیاری از کشورها از جمله ایران، در صورت کمبود می‌تواند تأثیرات جدی بر امنیت غذایی و وضعیت اقتصادی کشور بگذارد. گندم جزء اصلی بسیاری از نان‌ها و محصولات غذایی است و کمبود آن می‌تواند به سرعت منجر به افزایش قیمت‌ها و ایجاد بحران غذایی شود چرا که ۴۰ درصد تأمین انرژی غذایی ایرانیان را تشکیل می‌دهد.

۲- **برنج:** در برخی کشورها مانند ایران، برنج جزو اصلی غذای روزانه مردم است. کمبود برنج می‌تواند به ویژه در مناطق پرجمعیت بحران غذایی ایجاد کند. سهم برنج در تأمین انرژی غذایی مردم ایران حدود ۳۰ درصد برآورد می‌شود و پس از گندم، دومین منبع اصلی تأمین کالری در ایران است.

۳- **شکر:** شکر به عنوان یک کالای مهم در تأمین انرژی و در تولید محصولات غذایی مصرفی، در صورت کمبود می‌تواند باعث کاهش تنوع غذایی و ناتوانی در تأمین انرژی مورد نیاز روزانه شود.

۴- **روغن نباتی:** روغن نباتی یکی از منابع اصلی چربی‌ها و اسیدهای چرب ضروری است. کمبود روغن نباتی می‌تواند منجر به مشکلات تغذیه‌ای و کمبود چربی‌های ضروری برای سلامت بدن شود.

۵- **حبوبات و پروتئین حیوانی (گوشت، تخم‌مرغ):** کمبود منابع پروتئینی می‌تواند به مشکلات جدی در تأمین مواد مغذی ضروری برای بدن انسان‌ها منجر شود. کمبود پروتئین در رژیم غذایی می‌تواند باعث اختلالات جدی در رشد و سلامت بدن شود. در شرایطی که افزایش قیمت گوشت قرمز و سفید آن را عملاً به کالایی لوکس برای اکثریت مردم بدل کرده، قیمت‌های لگام گسیخته حبوبات که از آنها به پروتئین فقرا یاد می‌شود نیز دسترسی به این منبع پروتئینی را برای تنگدستان نیز مختل کرده است. عمده‌ترین حبوبات مصرفی در ایران به ترتیب عبارتند از: عدس، لوبیا چیتی، نخود، لپه و لوبیا قرمز.

بطور کلی، کمبود هرکدام از این کالاهای اساسی می‌تواند مستقیماً بر زنجیره تأمین غذا، تأثیر بگذارد و موجب بحران‌های غذایی و در نهایت قحطی شود. از این رو، حفظ ذخایر استراتژیک و مدیریت منابع غذایی برای پیشگیری از چنین بحران‌هایی بسیار مهم است.

اما نگاه ما در این یادداشت، کمتر معطوف به گرانی کالا است چرا که عمدتاً گرانی کالا به معنی قحطی و کمبود نیست، بلکه سطوح دسترسی را کاهش می‌دهد. آنچه بسیار حائز اهمیت است، عدم توان یا اراده برای تهیه کالا به قدر کفایت است، فارغ از بهای تمام شده یا عرضه شده آن.

به عبارتی دیگر آمار و شواهدی که از گمرک ایران به دست آمده است نشان می‌دهد که رژیم در حالی در تأمین کالاهای اساسی به مشکل برخورد کرده است که هنوز کمربندهای تحریمی دولت ترامپ محکم نشده و درآمدهای نفتی ایران به کاهش جدی نرسیده است. اما به مرور زمان و با شروع فصل بهار و شدیدتر شد تحریم‌ها و در صورت عدم توافق با غرب و به کار افتادن مکانیزم ماشه، کار را برای تأمین نیازمندی‌های اساسی مردم عملاً با این ساختار فاسد حکومتی غیرممکن خواهد کرد.

در حالی که هر روز شاهد خروج شرکت‌های بین‌المللی از بازار ایران هستیم، زنگ خطر کمبود گسترده مواد غذایی در ایران به صدا درآمده چرا که در این وضعیت حتی از شرایط نفت در برابر غذا هم خارج خواهیم شد!

خروج شرکت صافولا از صنعت روغن خوراکی تأثیر سوء

خود را بر بازار روغن نباتی گذاشته، چرا که این شرکت در سالیان اخیر از منابع بین‌المللی خود، برای تأمین روغن مورد نیاز کارخانه‌اش در ایران استفاده می‌کرد و چندان درگیر تأمین و نقل و انتقالات ارزی نمی‌شد. با خروج این شرکت و گسترش نفوذ «خانواده مدل» که اکنون مالک بلامنازع بازار خوراک دام، دانه‌های روغنی و روغن خوراکی ایران محسوب می‌شوند، کمبودها بیشتر عیان شده است چرا که دست بلند اینان در جیب بانک مرکزی است و بازارهای تجارت خارجی بزرگی برای تبادل ارز ندارند و متکی بر تأمین ارز حکومت هستند. اخیراً انجمن صنفی صنایع روغن نباتی (که آن نیز تحت سیطره همین خانواده است) اعلام کرد، واردات روغن خام بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته و با وجود افزایش ۳۵ درصدی قیمت روغن، قیمت مصرف‌کننده تنها ۱۷ درصد افزایش داشته است. پیامی به دولت برای افزایش قیمت، چرا که واردات از نظر آنها، توجیه خود را از دست داده است.

در حالی که چند روز قبل پزشکبان از موافقت خامنه‌ای با تخصیص ۱ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برای واردات کالاهای اساسی خبر داد، بر اساس اطلاعات موجود، مشخص است که دست‌کم ۳ میلیارد دلار منابع برای جبران کسر واردات و کمبود کالا لازم است!

جالب است بدانیم که کمبود و نبود برخی کالاهای تأثیرات تقریباً بلندمدت در تعادل بازار می‌گذارد چرا که روند تأمین آنها نیز بر فرض تأمین ارز، زمانبر است. ضمناً فرآیند تولید نیز مزید بر علت می‌گردد.

از سوی دیگر، کسری واردات ۶۱ درصدی گندم به وضوح می‌تواند امنیت غذایی را به مخاطرات جدی بیافکند. در حالی که این کاهش تأمین، از سال قبل شروع شده است. بر اساس اطلاعات موجود، واردات برخی از کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ نیز کاهش یافته است. به عنوان مثال:

- **گندم:** واردات گندم در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ با کاهش ۴/۵۰ درصدی مواجه بوده است.
- **برنج:** واردات برنج نیز در همین دوره با کاهش ۶/۴۲ درصدی روبرو بوده است.
- **دانه سویا:** این کالای اساسی نیز با کاهش ۳/۲۴ درصدی در واردات مواجه بوده است.

توجیه افزایش تولید نیز با توجه به میزان مصرف داخلی و نیاز به تکمیل ذخایر استراتژیک، بیهوده است.

بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۱۴۰۳ نیز شاهد تداوم این کاهش در واردات هستیم. قدر مسلم، استراتژی رژیم خامنه‌ای، زدن از سر و ته ذخایر استراتژیک و اعمال فشار بر عرضه است، تا سرانه مصرف مردم را با توسل به افزایش قیمت‌ها کاهش دهند. یعنی به قیمت به مخاطره افتادن سلامت و امنیت غذایی جامعه، بدون توجه به تأثیرات درازمدت این فقر غذایی، بر رشد و نمو کودکان و نوجوانان و سلامت تمام مردم ایران، علاوه بر منابع طبیعی، اینبار، از سفره فقیرانه ملت هم برداشت کرده تا به کام «ملت مظلوم» لبنان و فلسطین و سوریه و یمن بریزند!

حکومت انیرانی؛ تمام هم و غم خود را برای نابودی ایران و ایرانی به کار بسته و همانطور که شاهزاده رضا پهلوی گفته است، پنجره فرصت برای همیشه باز نیست. مردم نباید به انتظار دیگران باشند و خودشان می‌بایست دست به کار برچیدن بساط این حکومت بی‌کفایت و خونریز باشند تا پیش از این خود و نسل‌های آینده را در معرض خطرات ناشی از تداوم اشغال ایران توسط جمهوری اسلامی قرار ندهند.

و در نهایت انتخاب با مردم ایران است: می‌خواهند در کره شمالی خاورمیانه زندگی کنند یا در ایران آزاد؟

## نشست غیرعلنی شورای امنیت درباره تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی؛ احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» جدی تر شد



صحن شورای امنیت / عکس: رویترز

در سازمان ملل، آمریکا را متهم کرد که به دنبال استفاده از شورای امنیت این سازمان برای تشدید جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است.

او اظهار داشت، «این نشست را به منزله مداخله‌ای غیرموجه در روند تعامل سازنده و جاری میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلقی می‌کنیم. این اقدام تنها یک هدف دارد؛ تداوم سیاست شکست‌خورده و غیرقانونی فشار حداکثری علیه ایران.»

نشست شورای امنیت ساعاتی پس از آن برگزار شد که انور قرقاش مشاور دیپلماتیک رئیس کشور امارات عربی متحده به تهران رفت و نامه دونالد ترامپ را به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تحویل داد اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای سومین بار طی یک ماه گذشته تأکید کرد که با آمریکا مذاکره نخواهد شد.

جلسه مربوط به برنامه اتمی در ایران به درخواست شش عضو از پانزده عضو شورای امنیت برگزار شد. کشورهای درخواست‌کننده برگزاری جلسه شامل آمریکا، فرانسه، یونان، پاناما، کره جنوبی و بریتانیا بودند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی هشتم آذرماه ۱۴۰۳ تهدید کرده بود، «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

برخی منابع حکومتی در ایران مدعی شدند که در صورت ادامه فشارها یکی از گزینه‌ها خروج ایران از NPT است.

اینهمه در شرایطی است که گفته می‌شود اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی آماده می‌کند.

خواهیم داد که در صورت نیاز شامل استفاده از مکانیسم ماشه نیز می‌شود.»

نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد طی بیانه‌ای در مورد افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران با غلظت نزدیک به درجه تسلیحاتی گفت، «ترامپ روشن کرده است برنامه هسته‌ای [حکومت] ایران تهدیدی است علیه صلح و امنیت جهانی، که شورای امنیت مسئول حفاظت از آن است.»

در این بیانه آمده است «همانطور که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داده است، تهران به سرعت به افزایش تولید اورانیوم با غلظت بالا ادامه می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران همچنین تنها دولت جهان است که بدون تسلیحات هسته‌ای، اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا تولید می‌کند که هیچ توجیه معتبر غیرنظامی ندارد.»

در بخش دیگری از این بیانه تأکید شد، «علاوه بر این، [حکومت] ایران به سرپیچی آشکار از شورای امنیت، نقض تعهدات پادمانی آژانس و نادیده گرفتن نگرانی‌های واضح شورا و جامعه بین‌المللی، ادامه می‌دهد. شورا باید در رسیدگی و محکومیت این رفتار گستاخانه، صریح و متحد باشد.»

نمایندگی آمریکا در پایان تأکید کرده است که ایالات متحده به اجرای کامل استراتژی «فشار حداکثری» به جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد و دسترسی حکومت ایران به سلاح اتمی را مسدود و رژیم را از منابع مورد استفاده برای پیشبرد فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده در سراسر جهان محروم خواهد ساخت.

از سوی دیگر امیرسعید ابروانی نمایندگی جمهوری اسلامی

اعضای شورای امنیت سازمان ملل چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ درباره افزایش حجم ذخایر اورانیوم ممنوعه در ایران (نزدیک به درجه تسلیحاتی) نشست غیرعلنی برگزار کردند.

نماینده بریتانیا در این جلسه هشدار داد در صورت لزوم «مکانیسم ماشه» فعال می‌شود و تمام تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی بازگردانده می‌شود.

نمایندگی آمریکا در بیانه‌ای اعلام کرد «[حکومت] ایران به سرپیچی آشکار از شورای امنیت، نقض تعهدات پادمانی آژانس و نادیده گرفتن نگرانی‌های واضح شورا و جامعه بین‌المللی ادامه می‌دهد. شورا باید در رسیدگی و محکومیت این رفتار گستاخانه، صریح و متحد باشد.»

امیرسعید ابروانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل گفت: «این نشست را به منزله مداخله‌ای غیرموجه در روند تعامل سازنده و جاری میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلقی می‌کنیم.»

نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد افزایش ذخیره اورانیوم غنی شده در ایران پنجشنبه شب ۱۲ مارس (۲۲ اسفندماه) پشت درهای بسته برگزار شد.

در این نشست بریتانیا هشدار داد در صورت لزوم، تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی را برای جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای فعال خواهد کرد.

به گزارش رویترز، جیمز کارویکی معاون نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد به خبرنگاران گفت: «ما روشن اعلام کردیم که هر اقدام دیپلماتیک لازم را برای جلوگیری از دستیابی [جمهوری اسلامی] ایران به سلاح هسته‌ای انجام



## وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ: حکومت ایران را دوباره ورشکسته می‌کنیم

● وزیر خزانه‌داری آمریکا طی سخنرانی در «باشگاه اقتصادی نیویورک» با تأکید بر اجرای کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی تهدید کرد، دسترسی تهران به سیستم مالی بین‌المللی قطع خواهد شد و «رژیم را دوباره ورشکسته می‌کنیم».

● اسکات بسنت ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) در یک سخنرانی عنوان کرد، «ما قصد داریم بخش نفت ایران و توانایی تولید پهنادهایش را تعطیل کنیم».

● او همچنین هشدار داد: «جمهوری اسلامی دیگر نه امنیت اقتصادی خواهد داشت و نه امنیت ملی».

● بسنت با اشاره به اینکه هدف «ضعیف‌تر» کردن اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی است، گفت: «اگر من جای ایرانی‌ها بودم، همین حالا تمام سرمایه‌ام را تبدیل به ارز می‌کردم».

دولت ترامپ به دنبال فروپاشی اقتصادی ایران از طریق مسدود کردن کانال‌های تجاری و مالی و تعطیل کردن صنعت نفت جمهوری اسلامی است.

به گزارش سی‌ان‌بی‌سی، وزیر خزانه‌داری آمریکا طی سخنرانی در «باشگاه اقتصادی نیویورک» با تأکید بر اجرای کارزار «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی تهدید کرد، دسترسی تهران به سیستم مالی بین‌المللی قطع خواهد شد و «رژیم را دوباره ورشکسته می‌کنیم».

اسکات بسنت ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) در یک سخنرانی عنوان کرد، «ما قصد داریم بخش نفت ایران و توانایی تولید پهنادهایش را تعطیل کنیم».

او همچنین هشدار داد: «جمهوری اسلامی دیگر نه امنیت اقتصادی خواهد داشت و نه امنیت ملی».

بسنت با اشاره به اینکه هدف «ضعیف‌تر» کردن اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی است، گفت: «اگر من جای ایرانی‌ها بودم، همین حالا تمام سرمایه‌ام را تبدیل به ارز می‌کردم».

بر اساس گفته‌های این مقام آمریکایی یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت ترامپ جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به درآمدهای فروش نفت است که از آن برای پشتیبانی از تروریسم و توسعه اتمی استفاده می‌کند. او افزود، هر جا که اقدامات یک کشور دیگر به اقتصاد و مردم ما آسیب بزند، ایالات متحده پاسخ خواهد داد، این سیاست تجاری «اول آمریکا» است.

ساعاتی پیش از سخنرانی وزیر خزانه‌داری آمریکا، گزارش شد دولت دونالد ترامپ در حال بررسی طرحی برای متوقف کردن و بازرسی نفتکش‌های جمهوری اسلامی در دریا تحت یک توافق بین‌المللی با هدف مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی پیش از این در جریان جلسه استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد در مجلس شورای اسلامی اعتراف کرد: «قانون ترامپ کلی از کشتی‌های ما را در دریا تحریم کرد، نمی‌دانند محموله را چگونه تخلیه کنند».

## درخواست نایاک از ترامپ:

## برای خامنه‌ای طوری شرط بگذار که بتواند بپذیرد!



جمال عبدی مسئول نایاک

● جمال عبدی رئیس شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک) با انتشار بیانیه‌ای گفته که محتوای نامه دونالد ترامپ به [رژیم] ایران مهم است و از رئیس جمهور آمریکا تقاضا کرده است: شروطی برای خامنه‌ای بگذار که او بتواند بپذیرد!

● در این بیانیه که ۷ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفندماه) منتشر شده، آمده است که نامه ترامپ به خامنه‌ای «حاکمی از علاقه وی به توافق است... اما آنچه مهم است، محتوای آن نامه است... [ترامپ] باید به [رژیم] ایران پیشنهادی برای مذاکره تحت شرایطی بدهد که بتواند بپذیرد، نه اینکه به دنبال اطمینان از این باشد که [جمهوری اسلامی] ایران نمی‌تواند آن را رد کند».

● جمال عبدی با انتقاد از سیاست «فشار حداکثری» در دولت دوم ترامپ علیه جمهوری اسلامی گفته سیاست فعلی دونالد ترامپ برای فشار حداکثری و «اهدافی فراتر از پرونده هسته‌ای» و «اشاره به تهدید نیروی نظامی» شانس موفقیت مذاکرات را تضعیف کرده است.

جمال عبدی رئیس شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک) با انتشار بیانیه‌ای ضمن اشاره به اینکه محتوای نامه دونالد ترامپ به [رژیم] ایران مهم است، از رئیس جمهور آمریکا تقاضا کرده: شروطی برای خامنه‌ای بگذار که او بتواند بپذیرد!

در این بیانیه که ۷ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفندماه) منتشر شد، آمده است که نامه ترامپ به خامنه‌ای «حاکمی از علاقه وی به توافق است... اما آنچه مهم است، محتوای آن نامه است... [ترامپ] باید به [رژیم] ایران پیشنهادی برای مذاکره تحت شرایطی بدهد که بتواند بپذیرد، نه اینکه به دنبال اطمینان از این باشد که [جمهوری اسلامی] ایران نمی‌تواند آن را رد کند».

نایاک گفته، «ما از ترامپ به خاطر پیگیری دیپلماسی با ایران برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و یک جنگ فاجعه‌بار و قابل اجتناب قدرانی می‌کنیم. با این حال، باید دید که آیا شخصیت‌هایی که هم در دولت ترامپ و هم در تهران به دنبال درگیری هستند، فرصت برای صلح را تخریب می‌کنند یا نه».

جمال عبدی در ادامه نوشت: «مایک پمپئو و جان بولتون با سیاست‌های تحریک‌آمیز و خواسته‌های غیرواقع‌بینانه در دور اول ریاست جمهوری ترامپ اقدام کردند تا اطمینان حاصل کنند که ترامپ هرگز پای میز مذاکره با ایران نمی‌رود و زمان نشان خواهد داد که آیا نتوکان‌ها (نومحافظه‌کاران) بار دیگر تلاش‌های دیپلماتیک را ناکام خواهند گذاشت».

او با انتقاد از سیاست «فشار حداکثری» در دولت دوم ترامپ علیه جمهوری اسلامی تأکید کرده است، «این موضوع نباید هیچگاه مطرح می‌شود، به‌ویژه قبل از آنکه تلاش‌های دیپلماتیک بررسی شود».

عبدی گفته سیاست فعلی دونالد ترامپ و برای فشار حداکثری و «اهدافی فراتر از پرونده هسته‌ای» و «اشاره به تهدید نیروی نظامی» شانس موفقیت مذاکرات را تضعیف کرده است.

او همچنین پیشنهاد داده است، «درخواست شخصی رئیس جمهوری آمریکا می‌تواند تأثیرگذار باشد، به شرط

آنکه لحن مناسبی داشته باشد و همراه با اقداماتی باشد که نشان دهد او آماده و قادر به مذاکره است. ترامپ باید به مذاکره با [رژیم] ایران متعهد ماند و اطمینان حاصل کند که دولت او در حال پیاده ساختن دیدگاه‌های او برای رسیدن به میز مذاکره است».

نایاک همچنین ادعا کرد که اگر فراهم کردن همه شرایط بطور کامل به منظور انجام مذاکرات نباشد، «پنجره مذاکرات به احتمال زیاد بسته می‌شود» و خطرات به شدت افزایش می‌یابد که به ضرر همه است.

مواضع نایاک همسو با مواضع وزارت خارجه جمهوری اسلامی است. عباس عراقچی وزیر خارجه رژیم نیز تأکید کرد که «تحت فشار حداکثری با آمریکا مذاکره مستقیم نمی‌کنیم» و «مقاومت می‌کنیم».

سه سناتور جمهوریخواه آمریکا، تام کاتن نماینده آرکانزاس، تد کرو از ایالت تگزاس و مایک براون از ایالت ایندیانا، دی‌ماه سال ۱۳۹۸ با ارسال نامه‌ای به رئیس دادگستری آمریکا خواستار رسیدگی به پرونده شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایاک) شده بودند. آنها در نامه خود «نایاک» را به عنوان بلندگوی تبلیغاتی رژیم ایران در آمریکا ارزیابی کرده بودند.

در تهران فشار روی حکومت و شخص خامنه‌ای برای مذاکره با آمریکا بسیار زیاد است با اینهمه روزنامه کیهان چاپ تهران در مقاله‌ای که ۱۷ اسفندماه منتشر شد نوشته است «پیشنهاد ترامپ برای مذاکره بیش از هر چیز عملیات فریب برای حرکات بعدی دولت آمریکا است».

کیهان تهران همچنین می‌نویسد ترامپ می‌داند که خامنه‌ای مذاکره را رد کرده اما برای «تأثیرگذاری در افکار عمومی به‌خصوص افکار عمومی ایران» و «ایجاد نارضایتی در داخل» و اجبار مسئولان کشور به عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا به واسطه فشار افکار عمومی» تلاش می‌کند.

بر اساس آنچه از اظهار نظر مقام‌های جمهوری اسلامی قابل برداشت است ترامپ برای معامله با حکومت به دنبال «خلع سلاح» آن است. ترامپ هشدار داده و گزینه گزینه بعدی مباران و جنگ خواهد بود. مقامات نظام البته ادعا می‌کنند که برای مقابله با هر گزینه‌ای آمادگی دارند!

## اتحادیه آزاد کارگران خواستار «اعتصابات سراسری» شد؛ مقاومت دولت پزشکیان در برابر افزایش عادلانه دستمزد



غیرحداقل‌بگیرها، تحت عنوان «سایر سطوح مزدی» و گسترش شرکت‌های پیمانکاری با هدف پرداخت مزد کمتر به کارگران در صنایع مهمی چون نفت و گاز و پتروشیمی و مخابرات و... زندگی این بخش از کارگران و مزدبگیران زحمتکش نیز به زیر خط فقر سقوط کرده است و اینک حکومت جمهوری اسلامی همه بخش‌های طبقه کارگر ایران را در مقابل خود دارد.»

اتحادیه آزاد کارگران تعیین دستمزد به شیوه جمهوری اسلامی را «سیاست ضد کارگری و چپاولگرانه» خوانده که «راه به جایی نخواهد برد و توفان خشم کارگران در صنایع مختلف و در جای جای کشور به سرعت فوران خواهد کرد و میلیون‌ها کارگر کارد به استخوان رسیده در دفاع از حق حیات خود لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.»

اعتراضات به ساز و کار تعیین دستمزد رقم حداقل دستمزد در حالی صورت گرفته که پیش‌بینی می‌شود رقمی که در نهایت به عنوان رقم حداقل دستمزد اعلام خواهد شد فاصله عمیقی با هزینه‌های زندگی خانوارها در ایران داشته باشد و اقشار کارگری و دیگر حداقل‌بگیران را بیش از پیش به زیر خط فقر براند.

علی‌حدایی عضو کارگری شورای عالی کار به خبرگزاری «ایلنا» گفته که در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه کمیته دستمزد نمایندگان کارگران، دولت و کارفرمایان ارقام پیشنهادی خود برای رقم حداقل دستمزد را ارائه کردند اما توافقی نهایی میان این سه گروه صورت نگرفت.

وی گفته ادامه گفتگوها برای توافقی بر سر رقم حداقل دستمزد به جلسه بعدی کمیته دستمزد که قرار است سه‌شنبه آینده، ۲۸ اسفندماه برگزار شود موکول شده است. ←

کارگران ایران در ظهر چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳ با صدور اطلاعیه‌ای کارگران را به اعتراضات و اعتصابات سراسری دعوت کرده است.

در این بیانیه آمده «کارفرمایان، صاحبان سرمایه و حکومت به مثابه اقلیت ناچیز جمعیت کشور، هر لحظه که اراده میکنند و منافع شان ایجاب میکند قیمت کالاهای تحت مالکیت خود را بطور نجومی بالا می‌برند و در اینسو، با سلب حق تعیین قیمت نیروی کارمان از ما کارگران و به دست گرفتن اختیار آن به دست خود، تکه نانی بخور و نمیر را جلوی ما می‌اندازند.»

این تشکل کارگری با بیان اینکه «تغییر این وضعیت ضد انسانی و وارونه، جز به دستان ما کارگران و قدرت اعتراضات میلیونی و متحد ما مقدر و ممکن نیست» تأکید کرده که «ما میلیون‌ها انسانیم و می‌توانیم با سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری به دفاع از حق حیات خود برخیزیم و برای همیشه به چرخه فقر و فلاکت و بی‌اختیاری در قبال حق حیات‌مان، پایان دهیم.»

اتحادیه آزاد کارگران ایران توضیح داده که «امسال تعیین نرخ حکومتی حداقل مزد، بطور کم‌سابقه‌ای در حال تبدیل شدن به یک بحران و بن‌بست برای حکومتگرانی شده است که ۴۶ سال است مشغول غارت و چپاول دسترنج ما کارگران هستند.»

این بیانیه افزوده «واقعیت این است که در نتیجه‌ی تهاجم بی‌پایان به زندگی و معیشت ما کارگران در طول دهه‌های گذشته، نه تنها میلیون‌ها خانواده کارگری شاغل و بازنشسته‌ی حداقل‌بگیر به قعر جهنم فقر و فلاکت رانده شده‌اند بلکه هر ساله با افزایش ناچیزتر دستمزد

● احمدی‌میدری وزیر کار جمهوری اسلامی اعلام کرده رقم حداقل دستمزد با در نظر گرفتن رقمی مشابه تورم بهمن و اسفندماه جاری افزایش می‌یابد.

● امسال یک کارگر دارای دو فرزند در صورتی که همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند، دستمزد او حتی به ۱۲ میلیون تومان هم نمی‌رسد. افزایش چند ده درصدی این رقم باز هم کارگران را زیر خط فقر نگه می‌دارد.

● اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه‌ای خواستار اعتصاب سراسری کارگران شده و نوشته «تغییر این وضعیت ضد انسانی و وارونه، جز به دستان ما کارگران و قدرت اعتراضات میلیونی و متحد ما مقدر و ممکن نیست!»

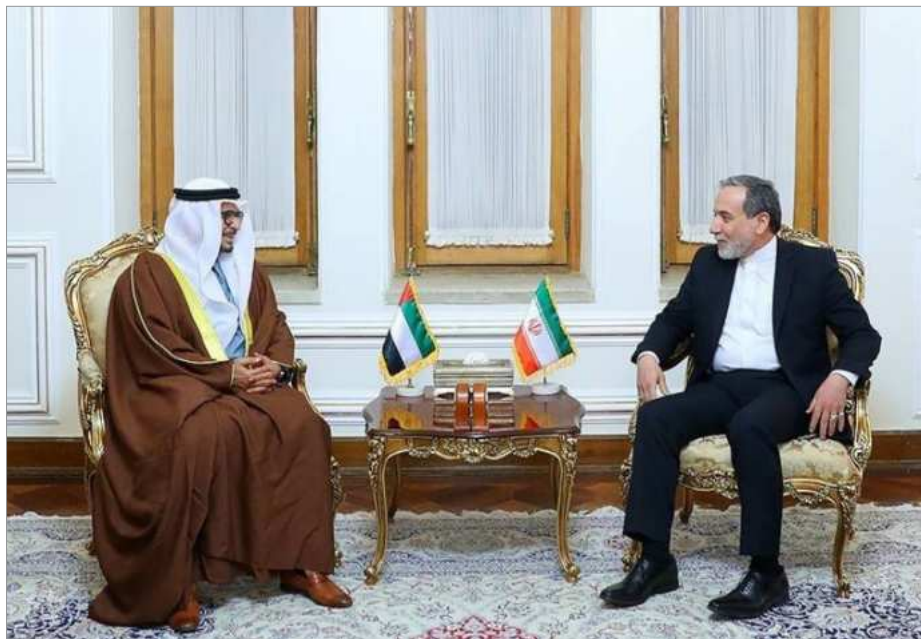
اظهارات وزیر کار درباره افزایش رقم حداقل دستمزد معادل نرخ تورم، و موکول شدن اعلام این نرخ به آخرین روزهای اسفندماه، موجی از انتقاد از سوی فعالان کارگری به راه افتاده و اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه‌ای کارگران را به «اعتصابات سراسری» دعوت کرد.

در شرایطی که نشست روز گذشته کمیته دستمزد برای تعیین رقم حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۴ بی‌نتیجه پایان یافت، احمدی‌میدری وزیر کار جمهوری اسلامی اعلام کرده رقم حداقل دستمزد با در نظر گرفتن رقمی مشابه تورم بهمن و اسفندماه جاری افزایش می‌یابد.

وزیر کار دولت پزشکیان همچنین اعلام رقم حداقل دستمزد را به پس از اعلام نرخ تورم اسفندماه از سوی مرکز آمار ایران موکول کرده است. ساعاتی پس از اظهارات احمدی‌میدری، اتحادیه آزاد



## انور قرقاش نامه ترامپ را به ایران برد؛ خامنه‌ای: وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند چرا مذاکره کنیم؟



دیدار عباس عراقچی و انور قرقاش

عمومی دنیا است. «او تأکید کرد، «این معنایش این است که ما اهل مذاکره هستیم و می‌خواهیم مذاکره و صلح کنیم، اما ایران حاضر نیست... ایران چرا حاضر به مذاکره نیست؟ به خودتان برگردید!» خامنه‌ای افزود: «ما نشستیم چند سال مذاکره کردیم همین شخص مذاکره تمام شده کامل شده امضاء شده را از میز بیرون انداخت پاره کرد... وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند چه مذاکره‌ای کنیم؟» او همچنین حرف‌های قبلی خود را در سخنرانی‌های اخیرش تکرار کرد و گفت: «قلدرهای عالم دست‌بردار نیستند، هرچو خواستند تحمیل کردند به کی نفت بفروشید، به کی نفروشید، با کی ارتباط داشته باشید یا کی نداشته باشید... آنها می‌گویند همه باید از ما تبعیت کنند... خیال می‌کنم ایران اسلامی تنها کشوری است که بطور قاطع این را رد کرده است.»

رهبر جمهوری اسلامی از ۱۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در جمع کارکنان و فرماندهان نیروی هوایی ارتش تا کنون سه بار در سخنرانی‌های خود اعلام کرد که با آمریکا مذاکره نمی‌کند با اینهمه به نظر می‌رسد فشار روی او برای انجام مذاکره بسیار زیاد است، زیرا سابقه نداشته است که روی یک موضوع خاص، پی در پی در سخنرانی‌های خود مجبور به تکرار شود. رهبر جمهوری اسلامی در شرایطی زیر بار مذاکره نمی‌رود که ترامپ دو راه پیش روی حکومت قرار داده است: یا توافق یا پمپ!

اصرار خامنه‌ای به عدم مذاکره، در شرایطی است که گفته می‌شود اسرائیل خود را برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی و استراتژیک در ایران آماده می‌کند، اگرچه هنوز شماری از کارشناسان و تحلیلگران براین باورند که بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل بدون پشتیبانی مستقیم دونالد ترامپ اقدام به حمله نظامی نمی‌کند.

● **انور قرقاش مشاور دیپلماتیک رئیس کشور امارات عربی متحده، چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳، به تهران رفت و نامه دونالد ترامپ را به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تحویل داد.**

● **محتوای نامه ترامپ هنوز بطور دقیق مشخص نیست اما همزمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در جمع شماری از دانشجویان حامی حکومت با اشاره به اینکه «نامه رئیس جمهوری آمریکا هنوز به دستم نرسیده» گفت، «اینکه رئیس جمهور آمریکا می‌گوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و دعوت به مذاکره می‌کند، فریب افکار عمومی دنیا است.»**

● **او افزود: «قلدرهای عالم دست بردار نیستند، هرچو خواستند تحمیل کردند به کی نفت بفروشید، به کی نفروشید، با کی ارتباط داشته باشید یا کی نداشته باشید... آنها می‌گویند همه باید از ما تبعیت کنند... خیال می‌کنم ایران اسلامی تنها کشوری است که بطور قاطع این را رد کرده است.»**

انور قرقاش مشاور دیپلماتیک رئیس کشور امارات عربی متحده، چهارشنبه ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۳، به تهران رفت و نامه دونالد ترامپ را به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تحویل داد.

در این دیدار مجید تخت‌روانچی معاون سیاسی وزارت خارجه و محمدعلی‌بک دستیار وزیر و مدیرکل خلیج فارس این وزارتخانه حضور داشتند.

محتوای نامه ترامپ هنوز بطور دقیق مشخص نیست اما همزمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در جمع شماری از دانشجویان حامی حکومت با اشاره به اینکه «نامه رئیس جمهوری آمریکا هنوز به دستم نرسیده» گفت، «اینکه رئیس جمهور آمریکا می‌گوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و دعوت به مذاکره می‌کند، فریب افکار

با توجه به سخنان احمد میدری درباره متناسب بودن افزایش رقم حداقل دستمزد با نرخ تورم، پیش‌بینی می‌شود افزایش رقم نسبت به رقم امسال، کمتر از ۴۰ درصد باشد. این در حالیست که محاسبات جامعه کارگری نشان می‌دهد برای اینکه یک خانواده کارگری بتواند هزینه‌های ضروری زندگی را پوشش دهد رقم دستمزد در سال آینده، نسبت به امسال، باید دست‌کم ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کند یا به بیان دیگر سه برابر شود.

در سال جاری یک کارگر دارای دو فرزند در صورتی که همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند، دستمزد او حتی به ۱۲ میلیون تومان هم نمی‌رسد. مقاومت دولت برای افزایش رقم حداقل دستمزد با واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز روبرو شده است. حسینعلی حاجی‌دلیگانی نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه گفته که «می‌خواهیم بگویم دستمزد هر روز مطابق تورم تعیین شود؛ اما دستمزد را حداقل سالی ۴ بار را مطابق تورم تطبیق‌سازی کنند. نمی‌شود وقتی همه قیمت‌ها در طول سال افزایش پیدا می‌کند حقوق کارگر ثابت بماند.» او افزوده «ما از دولت خواستیم همانطور که یک واحد تولیدی وقتی مواد اولیه‌اش را می‌خواهد از بازار خریداری کند مطابق قیمت بازار خرید می‌کند و اگر ماه قبل یک واحد خریده کرده است و ماه بعد دو واحد می‌شود همان دو واحد را می‌پردازد حداقل دستمزد کارگر را هم همینطور را ببینیم.»

فرامرز توفیقی فعال کارگری نیز با استناد به داده‌های مبنای محاسبه در کمیته دستمزد و با مرجع قرار دادن سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوار، سبد معیشت خانوارهای کارگری کشور را محاسبه کرده است.

این فعال کارگری گفته برای واقعی‌سازی، باید مواد خام خوراکی فرآوری شده و تبدیل به غذا شود، اما برای اینکه محاسبات ما حداکثری نباشد، تنها سه وعده غذایی در نظر گرفته شده و میان‌وعده‌ها، تنقلات، مکمل‌ها و... حذف شده‌اند. تنها یک وعده غذای گرم و دو وعده غذای ساده (صبحانه و شام) در نظر گرفته شده و در نهایت، یک برنامه ۱۵ روزه برای رژیم غذایی مرسوم و حداکثری همه اقوام کشور در نظر گرفته شده و با آنالیز و ریز آیت‌های دخیل برای فراوری غذا اقدام به جامنایی اعداد و ارقام به دست آمده از سوی مراجع قانونی در آن شده است.

او افزوده «به این ترتیب، با احتساب هزینه‌های وعده‌های غذایی برای هر فرد (فقط یک وعده غذایی گرم در روز) و در نظر گرفتن بُعد ۳/۳ نفری برای خانواده متوسط کارگری، نرخ سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوارهای متوسط کارگری به دست می‌آید. بر این اساس، هزینه خوراکی‌های خانوارهای کارگری تا پایان بهمن به تنهایی ۱۳ میلیون و ۹۴۸ هزار تومان است.»

این فعال کارگری افزود: در کمیته دستمزد، خانوارهای کارگری در دهک چهارم درآمدی قرار دارند و در این دهک، سهم خوراکی‌ها از سبد هزینه‌های خانوار ۳۸/۹ درصد است.»

فرامرز توفیقی با استناد به این داده‌ها و براساس فرمول استاندارد، سبد معیشت خانوارهای کارگری کشور را برای بهمن‌ماه ۱۴۰۳ محاسبه کرده که ۳۵ میلیون و ۸۵۷ هزار تومان خواهد شد. در نتیجه، سبد معیشت بهمن‌ماه خانوارهای کارگری با در نظر گرفتن فرمول‌های مورد قبول شورای عالی کار و با اتکا به داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، ۳۵ میلیون و ۸۵۷ هزار تومان است که این عدد تفاوت معناداری با رقم تصویب شده در کمیته دستمزد دارد!

## تقابل قدرت‌ها؛ پشت پرده نزدیکی ترامپ به روسیه در برابر چین

● ترامپ برخلاف بسیاری از رهبران آمریکایی پیشین، بر این باور است که دشمن واقعی، اقتصادی است که می‌تواند جهان را از نظر فناوری و نفوذ مالی تسخیر کند و نه کشوری که اقتصادش بر پایه صدور نفت و گاز بنا شده و در مقابل تحریم‌های غرب آسیب‌پذیر است. روسیه، با تمام هیبت نظامی‌اش، اقتصاد کوچکی دارد که کمتر از ایالت کالیفرنیا تولید ناخالص داخلی دارد! در مقابل، چین در حال تبدیل شدن به بزرگترین اقتصاد جهان است، با نفوذی که از آفریقا تا آمریکای لاتین گسترده شده است.

● چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان و دومین اقتصاد بزرگ، با محدودیت‌های جدی در زمینه آب و انرژی مواجه است. بسیاری از مناطق صنعتی و کشاورزی این کشور به دلیل مصرف بیش از حد و تغییرات اقلیمی دچار بحران آب شده‌اند. از سوی دیگر، سیاست «کمربند ابریشم» نشان‌دهنده تمایل چین به گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی است. در این راستا، سیبری با منابع گسترده و دست‌نخورده، جذابیت زیادی برای چین دارد.

● استراتژی دولت ترامپ برای نزدیکی به روسیه به منظور مهار چین، بازتابی وارونه از سیاست هنری کیسینجر در دهه ۱۹۷۰ است که از طریق نزدیکی به چین، اتحاد شوروی را تحت فشار قرار داد. با این حال، اجرای موفق چنین سیاستی نیازمند دیپلماسی پنهان، مدیریت اطلاعات و رعایت اصول کلاسیک مذاکرات بین‌المللی است؛ عناصری که در دولت ترامپ کمتر مشاهده می‌شود.

بهرام فرخی - در دوران پر التهاب جنگ سرد، استراتژیست‌های آمریکایی دریافتند که برای تضعیف اتحاد جماهیر شوروی، باید بین دو قطب بزرگ کمونیسم جهانی شکاف ایجاد کنند. هنری کیسینجر معمار دیپلماسی واقع‌گرایانه با سیاستی پیچیده و چندلایه، راه نزدیکی به چین کمونیست را هموار ساخت تا در مقابل مسکو صف‌آرایی کند. این حرکت نه تنها به انزوای شوروی انجامید، بلکه چین را نیز به تدریج به مدار مناسبات جهانی کشاند. اتحاد دیروز کمونیست‌ها به رقابتی سرد و حتی درگیری‌های مرزی بدل شد و واشنگتن به هدف خود یعنی تضعیف بلوک شرق نزدیک‌تر گشت.

اما اکنون که جهان وارد عصر تازه‌ای از رقابت ژئوپلیتیک شده، آمریکا دیگر دغدغه‌ای به نام «تهدید کمونیسم» ندارد؛ بلکه دشمنی سرسخت‌تر و پیچیده‌تر در افق نمایان شده است: چین مدرن، گول اقتصادی و فناوری که جهان را به چالش می‌کشد.

### چرخش استراتژیک واشنگتن: از مهار شوروی تا محاصره چین

دولت ترامپ نقشه‌ای را در سر می‌پروراند که نسخه‌ای وارونه از همان سیاست‌های دوران نیکسون و کیسینجر است. اینبار واشنگتن قصد دارد با نزدیکی به روسیه، چین را مهار کند. به باور ترامپ، روسیه تحت رهبری ولادیمیر پوتین با تمام قدرت نظامی و نفوذ سیاسی‌اش دیگر یک تهدید جدی برای آمریکا محسوب نمی‌شود؛ اقتصادش شکننده و وابسته به صادرات مواد خام است و توان رقابت با اقتصاد ۲۰ تریلیون دلاری آمریکا را ندارد. اما چین؟ چین دیگر آن کشور فقرزده در دوران مائو نیست. چین امروز ازدهایی است که جهان را در آتش رشد



شی جینپینگ و ترامپ

اقتصاد بزرگ، با محدودیت‌های جدی در زمینه آب و انرژی مواجه است. بسیاری از مناطق صنعتی و کشاورزی این کشور به دلیل مصرف بیش از حد و تغییرات اقلیمی دچار بحران آب شده‌اند. از سوی دیگر، سیاست «کمربند ابریشم» نشان‌دهنده تمایل چین به گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی است. در این راستا، سیبری با منابع گسترده و دست‌نخورده، جذابیت زیادی برای چین دارد.

اقتصادی و توسعه فناوری خود فرو برده است. گولی که با سرمایه‌گذاری‌های عظیم در زیرساخت‌های جهانی، طرح جاه‌طلبانه «جاده ابریشم» را پیش می‌برد و در حوزه‌هایی همچون هوش مصنوعی، فناوری‌های کوانتومی و تسخیر فضا، گام‌های بلندی برداشته است. از نگاه کاخ سفید، اگر این روند ادامه یابد، تا چند دهه آینده هژمونی آمریکا در خطر قرار خواهد گرفت.

### روسیه: بیم‌ها و امیدها

روسیه از دیرباز نسبت به کاهش جمعیت در مناطق شرقی خود نگران بوده است. حضور اقتصادی و مهاجرت گسترده چینی‌ها به مناطق شرقی روسیه، به ویژه خاور دور و سیبری، موجب حساسیت‌هایی در میان سیاستمداران روس شده است. با این حال، مسکو به دلیل وابستگی اقتصادی به پکن، به‌ویژه در فروش انرژی، در موقعیت دشواری قرار دارد. هرچند کرملین بطور رسمی از همکاری اقتصادی با چین در سیبری استقبال می‌کند، اما نگرانی‌هایی درباره احتمال افزایش نفوذ چین و حتی تغییرات جمعیتی و ژئوپلیتیک در این منطقه وجود دارد.

### چشم‌انداز آینده

در سال‌های آینده، رقابت پنهان میان چین و روسیه بر سر سیبری می‌تواند به اشکال مختلف بروز کند. سناریوهای محتمل شامل افزایش سرمایه‌گذاری‌های چینی در زیرساخت‌های این منطقه، انتقال فناوری و حتی فشار غیرمستقیم برای بهره‌برداری از منابع طبیعی خواهد بود. از سوی دیگر، روسیه برای حفظ حاکمیت خود در سیبری احتمالاً سیاست‌های مهاجرتی سختگیرانه‌تری اتخاذ کرده و حضور نظامی خود را در این منطقه تقویت خواهد کرد. با توجه به همکاری‌های نظامی و اقتصادی چین با روسیه در سال‌های اخیر، همچنین حضور آنها در ائتلاف «بریکس» و تلاش برای مهار ایالات متحده، می‌توان این روند را نوعی چندقطبی‌گرایی در عرصه جهانی دانست.

تضاد منافع راهبردی در سیبری می‌تواند در

### چرا روسیه دیگر دشمن شماره یک نیست؟

ترامپ برخلاف بسیاری از رهبران آمریکایی پیشین، بر این باور است که دشمن واقعی، اقتصادی است که می‌تواند جهان را از نظر فناوری و نفوذ مالی تسخیر کند و نه کشوری که اقتصادش بر پایه صدور نفت و گاز بنا شده و در مقابل تحریم‌های غرب آسیب‌پذیر است. روسیه، با تمام هیبت نظامی‌اش، اقتصاد کوچکی دارد که کمتر از ایالت کالیفرنیا تولید ناخالص داخلی دارد! در مقابل، چین در حال تبدیل شدن به بزرگترین اقتصاد جهان است، با نفوذی که از آفریقا تا آمریکای لاتین گسترده شده است.

### اهداف پنهان نزدیکی چین به روسیه

چشم‌انداز ژئوپلیتیک سیبری: رقابت پنهان چین و روسیه با توجه به روندهای جمعیتی، اقتصادی و محیط زیستی، منطقه سیبری به یکی از کانون‌های بالقوه رقابت ژئوپلیتیک میان چین و روسیه تبدیل شده است. این پهنه وسیع اما کم‌جمعیت، سرشار از منابع طبیعی مانند نفت، گاز، جنگل و مهم‌تر از همه، منابع عظیم آب شیرین است. در شرایطی که چین به دلیل رشد سریع اقتصادی و افزایش نیاز به انرژی و آب با چالش‌هایی روبروست، نگاه این کشور به سیبری، هرچند رسمی و علنی نشده، اما در محافل استراتژیک به‌عنوان یک واقعیت در حال ظهور مورد بحث قرار گرفته است.

### چین: نیاز فزاینده به منابع

چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان و دومین



## بهترین رهبر برای ایران؛ از دیدگاه مدیریت تغییر



و دموکراتیک به عنوان یک راهنمای خوب عمل می‌نماید. شاهزاده رضا پهلوی در سال ۲۰۲۴ طی یک پیام قوی نقش رهبری ایران را در دوران گذار پذیرفت. او تعهد خود را به هدایت تغییرات دوران گذار برای رسیدن به ایران آزاد و مدرن نشان داده و خود را به عنوان حامی فعال و شاخص تغییر در کشور معرفی و همچنین مسئولیت‌پذیری خود را اثبات کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی با گروه‌های مختلف مراوده داشته است تا هماهنگی حول اهداف مشترک، اعتمادسازی (که یکی دیگر از عناصر کلیدی موفقیت در تغییر است) و تأکید بر همکاری بین شهروندان ایرانی و متحدان بین‌المللی را پیش برد. او به چالش‌های مهمی مانند بازسازی اقتصادی، اصلاحات سیاسی و بازسازی نهادها پرداخته است.

پیام رهبری او شامل یکی دیگر از نقش‌های کلیدی تغییر است: توانمندسازی دیگران. او تأکید کرده است که نقش او هدایت و حمایت است، نه دیکته کردن نتایج. او اطمینان داده که ایرانیان می‌بایست احساس تعلق به مسیر تغییر داشته باشند.

### مدیریت مقاومت

او به اقتناع برخی شهروندان که با اینکه تغییر رژیم به سود آنهاست اما با آن موافقت نشان نمی‌دهند و یا با آن همراهی نمی‌کنند نیز می‌پردازد. شاهزاده از استراتژی‌های مختلفی برای به حداکثر رساندن حمایت از تغییر استفاده می‌کند و ایرانیان داخل کشور، دیاسپورا (مهاجران ایرانی) و گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند زنان و اقلیت‌ها را در گفتگوها مشارکت می‌دهد.

وی بر همدلی و فراگیری تأکید دارد و به نگرانی‌های گروه‌های مختلف (از جمله زنان، کارگران، اقلیت‌های قومی و جوامع مذهبی) می‌پردازد. تعهد پایدار او به شفافیت، شامل مبارزه با فساد و حمایت از عدالت و پاسخگویی نیز می‌شود. او با ارائه چشم‌اندازی واضح و قانع‌کننده، میزان عدم اطمینان را در برخی شهروندان که با دیده تردید به تغییر نگاه می‌کنند کاهش می‌دهد.

● چرا بسیاری از مردم رهبری شاهزاده رضا پهلوی را بهترین گزینه برای ایران، ایالات متحده، اروپا، اسرائیل و سایر کشورهای منطقه می‌دانند؟ بیابید به این پرسش بر اساس اصول مدیریت تغییر پاسخ دهیم؛ دیدگاهی که بیشتر بر اساس تخصص بیان شده است تا سیاست.

● پیام رهبری او شامل یکی دیگر از نقش‌های کلیدی تغییر است: توانمندسازی دیگران. او تأکید کرده است که نقش او هدایت و حمایت است، نه دیکته کردن نتایج. او اطمینان داده که ایرانیان می‌بایست احساس تعلق به مسیر تغییر داشته باشند.

● رویکرد او به موضوع حقوق بشر، به تمدن و عدالتی که کشورهای غربی مدعی دفاع از آنها هستند نزدیک است. تعهد او به ارزش‌های جهانی می‌تواند اعتبار سیاست خارجی غرب را تقویت کند.

● دیدگاه او در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز و اولویت دادن به دیپلماسی بجای دشمنی، روابط مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند. او آینده‌ای را تصور می‌کند که در آن ایران با کشورهای عربی و اسرائیل در زمینه تجارت، انرژی و پروژه‌های زیربنایی بر اساس احترام و رشد متقابل همکاری کند.

الن بستاکیان - چرا بسیاری از مردم رهبری شاهزاده رضا پهلوی را بهترین گزینه برای ایران، ایالات متحده، اروپا، اسرائیل و سایر کشورهای منطقه می‌دانند؟ بیابید به این پرسش بر اساس اصول مدیریت تغییر پاسخ دهیم؛ دیدگاهی که بیشتر بر اساس تخصص بیان شده است تا سیاست.

### حمایت از تغییر

همسوسازی شهروندانی که از تغییر رژیم در ایران سود می‌برند، برای حمایت فعال و مشهود از تغییر، یکی از الزامات کلیدی در مدیریت تغییر است. دیدگاه شاهزاده رضا پهلوی یک «چراغی» قانع‌کننده ارائه می‌دهد که ذینفعان را به حمایت و مشارکت در تغییر مورد نیاز برای ایران ترغیب می‌کند. ضمن اینکه دفاع او از یک ایران سکولار

بلندمدت به یکی از عوامل چالش‌برانگیز در روابط چین و روسیه تبدیل شود. آینده این رقابت تا حد زیادی به تحولات ژئوپلیتیک جهانی، میزان وابستگی روسیه به چین و نحوه مدیریت منابع در این منطقه وابسته خواهد بود.

### اهداف ترامپ در کاهش تنش با روسیه

۱. تمرکز بر جنگ اقتصادی با چین: کاهش تنش با روسیه، به آمریکا امکان می‌دهد تا تمام انرژی خود را برای مقابله با «تهدید واقعی» یعنی چین صرف کند.
۲. کاهش هزینه‌های نظامی در اروپا: کاهش تهدید روسیه، به ترامپ اجازه می‌دهد که حضور نظامی آمریکا در اروپا را کاهش داده و بودجه را صرف پروژه‌های فناورانه کند.
۳. همکاری با روسیه در برابر چین: شکاف بین مسکو و پکن می‌تواند نقش آمریکا را در مهار چین پررنگ‌تر کند.

### چالش‌های پیش روی دولت ترامپ در اجرای این استراتژی

۱. مخالفت داخلی و فشار کنگره: در واشنگتن بسیاری از سیاستمداران به‌خصوص در میان دموکرات‌ها و جمهوریخواهان سنتی همچنان روسیه را دشمن اصلی می‌دانند و نزدیکی به پوتین را بسیار خطرناک برای منافع ملی آمریکا تلقی می‌کنند.
۲. اتحاد عمیق چین و روسیه: برخلاف دوران نیکسون، امروز پکن و مسکو دارای روابط استراتژیک هستند و ایجاد شکاف بین آنها کار ساده‌ای نخواهد بود.
۳. قدرت نرم چین: برخلاف شوروی، چین نفوذ اقتصادی عمیقی در جهان دارد. آمریکا نمی‌تواند صرفاً با ابزار نظامی آن را مهار کند.

استراتژی دولت ترامپ برای نزدیکی به روسیه به منظور مهار چین، بازتابی وارونه از سیاست هتری کیسینجر در دهه ۱۹۷۰ است که از طریق نزدیکی به چین، اتحاد شوروی را تحت فشار قرار داد. با این حال، اجرای موفق چنین سیاستی نیازمند دیپلماسی پنهان، مدیریت اطلاعات و رعایت اصول کلاسیک مذاکرات بین‌المللی است؛ عناصری که در دولت ترامپ کمتر مشاهده می‌شود.

برخلاف دولت نیکسون که با مهارت کیسینجر و دیپلماسی کم‌صدای جرج بوش پدر که ابتدا با عنوان نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل و سپس نماینده تام‌الختیار آمریکا در پکن خدمت می‌کرد، موفق به تغییر موازنه قدرت شد، دولت ترامپ رویکردی بی‌پروا و ناپایدارتر دارد. اطلاعات محرمانه این دولت اغلب به سرعت در فضای مجازی منتشر می‌شود و روند مذاکرات از کنترل سنتی خارج می‌گردد. در چنین شرایطی، احتمال تکرار موفقیت‌های تاریخی نیکسون، کیسینجر و جرج بوش پدر در چارچوب سیاست خارجی ترامپ بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

### آینده تقابل قدرت‌ها

جهان در حال ورود به دوره‌ای تازه از رقابت‌های ژئوپلیتیک است. رقابتی که اینبار نه با توپ و تانک، بلکه با فناوری، سرمایه‌گذاری و جنگ‌های اقتصادی تعریف می‌شود. دولت ترامپ با سیاست‌های خود در تلاش است تا نقشه بازی را تغییر دهد. اما آیا موفق خواهد شد؟ آیا روسیه به بازی آمریکا تن خواهد داد؟ آیا چین عقب‌نشینی خواهد کرد؟ آینده این تقابل، سرنوشت جهان معاصر را برای چندین دهه رقم خواهد زد.

\* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.



## به مناسبت روز جهانی زن؛ هزاران سال جنس دوم؛ پنجاهمین سال انتشار «جنس دوم»

● «جنس دوم» که نخستین جلد آن در ژوئن ۱۹۴۹ منتشر شد، در دو جلد و هفت قسمت تنظیم شده و در فصول گوناگون از زوایای تاریخی، اجتماعی، فلسفی و روانی به پدیده «زنانگی» و مضامینی چون: اسطوره‌ها، کودکی، جوانی، آشنایی جنسی، زنان همجنسگر، زنان شوهردار، روسپیان، بلوغ و سالخوردگی، زنان خودشیفته، عاشق و مستقل می پردازد.

● سیمون دوبوووار پس از انتشار «جنس دوم» از چپ و راست مورد حمله قرار گرفت. کلیسای رم کتاب را تحریم کرد و راست‌ها به دلیل «تجاوز» دوبوووار به حریمی که تا کنون هیچ زنی پروای آن نکرده بود در مقالات و کتاب‌هایی چند شدیداً به او حمله کردند. چپ‌ها نیز با وجود گرایش چپ سیمون دوبوووار و گوشه چشمی که وی به مارکسیسم داشت، به این دلیل که او با مطرح ساختن موضوعات مربوط به زنان «مبارزه طبقاتی» را در سایه قرار می‌دهد، وی را بی‌نصیب نگذاشتند.

● اما تلاش فردی سیمون دوبوووار برای تطبیق خودش با پیرامون مردانه، تلاشی بود برای غلبه بر ضعف‌هایی که وی آنها را «عیوب زنانگی» می‌نامید. او پیشاپیش بار منفی‌ای را که فرهنگ و تاریخ مذکر به پدیده زنانگی و هر آنچه «زنانه» ارزیابی می‌شود، تحمیل کرده است می‌پذیرد و سپس تلاش می‌کند تا چهره زنان را با نزدیک ساختن آنان به مردان از آن بیپیراید. او توجه ندارد که زنانگی و بشریت همسان و همزمان‌اند، درست مانند مردانگی و بشریت!

● از التقاط در مفهوم تفاوت هویتی و تبعیض اجتماعی (برابری حقوقی) است که دوبوووار در معنای «من» و «دیگری» نیز دچار التقاط می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: «این امری مطمئن نیست که «دنیاها و اندیشه‌ها» ی از دنیای مردان متفاوت باشد، زیرا او با شبیه گرداندن خود به مردهاست که خود را می‌راند.» دوبوووار می‌خواهد که همه خود را «من» یا در حقیقت همان «مرد» بدانند بدون «دیگری». شاید به همین دلیل و بر اساس تعریفی که دوبوووار از دیگری ارائه داده است، مترجمان آلمانی کتاب او را که صریح و روشن «جنس دوم» نام دارد به «جنس دیگر» ترجمه کرده‌اند. حال آنکه معنای «جنس دوم» خواه ناخواه پایگان (هیرارشی) جنسی را در بر دارد در حالی که «جنس دیگر» مفهومی طبیعی، با هویت و بدون ارزش‌دآوری است.

الاهه بقراط - جلد اول کتاب «جنس دوم» در ژوئن ۱۹۴۹ منتشر شد و بیست و دو هزار نسخه از آن در هفته اول به فروش رفت. بخش‌هایی از جلد دوم نیز در ماهنامه «له تان مدرن» که به مدیریت ژان پل سارتر منتشر می‌شد، چاپ شدند. سیمون دوبوووار در اینباره می‌گوید: «آنها را مثل ورق زر می بردند ولی در حالی که صورت‌هایشان را ←

کنند و با این کار مقاومت برخی کشورهای منطقه در برابر تغییر ایران را کاهش می‌دهد.

بر اساس اصول مدیریت تغییر، کاهش ترس‌های مختلف برای پذیرش تغییر مهم است. یکی از این ترس‌ها، بی‌ثباتی است. برنامه‌های عملی و سازمانیافته (مانند برنامه ۱۰۰ روز نخست دوران گذار که توسط پروژه ققنوس ارائه شد) به بازیگران منطقه‌ای اطمینان می‌دهد که تغییر رژیم در ایران منجر به هرج و مرج نخواهد شد.

رهبری شاهزاده رضا پهلوی برای اسرائیل نیز مزایای زیادی دارد. اصول مدیریت تغییر می‌گویند برای کسب حمایت، تهدیدات باید کاهش یابد. چشم‌انداز ایرانی که شاهزاده رضا پهلوی ارائه می‌دهد، تهدیدهای رژیم فعلی از جمله حمایت از گروه‌های تروریستی را حذف خواهد کرد و بطور قابل توجهی امنیت اسرائیل را بهبود می‌بخشد.

رهبری او همچنین فرصت‌های بسیاری برای مشارکت اقتصادی ایران و اسرائیل در زمینه‌های فناوری، کشاورزی، مدیریت آب و سایر حوزه‌ها ایجاد خواهد کرد. از منظر مدیریت تغییر، رهبری او بهترین انتخاب برای هدایت ایران به دوران جدیدی است که هم به نفع ایرانیان و هم به نفع منطقه و جهان خواهد بود.

\*المن بستاکیان دارای مدرک دکترای مدیریت و متخصص رهبری تغییر و عضو هیئت مدیره پروژه ققنوس ایران

## ایران در بازی هم سرزمین شیران



مسیر یک حکومت جمهوری آنهم از نوع اسلامی از محمد مصدق می‌گذرد. درواقع اگر بخواهید در یک بازی کامپیوتری که در دوران پادشاهی رضاشاه پهلوی آغاز می‌شود، مسیری متفاوت از پهلوی را برای ایران در پیش بگیرید، یکی از گزینه‌ها؛ قدرت دادن به محمد مصدق است که حامی دخالت دادن آخوندها در قدرت خواهد بود و یا از گزینه‌های دیگر انتخاب رویه‌ای برخلاف جریان پادشاهی پهلوی؛ قدرت دادن به جنبش‌های کمونیستی تحت حمایت شوروی است که تجزیه‌طلبان دست‌نشانده شوروی قصد دارند کردستان و آذربایجان را از ایران جدا کنند! و...

→ برخلاف بسیاری از سیاستمدارانی که تنها بر نشانه‌های مقاومت در برابر تغییر تمرکز می‌کنند، او بر علل ریشه‌ای مقاومت (مانند ترس از بی‌ثباتی یا از دست دادن منافع) تمرکز دارد و از طریق روشن‌گری، گفتگو و اطمینان بخشیدن به اقلیت آنها می‌پردازد. چشم‌انداز او برای یک حکومت دموکراتیک تضمین می‌کند که قدرت از مردم نشأت می‌گیرد تا پایه‌ای برای گذار پایدار و فراگیر به ایرانی شکوفا ایجاد شود.

او همچنین بر فوریت تغییر تأکید می‌کند و با تأکید بر نقض حقوق بشر و سوء مدیریت اقتصادی رژیم فعلی، ضرورت تغییر را برجسته می‌کند. او پیام خود را از طریق سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و رسانه‌های اجتماعی منتقل می‌کند تا اطمینان حاصل نماید که پیام‌اش به گروه‌های متنوعی از مخاطبان می‌رسد.

شاهزاده رضا پهلوی پیروزی‌های کوچک و بزرگ را برای ایجاد انگیزه و حفظ حرکت رو به جلو مد نظر قرار می‌دهد. استراتژی بلندمدت او شامل نهادینه‌سازی تغییر و اطمینان از پایداری پس از گذار است. «پروژه ققنوس ایران» که برنامه‌ای برای مدیریت ۱۰۰ روز اول پس از تغییر رژیم را ارائه می‌دهد، نمونه‌ای از رویکرد عملی او، مبتنی بر مدیریت ریسک و سیستم‌ها است.

### همسویی با غرب

همانگی رهبری با ذینفعان موثر یکی از مهم‌ترین الزامات مدیریت تغییر است. رویکرد و دیدگاه شاهزاده رضا پهلوی با اهداف استراتژیک ایالات متحده و اروپا در خاورمیانه که به سود ایران نیز هست همسو است.

رهبری او با اولویت ثبات در منطقه مطابقت دارد. او به فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده رژیم فعلی، مانند حمایت از تروریسم، پایان خواهد داد. او همچنین از مشارکت‌های اقتصادی در آینده ایران حمایت می‌کند، زمانی که کشور بتواند دوباره به بازارهای جهانی بپیوندد و تجارت و همکاری‌های انرژی را که به نفع اقتصادهای غربی نیز هست، گسترش دهد.

رویکرد او به موضوع حقوق بشر، به تمدن و عدالتی که کشورهای غربی مدعی دفاع از آنها هستند نزدیک است. تعهد او به ارزش‌های جهانی می‌تواند اعتبار سیاست خارجی غرب را تقویت کند.

حمایت جهانی از او نه تنها یک الزام اخلاقی بلکه یک انتخاب عملگراییانه است. تأکید او بر عدم خشونت خطر جنگ داخلی را کاهش داده و از درگیری‌های منطقه‌ای جلوگیری می‌کند.

### اسرائیل و کشورهای عربی

بر اساس اصول مدیریت تغییر، رویکرد شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر ضرورت همکاری، کاهش درگیری و ایجاد بنیانی برای ثبات بلندمدت در منطقه، او را به گزینه‌ای عالی برای تغییر خاورمیانه تبدیل کرده است.

دیدگاه او در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز و اولویت دادن به دیپلماسی بجای دشمنی، روابط مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند. او آینده‌ای را تصور می‌کند که در آن ایران با کشورهای عربی و اسرائیل در زمینه تجارت، انرژی و پروژه‌های زیربنایی بر اساس احترام و رشد متقابل همکاری کند.

با ترویج حکومت سکولار، او تنش‌هایی را که به دلیل تفاوت‌های عقیدتی به درگیری بین ایران و همسایگانش منجر شده، کاهش می‌دهد. تعهد او به گفتگو و مصالحه اطمینان می‌دهد که همه طرفین می‌توانند احساس احترام



می‌پوشانند، می‌خوانند.»

دوبوووار هنگام نوشتن این کتاب که دو سال صرف تحقیق و بررسی آن کرده بود، چهل سال داشت. وی می‌نویسد: «در چهل سالگی، کشف ناگهانی و وجهی از دنیا که آشکارا به چشم می‌خورده و آدم آن را نمی‌دیده، شگفت‌آور و برانگیزنده است.»

«جنس دوم» در دو جلد و هفت قسمت تنظیم شده است که در فصول گوناگون از زوایای تاریخی، اجتماعی، فلسفی و روانی به پدیده «زنانگی» و مضامینی چون: اسطوره‌ها، کودکی، جوانی، آشنایی جنسی، زنان همجنس‌گرا، زنان شوهردار، روسپیان، بلوغ و سالخوردگی، زنان خودشیفته،

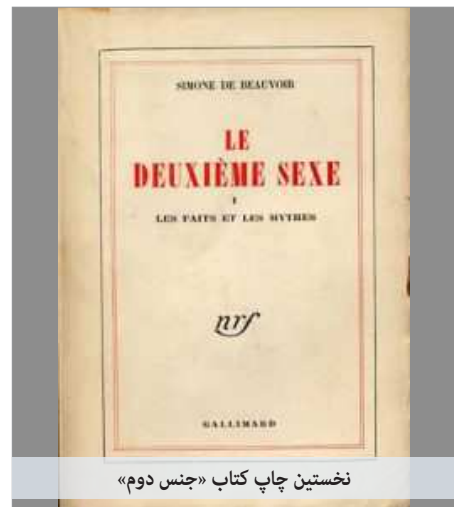
می‌کنند. شک کردن در اینباره، به معنای اخته کردن آنها بود. «بسیاری از مردها نیز گفتند که او حق ندارد از زنان حرف بزند چرا که کودکی به دنیا نیاورده است و دوبوووار زیرکانه می‌پرسد: «اما خودشان چطور؟»

شاید هیچ نویسنده‌ای به اندازه سیمون دوبوووار که بی‌تردید یکی از بارزترین اندیشمندان سده اخیر است، به دلیل مضمون کتابش این چنین آماج توهین و رکیک‌ترین جمالت و افتراها قرار نگرفته باشد. کسانی که خاطرات سیمون دوبوووار را خوانده باشند، می‌دانند که وی در زندگی شخصی، موجودی برتر از آن «جنس دوم» است که در کتاب خویش به آن پرداخته است. او معاش مردانی بود که برای وی حقوقی

همان نکته مهمی است که ویرجینیا وولف نویسنده توانای انگلیسی بسی پیشتر از سیمون دوبوووار به درستی شناخت و در آثار خویش نیز بر آن تأکید نمود: پذیرفتن تفاوت‌های دو جنس و تأکید بر زنانگی. دوبوووار وقتی از عدم شباهت دو جنس سخن می‌گوید، منظورش تبعیض‌های موجود است: «آنچه من مورد تأکید قرار داده‌ام این است که این عدم شباهت از مقوله فرهنگی است و نه طبیعی.»



سیمون دوبوووار



نخستین چاپ کتاب «جنس دوم»

است که دوبوووار در معنای «من» و «دیگری» نیز دچار التقاط می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: «این امری مطمئن نیست که «دنیاهای و اندیشه‌ها»ی او از دنیای مردان متفاوت باشد، زیرا او با شبیه گرداندن خود به مردهاست که خود را می‌رہاند.» دوبوووار می‌خواهد که همه خود را «من» یا در حقیقت همان «مرد» بدانند بدون «دیگری». او معتقد است که ایشکال در همین است که مرد، زن را به منزله «دیگری» در نظر می‌گیرد. این التقاط در دیدگاه ویرجینیا وولف وجود ندارد. به نظر می‌رسد اگر دوبوووار نیز نگرش تاریخی-فلسفی خویش را از زهر ایدئولوژیک کاملاً می‌پیراست، دچار چنین التقاطی نمی‌شد. شاید به همین دلیل و بر اساس تعریفی که دوبوووار از دیگری ارائه داده است، مترجمان آلمانی کتاب او را که صریح و روشن «جنس دوم» نام دارد به «جنس دیگر» ترجمه کرده‌اند. حال آنکه معنای «جنس دوم» خواه ناخواه پایگان (هیرارشی) جنسی را در بر دارد در حالی که «جنس دیگر» مفهومی طبیعی، با هویت و بدون ارزش‌داوری است. اصطلاح «نیمه دیگر» نیز که توسط برخی در مورد جنس زن به کار می‌رود، تنها یک کمیت بدون هویت است.

نکته دیگر آنکه اگر ما ایرانیان در ستایش زیبایی‌های اصفهان این شهر را در مثال «نصف جهان» می‌نامیم، پژوهشگران اینسوی دنیا، اروپا و غرب را واقعا معادل همه جهان می‌دانند و اگر چه «جنس دوم» نیز مانند بیشتر پژوهش‌هایی که در غرب تولید می‌شوند، «غرب» را بجای تمام جهان قرار می‌دهد، لیکن باید گفت تا کنون کتابی با چنین گستره و ژرف‌نگری در مورد فرهنگ مذکر و موضوع زنان منتشر نشده است. «جنس دوم» پژوهشی است ارزنده که دست‌کم یکبار می‌باید آن را خواند.

\* این مطلب نخستین بار در کیهان لندن شماره ۷۵۵، ششم ماه مه ۱۹۹۹ برابر ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۷ منتشر شد.

بیش از حقی که جامعه برای زنان قائل بود، می‌شناختند و اگر بخواهیم اصطلاح خود دوبوووار را به کار بگیریم، او از نظر اجتماعی یک «زنیافته افتخاری» به حساب می‌آید.

### «جنس دوم» و جنس دیگر

تلاش فردی سیمون دوبوووار برای تطبیق خودش با پیرامون مردانه، تلاشی بود برای غلبه بر ضعف‌هایی که وی آنها را «عیوب زنانگی» می‌نامید. از نظر دوبوووار «زن زنانه را جامعه می‌آفریند و نه طبیعت.» دوبوووار از دنیای زنانه، حکمت زنانه، فضائل زنانه نام می‌برد و می‌نویسد: «اما او [دختر بچه] پیش از آنکه زن شود، موجودی بشری است.» او پیشاپیش بار منفی‌ای را که فرهنگ و تاریخ مذکر به پدیده زنانگی و هر آنچه «زنانه» ارزیابی می‌شود، تحمیل کرده است می‌پذیرد و سپس تلاش می‌کند تا چهره زنان را با نزدیک ساختن آنان به مردان از آن بپیراید. او توجه ندارد که زنانگی و بشریت همسان و همزمان‌اند، درست مانند مردانگی و بشریت!

به این دو نتیجه‌گیری در کتاب «جنس دوم» توجه کنید: «اما زن «امروزی» ارزش‌های مرد را قبول دارد. او توقع دارد که مانند مردها فکر کند، عمل کند، اقدام کند، بیافریند، او بجای آنکه در صدد بلعیدن آنها برآید، تأکید می‌کند که برابر آنهاست.» و «تا زمانی که مردان و زنان یکدیگر را به عنوان افراد مشابه به رسمیت نشناسند، یعنی تا وقتی که زنانگی به عنوان زنانگی وجود داشته باشد، ستیز ادامه خواهد یافت.» ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که چرا زن نباید مثل خودش فکر کند، عمل کند، اقدام کند و بیافریند؟ و بعد پس از این یادآوری که این زنان هزاران سال است مردها را به رسمیت شناخته‌اند، باید پرسید چرا نباید هر دو جنس یکدیگر را نه به عنوان افراد مشابه، بلکه به منزله دو جنس متفاوت به رسمیت بشناسند؟ به چه دلیل زنانگی نباید وجود داشته باشد؟ این

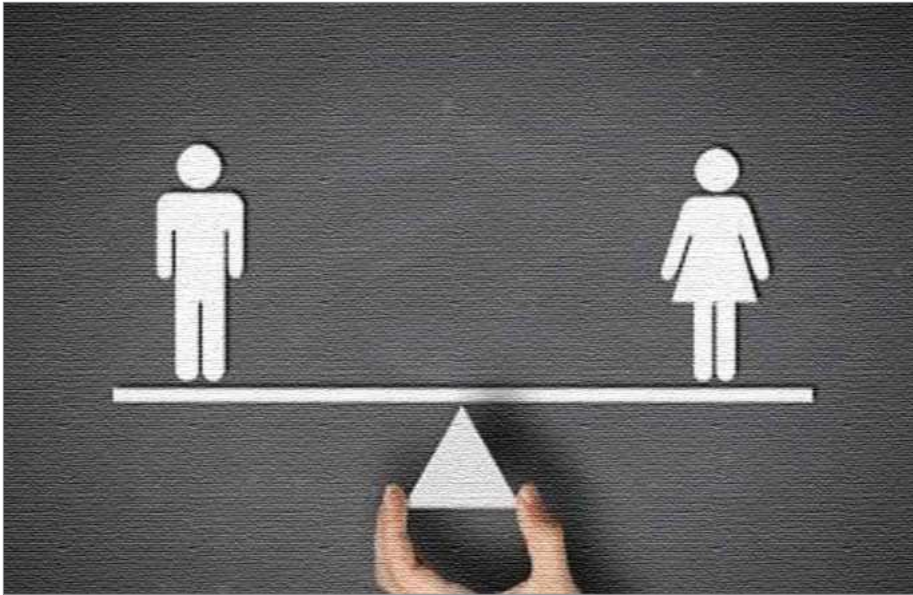
عاشق و مستقل می‌پردازد. دوبوووار در مورد اینکه چگونه نوشتن «جنس دوم» در ذهن او شکل گرفت می‌گوید: «هنگامی که خواستم از خودم سخن بگویم، متوجه شدم که بایستی به وضعیت زن بپردازم.» این جمله را بدینگونه نیز می‌توان معنی کرد که او هنگامی که از وضعیت زنان می‌نویسد، در واقع از خود نیز سخن می‌گوید.

سیمون دوبوووار پس از انتشار «جنس دوم» از چپ و راست مورد حمله قرار گرفت. کلیسای رم کتاب را تحریم کرد و راست‌ها به دلیل «تجاوز» دوبوووار به حریمی که تا کنون هیچ زنی پروای آن نکرده بود در مقالات و کتاب‌هایی چند شدیداً به او حمله کردند. چپ‌ها نیز با وجود گرایش چپ سیمون دوبوووار و گوشه چشمی که وی به مارکسیسم داشت، به این دلیل که او با مطرح ساختن موضوعات مربوط به زنان «مبارزه طبقاتی» را در سایه قرار می‌دهد، وی را بی‌نصیب نگذاشتند. در این میان برخی او را «با شهامت» خواندند و او در خاطرات خود با شگفتی می‌پرسد: «چرا شهامت؟» برخی دیگر او را بی‌نزاکت نامیدند. بعضی‌ها وعده می‌دادند در مورد او افشاگری کنند و برخی دیگر او را به صفاتی چون: ارضاننده، سردمزاج، حشری، دچار اختلال عصبی، زنِ مردصفت، محروم از هم‌اغوشی کامل، حسود، یک ترشیده آکنده از عقده‌های حقارت نسبت به مردان و زنان و... ملقب ساختند. او حتا در میان دوستانش نیز خشم برانگیخت. دوستی که یک دانشگاهی مترقی بود، کتاب وی را نیمه‌کاره به گوشه اتاق پرتاب کرد و آبر کامو او را متهم ساخت که «زنی نه فرانسوی» را مسخره کرده است. دوبوووار می‌نویسد: «کامو نمی‌توانست این فکر را تحمل کند که توسط زنی مورد سنجش و داوری قرار گیرد... اغلب این مردان هرآنچه را من درباره سردمزاجی زنان نقل کرده بودم، به عنوان دشنامی شخصی در نظر گرفتند. آنها علاقه داشتند تصور کنند که لذت را بنا بر میل خود اعطا

## به مناسبت روز جهانی زن؛

# نه «جنس دوم» نه «نیمه دیگر»؛ جنس دیگر

باز نشر



بود که بر اساس آن توارث از طریق مادر بود و دلیل آنهم بی‌دانشی انسان‌ها از چگونگی باروری و زایش بوده است. آنها تنها می‌دیدند که «انسان کوچک» در بدن زن شکل می‌گیرد و از او به دنیا می‌آید و نمی‌دانستند که مرد در باروری زن و شکل‌گیری رویانه و جنین نقش دارد! زن صاحب فرزند بود. مادرتباری هرگز مترادف زن‌سالاری نبود، حال آنکه توارث از طریق پدر به هزاره‌های مردسالارانه انجامید.

در همان دوران مادرتباری نیز زنان با تکیه بر برتری خویش یعنی نیروی زایش و تضمین بقای انسان هرگز سعی در ایجاد محدودیت برای هم‌نوعان خویش نکردند. سالیان سال باید می‌گذشت تا مسیحیت به تلافی این برتری که به زنان ارزانی شده بود، پیام‌آور خویش را به خدا (که مرد بود) نسبت دهد و او را «پسر خدا» بنامد و به این ترتیب از نقطه قوت زنان انتقام بکشد و مریم را به عنوان «حامله» که فقط نطفه مذکر پروردگار را در خویش «حمل» می‌کرد با قطره‌ای اشک در گوشه چشم به محراب‌های تاریک کلیساها براند.

اینک پس از هزاران سال، فرهنگ مردسالاری چنان در تار و پود و جسم و جان بشریت تنیده شده است که تلاش خستگی‌ناپذیری برای زدودن آن از چهره جامعه انسانی می‌طلبد. طبیعی است که در میان جنس همواره به حاشیه رانده شده گرایش‌های افراطی نیز سر برآورند که خواهان نابودی جنس مرد و انتقامجویی باشند لیکن از آنجا که این گرایش‌ها با طبیعت زندگی همخوانی ندارند، تنها می‌توانند در گروه‌ها و محفل‌های معدود و محدود بسر برند.

### «عیوب زنانگی»

متأسفانه این اصطلاح از سیمون دوبوووار است. او در کتاب «جنس دوم» و در خاطرات خویش نیز هنوز معتقد بود که زنان باید برای پذیرفته شدن در جامعه مردانه بر «عیوب زنانگی» خویش غلبه کنند و از آنجا که مردان برای حرکت و فعالیت در جامعه حتی از نظر لباس پوشیدن آسوده‌تر بودند، آزادی‌ای که مردان از آن برخوردار بودند، نقطه آمال زنان به حساب می‌آمد. لیکن آیا اصولاً پدیده‌ای به نام «عیوب

الاهه بقراط - سیمون دوبوووار در خاطرات خود (۱۹۵۸) می‌نویسد: «در بسیاری موارد پی برده بودم که پیش از جنگ بر اثر تجرد تقصیر داشته‌ام. اکنون می‌دانستم که پهودی بودن و آریایی بودن امری بی‌تفاوت نیست، ولی پی برده بودم که یک وضع زنانه هم وجود دارد. ناگهان زنان بسیاری را می‌دیدم که از چهل سالگی یا فراتر نهاده بودند و در خلال تنوع و شانس‌ها و ارزش‌هایشان، همه تجربه‌ای مشابه کرده بودند. آنها به صورت «موجودات نسبی» زندگی کرده بودند.» بسیاری از زنانی که برای بررسی موضوعاتی در زمینه زنان قلم به دست می‌گیرند به همین تجربه و حتا گاه بی‌اعتنایی خویش در این زمینه اشاره کرده و «اعتراف» می‌کنند که سرانجام نتوانسته‌اند خود را از پذیرش این موضوع و توجه به آن برهانند. برایم چندان خوشایند نیست که اعتراف کنم من نیز از همین گروه بوده‌ام ولیکن از زاویه دیگری با موضوع زنان سینه به سینه شدم. هنگامی که همه فکر و اندیشه خود را متوجه دو مقوله مورد علاقه‌ام، «محیط زیست» و «تئوری‌های دموکراسی» کرده بودم، دریافتم همواره موضوع سومی از لابلای کتاب‌ها و مجلات سرک می‌کشد و خود می‌نمایاند، نمی‌شد ندیده‌اش گرفت، نمی‌شد درباره محیط زیست و دموکراسی خواند و گفت و این پدیده دیرآشنا را در شمار نیابورد. به ویژه آنکه این پدیده همواره در کنار جنبش‌های صلح و محیط زیست جای داشته و حتا در کشورهایی نظیر کشور خودمان پرچمدار دفاع از محیط زیست بوده است. و نیز آنکه نمی‌توان از تئوری‌ها و روش‌های دموکراسی سخن گفت و جنس دیگر را که امروز با آرای خود سرنوشت همه و مردان را نیز رقم می‌زند، به فراموشی سپرد و به روی خود نیابورد که اینان جامعه‌اند، اینان در محیط زیست و نظام‌های سیاسی-اقتصادی تنیده‌اند.

### مادرتباری و مردسالاری

در تاریخ اجتماعات بشری هرگز دوران زن‌سالاری وجود نداشته است. آنچه در دوره‌های کوتاه وجود داشت، مادرتباری

● هزاران سال، فرهنگ مردسالاری چنان در تار و پود و جسم و جان بشریت تنیده شده است که تلاش خستگی‌ناپذیری برای زدودن آن از چهره جامعه انسانی می‌طلبد. طبیعی است که در میان جنس همواره به حاشیه رانده شده گرایش‌های افراطی نیز سر برآورند که خواهان نابودی جنس مرد و انتقامجویی باشند لیکن از آنجا که این گرایش‌ها با طبیعت زندگی همخوانی ندارند، تنها می‌توانند در گروه‌ها و محفل‌های معدود و محدود بسر برند.

● عمق فرهنگ مردسالاری چنان بوده و هست که زن اندیشمند و برجسته‌ای چون دوبوووار نیز با مفهوم و کلمه «زن» برخوردی کژ داشته و اتفاقاً در راستای دفاع از حقوق زنان می‌نویسد: «شما زن زاییده نمی‌شوید، که زن بار می‌آید.» او اساس نظر خویش را بر پیشداوری منفی رایج در جامعه استوار ساخته است و بجای تلاش برای دگرگونی این پیشداوری، می‌کوشد تا زن‌ها را از «شرّ زن بودن» خلاص سازد... مرد بارآمدن زن یعنی قیمتی که زنان باید برای ورود به جامعه مذکر بپردازند و این مفهوم دیگری ندارد مگر گردن نهادن به بینش‌های فلسفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردسالار.

● اگر زمانی ادیان مختلف زنان را «ناقص‌العقل» خواندند، بشریت پیشرفته قرن بیستم در نظریات مبالغه‌آمیز فروید دریافت که زن «ناقص‌الجسم» نیز هست و کمی بعد در روانشناسی مکتب یونگ به «ناقص‌الجان» بودن آنان نیز پی برد! در روانشناسی فروید، زن اخته است و با فعال شدن در عرصه‌های مختلف تلاش می‌کند تا واقعیت اختگی خویش را انکار سازد. شاگرد او، کارل یونگ، «جان» زن را کامل نمی‌داند. وی با کشف عنصر نرینه در زنان و عنصر مادینه در مردان، هر چه ضعف و ناتوانی در مردان هست را به عنصر مادینه آنان نسبت داده و هرچه فعالیت و آگاهی در زنان هست را به عنصر نرینه آنان!

● مفهوم پذیرش و به رسمیت شناختن متقابل دو جنس نخست توسط هگل در مورد رابطه جنسی زن و مرد به کار گرفته شده است. او می‌نویسد که در رابطه جنسی این «خود طبیعی و بکر» طرفین است که پذیرفته و محترم شمرده می‌شود. بر اساس این درک، هر هویت فردی تنها در اینکه توسط «دیگری» پذیرفته شود شکل می‌گیرد. بدون این پذیرفته شدن، رابطه و مناسبات ناقص می‌ماند. تا زمانی که «خود» نتواند وجود دیگری را آنگونه که هست بپذیرد و به رسمیت بشناسد، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که خودش توسط «دیگری» پذیرفته شود. این گرهی است که در روابط گروه‌های اجتماعی هم‌ستیز اعم از ملی، قومی، نژادی و جنسی می‌باید گشوده شود. درک این واقعیت که همه در عین حال که «خود» هستند، «دیگری» نیز هستند، راه را به سوی تفاهم و همزیستی می‌گشاید. و در این بحث «خود» و «دیگری» یعنی همه، یعنی دو جنس زن و مرد.

● زنان نمی‌خواهند تا چیزی به آنان اعطاء شود، می‌خواهند هیچ جنسی در جامعه بشری سالار نباشد و قوانین و مناسباتی که تا کنون بر اساس منافع مردانه و غیرتقدیمی‌های ایشان تنظیم گشته، دگرگون شود. این مناسبات اگرچه در خور نظام مردسالار است، اما شایسته انسان نیست.



نژادی و جنسی می‌باید گشوده شود. درک این واقعیت که همه در عین حال که «خود» هستند، «دیگری» نیز هستند، راه را به سوی تفاهم و همزیستی می‌گشاید. و در این بحث «خود» و «دیگری» یعنی همه، یعنی دو جنس زن و مرد.

در این زمینه ما با یک مشکل اساسی روبرو هستیم و آن اینکه نظام یک جنس مسلط و غالب یعنی مردسالاری می‌باید «جنس دیگر» را که توسط همین نظام ضعیف نگاه داشته شده و به حاشیه رانده شده است، بپذیرد، به رسمیت بشناسد و به حق و حقوق او در همه عرصه‌ها احترام بگذارد. زنان نمی‌خواهند تا دولت‌ها و گروه‌های مردان با ظاهر شدن در نقش حمایت از «ضعفا» همچنان «مهمتری» خویش را حفظ کنند. آنها نمی‌خواهند به گفته یکی از مدافعان حقوق زنان «از اقلیت در حاشیه به اکثریت در حاشیه» تبدیل شوند. زنان می‌خواهند با حفظ زنانگی خویش و بالیدن به آن، حقوق انسان- شهروندی خویش را به دست آورند. آنان نمی‌خواهند تا چیزی به آنان اعطاء شود، می‌خواهند هیچ جنسی در جامعه بشری سالار نباشد و قوانین و مناسباتی که تا کنون بر اساس منافع مردانه و غیرتمدنی‌های ایشان تنظیم گشته، دگرگون شود. این مناسبات اگرچه در خور نظام مردسالار است، اما شایسته انسان نیست. بگذار هر کسی با هویت جنسی خویش، با ویژگی‌های روحی، روانی و جسمی ناشی از این هویت و با کوله‌بار توان‌ها و ناتوانی‌هایش در همه عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و از امکانات و حق و حقوق یکسان برخوردار باشد.

\*این مطلب نخستین بار در کیهان لندن شماره ۷۰۹، چهارم ژوئن ۱۹۹۸ برابر با ۱۴ خرداد ۱۳۷۷ منتشر شد.

تعادل روانشناختی بین مرد و زن تعبیر می‌کنند اما اساس این تلاش بر یک پیشداوری تاریخی، نادرست و مردسالار استوار است. بر اساس مکتب یونگ، یک زن خوشفکر و فعال درواقع نرینه کاملی دارد وگرنه خودش به دلیل اینکه مرد نیست، ناقص است! به این ترتیب علم نوین روانشناسی نیز به یاری حفظ ستون‌های فرهنگ مردسالار دويد. مردان روانشناس از ظن خود به کند و کاو در جسم و جان و روان زنانه پرداختند و توجه دیگری برای هرچه بیشتر به حاشیه راندن آنان یافتند. نکته در خور توجه این است که اینهمه همزمان است با فعال شدن زنان در سراسر جهان و به ویژه در اروپا و آمریکا. از همین زاویه است که جنبش زنان در نیمه اول قرن بیستم بیشتر سعی در تقویت «نرینه» یا ناخودآگاه خود به تعبیر یونگ دارد تا با غلبه بر «عیوب زنانه»، خود را از «موجودات نسبی» به موجودات مطلق دگرگون سازد. و این البته مرحله‌ای است ناگزیر در خودآگاهی و رسیدن به مرحله بعدی که همانا بالیدن زنان به زنانگی خویش و پذیراندن هویت جنسی‌شان به جوامع مردسالار است.

**پذیرش و به رسمیت شناختن متقابل دو جنس**  
این مفهوم نخست توسط هگل در مورد رابطه جنسی زن و مرد به کار گرفته شده است. او می‌نویسد که در رابطه جنسی این «خود طبیعی و بکر» طرفین است که پذیرفته و محترم شمرده می‌شود. بر اساس این درک، هر هویت فردی تنها در اینکه توسط «دیگری» پذیرفته شود شکل می‌گیرد. بدون این پذیرفته شدن، رابطه و مناسبات ناقص می‌ماند. تا زمانی که «خود» نتواند وجود دیگری را آنگونه که هست بپذیرد و به رسمیت بشناسد، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که خودش توسط «دیگری» پذیرفته شود. این گرهی است که در روابط گروه‌های اجتماعی هم‌ستیز اعم از ملی، قومی،

«جنسیتی» وجود دارد که مردان فارغ از آن و زنان دچار آن باشند؟ هرگاه بتوان از «عیوب مردانگی» سخن گفت، شاید بتوان آنگاه از «عیوب زنانگی» نیز گفت.

امروز پدیده سرعت در نوآوری و اختراعات و اکتشافات را نمی‌توان به علوم تجربی و تکنولوژی محدود دانست. در زمینه علوم انسانی با همین سرعت نظرات صیقل می‌خورند، محو می‌شوند و یا دگرگون می‌گردند. آهنگی که جنبش زنان در دو دهه اخیر حتا در کشورهای به اصطلاح غیرپیشرفته داشته است، نگرش‌های نوینی را به میان آورده و هنوز در سال‌های آینده به میدان خواهد گشاند. عمق فرهنگ مردسالاری چنان بوده و هست که زن اندیشمند و برجسته‌ای چون دوپووار نیز با مفهوم و کلمه «زن» برخوردی کژ داشته و اتفاقاً در راستای دفاع از حقوق زنان می‌نویسد: «شما زن زاییده نمی‌شوید، که زن بار می‌آید.» او اساس نظر خویش را بر پیشداوری منفی رایج در جامعه استوار ساخته است و بجای تلاش برای دگرگونی این پیشداوری، می‌کوشد تا زن‌ها را از «شر زن بودن» خلاص سازد. روشن است که در اینجا دگرگونی زنانه نه از نظر بیولوژیک و جنسی بلکه در عرصه تفکر و جهان‌بینی و کسب امکاناتی است که مردان در اختیار داشته و دارند. لیکن امروز بالیدن زنان به زنانگی خویش بخش ضروری آگاهی بر هویت جنسی زنان است. تنها با تکیه بر این هویت است که می‌توان خویش را چون جنس دیگر به جامعه و نظام‌هایی که آنها را «مذکر» می‌خواهند، قبولاند. مرد بارآمدن زن یعنی قیمتی که زنان باید برای ورود به جامعه مذکر بپردازند و این مفهوم دیگری ندارد مگر گردن نهادن به بینش‌های فلسفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردسالار.

#### «موجودات نسبی»

این نامگذاری زیبا بر وضع اسفبار زنان نیز از دوپووار است. اساس روانشناختی کتاب «جنس دوم» که به محض انتشار، همراه با فروش بی‌سابقه، سیل ناسازها و نارواها را نیز به سوی نویسنده‌اش جاری ساخت، بر روانشناسی فروید استوار است. نظرات فروید به دلیل طرح تابوهای جنسی بسیار مورد توجه روشنفکران دهه‌های سی و چهل میلادی قرار گرفت. شاید بتوان ریشه‌های «عیوب زنانگی» و تبدیل این جنس را به «موجودات نسبی» در همین روانشناسی یافت. اگر زمانی ادیان مختلف زنان را «ناقص‌العقل» خواندند، بشریت پیشرفته قرن بیستم در نظریات مبالغه‌آمیز فروید دریافت که زن «ناقص‌الجسم» نیز هست و کمی بعد در روانشناسی مکتب یونگ به «ناقص‌الجان» بودن آنان نیز پی برد!

فروید نداشتن آلت تناسلی مردانه را در زنان مهمترین نقطه ضعف آنان و عامل پدیده‌های ناهنجار روانی در تمامی زنان می‌دانست. از نظر فروید همه رفتار زنان اعم از جنسی، روانی و اجتماعی درواقع واکنشی است بر اساس همین «نقص جسمانی» و «عقد مردانگی». در روانشناسی فروید، زن اخته است و با فعال شدن در عرصه‌های مختلف تلاش می‌کند تا واقعیت اختگی خویش را انکار سازد. شاگرد او، کارل یونگ، «جان» زن را کامل نمی‌داند. وی با کشف عنصر نرینه در زنان و عنصر مادینه در مردان، هر چه ضعف و ناتوانی در مردان هست را به عنصر مادینه آنان نسبت داده و هرچه فعالیت و آگاهی در زنان هست را به عنصر نرینه آنان! نتیجه را بنگرید: هرچه «نکو» است به مرد و نرینگی و هرچه «نکوئیده» است به زن و مادینگی مربوط می‌شود!

یونگ معتقد بود فعالیت اجتماعی، زنان را از زنانگی و وضعیت زنانه‌شان تهی می‌سازد. برخی طرح عناصر نرینه [آیموس] و مادینه [آنیما] را توسط یونگ تلاشی برای یافتن

## خامنه‌ای: تحریم فرصت است!



## طرح دستمزد «منطقه‌ای- صنفی»؛ علیه یکپارچگی کارگران ایران و با هدف «فدرالیسم معکوس»

● احمد میدری وزیر کار دولت پزشک‌یان معیارهای تعیین رقم حداقل دستمزد را تغییر داده و خواستار تعیین دستمزد به صورت «منطقه‌ای- صنفی» شده است.

● فعالان کارگری و کارشناسان چنین روشی را برای تعیین دستمزد دارای پیامدهایی تبعیض‌آمیز علیه کارگران و تهدیدی علیه کسب و کارهای خرد و یا فعال در مناطق محروم کشور ارزیابی می‌کنند.

● با پیاده ساختن دستمزد صنفی، واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی که در رسته اصنافی با دستمزد پایین‌تر قرار دارند از نیروی کار تهی شده و سرمایه انسانی به سوی اصنافی با دستمزد بالاتر هجوم می‌برد که تهدیدی جدی علیه حیات بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچکتر خواهد بود.

● با تعیین مزد منطقه‌ای نیروی کار از استان‌هایی که سطح دستمزد در آنها پایین‌تر است به سوی استان‌هایی با سطح درآمد بالاتر مهاجرت خواهد کرد که عوارضی چون افزایش حاشیه‌نشینی را در پی دارد.

● فعالان کارگری معتقدند اگر دولت پزشک‌یان به فکر عادلانه کردن پرداخت دستمزد به کارگران است، باید امسال «رقم هزینه سبد معیشت» را عادلانه تعیین کند و حقوق کارگران را بر اساس آن افزایش دهد نه اینکه شیوه‌ای مبهم و آزمایش نشده را پیاده کرده و بر مشکلات معیشتی کارگران بیافزاید!

● ایجاد منفعت‌های گروهی و جزیره‌ای و بطور کلی جداسازی‌های مصنوعی با از بین بردن منفعت عمومی و سعادت جمعی از جمله سیاست‌های «امنیتی» جمهوری اسلامی برای جلوگیری از یکپارچگی شهروندان بوده است تا به این شکل «اتحاد مردم یکپارچه» به «تهدیدی علیه نظام» تبدیل نشود.

● مزد صنفی و استانی سبب ایجاد شکاف و مرز میان شاغلان اصناف مختلف می‌شود و می‌تواند اتحاد و هماهنگی میان کارگران و برگزاری اعتراضات و اعتصابات سراسری را با اختلال روبرو کند.

● اصرار بر استانی کردن تعیین رقم حداقل دستمزد نیز در راستای سپردن اختیارات بیشتر به استان‌ها با هدف فراهم کردن ابزارهای اداره فدرالی یا به بیان دقیق‌تر پیاده ساختن «فدرالیسم معکوس» در کشور یعنی تکه‌تکه کردن یک ملت و مملکت یکپارچه است.

روشنک آسترکی - وزیر کار از طرحی جدید برای تعیین رقم حداقل دستمزد پرده برداشته که بر اساس آن دستمزد کارگران به صورت منطقه‌ای و با تفکیک صنفی تعیین می‌شود. این طرح که هنوز تصویب نشده نشانه‌هایی از «شکست» را با خود همراه دارد و به نظر می‌رسد یکی از بسترهای عملی شدن رویای مسعود پزشک‌یان و برخی مقامات جمهوری اسلامی برای اداره کشور به صورت ایالتی- ولایتی است!

احمد میدری وزیر کار دولت پزشک‌یان معیارهای تعیین رقم حداقل دستمزد را تغییر داده و خواستار تعیین دستمزد به صورت «منطقه‌ای- صنفی» شده است. بر اساس این طرح یک معیار برای رقم دستمزد کارگران منطقه یا استان محل اشتغال آنها است. معیار عجیب بعدی نیز صنف محل اشتغال آنها خواهد بود.



تجمع اعتراضی سه هزار تن از کارگران پارس جنوبی در عسلویه - آذرماه ۱۴۰۳

برای نمونه با اجرای دستمزد صنفی، واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی که در رسته اصنافی با دستمزد پایین‌تر قرار دارند از نیروی کار تهی شده و سرمایه انسانی به سوی اصنافی با دستمزد بالاتر هجوم می‌برد. به ویژه آنکه کاهش قدرت خرید و افزایش توأمان تورم کارگران را نیازمند درآمدهایی بالاتر می‌کند.

این روند تهدیدی جدی علیه حیات بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچکتری خواهد بود که بطور کلی هم از حمایت‌های دولتی برخوردار نیستند و هم در شرایط رکود تورمی با دشواری به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

در آنسو برای تعیین دستمزد به صورت منطقه‌ای یا استانی نیز پیامدهای منفی مختلفی وجود دارد. نخستین مسئله اینست که نیروی کار از مناطق یا استان‌هایی که سطح دستمزد در آنها پایین‌تر است به سوی استان‌هایی با سطح درآمد بالاتر مهاجرت خواهد کرد.

این موضوع به معنای یک جابجایی جمعیتی قابل توجه از استان‌های کمتر برخوردار به استان‌های پرجمعیت‌تر با تورم بالاتر خواهد بود. این مهاجرت‌ها سبب گسترش حاشیه‌نشینی در کشور خواهد شد که بر اساس آمارهای حکومتی دست‌کم ۲۵ درصد از جمعیت آن حاشیه‌نشین هستند و در برخی کلانشهرها مانند مشهد، یک سوم از جمعیت شهر، حاشیه‌نشین اعلام شده‌اند.

جدا از آنکه چنین مهاجرت‌هایی بازار مسکن در استان‌هایی با سطح دستمزد بالاتر را متأثر می‌کند، تبعات اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌نشینی از جمله افزایش بزه و تغییرات در سطح خرده‌فرهنگ‌ها را نیز در پی خواهد داشت.

مقامات دولتی چنین توجیه می‌کنند که در استان‌هایی که سطح تورم پایین‌تر اعلام شده، دستمزدهای کمتر پاسخگوی نیاز خانوارهای کارگری خواهد بود.

این در حالیست که میزان اختلاف تورم در استان‌های مختلف ثابت نیست و بررسی تورم به تفکیک استانی

اگرچه تعیین رقم حداقل دستمزد به صورت منطقه‌ای از چند سال پیش مطرح شده و در حد ایده باقی مانده بود اما امسال احمد میدری وزیر کار بر پیاده ساختن این شیوه اصرار دارد.

او از شیوه تعیین رقم حداقل دستمزد به صورت «صنفی و استانی» خبر داده و گفته که «مزد منطقه‌ای مشکلاتی دارد ولی مزد صنفی قابل اجرا است و ما این اختیار را به استان‌ها می‌دهیم که نرخ را که در سطح ملی تعیین کردیم، با یک صنف بنشینند و روی آن اگر توافق کردند برای آن استان خاص بپذیریم، یعنی ترکیبی از صنفی و استانی لحاظ خواهد شد.»

توجیه وزیر کار دولت پزشک‌یان برای پیاده ساختن چنین شیوه‌ای، «سختی کار» در برخی مشاغل است. او پیشتر گفته بود «اینکه ما بر اساس حداقل هزینه زندگی و تورم اقدام به تعیین حداقل دستمزد می‌کنیم، درست نیست و این عدد باید بر اساس میزان سختی کار در صنایع مختلف تعیین شود.»

این در حالیست که در فیش حقوقی کارگران سالیان سال است ردیفی به عنوان «سختی کار» وجود دارد و کارفرمایان موظف‌اند بر اساس نوع کار و وظایف کارگر، رقمی را به عنوان «سختی کار» در دریافتی آنها بیافزایند.

تعیین رقم دستمزد به صورت منطقه‌ای یا صنفی با واکنش شدید فعالان کارگری و کارشناسان روبرو شده است. آنها چنین روشی را برای تعیین دستمزد دارای پیامدهایی تبعیض‌آمیز علیه کارگران و تهدیدی علیه کسب و کارهای خرد و یا فعال در مناطق محروم کشور ارزیابی می‌کنند.

در شرایطی که به نظر می‌رسد «انگیزه‌های سیاسی» برای پیاده ساختن چنین شیوه‌ای با وجود مخالفت فعالان کارگری پشت این ایده وجود دارد اما از یکسو اجرای چنین طرحی پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه دارد و از سوی دیگر اساساً بسترهای لازم برای اجرای این طرح وجود ندارد.





تضعیف شده، پیشاپیش حوزه نظامی را به مدیریت محلی سپرده است.

بر اساس طرح «سپاه استانی» دفاتر مقاومت بسیج منطقه‌ای در هر استان از زیرمجموعه بسیج خارج شدند و همراه با لشکرها و تیپ‌های نیروی زمینی، ساختار سپاه‌های استانی را تشکیل دادند. اگرچه فرماندهان سپاه‌های استانی توسط فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌شوند اما واحدهای «سپاه استانی» به صورت واحدهای مستقل نظامی عمل کرده و بجز مسئولیت‌های نظامی، در حوزه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی نیز وارد شده و فعالیت می‌کنند!

موضوع تدریس «به» زبان مادری، و نه «تدریس زبان مادری» در مدارس کشور نیز از دیگر اهدافی است که در دولت مسعود پزشکیان بر آن اصرار شده و در راستای بسترسازی به سوی اداره فدرالی است. در این میان، هفته گذشته نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حالی به لایحه‌ای با موضوع تدریس زبان‌های قومی و محلی در مدارس رأی منفی دادند که مقامات دولت پزشکیان اعلام کردند تدریس «به» زبان مادری را حتی بدون همراهی مجلس شورای اسلامی پیاده خواهند کرد!

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد اصرار بر استانی کردن تعیین رقم حداقل دستمزد نیز در راستای سپردن اختیارات بیشتر به استان‌ها با هدف فراهم کردن ابزارهای اداره فدرالی یا به بیان دقیق‌تر پیاده ساختن «فدرالیسم معکوس» در کشور یعنی تکه‌تکه کردن یک ملت و مملکت یکپارچه است.

نظام» تبدیل نشود.

مربندی میان کارگران شاغل در اصناف مختلف با استفاده از صنفی و استانی کردن دستمزد نیز می‌تواند اتحاد و هماهنگی میان کارگران و برگزاری اعتراضات و اعتصابات سراسری آنها را با اختلال روبرو کند.

همین رویکرد جمهوری اسلامی در منطقه‌ای یا استانی کردن دستمزد نیز موثر بوده است؛ به ویژه آنکه مسعود پزشکیان بطور مشخص رویای پیاده کردن شیوه اداره «فدرالی» در ایران را دارد و در ماه‌های گذشته نه تنها او و دیگر مقامات دولت بر این موضوع تأکید کرده‌اند بلکه برخی سیاست‌های به ظاهر آموزشی و اقتصادی نیز در همین راستا برنامه‌ریزی شده است.

سپردن اختیارات اداره استان‌ها به مقامات استانی و حتی ایجاد نهادی با عنوان پارلمان استانی از جمله اهداف مهم و البته خطرناک دولت مسعود پزشکیان است.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان دی‌ماه امسال در اینباره توضیح داده بود که «دولت در این دوره تا مرزها و دروازه‌های استان می‌آید و از آن به بعد، جز در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی، که در دولت تصمیم‌گیری می‌شود، استان خودش تصمیم می‌گیرد».

این ایده البته عمری درازتر از دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان دارد و در دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی نیز بر آن اصرار می‌شد و شخص محمد خاتمی نیز از حامیان جدی اداره فدرالی کشور است.

جمهوری اسلامی از تابستان سال ۱۳۸۷ نیز «سپاه استانی» را راه‌اندازی کرده و به نوعی در حالی که ارتش روز به روز

نشان می‌دهد در هر ماه رده‌بندی استان‌ها از نظر تورم متفاوت است. برای نمونه ممکن است در یک ماه استان البرز جزو پنج استان پرتورم کشور باشد اما در ماه‌های بعد این رده را به استان‌های دیگری واگذار کند.

یکی از استدلال‌هایی که برخی مقامات دولتی در دفاع از مزد منطقه‌ای اعلام می‌کنند، تشویق صنایع و واحدهای تولیدی به سرمایه‌گذاری در استان‌هایی است که سطح دستمزد نیروی کار در آنها پایین‌تر است. این در حالیست که از یکسو استان‌های به اصطلاح کم‌برخوردار، توسعه نیافته‌تر هم هستند و در نتیجه لزوماً زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری را ندارند. بدون شک معیار سرمایه‌گذاری نیز صرفاً رقم دستمزد نیست و فاکتورهای مختلفی در تصمیم نهایی سرمایه‌گذاران موثر خواهد بود.

از سوی دیگر بهانه‌تراشی توسعه‌ای برای تعیین رقم دستمزد به صورت منطقه‌ای در حالی صورت می‌گیرد که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه در سطح کلان مدیریت توسط حکومت صورت می‌گیرد و اتفاقاً تجربه ۴۶ سال زمامداری جمهوری اسلامی نشان داده این حکومت نه تنها توسعه‌گرا نیست بلکه در بسیاری موارد «ضد توسعه» به شمار می‌رود.

کارشناسان همچنین معتقدند تعیین شیوه دستمزد به صورت منطقه‌ای و صنفی، نیازمند داده‌های آماری دقیق با به‌روزرسانی مداوم است اما در آمارهای ارائه شده از سوی حکومت تردیدهای زیادی وجود دارد و برخی آمارها، از جمله آمار تورم همواره با تردید دستکاری و تقلب روبرو بوده است.

همچنین بسترهای اجرایی و نظارتی لازم برای اجرای چنین طرحی وجود ندارد. اگرچه این شیوه از پرداخت دستمزد در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اجرا می‌شود اما این کشورها تمامی ابزارهای لازم برای اجرای درست و عادلانه چنین طرح‌ها را نیز در اختیار دارند.

فعالان کارگری همچنین معتقدند بر اساس ماده ۴۱ قانون کار شیوه تعیین رقم حداقل دستمزد باید بر اساس «تورم» و «هزینه زندگی» باشد اما دولت سال‌هاست شرط دوم یعنی «هزینه زندگی» را در تعیین دستمزد نادیده گرفته و تنها با در نظر گرفتن تورم، آنهم نه عادلانه، رقم حداقل دستمزد را تعیین می‌کند.

آنها معتقدند اگر دولت پزشکیان به فکر عادلانه کردن پرداخت دستمزد به کارگران است، باید امسال «رقم هزینه سبب معیشت» را عادلانه تعیین کند و حقوق کارگران را بر اساس آن افزایش دهد نه اینکه شیوه‌ای مهم و آزمایش نشده را پیاده کرده و بر مشکلات معیشتی کارگران بیافزاید! با اینهمه به نظر می‌رسد دولت مسعود پزشکیان با اهداف «سیاسی» به دنبال چنین تغییری در تعیین رقم حداقل دستمزد است.

صنفی کردن پرداخت دستمزد به کارگران سبب ایجاد شکاف و مرز میان شاغلان اصناف مختلف می‌شود. با توجه به مطالبات صنفی همواره پاسخ داده نشده از سوی دولت، کارگران اگر به صورت صنفی دستمزد دریافت کنند مطالبات آنها نیز از حالت یکپارچه خارج خواهد شد. همچنین کارگران برای طرح یک مطالبه مشترک نه انگیزه کافی و نه منفعت جمعی برای طرح خواست‌ها و حقوق مشترک خود خواهند داشت.

ایجاد منفعت‌های گروهی و جزیره‌ای و بطور کلی جداسازی‌های تصنعی با از بین بردن منفعت عمومی و سعادت جمعی از جمله سیاست‌های «امنیتی» جمهوری اسلامی برای جلوگیری از یکپارچگی شهروندان بوده است تا به این شکل «اتحاد مردم یکپارچه» به «تهدیدی علیه

## از پشت تریبون تا پشت پرده!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

این اظهارات احتمالاً اشاره به سخنان شداد و غلاظ اخیر خامنه‌ای علیه مذاکره و آمریکا و پیام‌های پنهان حکومت ایران به ایالات متحده برای مذاکره دارد.

مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده در گفتگو با شبکه «الحدث» عربستان سعودی گفت: بین اظهارات علنی و پنهانی مقامات جمهوری اسلامی تناقض هست.

## چند کشته و مجروح در حمله هوایی اسرائیل به حومه دمشق؛ خانه زیاد نخاله هدف قرار گرفت



تصویری که گفته می‌شود مربوط به خانه زیاد نخاله در حاشیه دمشق است

● در حمله هوایی چند کشته‌های اسرائیلی به اهدافی در دمشق، خانه زیاد نخاله دبیرکل گروه «جهاد اسلامی» فلسطین هدف قرار گرفت.

● خبرگزاری آسوشیتدپرس پنجشنبه ۱۳ مارس ۲۰۲۵ (۲۳ اسفندماه) به نقل از یکی از اعضای جهاد اسلامی با اعلام این خبر مدعی شد این آپارتمان سال‌هاست خالی بوده و زیاد نخاله در سوریه حضور ندارد.

در حمله هوایی چند کشته‌های اسرائیلی به اهدافی در دمشق، خانه زیاد نخاله دبیرکل گروه «جهاد اسلامی» فلسطین هدف قرار گرفت.

● خبرگزاری آسوشیتدپرس، پنجشنبه ۱۳ مارس ۲۰۲۵ (۲۳ اسفندماه) به نقل از یکی از اعضای جهاد اسلامی با اعلام این خبر مدعی شد این آپارتمان سال‌هاست خالی بوده و زیاد نخاله در سوریه حضور ندارد.

هوایم‌های ارتش اسرائیل نقاطی را در «ضاحیه دمر» در حومه دمشق پایتخت سوریه بمباران کردند. منابع محلی گزارش دادند صدای دو انفجار شدید شنیده شد و از ساختمان مربوطه دود بلند شد. برخی می‌گویند یک فلسطینی در این حمله کشته شده است.

یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل در واکنش به این حمله گفت، احمد الشرع زمامدار سوریه هوایم‌های اسرائیلی را خواهد دید که بر فراز آسمان می‌چرخند و به اهداف تروریستی حمله می‌کنند. او احمد الشرع را تهدید کرد و گفت: «اجازه نخواهیم داد سوریه به تهدیدی برای اسرائیل تبدیل شود.»

«شبکه ۱۴» تلویزیون اسرائیل در گزارشی خبر داد ساختمانی که در حمله هوایی اسرائیل به دمشق هدف قرار گرفته، مقر گروه جهاد اسلامی فلسطین بوده است.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشت که در این حمله دست‌کم سه نفر کشته و هفت نفر زخمی شدند.

## تعليق حليا دوطاقي پژوهشگر ایرانی از دانشگاه بیل به دلیل ارتباط با گروه‌های فلسطینی



حلیا دوطاقي پژوهشگر ایرانی طرفدار آرمان‌های فلسطین

کشور اخراج خواهیم کرد.»

دوطاقي در متنی که در برخی رسانه‌های چپ‌گرای آمریکایی منتشر شد درباره تعلیقی خود نوشت، «یک پلتفرم صهیونیستی راست‌گرای ناشناس با استفاده از هوش مصنوعی به نام Jewish Onliner گزارشی منتشر کرد که در آن به دروغ مرا تروریست معرفی کرده بود. دانشکده حقوق بجای آنکه از من دفاع کند، کمتر از ۲۴ ساعت پس از اطلاع از این گزارش، مرا تعلیقی کرد.»

او همچنین توضیح داده است که «من تنها چند ساعت فرصت داشتم تا در یک جلسه‌ی بازجویی که بر اساس اتهامات ساختگی تولید شده توسط هوش مصنوعی بود، شرکت کنم. همزمان، با حجم گسترده‌ای از آزارهای آنلاین، تهدید به مرگ و حملات اینترنتی صهیونیستی مواجه بودم که باعث استرس بی‌سابقه و مشکلاتی در محیط کار و خانه شد. در تمام این مدت، روزه بودم و درخواست من برای در نظر گرفتن تسهیلات مذهبی در ماه رمضان رد شد. چند ساعت بعد، دانشکده مرا تعلیقی و دسترسی‌ام به ایمیل و سیستم‌های فناوری اطلاعات را مسدود کرد و مرا از ورود به محوطه دانشگاه منع نمود. من هیچ فرصتی برای دفاع از خود یا مشورت کافی با وکیل نداشتم.»

بررسی‌ها نشان می‌دهد دوطاقي در حساب کاربری خود در رسانه اجتماعی «ایکس» تصاویری مربوط به مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله دبیرکل پیشین گروه تروریستی حزب‌الله را بازنشر کرده است.

دوطاقي ۳۰ ساله با مدرک دکترا، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که با افتخار از حقوق فلسطینیان دفاع می‌کند و مدعی شد که من عضو هیچ سازمانی نیستم که نقض قوانین ایالات متحده باشد.

سازمانی که او متهم به ارتباط با آن شده است در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا و آلمان قرار دارد.

● روزنامه «نیویورک تایمز» چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۲۵ (۲۲ اسفند) گزارش داد، دانشگاه بیل در آمریکا، حلیا دوطاقي پژوهشگر ایرانی را به اتهام ارتباط با گروه فلسطینی «سامدون» تعلیقی کرد. او عضو پیشین هیئت علمی پژوهشی دانشکده حقوق بیل و معاون پروژه حقوق و اقتصاد سیاسی این دانشکده است.

● پیش از این روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی نوشته بود اتهام او ارتباط با تروریسم و «یهودستیزی» است.

● دانشکده حقوق بیل اعلام کرد که دوطاقي پس از این اتهامات به «مرخصی اداری فوری» فرستاده شده است.

● این پژوهشگر که حامی آرمان‌های فلسطین است با سعید جلیلی رئیس پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در یک نشست آنلاین نیز حضور داشته است.

روزنامه «نیویورک تایمز» چهارشنبه ۱۲ مارس ۲۰۲۵ (۲۲ اسفند) گزارش داد، دانشگاه بیل در آمریکا، حلیا دوطاقي پژوهشگر ایرانی را به اتهام ارتباط با گروه فلسطینی «سامدون» تعلیقی کرد. او عضو پیشین هیئت علمی پژوهشی دانشکده حقوق بیل و معاون پروژه حقوق و اقتصاد سیاسی این دانشکده است.

● پیش از این روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی نوشته بود اتهام او ارتباط با تروریسم و «یهودستیزی» است.

● دانشکده حقوق بیل اعلام کرد که دوطاقي پس از این اتهامات به «مرخصی اداری فوری» فرستاده شده است.

● این پژوهشگر که حامی آرمان‌های فلسطین است با سعید جلیلی رئیس پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی در یک نشست آنلاین نیز حضور داشته است.

اخراج دانشجویان و پژوهشگران حامی گروه‌های فلسطینی تروریست از حمایت دونالد ترامپ برخوردار است. او در اینباره گفته بود « بسیاری از آنها دانشجو نیستند، آنها خرابکاران مزد بگیر هستند. آنها را پیدا و از





سرگئی لاوروف

که حتا مقامات ارشد جمهوری اسلامی نیز بارها گفته‌اند «برجام» مُرده و قابل احیا نیست.

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین اخیراً گفته بود، روسیه به تلاش خود برای سوق دادن روند حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران به سمت مسیری صلح‌آمیز ادامه خواهد داد. پسکوف درباره اعلام مخالفت علی‌خامنه‌ای در مورد مذاکره با آمریکا نیز گفته بود، ایران یک کشور مستقل است و موضع خود را در مورد مسائل سیاست خارجی بطور مستقل تنظیم می‌کند.

اینهمه در حالیست که خود روسیه سه سال پیش از این نیز مانع «احیای برجام» شده بود. آن زمان وقتی جمهوری اسلامی در وین تلاش می‌کرد روزنه‌ای برای توافق با دولت جو بایدن پیدا کند جنگ اوکراین آغاز شد و دولت‌های غربی از جمله آمریکا تحریم‌های شدیدی علیه روسیه اعمال کردند. لاوروف اسفندماه ۱۴۰۰ در یک سخنرانی اعلام کرد، تحریم‌ها علیه مسکو برای توافق هسته‌ای با ایران «مشکل» ایجاد می‌کند.

وزیر خارجه روسیه گفته بود، «ما ضمانت کتبی می‌خواهیم که این تحریم‌ها [تحریم‌ها پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین] به هیچ شکل بر مناسبات اقتصادی و تجاری ما [با ایران] که ذیل برجام قید شده است اثر نگذارد!»

بخشی از صحبت‌های لاوروف در مصاحبه اخیرش درباره جنگ اوکراین بود. او گفت: «ترامپ می‌خواهد تضمین‌های امنیتی برای اوکراین تحت رهبری زلینسکی ارائه کند.»

وی با بیان اینکه روسیه تحت هیچ شرایطی نیروهای ناتو را در اوکراین نمی‌پذیرد، گفت: «حضور نیروهای ناتو، تحت هر پرچم و با هر عنوانی در خاک اوکراین تهدیدی برای روسیه است.»

وزیر خارجه روسیه با مطرح کردن این ادعا که نیروهای حافظ صلح ناتو از رژیم نازی در بقایای اوکراین محافظت خواهند کرد، اظهار داشت: «روسیه می‌داند چگونه از هرگونه مصالحه در مورد اوکراین که جان مردم را به خطر می‌اندازد اجتناب کند.»

لاوروف بیان کرد: «مسکو و واشنگتن نباید فرصت را برای دستیابی به منافع متقابل در مناطقی که منافعشان با یکدیگر مطابقت دارد از دست بدهند، از جمله ثبات استراتژیک.»

## انتقاد سرگئی لاوروف از شروط آمریکا برای معامله با جمهوری اسلامی

● سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در مصاحبه‌ای گفته «روسیه و شرکایش در مورد برجام گفتگو کردند» و «ما طرفدار بازگرداندن برنامه اولیه‌ای هستیم که آمریکایی‌ها در دوره اول دولت ترامپ از آن خارج شدند».

● وزیر خارجه روسیه می‌گوید، «نگران‌کننده این است که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها میل دارند توافق جدید با شرط و شروط سیاسی همراه باشد و اصرار دارند که آن را با توقف حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌هایی در عراق، لبنان، سوریه گره بزنند که فکر نمی‌کنم راه به جایی برسد».

● سرگئی لاوروف در حالی می‌گوید آمریکا باید به نسخه اولیه توافق اتمی سال ۲۰۲۵ موسوم به «برجام» بازگردد که حتا مقامات ارشد جمهوری اسلامی نیز بارها گفته‌اند «برجام» مُرده و قابل احیا نیست.

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در مصاحبه‌ای گفته «روسیه و شرکایش در مورد برجام گفتگو کردند» و «ما طرفدار بازگرداندن برنامه اولیه‌ای هستیم که آمریکایی‌ها در دوره اول دولت ترامپ از آن خارج شدند».

او در این مصاحبه که ۱۲ مارس ۲۰۲۵ (۲۲ اسفندماه) منتشر شد گفت، «برخی از تماس‌ها در طرف اروپایی‌ها وجود دارد.» لاوروف توضیح داد: «ما طرفدار از سر گرفتن قالبی هستیم که توافق اولیه مورد تایید شورای امنیت را که شامل فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایالات متحده، روسیه، چین و ایران است توسعه داد. خواهیم دید که چطور پیش می‌رود.»

وزیر خارجه روسیه می‌گوید، «نگران‌کننده این است که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها میل دارند این توافق جدید با شرط و شروط سیاسی همراه باشد و اصرار دارند که باید ترتیبی قابل راست‌آزمایی برای ایران وجود داشته باشد که از گروه‌هایی در عراق، لبنان، سوریه و هر جایی حمایت نکنند که فکر نمی‌کنم راه به جایی برسد.»

### مذاکرات اوکراین

او در پاسخ به این پرسش که آیا رژیم ایران در مذاکرات صلح اوکراین نقشی دارد یا نه گفت: «نگاه کنید، همه کشورهای خلیج فارس نفوذی فراتر از مرزهای پادشاهی، امارات و شمال آفریقا دارند. آنها تعداد زیادی از برنامه‌های بشردوستانه و اقتصادی را پیش می‌برند. خیلی میانجیگری می‌کنند. برای مثال سودان، بحران داخلی سودان به نوعی توسط برخی از بازیگران خلیج فارس مدیریت می‌شود؛ بنابراین اینکه بگوییم، همه بجز ایران، این حق را دارند که نفوذ کنند، به نظر من واقع‌بینانه نیست.»

سرگئی لاوروف در حالی می‌گوید آمریکا باید به نسخه اولیه توافق اتمی سال ۲۰۲۵ موسوم به «برجام» بازگردد

## سانحه در یکی از مراکز نیروی دریایی سپاه پاسداران با چند کشته و زخمی



یک شهر موشکی سپاه پاسداران در ساحل خلیج فارس

● روابط عمومی نیروی دریایی سپاه، در بیانیه‌ای اعلام کرد، «مصطفی عبداللهی» در پی حادثه آتش‌سوزی هنگام مأموریت عصر پنجشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۴۰۳ «به علت شدت جراحات» کشته شد.

● در همین بیانیه تأکید شده چند نفر از نیروهای آتش‌نشانی نیز در حین اطفاء حریق دچار مصدومیت شدند. ● مشخص نیست این سانحه کجا اتفاق افتاده است، اما مصدوم شدن تعدادی آتش‌نشان وجود آتش‌سوزی و سپس یک انفجار احتمالی ثانویه را تقویت می‌کند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران اعلام کرده که یک عضو این نیروی نظامی در یکی از مراکز نیروی دریایی سپاه کشته شده اما اشاره‌ای به مکان حادثه و علت دقیق مرگ نشده است.

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه، در بیانیه‌ای اعلام کرد، «مصطفی عبداللهی» در پی حادثه آتش‌سوزی هنگام مأموریت عصر پنجشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۴۰۳ «به علت شدت جراحات» کشته شد.

در همین بیانیه تأکید شده چند نفر از نیروهای آتش‌نشانی نیز در حین اطفاء حریق دچار مصدومیت شدند.

مشخص نیست این سانحه کجا اتفاق افتاده است، اما مصدوم شدن تعدادی آتش‌نشان وجود آتش‌سوزی و سپس یک انفجار احتمالی ثانویه را تقویت می‌کند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک ماه پیش از این سانحه (۲۱ دی‌ماه ۱۴۰۳) از یک «شهر موشکی» در ساحل خلیج فارس رونمایی کرد اما اشاره‌ای به محل آن نشد. در فیلمی که صداوسیما جمهوری اسلامی پخش کرد گزارش شد که موشک‌های سوخت مایع «عماد»، «قدر» و «قیام» در این پایگاه یا شهرک موشکی نگهداری می‌شوند.

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه ادعا کرده بود «اگر هر هفته یک رونمایی از شهرهای موشکی داشته باشیم تا دو سال دیگر هم تمام نمی‌شوند.»

# فائزه علوی مدافع حقوق بشر: خواست مردم ایران با آنچه حکومت جمهوری اسلامی می‌خواهد، کاملاً متفاوت است



@SFaeze Alavi on X

فائزه علوی در نشست «کینگز کالج لندن»

و بخشی از راه حل این آزادی، بازنگری و بازتعریف روابط میان ایران و اسرائیل است.»

فائزه علوی که در جستجوی آزادی، میهن خود را ترک کرده، اکنون یکی از حامیان پرشور جنبش‌های اعتراضی در ایران، به ویژه اعتراضاتی است که علیه سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی، همچون اعتراضات به حجاب اجباری، شکل گرفته‌اند.

آثار هنری او بازتابی از تاریخ پرفراز و نشیب ایران، مبارزات زنان این کشور و چشم‌اندازی از امکان ایجاد شراکتی نوین میان اسرائیل و ایران پس از حکومت جمهوری اسلامی است. او از طریق هنر و پژوهش‌های خود، پیوندی میان گذشته و آینده ایران ترسیم کرده و بر لزوم تغییر بنیادین در روابط بین‌المللی این کشور تأکید دارد.

در عین حال، او حمایت خود را از اسرائیل نیز آشکارا ابراز کرده است؛ موضعی که واکنش‌های متفاوتی را در میان فعالان حامی فلسطین برانگیخته و بحث‌هایی پیرامون آن شکل داده است. با اینهمه، وی همچنان بر اصول و باورهای خود پایبند است و بر این عقیده تأکید دارد که آزادی ایران مستلزم گفتمانی نوین و تفاهم سازنده با جهان، از جمله اسرائیل، خواهد بود.

علوی می‌افزاید: «خواست مردم ایران کاملاً با آنچه حکومت جمهوری اسلامی می‌خواهد متفاوت است» و تأکید می‌کند: «بسیاری از ایرانیان، اسرائیل را به عنوان یک متحد بالقوه در مبارزه خود علیه دیکتاتوری می‌بینند.»

او با اقدامات آشکار، حمایت خود را از آرمان‌های اسرائیل نشان داده است. از جمله این اقدامات، بستن روبان زرد به یاد قربانیان حمله گروه حماس در هفتم اکتبر بود. وی درباره این تصمیم گفته است: «من ارتباط بیشتری با برخی از دوستان یهودی‌ام برقرار کرده و احساس کردم که باید حمایت خود را از اسرائیل بطور علنی ابراز کنم.»

ایجاد صلح و ثبات تأکید کرد.

وی در ادامه سخنان خود افزود: «ما باید بجای دامن زدن به تنش‌ها و دشمنی‌ها، به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز و انسانی برای برطرف کردن مشکلات خود باشیم. اسرائیل حق دارد که از خود در برابر تهدیدات مختلف محافظت کند و ما ایرانیان باید از این حق دفاع کنیم.»

اگرچه این سخنرانی با واکنش‌های مختلفی روبرو شد، علوی اما همچنان بر حمایت از یک ایران آزاد و دموکراتیک و روابط مسالمت‌آمیز بین کشورها تأکید می‌کند و بر این باور است که صلح و همکاری، تنها راه حل واقعی برای مشکلات موجود در خاورمیانه است.

فائزه علوی پژوهشگر و هنرمند ایرانی با رویکردی نوین در تلاش است تا روایتی تحمیلی جمهوری اسلامی درباره روابط ایران و اسرائیل را به چالش بکشد. او که مسلمانی مومن و پایبند به حجاب است، در عین حال از منتقدان سرسخت حکومت ایران به شمار می‌رود و بر این باور است که بازنگری در مناسبات با اسرائیل، می‌تواند نقشی کلیدی در آینده ایران ایفا کند.

او معتقد است که «گشودن باب گفتگو میان ایران و اسرائیل نه تنها ضرورتی سیاسی، بلکه گامی اساسی در جهت صلح و درک متقابل میان دو ملت است.» وی از طریق پژوهش‌ها، سخنرانی‌ها و فعالیت‌های هنری خود می‌کوشد تا مسیر دیپلماسی فرهنگی را هموار کند و زمینه‌ای برای یک ارتباط سازنده فراهم آورد.

این نگاه متفاوت که در تضاد با سیاست‌های رسمی جمهوری اسلامی قرار دارد، واکنش‌های گوناگونی را برانگیخته است. با این حال، فائزه علوی بر دیدگاه خود پای می‌فشارد و معتقد است که آینده ایران نه در تقابل، بلکه در تفاهم و گفتگوی آزاد با جهان رقم خواهد خورد. او می‌گوید: «من حقیقتاً آرزو دارم کشورم روزی آزاد شود

● فائزه علوی که سخنرانی وی ۲۷ اکتبر در «کینگز کالج لندن» توسط چند دانشجوی حامی فلسطین بهم ریخت: «ایرانیان و اسرائیلی‌ها تاریخ بزرگی را در کنار یکدیگر رقم زده‌اند و تنها چیزی که امروز ما را از هم جدا کرده، رژیم اسلامی حاکم بر کشورمان است.»

● او در یک مصاحبه گفت: «امیدوارم آنچه در این نشست رخ داد، این موضوع را روشن کند: افراد تندرو در تلاش‌اند که صدای مسلمانان را خاموش کنند و نمی‌خواهند خاورمیانه‌ای آباد و آزاد ببینند. همان‌هایی که در سال ۱۹۷۹ علیه ملت ایران راه افتادند، امروز علیه اسرائیل هستند.»

● این رویداد و حواشی آن، بار دیگر نگرانی‌های گسترده‌ای را درباره «فضای آکادمیک در بریتانیا، امنیت دانشجویان و محدود شدن آزادی بیان» به دلیل فشارهای گروه‌های افراطی برانگیخته است.

فائزه علوی مدافع حقوق بشر هفته گذشته در نشستی در «کینگز کالج لندن» به صراحت از حق اسرائیل برای دفاع از خود و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با ایران حمایت کرد و بر لزوم تحقق یک ایران آزاد و دموکراتیک تأکید نمود.

او در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرد که ایران و اسرائیل می‌توانند روابطی مبتنی بر صلح و همکاری داشته باشند و هیچ‌کدام از دو کشور نباید در مسیر جنگ و خشونت گام بردارند. وی همچنین با تأکید بر اهمیت آزادی‌های فردی و حقوق بشر در ایران، خاطرنشان کرد که ایران باید از سلطه رژیم فعلی رها شده و به سوی دموکراسی پیش برود.

این سخنرانی با واکنش‌های متفاوتی از سوی حضار مواجه شد. در حین برگزاری این مراسم، گروهی از حامیان فلسطین با سر دادن شعارهایی علیه اسرائیل تلاش کردند تا مانع از ادامه سخنرانی علوی شوند. با این حال، او به صحبت‌های خود ادامه داد و بر لزوم همکاری کشورهای منطقه برای



خواهند شد. این یهودستیزی آشکار است. به عنوان یک کلیمی که در دو سال اخیر با حجم بی‌سابقه‌ای از این رفتارها مواجه بوده‌ام، واقعاً خسته شده‌ام.»

موضوعات مورد بحث در این جلسه شامل «شرایط دشوار زندگی در جمهوری اسلامی، وضعیت زنان در ایران، مرز میان امنیت و آزادی بیان، و دیدگاه ایرانیان نسبت به اسرائیل» بود.

پرچم شیروخورشید ایران که فائزه علوی در سخنان خود به آن اشاره کرد، نمادی از دوران پادشاهی و پهلوی است که پس از انقلاب ۱۹۷۹ با پرچمی با یک کلمه اسلامی و عبارت عربی جایگزین شد.

انجمن «ژئوپلیتیک کینگز» در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در نشستی که قرار بود زمینه‌ای برای اتحاد و گفتگوی سازنده میان دو طرف متقابل، ایران و اسرائیل فراهم کند، این افراد نشان دادند که هدفشان چیزی جز ساکت کردن صدای مخالفان آنهم با رفتارهای تهاجمی نیست.»

علوی در پایان هشدار داد که این رویداد فراتر از یک اعتراض دانشجویی است. او گفت: «متأسفانه این ایدئولوژی مغرب، هم‌اکنون به بریتانیا نیز سرایت کرده است. من حتی در اینجا نیز بطور مداوم از سوی این افراد مورد حمله قرار می‌گیرم. این مسئله باید زنگ خطری برای غرب باشد، زیرا این تفکر می‌تواند به تهدیدی جدی تبدیل شود.»

از سوی دیگر نشریه Jewish Chronicle نیز در گزارشی به این رویداد پرداخت و نوشت: «یک دانشجوی یهودی در "کینگز کالج لندن" که از برگزارکنندگان نشست گفتگوی ایران و اسرائیل بود، پس از حمله گروهی از معترضان مجبور شد برای حفظ امنیت جان، در یکی از اتاق‌ها مخفی شود.»

این دانشجو که در تلاش برای برگزاری یک رویداد دانشگاهی با موضوع «صلح و تفاهم میان ایران و اسرائیل» بود، پس از مواجهه با گروهی از معترضان خشمگین که او را تهدید می‌کردند، جان خود را در خطر دید و از بیم حمله فیزیکی، مجبور شد در جایی پنهان شود.

این حادثه که در فضایی پرتنش رخ داد، نگرانی‌های جدی درباره افزایش خشونت، تهدید آزادی بیان و رواج جو ارباب در محیط‌های دانشگاهی بریتانیا را برانگیخته است.

حمله به این دانشجو که صرفاً در راستای ترویج گفتگو و درک متقابل میان دو ملت ایران و اسرائیل تلاش می‌کند، نمونه‌ای از فشارهای فزاینده علیه کسانی است که در فضای دانشگاهی به دنبال تفاهم و صلح هستند.

این واقعه، پرسش‌های مهمی را درباره «امنیت دانشجویان یهودی، حق آزادی بیان و میزان تحمل‌پذیری در دانشگاه‌های بریتانیا» مطرح کرده است. در حالی که دانشگاه‌ها باید محلی برای تبادل آزادانه دیدگاه‌ها باشند، اما این اتفاق نشان می‌دهد که برخی گروه‌های افراطی در تلاش برای «خاموش کردن صداهای مخالف و سرکوب هرگونه کوششی برای گفتگو و صلح در خاورمیانه» هستند.

این حادثه، که با واکنش‌های گسترده و متفاوتی همراه شده، بار دیگر بحث‌هایی پیرامون آزادی آکادمیک، مسئولیت اساتید دانشگاه و تأثیر محتوای آموزشی بر دانشجویان را برانگیخته است.

به گزارش Jewish Chronicle یک دانشجوی کلیمی پس از آنکه گروهی از دانشجویان حامی فلسطین تلاش کردند در اتاقی را که وی در آن پنهان شده بود به زور باز کنند، از ترس حمله فیزیکی، مجبور شد به اتاق کشیش دانشگاه پناه ببرد و در را قفل کند.

این حادثه پس از برگزاری یک نشست با هدف حل و فصل تنش‌ها در «کینگز کالج لندن» موجب نگرانی‌های

شرم! و «فلسطین آزاد!» سر دادند و باعث شدند که تمامی حضار جلسه را ترک کنند. در این میان، برخی از حاضران نیز به معترضان واکنش نشان دادند و شعارهایی در مخالفت با آنان سر دادند.

یک سخنگوی «کینگز کالج لندن» اعلام کرد: «ما در حال بررسی اختلال ایجاد شده در این نشست دانشجویی هستیم و مطابق با سیاست‌ها و مقررات خود در زمینه اعتراضات اقدام خواهیم کرد.»

یک عضو ارشد انجمن یهودیان «کینگز کالج لندن» هم که از برگزارکنندگان اصلی این نشست بود، همراه با سایر انجمن‌های کلیمی‌ان لندن، از این اتفاق ابراز خشم کرده و گفت: «خونم به جوش آمده است. دیگر کاملاً از این وضعیت خسته شده‌ام.»

فائزه علوی پیش از این نیز در «ایکس» حمایت خود را از اسرائیل اعلام کرده بود. او در مصاحبه‌ای با نشریه «Roar» گفت: «امیدوارم آنچه در این نشست رخ داد، این موضوع را روشن کند: افراد تندرو در تلاش‌اند که صدای مسلمانان را خاموش کنند و نمی‌خواهند خاورمیانه‌ای آباد و آزاد ببینند. همان‌هایی که در سال ۱۹۷۹ علیه ملت ایران راه افتادند، امروز علیه اسرائیل هستند.»

انجمن ژئوپلیتیک «کینگز کالج» (KGF) در بیانیه‌ای اعلام کرد که فائزه علوی «حضور برخی افراد در میان حضار را شناسایی کرده و احتمال بروز تنش را پیش‌بینی کرده بوده است.»

یک سخنگوی این انجمن افزود: «ما همواره از میهمانان خود استقبال می‌کنیم تا دیدگاه‌های متفاوت را به چالش بکشند. اما متأسفانه، برخی از افراد حاضر ترجیح دادند بجای گفتگو، به قدیمی‌ترین شکل نفرت‌پراکنی، یعنی یهودستیزی متوسل شوند و آن را در پوشش مخالفت با اسرائیل پنهان کنند.»

وی در ادامه تأکید کرد: «این یک اقدام یهودستیزانه بود و "انجمن ژئوپلیتیک کینگز کالج" هرگونه شعارهای تفرآمیز سر داده شده در این نشست را به شدت محکوم کرده و بر تعهد کامل خود به امنیت سخنرانان، حضار و اعضای خود تأکید می‌کند.»

#### واکنش رئیس انجمن دانشجویان حامی فلسطین

سامی رئیس «انجمن دانشجویان برای عدالت در فلسطین» (SIP) در «کینگز کالج لندن» نیز اختلال در سخنرانی را محکوم کرد و گفت: «زمانی که از این اتفاق باخبر شدم، کاملاً شوکه و شرم‌منده شدم.»

او افزود: «من اعضای انجمن را تشویق کرده بودم که در این جلسه شرکت کنند و نگرانی‌های خود را از طریق گفتگوی مستقیم با سخنرانان و طرح پرسش‌های معتادار بیان نمایند.»

به گفته وی «اغلب معترضان افراد خارجی و دانشجویانی از دانشگاه‌های دیگر لندن بودند و ارتباطی با انجمن آنها نداشتند.» اما برگزارکنندگان نشست ادعای وی را رد کردند و اعلام کردند که «این معترضان از اعضای کینگز کالج لندن بوده‌اند.»

این درگیری تنها دو روز پس از یک اعتراض گسترده علیه پروفیسور رنا بیکر رخ داد که به اتهام استفاده از مطالب مرتبط با حماس برای القای ایدئولوژی به دانشجویان تحت تحقیقات قرار گرفته است. در آن اعتراضات، گروهی از دانشجویان نیز به حمایت از بیکر تجمع کرده بودند.

یک عضو ارشد انجمن کلیمی‌های «کینگز کالج لندن» درباره پوشش رسانه‌ای این اتفاقات گفت: «جای شگفتی است که این افراد پس از این اتفاق با چه واکنشی روبرو

در سالگرد حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳، علوی پرچم حقیقی ایران با نماد شیروخورشید، پرچم دوران پیش از انقلاب ۵۷، را در کنار پرچم اسرائیل به نمایش گذاشت؛ اقدامی که یادآور دورانی بود که ایران و اسرائیل روابطی دوستانه و استراتژیک داشتند. وی تأکید کرده: «ما تاریخ بزرگی را در کنار یکدیگر رقم زده‌ایم و تنها چیزی که امروز ما را از هم جدا کرده، رژیم اسلامی حاکم بر ایران است.»

به نظر می‌رسد علوی با این اقدامات نه تنها در تلاش است که روایت غالب جمهوری اسلامی را به چالش بکشد، بلکه بر این باور است که امکان آینده‌ای متفاوت برای ایران وجود دارد؛ آینده‌ای که در آن ایران آزاد و دموکراتیک بار دیگر به همگرایی و همکاری با اسرائیل بازگردد.

با وجود انتقادات و واکنش‌های منفی، او با عزمی راسخ به تلاش خود برای ایجاد پلی جهت از میان برداشتن موانع ادامه می‌دهد. وی از طریق هنر و فعالیت‌های مدنی، آینده‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن ایران و اسرائیل بار دیگر در کنار یکدیگر ایستاده‌اند. نه به عنوان دشمن، بلکه به عنوان شرکایی که در مسیر صلح و همکاری گام برمی‌دارند.

#### اعتراض دانشجویان حامی فلسطین به سخنرانی فائزه علوی در «کینگز کالج لندن»

در گزارش دیگری نیز به جلسه سخنرانی علوی و مختل شدن آن توسط دانشجویان حامی فلسطین پرداخته شده است. در این گزارش نیز آمده که گروهی از دانشجویان حامی فلسطین با برهم زدن این نشست که توسط «انجمن ژئوپلیتیک کینگز» (KGF) در «کینگز کالج لندن» (KCL) برگزار شده بود، به حضور یک سخنران ایرانی اعتراض کردند. این دانشجویان مدعی شدند که سخنران در حال «ترویج رفتار صهیونیستی» بوده است.

فائزه علوی پیش از برگزاری این رویداد در رسانه اجتماعی «ایکس» نوشته بود که «گفتگو درباره وضعیت ایران، دیدگاه‌های مردم نسبت به اسرائیل و چشم‌انداز آنان از آینده منطقه فرصتی است برای تغییر مسیر تاریخ در ایران و خاورمیانه.»

این رویداد و واکنش‌ها به آن، بار دیگر تنش‌های موجود پیرامون روابط تهران و تل آویو و تحولات منطقه‌ای را در فضای دانشگاهی بریتانیا برجسته کرده است.

این نشست با عنوان «از تنش تا تفاهم: گفتگوی ایرانیان و اسرائیلی‌ها» برنامه‌ریزی شده بود و قرار بود ساعت ۱۸:۰۰ روز ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ در سالن Nation Lecture Theatre برگزار شود. حدود ۴۰ تن در این جلسه حضور داشتند که در میان آنان، دست‌کم دوازده نفر حامی فلسطین نیز دیده می‌شدند.

پس از ۲۵ دقیقه از آغاز سخنرانی، یکی از معترضان بلند شد و علوی را با فریاد خطاب قرار داده و پرسید: «پانزده ماه است که نسل‌کشی در جریان است. چطور می‌توانی درباره آن حرفی نزن؟» پس از آن چند تن دیگر نیز با عصبانیت شروع به شعار دادن کردند. به دنبال این اعتراض، نیروهای امنیتی به محل فراخوانده شدند و فائزه علوی ناچار به ترک سالن شد.

او پس از این اتفاق در «ایکسن» نوشت: «امشب در "کینگز کالج"، احساس کردم که بار دیگر تحت اشغال رژیم اسلامی هستم.»

وی افزود: «در نشستی که در آن به عنوان یک ایرانی مسلمان، خواست مردم ایران برای تغییر رژیم را بیان کردم، گروهی از معترضان حامی فلسطین آن را بهم زدند، درست زمانی که از پرچم شیروخورشید ایران نام بردم.»

پس از خروج علوی از سالن، معترضان شعارهای «شرم!

➔ گسترده‌ای در خصوص «امنیت دانشجویان و افزایش فشار بر فضاهای آکادمیک برای بحث آزاد و گفتگو» شده است.

این دانشجوی که نخواست نامش فاش شود، اظهار داشت: «احساس ناامنی شدیدی داشتم و فکر می‌کردم که هدف اصلی این معترضان این است که مرا به شدت کتک بزنند.» این واقعه بار دیگر «تنش‌های موجود در محیط‌های دانشگاهی بریتانیا را برجسته کرده» و پرسش‌های مهمی را درباره «امنیت دانشجویان، آزادی بیان، و تأثیر فضای ملت‌تپ سیاسی بر مراکز آموزشی» مطرح نموده است. فائزه علوی در گفتگو با Jewish Chronicle فاش کرد که خود او پیشنهاد برگزاری این نشست را به «انجمن ژئوپلیتیک کینگز» (KGF) داده بود تا بتواند «صدای مردم ایران، رنج‌های آنان در داخل کشور و دیدگاه‌شان درباره تغییر رژیم در ایران را بازتاب دهد.»

اما این رویداد به دلیل حضور و اعتراضات گروهی از دانشجویان حامی فلسطین دچار آشفتگی شد.

ویدئویی که توسط یکی از دانشجویان حاضر در جلسه ضبط شده، نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی فائزه را از جلوی سالن خارج می‌کنند، در حالی که معترضان حامی فلسطین با شعارهایشان جلسه را مختل کرده بودند.

مجری کلیمی این نشست در گفتگو با «JC» توضیح داد که او برای درخواست کمک، سالن سخنرانی را ترک کرده و از نیروهای امنیتی خواسته بود وارد جلسه شوند. پس از ورود آنان، به فائزه علوی گفته شد که باید سالن را ترک کند، زیرا امنیت او در خطر است.

دانشجوی کلیمی که در اتاق کشیش مخفی شده بود، دسترسی ویژه‌ای به این اتاق در ساعات خارج از برنامه دانشگاه داشت و پس از خروج از جلسه متوجه شد که «چهار یا پنج نفر از معترضان حامی فلسطین تلاش می‌کنند او را تعقیب کرده و وارد اتاق شوند.»

وی به این نشریه گفت: «صدای بوق دستگاه کارتخوان را می‌شنیدم که نشان می‌داد کارت‌هایشان تأیید نمی‌شود. از بیرون اتاق حرف‌هایشان را می‌شنیدم، چیزهایی مانند: 'چرا کارت من کار نمی‌کند؟ چرا نمی‌توانیم داخل شویم؟' کم‌کم شروع کردند به هل دادن در و تلاش کردند آن را بشکنند. احساس ناامنی شدیدی داشتم، کاملاً درمانده بودم. وقتی دیدم سعی دارند وارد اتاق شوند، برای فرار از این وضعیت به یک مکان کوچکتر درون همان اتاق پناه بردم. در آن لحظه بود که فهمیدم این افراد قصد بدی دارند و قرار است اتفاقی رخ دهد.»

او از مخفیگاه خود پیام‌هایی به گروه واتساپ «انجمن ژئوپلیتیک کینگز» (KGF) ارسال کرد و با حروف بزرگ نوشت: «کجایی؟ همه‌تان بیاید به اتاق کشیش، همین حالا، همین حالا، آنها بیرون هستند!»

وی در این مصاحبه با «JC» این موقعیت را با اتفاقات «حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل» مقایسه کرد و گفت: «این دقیقاً مثل پیام‌هایی بود که در آن روزها منتشر می‌شد: آنها اینجا هستند، در کیبوتس، دارند فریاد می‌زنند، دارند تیراندازی می‌کنند، درست پشت درها هستند!»

وقتی از او پرسیده شد که چرا فکر می‌کند این دانشجویان قصد ورود به اتاق کشیش را داشتند، پاسخ داد: «تنها یک دلیل داشت: می‌خواستند مرا به شدت کتک بزنند.»

او از محل اختفای خود، با فائزه علوی تماس گرفت و او را در جریان شرایط قرار داد. پس از مدتی، علوی نیز به همراه نیروهای امنیتی وارد همان اتاق شد، چرا که تلاش‌ها برای تداوم جلسه به دلیل ادامه اخلاگری حامیان فلسطین ناکام مانده بود.

## دانشگاه «کینگز کالج لندن» در هفته‌های اخیر درگیر یک جنجال دیگر نیز بوده است

نشریه Jewish Chronicle پیشتر فاش کرده بود که یکی از اساتید «تاریخ خاورمیانه» در این دانشگاه، «یک سند تبلیغاتی متعلق به حماس» را در یک سمینار توزیع کرده و از دانشجویان خواسته تا گروه تروریستی حماس را به عنوان یک «جنبش آزادی‌بخش» معرفی کنند. این در حالیست حماس در بریتانیا یک سازمان تروریستی شناخته شده است. ماه گذشته، گروه‌های «حامی و مخالف اسرائیل» در مقابل ورودی «کینگز کالج لندن» تجمع کردند و در ارتباط با ادامه اشتغال این استاد دانشگاه در این مرکز آموزشی درگیری‌هایی رخ داد.

رویداد اخیر در «کینگز کالج لندن» نشان‌دهنده افزایش تنش‌ها در محیط‌های دانشگاهی بریتانیا است. این اتفاقات پرسش‌های مهمی را درباره «آزادی بیان، امنیت دانشجویان، و گسترش ایدئولوژی‌های افراطی در مراکز آموزشی غرب» مطرح کرده است.

در حالی که دانشگاه‌ها قرار است بستری برای «بحث‌های آزاد و تبادل آرا باشند، افزایش خشونت و تهدید علیه دانشجویان و سخنرانان، زنگ خطر جدی را برای نهادهای علمی و مدافعان آزادی بیان به صدا درآورده است.»

فائزه علوی در گفتگو با Jewish Chronicle نیز توضیح داد که درست در لحظه‌ای که در حال صحبت درباره «چگونگی مصادره پرچم تاریخی شیر و خورشید ایران توسط رژیم اسلامی پس از انقلاب ۱۹۷۹» بود، معترضان با فریادها و شعارهایشان سخنان او را قطع کردند.

وی در اینباره گفت: «به محض اینکه درباره پرچم صحبت کردم و اینکه چگونه امروز ایرانیان در اعتراضات خود از پرچم اصلی خود استفاده می‌کنند، آنها شروع به فریاد کشیدن و بر هم زدن جلسه کردند.»

او با ابراز تأسف از لغو این رویداد گفت: «بسیار ناراحت‌کننده است که نمی‌توانیم نشستی مانند این را برگزار کنیم؛ نشستی که بر تجربه ایرانیان، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، متمرکز بود.»

علوی تأکید کرد: «در محافل دانشگاهی غربی، آزادی نقد جمهوری اسلامی همیشه ممکن نیست، چرا که در برخی موارد حمایت‌های پنهانی از این رژیم وجود دارد و بسیاری از افراد نگران هستند که انتقاد آشکار از حکومت ایران ممکن است به قیمت از دست دادن فرصت‌های شغلی‌شان تمام شود.» یک دانشجوی کلیمی سال اول در «کینگز کالج لندن» که نخواست نامش فاش شود، در گفتگو با «JC» شرح داد که چگونه دانشجویان حامی فلسطین «پس از نخستین وقفه، بار دیگر تلاش کردند وارد سالن سخنرانی شوند.»

او ادامه داد: «همه معترضان تلاش کردند دوباره وارد سالن شوند، به همین دلیل نیروهای امنیتی مجبور شدند با ایجاد یک سپر انسانی، مانع از ورود آنها شوند. پس از آن، دانشجویانی که مایل به ادامه سخنرانی بودند، از سوی نیروهای امنیتی از سالن خارج و پراکنده گشتند، چرا که امنیت آنان دیگر تضمین شده نبود.»

این دانشجو گفت: «ترسناک بود. تا آخر شب از شدت اضطراب می‌لرزیدم.»

او همچنین افزود: «این سرکوب آزادی بیان است، آنهم به نام آزادی بیان! این مسخره است. این نشست یک رویداد توسط یهودیان یا اسرائیلی‌ها نبود، بلکه توسط «انجمن ژئوپلیتیک کینگز» برگزار شده بود و هدفش فقط ایجاد فضای گفتگو و بحث آزاد بود.»

یکی از برگزارکنندگان نشست نیز در توضیح هدف این

رویداد گفت: «همانطور که از نامش مشخص است، این جلسه با هدف تقویت گفتگو و ایجاد پل ارتباطی میان دو متحد غیرمعمول، ایران و اسرائیل، طراحی شده بود؛ موضوعی که معمولاً کمتر در رسانه‌ها شنیده می‌شود.»

او افزود: «این نشست درباره صلح، گفتگو و درک واقعیت‌های جامعه ایران بود؛ اینکه مردم ایران چه می‌اندیشند و چه شرایطی را تجربه می‌کنند.»

وی تأکید کرد: «نتیجه‌گیری نهایی سخنرانی این بود که اسرائیلی‌ها کسی را ندارند، یهودیان کسی را ندارند، و مردم ایران نیز تنها هستند، اما در نهایت، ما یکدیگر را داریم.»

رئیس «انجمن دانشجویان برای عدالت در فلسطین» (SJP) در «کینگز کالج لندن» با ابراز «شوک و ناامیدی» نسبت به اتفاقات رخ داده، اعلام کرد: «هیچگاه اعضای انجمن خود را به تلاش برای لغو این نشست تشویق نکرده و رفتار برخی معترضان را تأیید نمی‌کند.»

وی تأکید کرد: «در هیچ مقطعی ما کسی را تشویق به سر دادن شعار، ایجاد اختلال یا تلاش برای لغو جلسه نکردیم. متأسفانه، این اتفاق به دلیل شرکت گروهی از دانشجویان رخ داد که اغلب از دانشگاه‌های دیگر بودند و هیچ ارتباطی با کینگز کالج یا انجمن SJP نداشتند. این افراد به نحوی در این نشست حاضر شدند و باعث لغو آن شدند.»

او افزود که شخصاً با برگزارکنندگان نشست و فائزه علوی تماس گرفته تا در تلاش برای حل این مسئله آنها را یاری کند. با این حال، در پاسخ به دانشجویانی که نگران امنیت خود بودند، نیز گفت: «من گزارشی مبنی بر اینکه امنیت فیزیکی کسی واقعاً به خطر افتاده باشد، دریافت نکرده‌ام و از شنیدن این موضوع که کسی آسیب ندیده، خوشحال هستم.»

وی درباره حادثه تهدید دانشجوی کلیمی در «اتاق کشیش» هم گفت که «در محل حضور نداشته و منبع موثقی برای تأیید یا رد این ماجرا در اختیار ندارد.»

یک سخنگوی «کینگز کالج لندن» در نامه‌ای که به «JC» ارسال شده، اعلام کرد: «ما در حال بررسی اختلال ایجاد شده در این رویداد دانشجویی در هفته گذشته هستیم و این موضوع را مطابق با سیاست‌ها و مقررات دانشگاه درباره اعتراضات بررسی خواهیم کرد.»

او اضافه کرد: «ما کاملاً از حق آزادی بیان و اعتراضات مسالمت‌آمیز در چارچوب قانون حمایت می‌کنیم. اما در عین حال، امنیت و سلامت جامعه دانشگاهی و تمامی بازدیدکنندگان از محوطه دانشگاه، اولویت مطلق ماست.»

وی تأکید کرد: «از تاریخ ۷ اکتبر [حمله گروه تروریستی حماس به شهروندان اسرائیلی در یک جشنواره هنری در اکتبر ۲۰۲۳] ما با دانشجویان اسرائیلی، کلیمی و دیگر انجمن‌های دانشجویی در مراد بوده‌ایم تا نگرانی‌های آنان را بشنویم و حمایت‌های لازم را ارائه دهیم. در پاسخ به نگرانی‌های مربوط به امنیت، چه در محیط دانشگاه و چه در سطح شهر لندن، تدابیر امنیتی خود را افزایش داده‌ایم تا اطمینان حاصل کنیم که جامعه دانشگاهی ما در فضایی امن به فعالیت خود ادامه می‌دهد.»

این رویداد و حواشی آن، بار دیگر نگرانی‌های گسترده‌ای را درباره «فضای آکادمیک در بریتانیا، امنیت دانشجویان و محدود شدن آزادی بیان» به دلیل فشارهای گروه‌های افراطی برانگیخته است.

در حالی که دانشگاه‌ها باید بستری برای «مباحثه آزاد و تبادل دیدگاه‌های متنوع» باشند، این وقایع نشان می‌دهد که «فضای گفتگو درباره موضوعات حساس، به ویژه در مورد ایران و اسرائیل، به شدت تحت فشار قرار گرفته است.»

\*منابع: All Israel , Roar News, Jewish Chronicle

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



# اختلاف بر سر لایحه «ممنوعیت کاربرد برخی سلاح‌های متعارف»؛ هشدار در مورد نفوذ در نیروهای مسلح



بازدید مسعود پزشکیان از نمایشگاه دستاوردهای دفاعی / بهمن ۱۴۰۳

برخی نیز ادعا کردند که این محدودیت‌ها مربوط به استفاده از سلاح‌های لیزری است. این لایحه در شرایطی به مجلس ارائه شده است که برخی مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند شروط دونالد ترامپ برای مذاکره از جمله برچیدن فعالیت‌های اتمی و توقف ساخت موشک و پهپاد در واقع همان «خلع سلاح» است.

لایحه الحاق به کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت کاربرد برخی سلاح‌های متعارف در «ایکس» نوشت، این لایحه «حاصل کارپدازی محمدجواد ظریف در داووس است» و «مشخصاً سلاح لیزری را که پروژه فخری‌زاده و نیاز آقندی و پدافندی کشور است هدف گرفته» و «نفس ارسال آن به مجلس، لطمه به راهبرد گریز هسته‌ای است».

● لایحه الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون «ممنوعیت یا محدودیت کاربرد برخی سلاح‌های متعارف» که از سوی دولت برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه داده شده، با انتقاد شدید شماری از نمایندگان انقلابی و و هواداران نظام مواجه شده است.

● رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع مدعی شده مفاد این کنوانسیون در ستاد کل نیروهای مسلح تدوین شده و به هیچکدام از تجهیزات، مهمات و سلاح‌های جمهوری اسلامی ربطی ندارد و مربوط به «مهمات دارای ترکش‌های غیرقابل تشخیص» و «لزوم شناسایی و جمع‌آوری مواد منفجره از مناطق جنگی پس از جنگ» است.

لایحه الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون «ممنوعیت یا محدودیت کاربرد برخی سلاح‌های متعارف» که از سوی دولت برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه داده شده، با انتقاد شدید شماری از نمایندگان انقلابی و و هواداران نظام مواجه شده است.

بر اساس متن این لایحه که ۱۳ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با قید دو فوریت و با امضاء مسعود پزشکیان به مجلس ارائه شد، کاربرد «سلاح‌های متعارف که به نظر می‌رسد بیش از حد آسیب‌زا یا دارای اثرات غیرقابل تمایز هستند» ممنوع یا محدود می‌شود. همچنین در این لایحه توضیح داده می‌شود که پیوستن به معاهده‌ی مذکور «با هدف جلوگیری از گسترش پروتکل‌های مغایر با منافع ملی و تحرک بخشی به دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی در حوزه خلع سلاح» انجام می‌شود.

این لایحه جنجالی با مخالفت‌های شدیدی از سوی برخی نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی روبرو شده است اما سخنگوی وزارت دفاع جمهوری اسلامی در واکنش به انتقادات گفت، «این لایحه با موافقت و نظارت ستادکل نیروهای مسلح تنظیم شده است» و «نباید بدون مطالعه و شتابزده قضاوت و اظهار نظر شود».

سردار پاسدار رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع مدعی شده مفاد این کنوانسیون به هیچکدام از تجهیزات، مهمات و سلاح‌های جمهوری اسلامی ربطی ندارد.

او توضیح داد، دو پروتکل پیشنهادی در لایحه عبارتند از: (۱) محدودیت به‌کارگیری مهمات دارای ترکش‌های غیرقابل تشخیص با اشعه ایکس در بدن انسان و (۲) لزوم شناسایی و جمع‌آوری مواد منفجره از مناطق جنگی پس از جنگ.

در مقابل اما ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با هشدار نسبت به این محتوای این لایحه گفته است مفاد آن «توسط شبکه نفوذ طراحی شده است».

او مدعی شده طبق مفاد این لایحه «حتی تولید و استفاده از تسلیحات متعارف مانند فشنگ و نارنجک نیز ممکن است محدود شود».

ظهروند می‌گوید، «جای سؤال دارد و به دولت توصیه می‌کنم بررسی شود که چه کسی پشت این ماجرا بوده و باید دید که سرش به چه آبشخوری است».

برخی هواداران نظام ارائه این لایحه را زمینه‌سازی برای پذیرش «خلع سلاح» از سوی دولت دانستند اما بطور مشخص ارائه چنین لایحه‌ای نمی‌تواند بدون نظر علی‌خامنه‌ای فرمانده کل قوا و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی باشد.

احمد قدیری از تحلیلگران حکومتی با «خاننا» خواندن

## سال ۱۴۰۳، سال «جهش تولید با مشارکت مردم» به پایان می‌رسد!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

## محاكمه سه روزنامه‌نگار كه درباره حادثه «متروپل» و فسادهاي اداري در خوزستان نوشته بودند



آرش قلعه‌گلاب



ماندانا صادقي



رضا محمدي

استان خوزستان بوده است كه طی دو دهه از آجيل‌فروشی به همراه برادرانش در مغازه پدری در آبادان به یکی از مافیاهای زمین و ساختمان تبدیل شد.

بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از مقامات شهر آبادان و استان خوزستان در روند تبدیل شدن حسین عبدالباقي به مافیای اقتصادی از وی حمایت کرده‌اند. حسین عبدالباقي با پولپاشی و رشوه مسیر خود را برای زمین‌خواری و ساخت‌وسازهای کلان در استان خوزستان هموار کرده بود. ساخت بناهای مختلف برای نهادهای حکومتی، ارسال تجهیزات اداري، نصب كولر در ادارات و سازمان‌ها، و آسفالت محوطه‌های متعلق به دستگاه‌های حکومت و انواع رشوه در غالب هدیه و به اصطلاح نیکوکاری از جمله این پولپاشی‌ها بوده است.

گزارش‌های دیگری كه در نخستین روزهای پس از ریزش ساختمان منتشر شد نیز نشان می‌داد كه بیش از یک سال پیش از آن عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود. در یک مورد از این گزارش‌ها كه نامه رئیس وقت سازمان نظام مهندسی آبادان درباره ۱۴ مورد تخلف در ساخت متروپل بوده، این نامه به شهرداری آبادان، امام جمعه، رئیس وقت شورای اسلامی شهر، فرمانداری ویژه آبادان، معاونت شهرسازی و مدیریت حراست شهرداری آبادان ارسال شده اما هیچ اقدامی از سوی مسئولان صورت نگرفته است!

بر اساس این گزارش‌ها برج‌های دوقلوی متروپل به قدری سست بود كه ستون اصلی و حمل‌کننده مجتمع‌ها نشست و طبله کرده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. مالک این ساختمان داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود كه برخی مدعی هستند با هدف پنهان‌کاری وضعیت وخیم ساختمان انجام گرفته است. نخستین ساختمان متروپل پیش از این به بهره‌برداری رسیده بود و ساختمان دوم این پروژه دوقلو كه از آن به عنوان «مگا پروژه متروپل» یاد شده، در آخرین مراحل ساخت قرار داشت اما بهره‌برداری از طبقات پایینی آن آغاز شده بود.

نیز به دلیل اختلاف در صلاحیت پرونده را برای حل اختلاف در صلاحیت به دیوان عالی ارسال کرد این وضعیت تا مدت‌ها باعث سردرگمی و سرگردانی پرونده شده و روند رسیدگی به آن را به شدت کند کرده بود و با رأی دیوان، پرونده مجدداً به دادگاه انقلاب آبادان ارجاع، و در نهایت برای پانزدهم اسفندماه وقت رسیدگی برگزار شد.

فرزانه زیلایي افزوده اتهامات وارد شده به ماندانا صادقي و آرش قلعه‌گلاب عمدتاً مرتبط با اخبار و تحلیل‌هایی است كه در زمینه ی فاجعه ریزش متروپل و اعتراض‌های در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ منتشر کرده‌اند.

او افزوده كه مولکانش «سال‌هاست كه در رسانه‌های استان و کشور یادداشت، گزارش و نقد كتاب منتشر کرده‌اند.»

فرزانه زیلایي توضیح داده كه «ماندانا صادقي كه سابقاً مدیر مسول و سردبیر پایگاه خبری «فیدوس» را عهده‌دار بوده عمدتاً منعكس‌کننده ی مسائل و مشکلات مردم خوزستان بوده است، از جمله فساد و رانت‌خواری برخی از مدیران استانی، سازمان منطقه آزاد اروند، شهرداری و حتی وضعیت کارخانه‌ی نیشكر هفت‌تپه. در ماجرای متروپل آبادان و سازنده ی بدنام و شناخته شده آن، عبدالباقي، كه ارتباطات و فساد مالی آن در سطح استان و کشور مطرح شد. روزنامه‌نگاران فقط شرح واقعه دادند.»

این وكيل دادگستری همچنین گفته «در این پرونده شاهد بودیم كه روزنامه‌نگاران و نویسندگان به دلیل بیان حقایق و افشای فساد، زیر فشار قرار می‌گیرند و این در حالی است كه بسیاری از این مسائل، مشکلات اساسی و دغدغه‌های مردم هستند كه باید مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند و كار روزنامه‌نگار یا نویسنده همین است.»

ساختمان «متروپل» آبادان در نیمروز دوم خردادماه ۱۴۰۱ به دلیل تخلفات در ساخت و شكستن ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند. بر اساس ادعای حکومت حسین عبدالباقي مالک ساختمان متروپل نیز در این حادثه جان خود را از دست داد. مالک این ساختمان حسین عبدالباقي یکی از رانت‌خواران در

دادگاه رسیدگی به اتهامات ماندانا صادقي، رضا محمدي، و آرش قلعه‌گلاب آبادانی، سه نویسنده و روزنامه‌نگار به علت پوشش خبری درباره فرو ریختن ساختمان متروپل، اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و فسادهای اداري در استان خوزستان برگزار شد.

اتهامات این روزنامه‌نگاران «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی»، «اجتماع و تبانی برای ارتكاب جرم علیه امنیت کشور» و «ارتباط با دول متخاصم» عنوان شده است.

فرزانه زیلایي وكيل دادگستری: در این پرونده شاهد بودیم كه روزنامه‌نگاران و نویسندگان به دلیل بیان حقایق و افشای فساد، زیر فشار قرار می‌گیرند در حالی كه بسیاری از این مسائل، مشکلات اساسی و دغدغه‌های مردم هستند كه باید مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند و كار روزنامه‌نگار یا نویسنده همین است.

سه روزنامه‌نگار و نویسنده ساکن آبادان كه به حادثه فرو ریختن ساختمان «متروپل»، اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و فسادهای اداري صورت گرفته در استان خوزستان پرداخته بودند محاکمه شدند.

فرزانه زیلایي، وكيل دادگستری، از برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات ماندانا صادقي، رضا محمدي، و آرش قلعه‌گلاب آبادانی، سه نویسنده و روزنامه‌نگار به علت پوشش خبری درباره فرو ریختن ساختمان متروپل، اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ و فسادهای اداري در استان خوزستان خبر داده است. این دادگاه در روز چهارشنبه ۱۵ اسفند در دادگاه انقلاب اسلامی آبادان برگزار شده است.

فرزانه زیلایي در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته «این سه نفر حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان آبادان، ذیل عناوین اتهامی «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی»، «اجتماع و تبانی برای ارتكاب جرم علیه امنیت کشور» و «ارتباط با دول متخاصم» قرار دارند.»

به گفته این وكيل دادگستری «این پرونده ابتدا نیز به دادگاه انقلاب آبادان ارجاع شده بود اما با ایراد ما مبنی بر اینکه این پرونده باید در دادگاه مطبوعات رسیدگی شود پرونده به دادگاه مطبوعات ارسال گردید. دادگاه مطبوعات



# اعتراض به انتصاب «باورناپذیر» علی‌اکبر صالحی به عنوان رئیس بنیاد ایران‌شناسی



● علی‌اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران با تحصیلات فیزیک روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان رئیس بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه تهران منصوب شد.

● کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران در نامه‌ای سرگشاده این انتصاب را «باورناپذیر» خوانده و نوشته «ما به بی‌تفاوتی و بی‌میلی دولت چهاردهم نسبت به میراث و هویت ملی ایران یقین پیدا کرده‌ایم و انتصاب شما را هم در ادامه این روحیه می‌فهمیم.»

● این نامه تأکید کرده که بنیاد ایران‌شناسی «جای» صالحی نیست و این بنیاد «باید مأمّن ایران‌شناسان در حوزه‌های مختلف باشد، نه پاتوقی برای استراحت دوران بازنشستگی یا اتاق انتظاری برای کسب مناصب پسین.»

● علی‌اکبر صالحی روز جمعه ۱۷ اسفند ۱۴۰۳ در کانال تلگرامی خود نوشت: «بنیاد ایران‌شناسی» خانه همه کسانی است که کوشش خود را مصروف حفظ میراث گرانبهای تمدنی ایران و بسط و گسترش دانش‌های معطوف به آن کرده‌اند.

و البته محمدحسن نامی سرتیپ نیروی زمینی ارتش و از چهره‌های نظامی-سیاسی جمهوری اسلامی و مشاور فعلی وزیر کشور دولت پزشکیان از جمله مقامات حکومتی بودند که ریاست این بنیاد را به عهده داشتند.

فتح الله مجتبیایی ادیب، پژوهشگر، نویسنده و مترجم ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رضا داوری اردکانی فیلسوف و اندیشمند ایرانی و استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان علوم، غلامرضا اعوانی پژوهشگر، مترجم و استاد سابق گروه فلسفه دانشگاه «بهشتی»، و حکمت الله ملاصالحی فیلسوف و استاد دانشگاه نیز از چهره‌های علمی بودند که عهده‌دار ریاست بنیاد ایران‌شناسی بوده‌اند.

مطالعه درباره تاریخ، فرهنگ، هنر، ادبیات ایران، تألیف کتاب‌ها و مقاله‌های علمی در زمینه ایران‌شناسی، تدوین دایره المعارف و دانش‌نامه، تعامل با مراکز ایران‌شناسی در سراسر جهان و... از جمله وظایفی است که برای این بنیاد تعریف شده است.

با وجود اعتراضاتی که به انتصاب علی‌اکبر صالحی به ریاست بنیاد ایران‌شناسی شده اما او امروز جمعه ۱۷ اسفند ۱۴۰۳ در کانال تلگرامی خود نوشت: «به نام خداوند جان و خرد، کزین برتر اندیشه برنگذرد، ایران سرزمین چند هزار ساله ما همواره در گذر از حوادث روزگار و فراز و نشیب تاریخ، توانسته به همت نخبگان و سرآمدان خویش گوهر تمدنی خود را از گزند آسیب مصون نگه دارد.»

او افزود: «رسالتی که امروز بر عهده ماست، حفظ کیان ایران و پاسداشت هویت و اعتلای تمدن و اندیشه این سرزمین است.»

علی‌اکبر صالحی تأکید کرده «بنیاد ایران‌شناسی» خانه همه کسانی است که کوشش خود را مصروف حفظ میراث گرانبهای تمدنی ایران و بسط و گسترش دانش‌های معطوف به آن کرده‌اند.»

انتشار این متن از سوی علی‌اکبر صالحی را می‌توان به معنای عدم تصمیم او از استعفا از ریاست «بنیاد ایران‌شناسی» ارزیابی کرد!

کانون ایران‌شناسی همچنین از صالحی خواسته که «پیش از آنکه چشم در چشم اهالی فرهنگ ایران شوید و حس شرم بر شما غالب شود به این انتصاب ناصواب نه بگویید و از این جایگاه استعفا بدهید و گذشته خود را حیط نمایند.» این نامه با ضرب‌المثل «هرکسی را بهر کاری ساختند، مهر آن را در دلش انداختند» پایان یافته است.

علی‌اکبر صالحی، متولد ۱۳۲۸ کربلا در عراق، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹ در دولت دهم و از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ در دو دولت حسن روحانی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود.

صالحی دانش‌آموخته دانشگاه آمریکایی بیروت و مؤسسه فناوری ماساچوست (ام‌آی‌تی) در رشته‌های فیزیک هسته‌ای و مهندسی هسته‌ای و در حال حاضر مدرس مهندسی انرژی در دانشگاه صنعتی «شریف» است.

تحصیلات و پیشینه کاری نامرتب علی‌اکبر صالحی در حالی با اعتراض شدید کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران روبرو شده که نگاهی به افرادی که پیشتر ریاست بنیاد ایران‌شناسی را به عهده داشته‌اند نشان می‌دهد پیشتر هم انتصاب‌هایی با نگاه ایدئولوژیک و از میان افراد کاملاً حکومتی برای ریاست این بنیاد صورت گرفته است.

بنیاد ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۶ و در دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی زیر نظر نهاد ریاست جمهوری فعالیت خود را آغاز کرد.

حسن حبیبی از اعضای ارشد نهضت آزادی و حزب جمهوری اسلامی و نخستین دبیر محجمع تشخیص مصلحت نظام با تحصیلات جامعه‌شناسی و حقوق به عنوان موسس بنیاد تا پایان عمرش (۱۳۹۲) ریاست بنیاد ایران‌شناسی را برعهده داشت.

پس از حبیبی چهره‌های علمی و فرهنگی مانند محمد خامنه‌ای برادر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با تحصیلات حوزوی و کارشناسی حقوق ریاست این بنیاد را بر عهده داشت. محمدرضا مخبر دزفولی با تحصیلات حوزوی و دکترای تخصصی دامپزشکی شاخه درونی دام‌های بزرگ

انتصاب علی‌اکبر صالحی به ریاست بنیاد ایران‌شناسی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی با واکنش شدید کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران روبرو شده است.

علی‌اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران با تحصیلات فیزیک روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان رئیس بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه تهران منصوب شد. این انتصاب با واکنش تند کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران روبرو شده است.

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران روز پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ در نامه‌ی سرگشاده انتصاب علی‌اکبر صالحی به این مقام را «باورناپذیر» خوانده و از او خواسته چنین جایگاهی را نپذیرد.

در ابتدای این نامه خطاب به علی‌اکبر صالحی آمده «عرف آن است که در نامه‌ای انتصاب رییس جدید بنیاد ایران‌شناسی را تبریک بگوییم اما برای شما نتوانستیم!»

در ادامه آمده که «مورخان، باستان‌شناسان، ادبا، زبان‌شناسان، فلاسفه، فرهنگ‌پژوهان و همه دلسوزان کشور که عمرشان مصروف تاریخ و فرهنگ ایران شده، هنوز پذیرش این جایگاه توسط شما را باور نکرده‌اند» و افزوده که «شما در کدام یک از این تخصص‌ها و گروه‌های علمی می‌گنجد که چنین جایگاهی را پذیرفته‌اید؟»

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه «ما به بی‌تفاوتی و بی‌میلی دولت چهاردهم نسبت به میراث و هویت ملی ایران یقین پیدا کرده‌ایم و انتصاب شما را هم در ادامه این روحیه می‌فهمیم» نوشته «از شما به‌عنوان یک دیپلمات و متخصص در فیزیک هسته‌ای انتظار نمی‌رفت گام در چنین دامی بگذارید و باعث دلسردی متخصصان حوزه ایران‌شناسی و دلسوزان آینده ایران شوید.»

این نامه تأکید کرده که بنیاد ایران‌شناسی «جای» صالحی نیست و این بنیاد «باید مأمّن ایران‌شناسان در حوزه‌های مختلف باشد، نه پاتوقی برای استراحت دوران بازنشستگی یا اتاق انتظاری برای کسب مناصب پسین.»

## پزشکان اورژانس: مطالبات ما را پرداخت نکنید، فقط بیماران بدحال را ویزیت می‌کنیم!



بخش اورژانس است.»

به گزارش «عصر ایران» بعضی از این پزشکان عمومی بعد از جذب در بیمارستان‌های دولتی در کنار متخصص طب اورژانس و رزیدنت و... به وضعیت بیماران بدحال رسیدگی می‌کنند اما در بیمارستان‌های مانند منجیل، فومن، ماسال، سیاهکل و... متخصص طب اورژانس در بیمارستان حضور ندارد، پزشک عمومی وظیفه رسیدگی به وضعیت تمام بیماران مراجعه کننده اعم از سکنه، انواع حوادث مانند تصادف و مراجعان پرتعدادی که ممکن است برای آبریزش بینی هم به مرکز فوریت‌های بیمارستان مراجعه کرده باشند را برعهده دارد.

یکی دیگر از پزشکان مستقر در اورژانس در این ارتباط به کلانشهر گفته «به جز بحث حقوق اندک و معوقات مختلف، گویا برای برخی از مردم هم هنوز مفهوم «اورژانس بیمارستان» روشن نشده است. مثلاً برای سرماخوردگی، میخچه و حتی ریزش مو به اورژانس مراجعه می‌کنند و انتظار دارند خیلی فوری هم به وضعیت‌شان رسیدگی شود.» این زن پزشک افزوده «ما انتظار نداریم که همه مردم بدانند پزشکی که در اورژانس مستقر است گاهی طی ۸ تا ۱۲ ساعت ۱۵۰ بیمار را ویزیت کرده است. آن هم برای دریافت ماهیانه حدود ۱۴ میلیون تومان و کارانه‌ای که سال به سال برای پرداختش باید التماس و اعتراض کنیم. یعنی ما کاری را در فروردین ماه ۱۴۰۳ انجام داده‌ایم و طبق قانون و قرارداد قرار بوده همان ایام پرداخت شود اما حالا بعد از حدود یک سال همچنان خبری از آن نیست.»

او افزوده «این در حالی است کارفرمایی که حق و حقوق اندک ما را پرداخت نمی‌کند به دلیل کمبود پزشک ما را مجبور به اضافه کاری هم می‌کند. اما بعد از گذشت چند ماه به پزشکی که با دستور مجموعه بهداشت و درمان ساعات طولانی مجبور به اضافه کاری شده‌اند می‌گویند هیچ پرداختی تحت این عنوان به شما تعلق نمی

پزشکان تا پرستاران شده است.

در یکی از تازه‌ترین اعتراضات، پزشکان شاغل در اورژانس بیمارستان‌های دولتی گیلان با انتشار نامه‌ای اعتراضی خطاب به ریاست دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به عدم دریافت کارانه خود به مدت یک سال گذشته اعتراض کرده‌اند.

پزشکان در این نامه به رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان هشدار داده‌اند که اگر مطالبات آنها پرداخت نشود فقط بیماران «بدحال» را ویزیت خواهند کرد.

این گروه از پزشکان عمومی که در بعضی بیمارستان‌ها به تنهایی بار چند صد بیمار مراجعه‌کننده به اورژانس را در طی ماه به دوش می‌کشند نوشته‌اند «چگونه مقامات وزارت بهداشت می‌پذیرند یک پزشک که وظیفه کمک به بیماران پراسترس اورژانس را دارد با ماهیانه حدود ۱۴ میلیون تومان زندگی اش را بگذراند؟»

در این نامه تأکید شده «اعتراض ما برای دریافت معوقات در حالی است که در بهترین حالت رقم هر ماه کارانه (پرداختی که برای جبران حقوق اندک و خدمات مختلف و پرتعداد به شکل پاداش و حقوق در نظر گرفته شده) به ۱۲ میلیون تومان می‌رسد. یعنی پزشکی که شیفتهای طولانی ۱۲ ساعت و بیشتر را با ویزیت روزانه حدود ۱۵۰ بیمار بسیار بدحال داشته‌اند در بهترین حالت که معوقات هم نداشته باشند، دریافتی اندکی دارند که هیچ تناسبی با مسئولیت‌هایشان در اغلب بیمارستان‌ها ندارد.»

یکی از پزشکان شاغل در اورژانس بیمارستان‌های گیلان در توضیح بخشی از شرایط کاری دشوار خود و همکاری‌اش به وبسایت «عصر ایران» گفته «فردی که پزشکی را انتخاب کرده است پس از دوره ۷ ساله، برای آزادسازی مدرکش موظف به گذراندن طرح ۲ ساله براساس فراخوان وزارت بهداشت در استانها است. یعنی معاونت توسعه وزارتخانه، هر ۳ ماه یک بار کمبودهای پزشک در بخش‌های مختلف استان را مشخص می‌کند که اولویت با تأمین پزشک برای

● پزشکان شاغل در اورژانس بیمارستان‌های دولتی گیلان با انتشار نامه‌ای اعتراضی خطاب به ریاست دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به عدم دریافت کارانه خود به مدت یک سال گذشته اعتراض کرده‌اند.

● پزشکان معترض می‌گویند: چگونه مقامات وزارت بهداشت می‌پذیرند یک پزشک که وظیفه کمک به بیماران پراسترس اورژانس را دارد با ماهیانه حدود ۱۴ میلیون تومان زندگی اش را بگذراند؟

● روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۳ پرسنل بیمارستان روانپزشکی «رازی» در تهران در اعتراض به وضعیت معیشتی و عدم تحقق مطالبات‌شان مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان دست به تجمع اعتراضی زدند.

● شماری از پرستاران و کادر درمان بیمارستان «مردانی‌آذر» تبریز روز گذشته، دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳، در اعتراض به عدم پرداخت تعرفه، کارانه، اضافه‌کار و مشکلات معیشتی خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● روز یکشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ نیز کادر اتاق عمل بیمارستان «امام رضا» در تبریز و پرستاران بیمارستان «صدوقی» یزد اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

ساختار درمان در ایران با مشکلات مالی شدید روبروست و مطالبات عقب افتاده کادر درمان، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها سبب اعتراضات گسترده‌ای شده است. پزشکان شاغل در اورژانس بیمارستان‌های دولتی گیلان در نامه‌ای تهدید کرده‌اند که اگر مطالبات آنها پرداخت نشود فقط بیماران «بدحال» را ویزیت خواهند کرد. وزارت بهداشت سال‌هاست افزایش دستمزد و پرداخت کارانه و پاداش کادر درمان را نادیده گرفته و در همین حال، کادر درمان را با شیفتهای طولانی و اضافه‌کار اجباری زیر فشار قرار داده است.

مشکلت معیشتی به علت دستمزدهای ناچیز، در کنار دشواری و شرایط غیرانسانی کار به ویژه در بیمارستان‌های دولتی سبب اعتراضات گسترده‌ای از سوی کادر درمان، از



## یک هفته پس از عزل وزیر اقتصاد؛ احضار ۱۱ وزیر دولت پزشکیان به مجلس شورای اسلامی؛ از وزیر خارجه تا وزیر اطلاعات



خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر داده که در هفته جاری وزرای آموزش و پرورش، کشور، علوم، نیرو و تعاون برای ارائه گزارش و وزرای نفت، نیرو، اطلاعات، جهاد کشاورزی، خارجه، ارتباطات و دفاع، برای پاسخگویی به ۴۹ سؤال نمایندگان به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی احضار شده‌اند.

بر اساس این گزارش، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت درباره «ناترازی گاز» (واریز منابع حساب بهینه سازی مصرف و تخصیص از حساب، جهت بهینه سازی)، «بررسی قرارداد سوپا گاز ترکمنستان به ترکیه» و «گزارش اقدامات وزارت نفت در خصوص مصوبات سفر استان خوزستان کمیسیون اصل ۹۰»، روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی خواهد رفت.

علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش نیز برای ارائه گزارش درباره «اصلاح آیین نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی در چارچوب اجرای برنامه هفتم» و «ساماندهی نیروی انسانی و اعتراضات به آزمون‌های استخدامی در چارچوب اجرای برنامه هفتم» باید روز یکشنبه ۱۹ اسفندماه و سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه در آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی حضور پیدا کند.

کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری نیز روز یکشنبه با دعوت از حسین سیمایی صراف وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به گزارش او درباره «اصلاح آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیأت علمی» می‌پردازد.

امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم برای پاسخ به سوالات محمد صالح جوکار نماینده یزد و فتح‌الله حسینی نماینده خسروی، سرپل ذهاب، سومار، قصر شیرین، گاوور، گیلانغرب، نفت شهر در مجلس به کمیسیون اجتماعی مجلس خواهد رفت. روز دوشنبه هم عباس علی‌آبادی وزیر نیرو به کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی فراخوانده شده است. ←

● در هفته جاری وزرای آموزش و پرورش، کشور، علوم، نیرو و تعاون برای ارائه گزارش و وزرای نفت، نیرو، اطلاعات، جهاد کشاورزی، خارجه، ارتباطات و دفاع، برای پاسخگویی به ۴۹ سؤال نمایندگان به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی احضار شده‌اند.

● عملکرد نامطلوب کابینه دولت چهاردهم طی ماه‌های گذشته بهانه‌ای به دست نمایندگان مجلس شورای اسلامی داده تا مسعود پزشکیان را زیر فشار قرار دهند و رقابت‌های جناحی را برای گرفتن سهم بیشتر از قدرت پیش ببرند.

● روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از برگزاری نشست استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، رأی اعتماد خود را از وی پس گرفتند و یکی از مهمترین وزرای کابینه را عزل کردند.

● ساعاتی پس از عزل همتی، شوک دوم به دولت مسعود پزشکیان وارد شد و محمدجواد ظریف «معاون راهبردی» و مشاور وی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک برکنار شد.

● در هر حال، این جایجایی‌ها و تقابل علنی مجلس شورای اسلامی که نمایندگان از صافی شورای نگهبان مورد تأیید رهبری جمهوری اسلامی رد شده‌اند با دولتی که با تفویض علی خامنه‌ای روی کار آورده شده و دخالت آشکار قوه قضاییه در کار دولت، همگی بیانگر بحرانی فراتر از اختلافات صرفا جناحی است که فشارهای بین‌المللی به ویژه از سوی آمریکا آن را به سوی مراحل تعیین‌کننده سوق می‌دهد.

یک هفته پس از عزل عبدالناصر همتی با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۱ وزیر دیگر کابینه پزشکیان برای ارائه گزارش و پاسخگویی به سوالات نمایندگان به مجلس احضار شدند.

→ این پزشک پرسیده «واقعا انتظار می‌رود چنین پزشکی در ادامه کارش با روحیه‌ای مناسب به پروسه درمان بیماران کمک کند؟»

دیگر پزشک امضاکننده این نامه که در یکی از بیمارستان‌های رشت شاغل است به «عصر ایران» گفته «من و بعضی از همکارانم بطور متوسط بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ ساعت کشیک داریم اما در برخی بیمارستان‌ها به دلیل کمبود پزشک این عدد به بالای ۲۲۰ ساعت هم می‌رسد. این در حالی است که وزارت بهداشت برای جبران این حجم از کار پزشک حقوق ابتدایی او را برای حفظ انگیزه و افزایش کیفیت خدمات به بیماران انجام نمی‌دهد.»

پزشک جوان دیگری که مشغول گذراندن طرح دو ساله خود در یکی از بیمارستانهای دولتی گیلان است هم گفته «آنقدر طی این مدت از سوی مسئولان دولتی بدقولی و رفتار نامناسب مشاهده کرده ام که بعد از اتمام فعالیت‌م هرگز به اورژانس این مراکز برمی‌گردم و ترجیح می‌دهم در مراکز خصوصی با استرس کمتری کار کنم.»

او اضافه کرده «مثلا فردی مانند من که می‌خواهد شهریه مدرسه فرزندش را پرداخت کند و حقوق اندکی هم دارد آیا می‌تواند به مدیر مدرسه فرزندش هم بگوید برای پرداخت شهریه ۱۳ ماه صبر کن تا مطالباتم واریز شود؟»

در آخرین روزهای سال تجمعات و اعتصابات کادر درمان در شهرهای مختلف کشور نیز افزایش یافته است. روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۳ پرسنل بیمارستان روانپزشکی «رازی» در تهران در اعتراض به وضعیت معیشتی و عدم تحقق مطالبات‌شان مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان دست به تجمع اعتراضی زدند.

همچنین شماری از پرستاران و کادر درمان بیمارستان «مردانی‌آذر» تبریز روز گذشته، دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳، در اعتراض به عدم پرداخت تعرفه، کارانه، اضافه‌کار و مشکلات معیشتی خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کادر درمان در تبریز شعارهایی از جمله «سکوت هر پرستار، خیانت است به همکار»، «پرستار که نباشه، سیستم از هم می‌پاشه» و «اضافه‌ی ۲۰ تومن، نمی‌خوایم» سر دادند. روز یکشنبه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۳ نیز کادر اتاق عمل بیمارستان «امام رضا» در تبریز و پرستاران بیمارستان «صدوقی» یزد اعتصاب کرده و تجمع اعتراضی برگزار کردند. خبرگزاری «ایلنا» با انتشار خبر اعتصاب و اعتراض پرستاران در یزد نوشت «این پرستاران خواستار تغییر مناسبات پرداختی در زیرمجموعه‌های درمان شدند و گفتند: اجرای فوق‌العاده خاص، اصلاح تعرفه‌گذاری و حذف اضافه‌کار اجباری، مهم‌ترین مطالبات ماست. امیدواریم خواسته‌های ما در وزارت بهداشت جدی گرفته شود.»

خبرگزاری «ایلنا» به نقل از پرستاران نوشته «از تبعیض حاکم در نظام بهداشت و درمان کشور خسته‌ایم. باید همه کادر درمان از جمله پرستاران از دستمزد عادلانه برخوردار باشند.»

هفته گذشته و در روز دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۳، جمعی از بهورزان استان گیلان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود به مدت بیش از یک سال، مقابل ساختمان معاونت توسعه مدیریت دانشگاه علوم پزشکی در رشت تجمع کردند.

معتزمان با سر دادن شعارهایی از جمله «معیشت پرستار، سلامتی بیمار»، «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» و «پرستار نباشه، سیستم از هم می‌پاشه» نسبت به وضعیت معیشتی خود و سیاست‌های دولت در قبال کادر درمان اعتراض کردند. بهورزان معترض گفتند که علاوه بر تأخیر طولانی در پرداخت حقوق، اضافه‌کاری‌های اجباری و عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، وضعیت معیشتی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه دولت پزشکیان هم روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه، برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس حاضر خواهد شد. حسنعلی اخلاقی نماینده مشهد و کلات، مهدی کوچک زاده نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، سید فرید موسوی نماینده مراغه و عجب شیر، زهره سادات لاجوردی نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، علیرضا عباسی نماینده کرج، اشتهارد و فردیس، حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر، میمه و برخوار، حمید رسائی نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، فاطمه محمد بیگی نماینده قزوین، آبیگ و البرز، مصطفی نخعی نماینده نهبندان و سربیشه، بابک رضا زاده نماینده مشکین شهر از وزیر امور خارجه سؤال دارند. همچنین عراقچی پاسخگوی سؤالات کمال حسین پور نماینده پیرانشهر، سردشت و میرآباد، علی خضریان نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، محمد سرگزی نماینده زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون، فرهاد شهرکی نماینده زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون، علی شیرین زاد نماینده کرج، اشتهارد و فردیس خواهد بود.

همزمان در روز دوشنبه اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات نیز برای پاسخگویی به سؤالات روح‌الله نجاب نماینده شیراز و زرقان، سیدجواد حسینی کیا - نماینده سنقر، حمید رسائی نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، مالک شریعتی نیاسر نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس، میثم ظهوریان ابوترابی نماینده مشهد و کلات، علیرضا عباسی نماینده کرج، اشتهارد و فردیس، سیدعلی یزدیخواه نماینده تهران، ری، شمیرانات، «اسلامشهر» و پردیس در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس حضور خواهد یافت.

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان به کمیسیون انرژی مجلس خواهد رفت. در همان روز ستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به کمیسیون صنایع و معادن و غلامرضا نوری قزلقچه به کمیسیون کشاورزی و اسکندر مؤمنی وزیر کشور و معاونان وی نیز به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی احضار شده است.

یکی از نشست‌های مهم نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هفته جاری نشست اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره افزایش حقوق و دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ است که یکشنبه ۱۹ اسفندماه برگزار خواهد شد.

اینهمه در حالیکه که میلیون‌ها خانوار کارگری و بازنشسته در انتظار تعیین رقم حداقل دستمزد سال آینده هستند. مذاکرات برای تعیین این رقم تا کنون نتوانسته مسیری به سود معیشت کارگران را طی کند و همین موضوع سبب واکنش تشکلهای و فعالان کارگری به دولت شده و آنها برای افزایش عادلانه دستمزدها در تلاش هستند. این در حالیکه که مشکلات معیشتی حقوق‌بگیران می‌تواند عاملی برای آغاز دوباره اعتراضات سراسری شهروندان علیه جمهوری اسلامی باشد.

عملکرد نامطلوب کابینه دولت چهاردهم طی ماه‌های گذشته بهانه‌ای به دست نمایندگان مجلس شورای اسلامی داده تا مسعود پزشکیان را زیر فشار قرار دهند و رقابت‌های جناحی را برای گرفتن سهم بیشتر از قدرت پیش ببرند. روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از برگزاری نشست استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، رأی اعتماد خود را از وی پس گرفتند و یکی از مهمترین وزرای کابینه را عزل کردند.

ساعاتی پس از عزل همتی، شوک دوم به دولت مسعود پزشکیان وارد شد و محمدجواد ظریف «معاون راهبردی» و مشاور وی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک برکنار شد. خبر برکناری محمدجواد ظریف با عنوان «استعفا» در آخرین ساعات شامگاه یکشنبه از سوی خبرنگاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد.

محمدجواد ظریف بامداد روز دوشنبه ۱۳ اسفندماه در حساب خود در شبکه «ایکس» نوشت که روز گذشته به «دعوت» غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به دیدار او رفته و اژه‌ای «با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت» ظریف به دانشگاه برگردد و او هم «بی‌درنگ» قبول کرده است. وی تأکید کرد که «امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه‌ها برای سنگ‌اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود».

اگرچه محمدجواد ظریف پیشتر نیز یکبار در دولت حسن روحانی و در حالی که وزیر امور خارجه بود قهر کرد و چند ساعتی در اینستاگرام استعفا داد و یکبار دیگر در آستانه آغاز رسمی فعالیت دولت پزشکیان و در اواسط امراد ۱۴۰۳ با ادعای اینکه او بهانه فشار به دولت شده استعفا کرد، اما اینبار وی برکنار شده است؛ آنهم نوعی برکناری که اگرچه به گفته احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار حامی حکومت «محترمانه و نصیحت‌آمیز» بوده اما در عمل باید دید ابزار فشار غلامحسین محسنی اژه‌ای چه بوده که توانسته ظریف را مجبور کند «بی‌درنگ» برکناری را بپذیرد!

آنچه مشخص است تابعیت دوگانه فرزندان محمدجواد ظریف یکی از ابزارهای فشار بر او به شمار می‌رفت. این موضوع به حدی جدی بود که دولت پزشکیان به تازگی از مجلس شورای اسلامی خواسته بود لایحه «اصلاح قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را که در دولت رئیسی تصویب و برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده بود، به دولت بازگرداند تا مبادا تصویب آن در مجلس زیر پای برخی اعضای کابینه و در صدر همه، محمدجواد ظریف را خالی کند.

ماده ۲ این لایحه می‌گوید انتصاب اشخاصی که خود، فرزندان یا همسر ایشان تابعیت مضاعف دارند، در مشاغل حساس و پست‌های زیرمجموعه این گروه ممنوع است. ماده ۴ این لایحه نیز، معاونان و مشاوران رئیس جمهور و قائم مقام آنها را در زمره مشاغل حساس دسته‌بندی می‌کند. اما تنها محمد جواد ظریف نیست که مشمول این قانون می‌شود. فرزندان محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان، سعید اوحدی معاون رئیس جمهور و رئیس «بنیاد شهید»، محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی و شهرام دبیری معاون پارلمانی رئیس دولت نیز تابعیت دوگانه دارند.

به نظر می‌رسد برخی مقامات دولت نیز از تابعیت دوگانه تعداد دیگری از مقامات حکومت احساس خطر کرده‌اند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت یک روز پس از برکناری ظریف با تأکید بر اینکه «قانون انتصاب افراد در مشاغل حساس به گونه‌ای نوشته شده که دست افراد برای انتصاب را حتی در مشاغل دانشگاهی به شدت می‌بندد» گفت: «این قانون اگر بخواهد اجرایی شود، بسیاری از افراد در همه قوا، باید از کار خود کناره بگیرند».

در هر حال، این جایجایی‌ها و تقابلی علنی مجلس شورای اسلامی که نمایندگانش از صافی شورای نگهبان مورد تأیید رهبری جمهوری اسلامی رد شده‌اند با دولتی که با تنفیذ علی خامنه‌ای روی کار آورده شده و دخالت آشکار قوه قضاییه در کار دولت، همگی بیانگر بحرانی فراتر از اختلافات صرفا جناحی است که فشارهای بین‌المللی به ویژه از سوی آمریکا آن را به سوی مراحل تعیین‌کننده سوق می‌دهد.

## اشتغال پرستاران افغانستانی غیرمجاز در بیمارستان‌های ایران؛ دبیرکل خانه پرستار از وضعیت فاجعه‌بار «پرستاری» می‌گوید

● رئیس سازمان نظام پرستاری در نشست مشترک با کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از به کار گرفتن پرستاران افغانستانی غیرمجاز در بیمارستان‌های ایران خبر داده است.

● محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار با تأکید بر اینکه «هیچ پرستار خارجی با شرایط حقوقی فعلی پرستاران ایرانی که حتی در شرایط فعلی به ۲۰۰ دلار هم نمی‌رسد به ایران نمی‌آید» گفته پرستاران افغانستانی نیز به دنبال مهاجرت از ایران هستند.

● او به کنایه گفته «اگر وضع پرستاری در ایران آنقدر خوب است که می‌توانست پرستار خارجی جذب کند ما الان ۵۰ هزار پرستار خانه‌نشین نداریم».

● پرستاران نه تنها درآمد ناچیز دارند بلکه مزایای شغلی آنها نیز پرداخت نمی‌شود و از سوی دیگر با اضافه‌کار اجباری و شیفت‌های طولانی و شرایط دشوار کاری روبرو هستند.

● پرستاران شاغل در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان «الزهر» اصفهان از روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه در اعتصاب بسر می‌برند و شمار دیگری از پرستاران شاغل در دیگر بخش‌های بیمارستان نیز به این اعتصاب پیوسته‌اند.

● پرستاران شاغل در بیمارستان‌های اراک نیز از صبح چهارشنبه ۲۲ اسفندماه در اعتراض به دستمزدهای ناچیز دست به اعتصاب زده و این اعتصاب در چند بیمارستان در جریان است.

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از به کار گرفتن پرستاران خارجی غیرمجاز در یکی از بیمارستان‌های تهران خبر داد. منابع صنفی این پرستاران را افغانستانی معرفی کرده و می‌گویند پرستاران افغانستانی هم علاقمند به کار در ساختار درمانی ایران با دستمزدهای ناچیز نیستند و اکثر آنها به دنبال مهاجرت از ایران هستند. به گزارش مهر، روز گذشته جلسه‌ای در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس برگزار شد که موضوع آن بررسی نحوه نظارت بر عملکرد مراکز درمانی بود. در این نشست، علاوه بر رئیس و اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، معاون درمان وزارت بهداشت، رئیس کل سازمان نظام پرستاری، رئیس کل سازمان نظام پزشکی و تعدادی از مدیران حوزه سلامت نیز حضور داشتند.

سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با ارائه جزئیاتی از نشست روز گذشته این کمیسیون با موضوع «نحوه نظارت بر عملکرد مراکز درمانی» موضوع اشتغال پرستاران «غیرمجاز» خارجی در بیمارستان‌های ایران را تأیید کرده است.



دیگری از پرستاران شاغل در دیگر بخش‌های بیمارستان نیز به این اعتصاب پیوسته‌اند. یکی پرستاران اعتصاب‌کننده در مصاحبه با روزنامه اینترتی «فراز» گفته «بدحال‌ترین بیماران در بخش آی‌سی‌یو این بیمارستان نگهداری می‌شوند. ما با اضافه کار ساعتی ۲۰ هزار تومان در تمام این سال‌ها به وظیفه انسانی و حرفه‌ای خود عمل کردیم. در شرایط فعلی، اما دیگر ادامه این وضع از توان همه ما خارج است. هیچ‌کس حاضر هست در ازای این مبلغ، کاری را که ما انجام می‌دهیم بپذیرد؟» بر اساس گزارش‌ها مسئولان به جای پاسخگویی به خواسته پرستاران، برای پر کردن خلاء ایجادشده در کادر درمان، نیروهایی به صورت موقت و فشرده از سایر بیمارستان‌ها و بخش‌های مختلف را فراخوانده‌اند!

یکی از پرستاران در رابطه با این اعتصاب گفته «ما بیماران را رها نکردیم و اول از همه مطمئن شدیم که در نبود ما

«هیچ عقل سلیمی حکم نمی‌کند که مثلاً پرستاری از اروپا و کشورهای اروپایی یا کشورهایی مثل هند، پاکستان، فیلیپین و... به ایران بیاید و اینکه از اشتغال پرستاران خارجی در ایران حرف می‌زنند، بیشتر برای ایجاد رعب و وحشت بین پرستاران ایرانی و با هدف فضا سازی رسانه‌ای است.» او به کنایه گفته «اگر وضع پرستاری در ایران آنقدر خوب است که می‌توانست پرستار خارجی جذب کند ما الان ۵۰ هزار پرستار خانه‌نشین نداشتیم.»

محمد شریفی مقدم به وضعیت بحرانی وضعیت پرستاری در ساختار درمانی ایران اشاره کرده و گفته «وضع پرستاری به شدت در ایران بحرانی است؛ هفته گذشته که برای یک بیمار به بیمارستان رفتیم دیدیم که وضعیت پرستاری کشور به شدت رها شده است و راهی که مسئولان پیش روی پرستاران گذاشته‌اند مهاجرت، ترک شغل و تغییر شغل است.»

به گفته او «خیلی از کسانی که تحت عنوان پرستار در

سلمان اسحاقی گفته در این نشست که با حضور وزیر بهداشت و معاونانش و رئیس سازمان نظام پرستاری و تعدادی از مدیران ارشد حوزه سلامت برگزار شده، احمد نجاتیان رئیس کل سازمان نظام پرستاری از «پدیده به‌کارگیری پرستار خارجی غیرمجاز در بیمارستان‌ها» خبر داده است.

او به نقل از رئیس سازمان نظام پرستاری گفته «بر اساس بررسی‌ها شاهد به کار گرفتن ۳۰ پرستار خارجی غیرمجاز در یکی از بیمارستان‌های تهران بودیم.»

رئیس کل سازمان نظام پرستاری در این نشست گفته «مکانیزمی برای عدم به‌کارگیری پرستارانی که تخلف می‌کنند، وجود ندارد و خواستار اعطای مجوز صدور پروانه فعالیت پرستاران به سازمان نظام پرستاری از سوی وزارت بهداشت شد.

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار اما در واکنش



نیروهای دیگر بتوانند از بیماران مراقبت کنند. افزون بر این، یک هفته پیش از آغاز رسمی اعتصاب، به بیمارستان اعلام کرده بودیم که در صورت عدم رسیدگی به درخواست‌های ما، دست از کار می‌کشیم. ما در بدترین شرایط به خصوص دوران همه‌گیری ویروس کرونا، در شیفت‌های طولانی و وظیفه خود را انجام می‌دادیم. الان تنها خواسته ما این است که وضعیت مطالباتمان روشن شود و حداقل همان کارانه مصوب به ما هم تعلق بگیرد.»

اعتراضات پرستاران در دیگر شهرهای ایران نیز در جریان است. امروز چهارشنبه ۲۲ اسفندماه جمعی از پرستاران و کادر درمان شهر تبریز مقابل مرکز بهداشت این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و با سر دادن شعارهایی خواهان پرداخت فوری معوقات عقب‌افتاده، بهبود شرایط معیشتی و کاهش فشار کاری مضاعف شدند.

همزمان پرستاران بیمارستان‌های اراک نیز از صبح چهارشنبه ۲۲ اسفندماه دست به اعتصاب زده و این اعتصاب در چند بیمارستان در جریان است. پرستاران به عدم توجه مسئولان به مشکلات معیشتی و حقوقی خود اعتراض و اعلام کردند که با دستمزدهای ناچیز امکان تأمین هزینه‌های ضروری زندگی را ندارند.

فعالان صنفی می‌گویند رؤسای برخی از بیمارستان‌ها نیز به پرستاران گفته‌اند که اگر از شرایط ناراضی هستند، می‌توانند استعفا دهند و به جای آنها، پرستارانی از شهرهای دیگر استخدام خواهند شد.

بخش خصوصی بیمارستان‌های کشور کار می‌کنند، اصلاً پرستار نیستند و به خاطر کمبود پرستار با تخصص‌های دیگری که غیر از پرستاری مثل مامایی و... دارند، به عنوان پرستار در بخش خصوصی کار می‌کنند.»

محمد شریفی مقدم معتقد است «طرح خبر اشتغال ۳۰ پرستار خارجی که می‌گویند در بیمارستان‌های تهران، برای انحراف افکار عمومی است» و می‌گوید: «در حوزه پرستاری عملاً دچار بحران هستیم و مردم حداقل خدمات پرستاری مناسب را نمی‌گیرند و هیچ‌کس هم به داد مردم نمی‌رسد. پرستاران هم که اعتراض می‌کنند می‌گویند آن‌ها را به حراست بفرستیم و مسئولان با ایجاد جو رعب و وحشت می‌خواهند این کمبود پرستار و وضعیت بحرانی فعلی را مدیریت کنند.»

همانطور که شریفی مقدم اشاره کرده پرستاران نه تنها درآمد ناچیز دارند بلکه مزایای شغلی آنها نیز پرداخت نمی‌شود و از سوی دیگر با اضافه‌کار اجباری و شیفت‌های طولانی و شرایط دشوار کاری روبرو هستند. پرستاران مدت‌هاست به عنوان یکی از اقشار معترض، اعتصاب و تجمعات اعتراضی برگزار می‌کنند اما همچنان وزارت بهداشت به مطالبات آنها پاسخ نداده است. بی‌تفاوتی وزارت بهداشت در پاسخگویی به خواسته پرستاران سبب افزایش تجمعات و اعتصابات پرستاران در آخرین روزهای سال شده است.

پرستاران شاغل در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان «الزهر» اصفهان به عنوان بزرگترین بیمارستان اصفهان، از روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه در اعتصاب بسر می‌برند و شمار

به سخنان سلمان اسحاقی، در گفتگو با «خبرآنلاین» گفته «اشتغال پرستاران اتباع افغانستانی در ایران موضوع تازه و جدیدی نیست و حدود ۲۰ سال پیش در قم شاهد این موضوع بودم که پرستاران افغانستانی به خاطر حضور چندین ساله خانواده‌هایشان در ایران محبوبه به کار در ایران بودند.»

محمد شریفی مقدم تأکید کرده که پرستاران خارجی حاضر به کار در ایران با درآمدهای ناچیز حدود ۲۰۰ دلاری نیستند و پرستاران افغانستانی نیز به دنبال مهاجرت از ایران هستند.

او گفته «به زرس قاطع به شما می‌گویم که هیچ پرستار خارجی با شرایط حقوقی فعلی پرستاران ایرانی که حتی در شرایط فعلی به ۲۰۰ دلار هم نمی‌رسد به ایران نمی‌آید و چنین امکانی در حد محال است؛ مگر اتباع افغانستانی که در ایران پرستاری خوانده‌اند که البته آن‌ها هم در ایران نمی‌مانند و بعد از پایان تحصیلات خود از ایران می‌روند.»

به گفته این فعال صنفی «پرستاران افغانستانی پرستاران بدی نیستند و اتفاقاً پرستاران خوبی هم هستند و کارشان هم خوب است و با فارغ التحصیل شدن از دانشکده پرستاری ایران و گرفتن مدرک معتبر، در بیمارستان‌های ایران کار می‌کنند. پرستاران افغانستانی می‌توانند در ایران کار کنند اما نمی‌توانند عضو نظام پرستاری بشوند.»

دبیرکل خانه پرستار افزوده پرستاران افغانستانی تحصیل‌کرده در ایران هم ترجیح می‌دهند به کشورهایی مثل کانادا بروند و به جای کمتر از ۲۰۰ دلار حقوق، ۶۰۰۰ هزار دلار حقوق بگیرند. محمد شریفی مقدم معتقد است

## نتیجه سیاست‌های دستوری فرزندآوری: تولد ده‌ها هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت

● تولد سالانه ۳۰ هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت در ایران آمار جدید و تکاندهنده‌ای است که با اجرای «قانون جوانی جمعیت» و ایجاد محدودیت‌هایی چون ممنوعیت سقط جنین و حذف آزمایش رایگان و اجباری غربالگری جنین رخ داده است.

● صابر جباری معاون جوانی جمعیت وزارت بهداشت اما در حالی که اعلام کرده آمار تولد نوزادان معلول را نمی‌داند، گفته «در ایران تمامی بارداری‌هایی غربالگری می‌شوند که برای کاسبی از استرس و نگرانی مادران است.»  
● آمارها نشان می‌دهد نرخ تولد کودکان با انواع معلولیت در جهان نزدیک زیر یک درصد و در ایران طی یک سال گذشته این نرخ حدود ۲ درصد بوده که دو برابر آمار جهانی است.

● علی خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند.

در پی سیاست‌های دستوری فرزندآوری در جمهوری اسلامی و به علت حذف غربالگری اجباری و رایگان جنین، و همچنین ممنوعیت سقط جنین در ایران، ده‌ها هزار نوزاد معلول در کشور متولد شده‌اند. معاون جوانی جمعیت وزارت بهداشت اما مدعی است که «در ایران تمامی بارداری‌هایی غربالگری می‌شوند که برای کاسبی از استرس و نگرانی مادران است.»

تولد سالانه ۳۰ هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت در ایران آمار جدید و تکاندهنده‌ای است که با اجرای «قانون جوانی جمعیت» و ایجاد محدودیت‌هایی چون ممنوعیت سقط جنین و حذف آزمایش رایگان و اجباری غربالگری جنین رخ داده است.

آزمایش غربالگری که در نخستین ماه‌های بارداری و طی دو مرحله با سونوگرافی تخصصی و آزمایش خون از مادر می‌تواند تعداد زیادی از بیماری‌های ژنتیک و کروموزومی جنین را نمایان کند، با اجرای «قانون جوانی جمعیت» دیگر به صورت رایگان و اجباری در ایران انجام نمی‌شود.

همچنین وزارت بهداشت اطلاع‌رسانی درباره این آزمایش و آگاه کردن والدین از اهمیت این آزمایش را متوقف کرده است. اگرچه این آزمایش با پرداخت هزینه چند میلیون تومانی در آزمایشگاه‌های خصوصی برای متقاضیان انجام می‌شود اما بسیاری از زوج‌ها نه تنها درباره اهمیت این آزمایش اطلاعی ندارند بلکه از پس هزینه‌های هنگفت آن نیز بر نمی‌آیند. این موضوع سبب افزایش تولد نوزادان با انواع نقص‌های کروموزومی و بیماری‌های ژنتیک در ایران شده است.

سیروس زینلی رئیس انجمن بیوتکنولوژی و رئیس شبکه پزشکی مولکولی در همین رابطه به روزنامه «هم‌میهن» گفته «تأثیر اصلی محدودیت غربالگری جنین، بر تولد نوزاد با سندروم داون است و موالید با سندروم داون افزایش یافت. زنان بارداری که قبلاً به توصیه متخصص زنان برای آزمایش سندروم داون اقدام می‌کردند، دیگر این کار را نمی‌کنند و شاهد افزایش تولد نوزادان با این سندروم هستیم.»  
صابر جباری معاون جوانی جمعیت وزارت بهداشت اما در



وی افزوده بود که «مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج، قبل از بارداری و حین بارداری ضرورت دارد. با مشاوره ژنتیک و یافتن فرد مبتلا در فامیل و بررسی ژنتیکی او می‌توانیم قطعی بگوییم که آیا این پدر و مادر ناقل ژن معیوب هستند یا نه.»

اکرمی توضیح داده بود که معلولیت نوزاد تنها مرتبط با ازدواج فامیلی نیست و «تمام افراد در معرض جهش ژنتیک هستند. استرس، اضطراب، بدخوابی، بی‌خوابی، مصرف الکل و سیگار، آلودگی هوا، سموم، ویروس و مصرف دارو مواردی هستند که اثبات شده می‌توانند به عنوان عامل اختلال بوده و به فرزند آسیب وارد کند.»

محمد اکرمی همچنین گفته بود «تحقیقی صورت گرفته و اثبات شده که با داشتن هر فرزند معلول، خانواده زیر خط فقر می‌روند، حتی اگر ثروتمند باشند، زیرا انجام کار درمانی، گروه درمانی و گفتار درمانی و سایر اقدامات حمایتی بسیار پرهزینه است.»

به گفته او یک کودک سندروم داون که معمولاً دچار ناهنجاری مادرزادی قلبی و کم‌کاری تیروئید است، در معرض انواع بیماری‌ها در کودکی، بلوغ و بزرگسالی است. به همین خاطر بخش عمده هزینه‌های دارویی و پارانه‌ها که در کشور وجود دارد برای معلولیت‌ها، عقب‌ماندگی‌ها، ناقص‌الخلقه‌ها، بیماران تالاسمی، بیماران هموفیلی، بیماران اختلالات آنزیمی، بیماران متابولیک و برای بیماران نقص ایمنی اولیه است.

این استاد دانشگاه تأکید کرده بود که «هزینه بیمارانی که دچار معلولیت هستند، متفاوت است. به دلیل محدودیت منابع، در مواردی سازمان بهزیستی به خانواده‌ها به صورت مستمری پول‌هایی را می‌دهد که بتوانند فرزندشان را در کنار خود نگه دارند. هر کدام از این معلولیت‌ها هزینه زیادی دارد که بخشی از آن را بیمه‌ها پوشش

گفتگو با «هم‌میهن» این خبر را دروغ بسیار بزرگی می‌داند و به جهالت و منافع مالی افراد مرتبط دانسته است.

او معتقد است با این خبرها می‌خواهند از نگرانی مادران باردار کاسبی کنند و طرح غربالگری بارداری که حدود یک دهه در کشور ادامه داشته، غیراستاندارد بوده است!

معاون جوانی جمعیت وزارت بهداشت مدعی شده «شبکه بهداشت کشور بازاریاب مراکز و آزمایشگاه‌های غربالگری شده است و به دلیل اجباری بودن هزینه‌های مالی و روانی زیادی را به مادران و خانواده‌ها تحمیل می‌کند.»

صابر جباری همچنین گفته «بسیاری از جنین‌هایی که پس از غربالگری سقط می‌شوند، سالم هستند و سلامت جنین پس از سقط مشخص می‌شود!»

معاون جوانی جمعیت، آماری از تعداد دقیق و نرخ تولد نوزادان معلول در ایران ندارد ولی سندروم داون را هفتمین نوع معلولیت در کشور عنوان می‌کند!

او همچنین گفته «از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲، شیوع، بروز و فراوانی سندروم داون را به روش علمی بررسی کرده و متوجه شده‌ایم شیوع سندروم داون فقط یک صدم درصد تولدهاست و هیچ تغییر و افزایشی نداشته!»

آمارها نشان می‌دهد نرخ تولد کودکان با انواع معلولیت در جهان نزدیک زیر ۱ درصد و در ایران طی یک سال گذشته با تولد بیش از ۳۰ هزار نوزاد معلول به نزدیک ۲ درصد می‌رسد که دو برابر آمار جهانی است.

محمد اکرمی استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس انجمن علمی ژنتیک پزشکی ایران آذرماه امسال آمار تولد سالانه ۳۰ هزار نوزاد معلول را اعلام و تأکید کرده بود «ناهنجاری‌های مادرزادی امر نادری نبوده و با استفاده از خدمات ژنتیک بطور معمول ۷ عنوان مدیریت بیماری اعم از تشخیص، درمان، غربالگری، پیشگیری، پیگیری، پیش‌آگهی و مانی‌تورینگ بیماران وجود دارد.»



## هشدار انجمن داروسازان: اگر مطالبات داروخانه‌ها در چند روز پرداخت نشود داروها آزاد حساب می‌شوند



ماه‌های آبان، آذر و دی طی چند روز آتی پرداخت نشود، داروخانه‌داران چاره‌ای ندارند جز اینکه نسخه بیماران را به‌صورت غیربیمه‌ای و آزاد حساب کنند.

در این نامه آمده «سازمان هدفمندی یارانه‌ها به بهانه پر شدن سقف تخصیص اعتبار، از پرداخت مطالبات داروخانه‌ها بازمانده است.»

انجمن داروسازان ماه‌هاست نسبت به عدم پرداخت مطالبات داروخانه‌ها هشدار داده و نامه‌هایی به مقامات ارشد دولت ارسال کرده است اما تا کنون هیچ اقدامی از سوی دولت پزشک‌ان برای حل مشکل داروسازان انجام نشده است.

در پی پرداخت نشدن مطالبات داروخانه‌ها از سوی سازمان تأمین اجتماعی بسیاری از داروخانه‌ها با زیان گسترده، منفی شدن منابع مالی، افزایش چک‌های برگشتی و حتی ورشکستگی روبرو هستند.

شهرام کلانتری چند روز پیش نیز در نامه‌ای به مسعود پزشک‌ان نیز نسبت به وضعیت بحرانی داروخانه‌ها هشدار داده و نوشته بود «در روزهای پایانی سال قرار داریم و داروخانه‌ها توان مالی برای ادامه فعالیت ندارند.»

مسعود پزشک‌ان اما هیچ اهمیتی به این نامه نداده است! انجمن داروسازان به شورای عالی امنیت ملی هفته آخر بهمن‌ماه نیز با ارسال نامه‌ای به علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی با اشاره به «بحران نقدینگی داروخانه‌ها» و «عدم پرداخت مطالبات بیمه‌ای» نسبت به احتمال «فروپاشی زنجیره تأمین دارو» هشدار داد.

انجمن داروسازان ایران تأکید کرده بود که مطابق ماده ۳۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سازمان‌های بیمه‌گر موظف‌اند ظرف ۱۵ روز، ۸۰ درصد و حداکثر طی سه ماه، ۲۰ درصد باقی‌مانده مطالبات مراکز طرف

● رئیس انجمن داروسازان در نامه‌ای به رئیس سازمان برنامه و بودجه هشدار داد چنانچه مطالبه‌های ماه‌های آبان، آذر و دی طی چند روز آتی پرداخت نشود، داروخانه‌داران چاره‌ای ندارند جز اینکه نسخه بیماران را به صورت غیربیمه‌ای و آزاد حساب کنند.

● انجمن داروسازان ماه‌هاست نسبت به عدم پرداخت مطالبات داروخانه‌ها هشدار داده و نامه‌هایی به مقامات ارشد دولت ارسال کرده است اما تا کنون هیچ اقدامی از سوی دولت پزشک‌ان برای حل مشکل داروسازان انجام نشده است.

● رئیس انجمن داروسازان چند روز پیش نیز در نامه‌ای به مسعود پزشک‌ان نیز نسبت به وضعیت بحرانی داروخانه‌ها هشدار داده و نوشته بود «در روزهای پایانی سال قرار داریم و داروخانه‌ها توان مالی برای ادامه فعالیت ندارند.»

● در پی پرداخت نشدن مطالبات داروخانه‌ها از سوی سازمان تأمین اجتماعی بسیاری از داروخانه‌ها با زیان گسترده، منفی شدن منابع مالی، افزایش چک‌های برگشتی و حتی ورشکستگی روبرو هستند.

● سازمان تأمین اجتماعی در حالی بدهی سنگینی به داروخانه‌ها دارد که در آنسو به علت حجم بالای سنگین طلب از دولت، مشکل نقدینگی داشته و منابع کافی برای پرداخت بدهی به داروخانه‌ها را ندارد.

رئیس انجمن داروسازان کشور در نامه‌ای به رییس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده اگر سه ماه مطالبات داروخانه‌ها طی روزهای آینده پرداخت نشود نسخه‌های بیماران به صورت آزاد محاسبه خواهد شد.

شهرام کلانتری رئیس انجمن داروسازان در نامه‌ای به رئیس سازمان برنامه و بودجه هشدار داد چنانچه مطالبه‌های

می‌دهند. برای مثال، در امر نازایی مصوبه‌ای تنظیم شد که برای کمک باروری بیمه‌ها پوشش دهند، اما در موارد متعددی چنین پوششی وجود ندارد.»

علی خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشت.

ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت» از سوی ابراهیم رئیسی و در اواخر خرداد پارسال بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

بر اساس آن دستورالعمل، مادران باردار کمتر از ۳۵ سال که سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون دارند، نیاز به غربالگری ندارند، اما زنان بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه زایمان فرزندی با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون دارند، باید تحت غربالگری قرار گیرند. این دستورالعمل همچنین تأکید می‌کند که «مباشرت یا معاونت در سقط جنین جرم‌انگاری و برای فرد خاطی جرایم سنگین در نظر گرفته می‌شود.»

محمد امین طباطبایی‌فر عضو هیئت مدیره انجمن ژنتیک پزشکی ایران و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شهریور ۱۴۰۲ از تصمیم وزارت بهداشت برای توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری خبر داد و این تصمیم را «عجیب» و «شوکه‌آور» خواند.

محمد امین طباطبایی‌فر تأکید کرده بود «این تصمیم غیرکارشناسی منجر به محدودیت بیشتر جامعه برای انجام غربالگری جنین می‌شود که در نتیجه خطر تولد نوزادان مبتلا به ناهنجاری‌ها و بیماری‌های ژنتیکی افزایش خواهد یافت.»

محمد امین طباطبایی‌فر توضیح داده بود که «این تصمیم بسیار غیرمعتقول است و باعث خواهد شد که حتی دسترسی افراد آگاه جامعه هم به غربالگری محدود شود. ضمن اینکه توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری باعث خواهد شد که این کیت‌ها به صورت غیرمجاز و با قیمت‌های سرسام‌آور تأمین شوند که در این شرایط علاوه بر تحمیل هزینه به مردم، استاندارد و کیفیت این کیت‌ها نیز زیر سوال خواهد رفت.»

عضو هیئت مدیره انجمن ژنتیک پزشکی ایران تأکید کرده بود که وزارت بهداشت در این تصمیم‌گیری هیچ مشورتی با انجمن ژنتیک پزشکی ایران نداشته و این انجمن به زودی در نامه‌ای رسمی به این تصمیم اعتراض خواهد کرد و خواستار ارزیابی مجدد آن خواهد شد.

در تابستان سال گذشته اداره تجهیزات و فرآورده‌های آزمایشگاهی اداره کل تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: آزمایشگاه‌ها صرفاً مجاز به استفاده از دستگاه‌های آنالایزر بسته (Closed) برای غربالگری سه ماه اول بارداری سندرم داون هستند و IRC تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری به صورت سیستم باز از جمله Free BhCG (PAPP-A) به صورت سیستم باز از جمله به روش الایزا برای انجام غربالگری سه ماه اول سندرم داون صادر و تمدید نخواهد شد.

→ قرارداد را پرداخت کنند. با این حال «عدم اجرای این قانون باعث مشکلات شدید اقتصادی برای داروخانه‌ها» شده است.

در این نامه آمده بود که داروخانه‌های خصوصی فقط از سازمان تأمین اجتماعی ۷۱۸ هزار میلیارد ریال و از سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۸۵ هزار میلیارد ریال طلب دارند و هنوز پاسخی درباره زمان پرداخت این مطالبات ارائه نشده است. انجمن داروسازان ایران همچنین تأکید کرده بود که ۳۵ هزار میلیارد ریال مصوبه سران قوا که در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته، هنوز به داروخانه‌های خصوصی پرداخت نشده است.

این نامه افزوده بود که این تأخیرها باعث کمبود شدید نقدینگی در داروخانه‌ها، افزایش چک‌های برگشتی و اختلال در روابط مالی شرکت‌های دارویی شده است. در نتیجه بسیاری از شرکت‌های دارویی از تأمین دارو برای داروخانه‌های بدهکار خودداری کرده‌اند که این مسئله زنجیره تأمین دارو در کشور را با بحران جدی مواجه کرده است.

انجمن داروسازان ایران تأکید کرده بود که در صورت ادامه این وضعیت، بسیاری از داروخانه‌ها به سمت تعطیلی کشانده خواهند شد و بیماران دسترسی خود را به داروهای اساسی از دست خواهند داد.

این موضوع را محمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز تأیید کرده و گفته که حساب تأمین اجتماعی خالی است و داروخانه‌ها اعلام کرده‌اند که از اول اسفند ماه دیگر دفترچه‌های تأمین اجتماعی را نمی‌پذیرند.

همزمان در بهمن‌ماه نیز محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار توجه به مشکلات نقدینگی و افزایش چک‌های برگشتی داروخانه‌های بخش خصوصی شده بود.

محمد رئیس‌زاده در این نامه با اشاره به چالش‌های اقتصادی موجود در داروخانه‌ها طی ماه‌های اخیر، خواستار پرداخت هر چه سریع‌تر مطالبات معوق جامعه پزشکی از سوی سازمان‌های بیمه‌گر شد.

او همچنین نوشته بود سازمان‌های بیمه‌گر پرداخت مطالبات داروخانه‌ها را به تأمین منابع خود و بعضاً وصول بدهی‌هایشان از کارفرمایان و کارکنان مشروط کرده‌اند، که این وضعیت داروخانه‌ها را در شرایط سخت اقتصادی قرار داده است. این نامه‌ها تنها بخشی از تلاش‌ها از سوی داروسازان برای حل بحران عدم تسویه مطالبات از سوی سازمان‌های بیمه‌گر بوده است. انجمن داروسازان هشدار داده بود که بی‌تفاوتی دولت می‌تواند به «فروپاشی زنجیره تأمین دارو» منجر شود اما همچنان دولت اقدام موثری در اینباره انجام نداده بود. انجمن داروسازان همچنین اواخر بهمن‌ماه اعلام کرده بود که داروخانه‌ها خرید دارو از شرکت‌های دارویی سهامدار بیمه تأمین اجتماعی را متوقف و سازمان تأمین اجتماعی را تحریم کردند.

سازمان تأمین اجتماعی در حالی بدهی سنگینی به داروخانه‌ها دارد که در آنسو به علت حجم بالای سنگین طلب از دولت، مشکل نقدینگی داشته و منابع کافی برای پرداخت بدهی به داروخانه‌ها را ندارد.

این دور باطل که در پی سوءمدیریت وزارت بهداشت بوجود آمده سبب بروز بحرانی سراسری در داروخانه‌های کشور شده بطوری که شماری از داروخانه‌ها به مرز ورشکستگی رسیده‌اند.

بابک رضازاده عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی آذرماه امسال با انتقاد از سیاست‌های وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، از ورشکستگی شمار زیادی از داروخانه‌ها خبر داده بود.

اینهمه در حالیست که حساب کردن داروها به قیمت آزاد بر اساس آنچه انجمن داروسازان در نامه به سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده، انداختن بار مشکل داروسازان بر جیب شهروندانی است که بسیاری از آنها همین حالا هم توان تأمین هزینه‌های سرسام‌آور دارو را ندارند.

وزارت بهداشت از ابتدای امسال اقدام به حذف ارز ترجیحی برخی داروها کرد و همین موضوع سبب افزایش ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی هزینه دارو و تجهیزات پزشکی شد.

گزارش‌ها حاکی از آنست که در حال حاضر بخش زیادی از بیماران توان تهیه دارو را ندارند و روند درمان خود را متوقف کرده‌اند. دکتر عظیم مهرور، فوق تخصص خون و سرطان اطفال، به تازگی با اشاره به شرایط «بحرانی» دارو در ایران گفته بود «دارویی که در گذشته به راحتی در دسترس بود اکنون چندین برابر قیمت فروخته می‌شود. با افزایش هزینه‌ها، روند درمانی کودکان مبتلا به سرطان متوقف می‌شود.»

این پزشک افزوده بود «وضعیت به گونه‌ای شده که دو بیمار از یک آمپول استفاده می‌کنند. یعنی داروخانه یک داروی تزریقی به بیمار می‌دهد که یک سی‌سی در بیمارستان تزریق کند و دوباره آن را به داروخانه برمی‌گرداند تا در بیمارستانی دیگر برای بیماری دیگر تزریق می‌شود.»

وحید محلاتی نایب رئیس هیئت مدیره انجمن شرکت‌های بخش دارو نیز اعلام کرده که «برخی بیماران در شرایط فقر شدید و تنگدستی به فروش داروهای کمیاب خود روی آورده‌اند!»

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن شرکت‌های بخش دارو افزوده که «اگر بیماری نسبت به درمان خود بی‌تفاوت شود و در شرایط اقتصادی بسیار دشوار قرار داشته باشد، ممکن است به فروش داروی خود اقدام کند.»

وحید محلاتی تأکید کرده که این مسئله تنها به دلیل افزایش قیمت داروها نیست، بلکه ریشه در مشکلات عمیق اقتصادی و گسترش فقر در میان برخی اقشار جامعه دارد. به گفته این مقام صنفی بخش دارو، در واقع برخی از افرادی که به مرحله «بالا تر از سایه‌ی رنگی نیست» رسیده‌اند در اوج استیصال معیشتی اقدام به فروش داروهای شخصی خود می‌کنند.

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به ناتوانی بخش زیادی از بیماران برای تأمین هزینه دارو گفت: «ما باید دولت را مجاب کنیم تا در دسترس بودن دارو را تسهیل کند؛ زیرا از این لحاظ دچار مشکل هستیم. اما اینکه بخواهیم دولت را مجاب به پرداخت هزینه کلیه داروها، چه داخلی و چه خارجی بکنیم شدنی نیست. در حال حاضر بیمه‌ها برای پرداخت هزینه همان داروهای داخلی هم به شدت دچار مشکل هستند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «گفت این حرف دشوار است اما -تأکید می‌کنم- با شرایط فعلی ما، اگر داروی ایرانی اثربخش است و باعث بهبود بیمار می‌شود و عوارض آن کوتاه و گذرا است و برای سلامتی بیمار مشکل‌زا نیست، بهتر است عوارض دارو را تحمل کنند.»

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی افزوده «واقعیت این است که ما نمی‌توانیم از بیمار بخواهیم که ده‌ها تا صدها برابر قیمت داروی ایرانی هزینه کند و داروی خارجی بخرد که گاه موجود هم نیست و ممکن است مصرف نکردن دارو برای او مشکل‌ساز شود. بسیاری از بیماران می‌گویند که پزشک به آن‌ها گفته نوع خارجی این دارو پیدا نمی‌شود. من به آن‌ها می‌گویم دارو را قطع نکنید، تا زمانی که داروی خارجی را بیابید از داروی ایرانی استفاده کنید. این را به مسائل دیگر نیز می‌توان تعمیم داد.»

## تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل می‌شود

● مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله: با ادامه شرایط کنونی ممکن است البرز جنوبی و پهنه پیرامون تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل شود که بازگشت از آن نیازمند دهه‌ها تلاش و سرمایه‌گذاری است.

● شرکت آبفای تهران به تازگی اعلام کرده امسال بارندگی ۴۶ درصد نسبت به سال‌های معمولی کمتر شده و نسبت به سال گذشته نیز ۲۵ درصد کاهش یافته است.

● محسن اردکانی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران از شهروندان درخواست کرده مصرف آب را ۲۰ درصد کاهش دهند تا تابستان سختی پیش رو نداشته باشند.

● هفته گذشته تصاویری از سد کرج منتشر شد که نشان می‌دهد مخزن این سد کاملاً خشک شده و آبی در آن نیست.

مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله با اشاره به حفر بیش از ۳۲ هزار چاه غیرمجاز در استان تهران، هشدار داده که «تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل می‌شود.»

مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» نسبت به گسترش خشکسالی در استان تهران هشدار داده و گفته «البرز و منطقه تهران در حال حاضر با تحلیل رفتن منابع آب سطحی و زیرزمینی و تبدیل بحران آب به یک چالش اجتماعی-اقتصادی در بخش‌هایی، با نمادهایی از خشکسالی هیدرولوژیک و خشکسالی اجتماعی-اقتصادی دیده می‌شود.»

مهدی زارع تأکید کرده «با ادامه شرایط کنونی ممکن است البرز جنوبی و پهنه پیرامون تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل شود که بازگشت از آن نیازمند دهه‌ها تلاش و سرمایه‌گذاری است.»

استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله افزوده «خشکسالی، ناشی از سال‌ها کمبود بارندگی است. یک فصل مرطوب نمی‌تواند سفره‌های زیرزمینی یا مخازن عمیق تخلیه شده را دوباره پر کند. هوای نامنظم فزاینده به دلیل تغییرات اقلیمی به این معنی است که چنین باران‌هایی به طور مداوم و منظم تکرار نمی‌شوند. گرم شدن دما، طول عمر برف را کاهش و تبخیر را افزایش می‌دهد. راهبرد های تطبیقی مانند محصولات تاب‌آور در برابر خشکسالی و سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام برای شرایط آب و هوایی شدید ضروری هستند.»

او همچنین به شیوه غیراصولی و ناهماهنگ کشت با شرایط اقلیمی استان اشاره کرده و توضیح داده که «کشاورزی ناکارآمد در اطراف تهران فشار مضاعفی بر منابع آب وارد می‌کند» و «سیاست‌های نادرست کشاورزی با کشت محصولات پرآب مانند هندوانه و صیفی‌جات در مناطق کم‌آب همگی در بحران آب در منطقه تهران



→ و پیرامون آن نقش دارند.»

مهدی زارع افزوده «کاهش بارش برف و افزایش دما در منطقه البرز، ذوب زودهنگام برف‌ها و کاهش تغذیه آبخوان‌ها، همزمان با مدیریت ناپایدار، حفر بیش از ۳۲ هزار چاه غیرمجاز در استان تهران، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مدرن مانند تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و شبکه‌های آبرسانی نوین، تجمع جمعیت در تهران و حومه -بیش از ۱۶/۵ میلیون نفر- تقاضای آب را افزایش داده است.» جدا از تصویر نگران‌کننده‌ای که مهدی زارع از وضعیت خشکسالی تهران در یک دهه آینده نشان داده، امسال نیز بحران کمبود آب حتی برای بخش آشامیدنی در استان تهران به مرز هشدار رسیده است.

طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از کاهش شدید فشار و قطع آب آشامیدنی در برخی مناطق تهران منتشر شد. بر اساس این گزارش‌ها در برخی محله‌ها کاهش فشار آب تا

میانگین بلندمدت بوده است. بارش از اول مهر ۱۴۰۳ تا ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ در استان تهران ۸۸ میلی‌متر بوده که نسبت بارش در سال آبی قبل ۴۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. کاهش ذخیره برف در ارتفاعات البرز، مهم‌ترین منبع آب شیرین برای فصل گرم، نگرانی‌ها را تشدید کرده است.» به گفته این استاد دانشگاه، رودخانه‌های اصلی تأمین‌کننده آب تهران مانند جاجرود، لار و لتیان با کاهش جریان مواجهند. حجم آب سدهای تهران (لار، لتیان، ماملو، و طالقان) به زیر ۴۰ درصد ظرفیت رسیده است. در چنین شرایطی کاهش شدید سطح آب‌های زیرزمینی با کاهش سالانه یک تا دو متر در دشت‌های اطراف تهران و فرونشست زمین، از ۲۰ تا ۳۶ سانتی‌متر در سال در برخی مناطق جنوب و جنوب غرب تهران، از تبعات بحران آب در پیرامون تهران است.

مهدی زارع همچنین افزوده «تهران روزانه حدود ۳

خشکسالی در ایران وارد مراحل جدیدی شده بطوریکه برای نخستین‌بار در فصل زمستان بسیاری از سدهای ایران خالی هستند. هفته گذشته تصاویری از سد کرج منتشر شد که نشان می‌دهد مخزن این سد کاملاً خشک شده و آبی در آن نیست.

سد کرج تنها یکی از سدهای کشور است که آب ذخیره در آن رو به اتمام است. ذخیره آب سد طرق در استان خراسان «رضوی» نیز ۲ درصد منفی است.

سدهای زنجیره کارون، دز و مارون در خوزستان به ترتیب ۱۰ درصد، ۲۹ درصد و ۲۸ درصد نسبت به سال آبی گذشته آب کمتری در مخازن خود دارند. گلپایگان و پانزده خرداد در حوضه قمرود نیز یک و ۳۹ درصد منفی هستند. سد ارس در استان اردبیل نیز یک درصد نسبت به سال آبی قبل ذخیره آبی کمتری دارد.

فیروز قاسمزاده سخنگوی صنعت آب کشور گفته وضعیت



بارش‌ها و ذخایر سدهای کشور در سال آبی جاری (۱۴۰۴-۱۴۰۳) نشان‌دهنده کاهش قابل توجهی نسبت به سال‌های گذشته است. وی افزوده بر اساس شبکه ایستگاه‌های مینای وزارت نیرو، ارتفاع کل ریزش‌های جوئی کشور از ابتدای سال آبی تا ۱۰ اسفند، ۸۶/۷ میلی‌متر ثبت شده که نسبت به میانگین بلندمدت ۴۲ درصد و نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است.

به گفته سخنگوی صنعت آب کشور، بر اساس گزارش هفتگی شاخص‌های آب و برق، موجودی آب مخازن سدهای کشور تا ۱۰ اسفند، ۲۲/۲۶ میلیارد مترمکعب است که نسبت به سال گذشته ۵ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، میزان ورودی آب به سدها نیز ۳۱ درصد کمتر از سال گذشته گزارش شده است.

او با اشاره به وضعیت برخی سدهای مهم کشور گفته «این کاهش ذخایر در بسیاری از سدهای مهم کشور محسوس است. به عنوان مثال، سدهای پنجگانه تهران نسبت به متوسط ۵ سال گذشته دارای کاهش ۳۰ درصدی است. سد زاینده‌رود با کاهش ۴۰ درصدی نسبت به متوسط ۵ سال گذشته و ۵۳ درصدی ذخایر آب نسبت به سال گذشته مواجه شده است. همچنین سد شمیل و نیان با کاهش ۹۱ درصدی و سد استقلال با کاهش ۷۱ درصدی ذخایر آب نسبت به سال گذشته روبه‌رو هستند.»

میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کند؛ که بخش عمده آن از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود و ۳۰ درصد آب شهری به دلیل نشت شبکه‌های فرسوده هدر می‌رود.»

محسن اردکانی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران روز پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ اعلام کرد که برنامه‌ای برای نوبت‌بندی آب وجود ندارد، اما از شهروندان درخواست کرد مصرف آب را ۲۰ درصد کاهش دهند «تا تابستان سختی را پیش رو نداشته باشیم.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» با انتقاد از شیوه مدیریت منابع انرژی در کشور نوشته «با بی‌درایتی کامل و به بهانه مشکل ناترازی برق و عدم گسترش خاموشی‌ها به مناطق مسکونی، به صورت برنامه‌ریزی نشده آب سدها را فقط به منظور تولید برق رها کردند و ادعا داشتند که کاملاً حساب شده رهاسازی انجام شده و هیچ مشکلی برای سال آبی آینده رخ نخواهد داد.»

این روزنامه افزود: «به این امید بودند که باران‌های خوبی در پاییز و زمستان بتواند کسری مخازن را جبران نماید اما چنین نشد و پیش‌بینی‌های اقلیمی درست از آب در آمدند و اکنون ما مانده‌ایم و سدهای خالی از آب و صدای آهسته مستولان که شعارهای ایام تابستان خود را فراموش کرده و کنترل مصرف آب را آهسته از سر گرفته و آن را به آسمان نسبت می‌دهند.»

حدی است که فقط ساکنان طبقات همکف ساختمان‌ها امکان استفاده از آب لوله‌کشی را دارند. محسن اردکانی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران مدعی شد شبکه توزیع و تأمین آب شهر «کاملاً پایدار» است و جای هیچ‌گونه نگرانی نیست. او در همین حال گفت با هدف «کنترل مصرف» فشار آب پایتخت به شکلی تنظیم شده که فشار آب فقط تا طبقه دوم وجود داشته باشد!

همزمان گزارش‌های مختلفی از خالی شدن یا کاهش شدید سطح آب ذخیره پشت سدهای کشور از جمله در استان تهران منتشر شده است. بر اساس این گزارش‌ها در حالیکه تهران پنجمین سال پیاپی خشکسالی را پشت سر می‌گذارد، کاهش ۴۵ درصدی بارندگی‌ها زنگ خطر کم‌آبی برای پایتخت را به صدا درآورده است.

شرکت آبفای تهران به تازگی اعلام کرده امسال بارندگی ۴۶ درصد نسبت به سال‌های معمولی کمتر شده و نسبت به سال گذشته نیز ۲۵ درصد کاهش یافته است. شرکت آبفای تهران همچنین خبر داده که ذخایر سدهای پنج‌گانه تهران تنها نزدیک به شش درصد است.

مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله با اشاره به کمبود شدید منابع آب در استان تهران گفته «بارش برف و باران در زمستان ۱۴۰۳ در منطقه البرز مرکزی (منبع اصلی تأمین آب تهران) به شدت کمتر از

## مقامات دولتی هم «بحران فاجعه بار کم آبی» را تأیید می کنند؛ جیره بندی آب آغاز شد



چالش اجتماعی- اقتصادی در بخش هایی، با نمادهایی از خشکسالی هیدرولوژیک و خشکسالی اجتماعی- اقتصادی دیده می شود.

مهدی زارع تأکید کرده «با ادامه شرایط کنونی ممکن است البرز جنوبی و پهنه پیرامون تهران طی دهه آینده به یک «منطقه نیمه خشک» تبدیل شود که بازگشت از آن نیازمند دهه ها تلاش و سرمایه گذاری است.»

استاد پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله افزوده «خشکسالی، ناشی از سالها کمبود بارندگی است. یک فصل مرطوب می تواند سفره های زیرزمینی یا مخازن عمیق تخلیه شده را دوباره پر کند. هوای نامنظم فزاینده به دلیل تغییرات اقلیمی به این معنی است که چنین باران هایی به طور مداوم و منظم تکرار نمی شوند. گرم شدن دما، طول عمر برف را کاهش و تبخیر را افزایش می دهد. راهبرد های تطبیقی مانند محصولات تاب آور در برابر خشکسالی و سامانه های هشدار پیش هنگام برای شرایط آب و هوایی شدید ضروری هستند.»

او همچنین به شیوه غیراصولی و ناهماهنگ کشت با شرایط اقلیمی استان اشاره کرده و توضیح داده که «کشاورزی ناکارآمد در اطراف تهران فشار مضاعفی بر منابع آب وارد می کند» و «سیاست های نادرست کشاورزی با کشت محصولات پرآب مانند هندوانه و صیفی جات در مناطق کم آب همگی در بحران آب در منطقه تهران و پیرامون آن نقش دارند.»

مهدی زارع افزوده «کاهش بارش برف و افزایش دما در منطقه البرز، ذوب زود هنگام برف ها و کاهش تغذیه آبخوان ها، همزمان با مدیریت ناپایدار، حفر بیش از ۳۲ هزار چاه غیرمجاز در استان تهران، عدم سرمایه گذاری در زیرساخت های مدرن مانند تصفیه خانه های فاضلاب و شبکه های آبرسانی نوین، تجمع جمعیت در تهران ←

شرایط نرمال دارد، در حالی که ۱۹ استان با کاهش بارندگی بیش از ۵۰ درصد مواجه اند. این اعداد بسیار نگران کننده و نشان دهنده خشکسالی شدید در کشور است.»

وی با تأکید بر اینکه سال آبی جاری یکی از سخت ترین سالها خواهد بود، افزوده «پیش بینی های سازمان هواشناسی نشان می دهد که این میزان بارش برای جبران عقب ماندگی های فعلی کافی نیست. در نتیجه، ما با یک سال آبی سخت مواجه هستیم که عبور از این بحران مستلزم همکاری همه دستگاه های ذیربط، از جمله وزارت جهاد کشاورزی، استانداری ها و وزارت کشور است.»

محمد جوان بخت همچنین از جیره بندی آب خبر داده است: «محدودیت های آبی در کشور به هیچ وجه انتخاب وزارت نیرو نیست، بلکه یک واقعیت است که باید با آن روبرو شویم. تمامی اقدامات و تصمیمات در این زمینه در راستای اجبار به مدیریت منابع آب انجام می شود.»

عیسی بزرگزاده سخنگوی صنعت آب کشور نیز با تأیید وضعیت بحرانی منابع آبی سدهای تهران گفته «کاهش آب در مخازن سدها صحت دارد و نیاز جدی به مشارکت و کاهش مصرف شهروندان تهرانی است.»

سخنگوی صنعت آب کشور افزوده «با توجه به اهمیت کیفیت آب و اینکه نمی توان از هر آبی برای شرب استفاده کرد چرا که استانداردهای زیادی برای این مسئله داریم نمی توانیم خیلی به منابع زیرزمینی تکیه کنیم، ضمن اینکه این موضوع تبعاتی همچون فرونشست را نیز به دنبال دارد.»

مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله در گفتگو با ویسایت «خبرآنلاین» نسبت به گسترش خشکسالی در استان تهران هشدار داده و گفته «البرز و منطقه تهران در حال حاضر با تحلیل رفتن منابع آب سطحی و زیرزمینی و تبدیل بحران آب به یک

● محمد جوان بخت معاون وزیر نیرو از جیره بندی آب خبر داده است: «محدودیت های آبی در کشور به هیچ وجه انتخاب وزارت نیرو نیست، بلکه یک واقعیت است که باید با آن روبرو شویم.»

● مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نیز دو روز پیش ضمن اعلام اینکه ایران «در تنش شدید آبی» قرار دارد، از «قطع احتمالی آب در تهران و شهرستان ها در آینده نزدیک» خبر داد.

● گزارش ها نشان می دهد در تهران جیره بندی آب آغاز شده و شهروندان در برخی محلات با قطع آب و در برخی محلات دیگر با کاهش فشار آب روبرو هستند.

● به گفته رئیس شورای اسلامی شهر تهران، بحران تأمین آب آشامیدنی پایتخت در بهار و تابستان امسال چنان جدیست که قرار است با حفر ده ها حلقه چاه بخشی از کمبود آب جبران شود.

● مدیر بهره برداری و نگهداری از تأسیسات سد و نیروگاه های زاینده رود و کوهرنگ با اعلام کاهش بی سابقه حجم مخزن سد زاینده رود اعلام کرده نیروگاه این سد از مدار تولید خارج شده است.

پس از انتشار آمارهایی از کاهش شدید ذخایر آب در سدهای کشور، مقامات دولتی نیز وضعیت بحرانی کم آبی و در پیش بودن «تابستان سخت» را تأیید می کنند.

محمد جوان بخت معاون وزیر نیرو با بیان اینکه با یک سال آبی سخت مواجه هستیم، گفته «عبور از این شرایط دشوار نیازمند تدابیر فوری، همراهی مردم و هماهنگی مستمر بین استان ها است.»

معاون وزیر نیرو افزوده «طبق آمارهای ثبت شده، میزان بارندگی تا کنون ۸۲/۹ میلی متر بوده که ۴۵ درصد کاهش نسبت به میانگین بلندمدت را نشان می دهد. این کاهش در برخی استان ها به ۷۶ درصد نیز رسیده است. تنها استان گیلان



## در بیانیه‌ای مشترک هشدار داده شد: رقم حداقل دستمزد نباید از ۶۰ میلیون تومان کمتر باشد

تومان تعیین شده است. در برابر این سیستم ظالمانه است که با فریاد «نوبت ما که میشه خزانه خالی میشه» حق و حقوقمان را طلب می‌کنیم.

در ایران، همین امروز هزاران دختر و پسر جوان را با ترفندهای مزد توافقی یا منطقه‌ای از زیر پوشش قانون کار بیرون می‌آورند تا حداقل مزد را هم به آنان ندهند. حتی معلمان خرید خدمت و پاره‌وقت را زیر حداقل دستمزد مصوب حقوق می‌دهند. باید به این وضع خاتمه داد.

ما کارگران شاغل و بازنشسته، ما امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم که حداقل دستمزد در مذاکرات مزدی را تنها با حضور نمایندگان واقعی و مستقل طبقه کارگر مطابق با هزینه‌های واقعی سبد معیشت و افزایش آن در طول سال به رسمیت می‌شناسیم و نقطه عزیمت چانه‌زنی با نمایندگان سرمایه از این نقطه به بالاست!

حداقل دستمزد باید بر مبنای هزینه‌های واقعی سبد معیشت تعیین شود و بتواند نیازهای طبیعی زندگی‌مان را با شاخص‌های جوامع پیشرفته امروزی بشری پاسخگو باشد. و این مبنایی برای عزیمت و چانه‌زنی ما برای حداقل مزد باشد.

پرداخت کمتر از آن، حقیقتاً جرم است.

تعیین مزد و حقوق بر مبنای هزینه‌های واقعی سبد معیشت و پایان دادن به فقر و بردگی، خواست همه مردم است. با چماق سرکوب و اعدام، زندگی ما مردم را به اعماق دره فقر برده‌اند.

با اعتراضات گسترده و ایستادن در برابر سرکوب‌ها برای گرفتن حق و حقوقمان مبارزه می‌کنیم. از همین رو انتظار می‌رود که تمامی تشکرها و نهادهای اجتماعی با این مطالبات همسو و در این اعتراضات همراه یکدیگر باشیم.

ضمن اینکه حرف مشخص امروز ما این است که در برابر هزینه‌های دلاری، باید حداقل دستمزد نیز بر اساس صعود نرخ دلار محاسبه شود و در اولین قدم از شصت میلیون کمتر نباشد و بر اساس رشد تورم میزان آن افزایش یابد.

بعلاوه اینکه درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن، حقوق پایه‌ای ماست و برای آن می‌جنگیم.

ما امضاکنندگان این بیانیه با «نه» بزرگ به شرایط موجود اعلام می‌کنیم که دیگر فقر و بردگی را نمی‌پذیریم و برای تغییر آن بیش از هر زمانی به تلاش و مبارزه متحدانه خود ادامه خواهیم داد.

امضاکنندگان:

\_اتحاد بازنشستگان

\_انجمن برق و فلز کرمانشاه

\_چالش صنفی معلمان ایران

\_شورای بازنشستگان ایران

\_شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

\_شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)

\_شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

\_فعالان صنفی «معلمان البرز»

\_ندای زنان ایران

\_نهاد دادخواهان

افزایش دستمزد متناسب با افزایش نرخ دلار! جدال در مورد میزان حداقل مزد ما کارگران برای سال آتی شکل حادثی به خود گرفته است. امسال وضعیت قرمز و بحرانی‌تر از هر سال است. غول بی‌رحم تورم، زندگی را برای ما به کابوس بدل کرده است.

با توجه به هزینه‌های دلاری و سونامی گرانی، بی‌ارزش شدن دائمی ریال و دستمزدها، جلوگیری از افزایش مزد طبق تورم در طول سال و موکول کردن آن به یک بار در آخر سال، پیشاپیش هر نوع افزایش درصدی را بی‌اثر و بی‌اعتبار می‌کند.

امروز ما جدا از هزینه‌های خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش، با انواع بحران‌های دارو و درمان، هوای سالم، برق و گاز و ابتدایی‌ترین نیازهای بشری روبرو هستیم. مصادره امکانات و ظرفیت‌های جامعه به دست صاحبان قدرت و ثروت، محرومیت اکثریت جامعه را به دنبال داشته است.

از آنجایی که معیشت اساس زندگی است، مطالبه تعیین و افزایش حداقل دستمزد طبق سبد معیشت، در چنین شرایطی اعلام کیفرخواست علیه بساط فقر و محرومیت و تبعیض و بردگی مزدی است. ایستادگی ما بر سر تعیین و افزایش واقعی دستمزد تلاشی برای رفاه، برابری و زندگی بهتر برای همین امروز و نیز برای آینده و در دفاع از فرزندانمان است که به چشم خود هرروزه شاهد افزوده شدن شمار کودکان کار و خیابان و بالا رفتن آمار تن‌فروشی و خودکشی به خاطر لقمه نانی هستیم.

کشمکش اجتناب‌ناپذیری که سرنوشت ما را تعیین می‌کند، همه بخش‌های کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، بیکاران و اکثریت کل جامعه را در بر گرفته است. این تقابلی است که با «نه» به شرایط موجود و برای تعیین تکلیف جامعه با پرچم «زن، زندگی، آزادی» بلند شد و امروز با فریاد «اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد» هرروزه در کف خیابان ادامه دارد.

در کوران چنین مصاف تاریخی است که شورای عالی کار مثل هر سال از بالای سر ما، بدون حضور و اعمال اراده طبقه کارگر در مذاکرات مزدی، پشت درهای بسته چوب حراج را با معیار نان خشک و لنگ یمانی بر روی ارزش نیروی کارمان می‌زند.

محاسبه و تعیین هزینه‌های سبد معیشت با توجه به نیازهای استاندارد شده زندگی امروز کار دشواری نیست. ما خواهان یک زندگی انسانی و بهره‌مندی بدون تبعیض از همه نعماتی هستیم که خود خلق کرده‌ایم و امروز اگر کسی به خیابان می‌آید، علیه فقر و تبعیض فریاد می‌زند و سال‌هاست که این چنین است.

بودجه‌ای که باید برای رفاه و بهبود زندگی مردم باشد، بابت ده‌ها مؤسسه و نهاد بی‌ربط به زندگی اکثریت و نیز دستگاه‌های پرهزینه سرکوب و ادامه چپاولگری‌هایشان مصرف می‌شود. اتخاذ سیاست‌های پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی بی‌ربط و علیه منافع عمومی، زندگی ما را در شرایط غیرقابل‌تحمل و انفجاری قرار داده است.

سهم صدواوسیمیا از بودجه عمومی دولت پزشک‌ها در سال ۱۴۰۴ بیش از بودجه ۱۰ وزارتخانه و حدود ۳۵ هزار میلیارد

و حومه - بیش از ۱۶/۵ میلیون نفر - تقاضای آب را افزایش داده است.»

در استان‌های دیگر نیز خالی ماندن سدها بحران‌آفرین شده است. مجتبی موسوی نائینی مدیر بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات سد و نیروگاه‌های زاینده رود و کوه‌رنگ امروز دوشنبه بیستم اسفندماه با اعلام کاهش بی‌سابقه حجم مخزن سد زاینده رود اعلام کرده نیروگاه این سد از مدار تولید خارج شده است.

به گفته مجتبی موسوی نائینی ذخیره این سد به ۱۳۸ میلیون مترمکعب رسیده و ۸۹ درصد ظرفیت مخزن آن خالی است. او تأکید کرده «ذخیره کنونی سد زاینده رود در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۵۳ درصد و نسبت به بلند مدت ۷۹ درصد کاهش یافته است.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نیز دو روز پیش ضمن اعلام اینکه ایران «در تنش شدید آبی» قرار دارد، از «قطع احتمالی آب در تهران و شهرستان‌ها در آینده نزدیک» خبر داد.

با اینهمه گزارش‌ها نشان می‌دهد جیره‌بندی آب از اوایل اسفندماه در برخی شهرها از جمله تهران آغاز شده است. در همین رابطه روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده که برخلاف ادعای مسئولان مبنی بر جیره‌بندی نشدن آب در پیش از نوروز در برخی نقاط تهران آب چند محله در ساعت‌هایی قطع شده و باقی خانوارها با کاهش فشار آب مواجه هستند.

محمد پورحمید کارشناس حوزه آب و انرژی با تأکید بر اینکه در شرایط کنونی، کشور با چهارمین سال پیاپی خشکسالی روبرو است و این موضوع یک زنگ خطر جدی محسوب می‌شود، گفته که «به همین دلیل، دو اقدام اساسی باید در دستور کار قرار گیرد. نخست، مدیریت دقیق مصرف آب به‌گونه‌ای که حتی یک سانتی‌متر مکعب آب نیز هدر نرود. این یعنی بازنگری در تخصیص منابع آبی، جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز و کاهش هدررفت آب در شبکه‌های انتقال و مصرف. نکته دوم، بازچرخانی آب است که طبق قوانین باید برای مصارف صنعتی و فضای سبز به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. یعنی دولت باید از آب تصفیه‌شده برای این مصارف استفاده کند و اجازه ندهد که آب آشامیدنی در این بخش‌ها به کار گرفته شود.»

محمد پورحمید گفته «اگر بخواهم وضعیت بارندگی را به‌طور خلاصه بگویم، تهران امسال نسبت به میانگین بلندمدت، حدود ۴۰ درصد کمتر بارندگی داشته است.»

این کارشناس هشدار داده «تهران با جمعیتی بالا و منابع آبی محدود، شرایطی تقریباً مشابه سال گذشته دارد. تهران هم‌اکنون با تنش آبی روبرو است و اگر مصرف آب مدیریت نشود، احتمالاً از اردیبهشت یا خرداد بحران شدیدتر خواهد شد.» از سوی دیگر به گفته رئیس شورای اسلامی شهر تهران، بحران تأمین آب آشامیدنی پایتخت در بهار و تابستان امسال چنان جدیست که قرار است با حفر ده‌ها حلقه چاه بخشی از کمبود آب جبران شود.

مهدی چمران رئیس شورای شهر اسلامی شهر تهران گفته «سازمان آب به خاطر نگرانی از تابستان آینده می‌خواهد ۷۰ چاه عمیق ۲۵۰ متری حفر می‌کند. این چاه‌ها برای تأمین آب شرب است و بقیه چاه‌های تهران را خشک خواهد کرد. این چاه‌ها منابع زیرزمینی را خشک خواهد کرد. برای روسای سه قوه نامه نوشتیم و خواستیم این کار انجام نشود.»

حفر چاه برای جبران بخشی از کمبود آب پایتخت در حالی در دستور کار وزارت نیرو قرار گرفته که خشک شدن منابع آب زیرزمینی عامل اصلی ایجاد فرونشست در ایران است و استان تهران یکی از استان‌هایی است که وضعیت آن در رابطه با فرونشست‌ها بحرانی توصیف شده است!

## خامنه‌ای بازارهای ارز و طلا را متلاطم کرد

طرف مذاکره تحمیل شود.»

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست. توقعات جدیدی مانند برنامه دفاعی، موشکی و توانایی‌های بین‌المللی ایران را مطرح می‌کنند که این توقعات قطعاً از طرف جمهوری اسلامی برآورده نخواهد شد.»؛ راجع به امکانات دفاعی کشور و توانایی‌های بین‌المللی کشور، فلان کار را نکنید. فلان کس را نبینید. موشکتان بردش از فلان قدر بیشتر نباشد.»

سخان علی خامنه‌ای در حالی بر بازارهای ارز، طلا و بورس اثر گذاشته که روسیه بر میانجیگری میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده برای پیشبرد مذاکره هسته‌ای تأکید داشته است.

همچنین با وجود خط و نشان‌های رهبر جمهوری اسلامی از پشت تریبون، برخی دیگر از مقامات حکومتی از مواضع سفت و سخت گذشته عقب‌نشینی کرده‌اند.



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز گذشته از رایزنی با اروپا، روسیه و چین در جهت «جلب اعتماد» در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی خبر داد.

همزمان دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل اعلام کرد که «مذاکره با هدف برطرف کردن نگرانی‌ها درباره نظامی شدن برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی قابل بررسی است.»

ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه که کشورش در حال رایزنی میان جمهوری اسلامی و دولت ایالات متحده است، از احتمال محدود شدن برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در ازای لغو تحریم‌ها خبر داده است.

اقتصاد ایران جدا از مشکلات ساختاری موجود به شدت متأثر از رویدادها و اخبار سیاسی است. از آنجا که اقدامات و تصمیم‌های سیاسی جمهوری اسلامی، به ویژه در حوزه سیاست خارجی، بطور مستقیم بر سرنوشت اقتصاد کشور اثر دارد، خبرهایی مانند مقاومت خامنه‌ای در برابر مذاکره سبب تشدید بی‌اطمینانی و افزایش ریسک و تحریک بازارها می‌شود.

● قیمت ارز و طلا طی دو روز گذشته و پس از تأکید دوباره علی خامنه‌ای بر مذاکره نکردن با آمریکا با افزایش روبرو شده و شاخص بورس نیز روندی منفی دارد.

● روزنامه «دنیای اقتصاد» درباره ریزش‌های بازار بورس نوشته «ابهام در حوزه روابط ایران در حوزه سیاست خارجی و جذابیت بازارهای موازی از جمله مهم‌ترین عواملی است که سبب شده تا قیمت‌ها و شاخص‌ها در مسیر نزولی قرار بگیرد.»

● از آنجا که اقدامات و تصمیم‌های سیاسی جمهوری اسلامی، به ویژه در حوزه سیاست خارجی، بطور مستقیم بر سرنوشت اقتصاد کشور اثر دارد، خبرهایی مانند مقاومت خامنه‌ای در برابر مذاکره سبب تشدید بی‌اطمینانی و افزایش ریسک و تحریک بازارها می‌شود.

قیمت دلار و دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران طی دو روز گذشته و در پی سخنان خامنه‌ای علیه مذاکره با ایالات متحده در حال افزایش است. قیمت‌ها در بازار طلا نیز صعودی است و شاخص بورس به علت خروج پول حقیقی از این بازار سقوط کرده است.

قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد ارز ایران که هفته گذشته در کانال ۹۱ هزار تومان قرار داشت امروز دوشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۳ به ۹۴ هزار تومان رسید. قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز در حال افزایش است بطوری که یورو در بازار تهران ۱۰۱ هزار و ۲۰۰ تومان، پوند انگلستان ۱۱۹ هزار و ۸۵۰ تومان، لیر ترکیه دو هزار و ۵۸۵ تومان، درهم امارات ۲۵ هزار و ۵۸۰ تومان قیمت‌گذاری شده است.

همچنین قیمت افغانی پول ملی افغانستان نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و به ۱۳۳۵ تومان افزایش یافته است. لیر سوریه ۷۱ ریال، دینار عراق ۶۲۹ ریال و درهم امارات ۲۵۳ هزار و ۷۲۰ ریال معامله شد.

قیمت هر سکه کامل طلا نیز بار دیگر به مرز ۷۹ میلیون تومان افزایش یافته و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز شش میلیون و ۷۵۰ هزار تومان معامله می‌شود.

شاخص بورس نیز طی دو روز گذشته روندی منفی را طی کرده است. شاخص کل بورس که روز گذشته بیش از ۳۵ هزار واحد ریزش کرده بود امروز نیز با کاهش ۰/۶۶ درصدی همراه شد و به سطح ۲ میلیون و ۷۱۴ هزار واحدی رسید.

شاخص هم‌وزن نیز با افت ۰/۸۳ درصدی همراه شد و تا سطح ۸۲۶ هزار واحدی عقب‌نشینی کرد. در فرابورس نیز شاخص کل فرابورس با افت ۰/۹۳ درصدی همراه شد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده در جریان داد و ستدهای امروز ۱۰۷۸ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است. این گزارش تأکید کرده «ابهام در حوزه روابط ایران در حوزه سیاست خارجی و جذابیت بازارهای موازی از جمله مهم‌ترین عواملی است که سبب شده تا قیمت‌ها و شاخص‌ها در مسیر نزولی قرار بگیرد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۸ اسفندماه در دیدار با کارگزاران نظام بار دیگر بر عدم مذاکره با آمریکا اصرار کرد و گفت: «اینکه بعضی از دولت‌های قلدر اصرار به مذاکره می‌کنند، مذاکره آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکم است. مذاکره شود تا آنچه می‌خواهند بر

## فاصله دستمزد و هزینه زندگی، عامل بروز پدیده «شاغلان فقیر» در ایران

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده کاهش ارزش حقیقی حداقل دستمزد باعث شده تا پدیده‌ای به نام شاغلین فقیر ایجاد شود که با فلسفه اولیه حداقل دستمزد در تضاد است.

● با وجود تأکید مراکز و نهادهای حکومتی به عقب‌ماندگی دستمزد کارگران و دیگر حداقل‌گیران از هزینه‌های زندگی طی سال‌های گذشته اما همچنان دولت در برابر افزایش عادلانه دستمزدها به بهانه «تورم‌زا» بودن مقاومت می‌کند.

● علی جعفری‌آذر عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته «در نحوه افزایش حقوق و دستمزد کارگران باید به قانون عمل کنیم. تأثیر افزایش ۵۰ درصدی حقوق کارگر بر نرخ تورم کمتر از ۳ درصد است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با اشاره به کاهش ارزش واقعی دستمزدها و فاصله میان رقم دستمزد و سبد معیشت طی سال‌های گذشته از بروز پدیده «شاغلان فقیر» در ایران خبر داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «بررسی اشتغال و حداقل دستمزد از منظر فقر» آورده است؛ در ابتدای دهه ۹۰ اشتغال سرپرست خانوار توضیح دهنده خوبی برای تفاوت میان خانوارهای فقیر و غیر فقیر بوده است اما با شروع شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ که منجر به جهش فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد شد، اشتغال سرپرست خانوار برای تفکیک بین خانوار فقیر و غیرفقیر کم‌اهمیت‌تر شده تا اینکه در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تقریباً برابر است.

این گزارش نوشته کاهش ارزش حقیقی حداقل دستمزد باعث شده تا پدیده‌ای به نام شاغلین فقیر ایجاد شود که با فلسفه اولیه حداقل دستمزد در تضاد است. این نتیجه به ویژه در مقایسه حداقل دریافتی خانوار با خط فقر استانی نمود بیشتری دارد.

بر اساس تعاریف «شاغلان فقیر» افراد شاغلی هستند که درآمد آنها به دلیل مشاغل کم درآمد و درآمد پایین خانواده به زیر خط فقر می‌رسد. این افراد هستند که حداقل ۲۷ هفته در سال را صرف کار یا جستجوی شغل می‌کنند، اما زیر خط فقر باقی می‌مانند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده هر چند نسبت حداقل دریافتی به خط فقر به خوبی نشان‌دهنده عقب ماندن دستمزد از تورم است، اما مقایسه حداقل دریافتی با نرخ فقر استانی نتایج بسیار جالب‌تری را ارائه می‌کند. حداقل دریافتی در استان‌های تهران، البرز، قم، اصفهان، گیلان، قزوین و مازندران می‌تواند هزینه‌های سبد مصرفی فقر برای یک خانواده سه نفره را تأمین کند. در این استان‌ها برخی افراد حتی در صورت داشتن شغل رسمی باز هم فقیر محسوب می‌شوند که گویای پدیده شاغلین



فقر است. →

خانوار جلوگیری کند.»

فعالان کارگری تأکید دارند بر اساس ماده ۴۱ قانون کار شیوه تعیین رقم حداقل دستمزد باید بر اساس «تورم» و «هزینه زندگی» باشد اما دولت سالهاست شرط دوم یعنی «هزینه زندگی» را در تعیین دستمزد نادیده گرفته و تنها با در نظر گرفتن تورم، آن هم نه عادلانه، رقم حداقل دستمزد را تعیین می‌کند. همین موضوع سبب شده دستمزد کارگران هر سال فاصله بیشتری با هزینه‌های زندگی پیدا کند.

امسال اما افزایش هزینه مواد خوراکی و همچنین تورم اجاره‌بهای مسکن سبب تشدید فشارهای معیشتی به خانوارهای کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان شده است. آخرین گزارش مرکز آمار ایران از تورم نیز نشان می‌دهد رشد ماهانه هزینه حداقل سبد خوراکی در بهمن ۶/۸ درصد بوده که بالاترین سطح از ابتدای تیر سال جاری به شمار می‌رود.

در همین رابطه وبسایت «اکوایران» در گزارشی به هزینه «سبد غذایی مطلوب ایرانیان» پرداخته است؛ این سبد غذایی در نتیجه پژوهش‌های انستیتو تغذیه ایران طراحی شده است. در این سبد ترکیب بهینه‌ای از مواد غذایی اصلی برای حفظ سلامت هر فرد پیشنهاد شده است.

با وجود تأکید مراکز و نهادهای حکومتی به عقب‌ماندگی دستمزد کارگران و دیگر حداقل‌بگیران از هزینه‌های زندگی طی سال‌های گذشته اما همچنان دولت در برابر افزایش عادلانه دستمزدها مقاومت می‌کند.

یکی از توجیه‌های دولت برای افزایش ندادن ارقام دستمزد به صورت عادلانه و متناسب با هزینه واقعی زندگی خانوار در ایران، طرح ادعای «تورم‌زا» بودن افزایش دستمزدهاست. این در حالیست که نه تنها فعالان کارگری و اقتصادی، بلکه نمایندگان مجلس نیز اثر تورمی افزایش دستمزدها را در مقابل دیگر محرک‌های تورم در اقتصاد کشور ناچیز ارزیابی می‌کنند. در همین رابطه احمد بیگدلی نماینده خدابنده و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» گفته «افزایش حقوق بر اساس تورم در قانون و ماده ۴۱ قانون کار تأکید شده است. دوم اینکه به هیچ عنوان این میزان افزایش حقوق روی تورم تأثیری ندارد. من از لحاظ علمی و کارشناسی به آقای وزیر ثابت کردم که این میزان افزایش حقوق هیچ تأثیری در تورم ندارد.» وی افزوده که «حداقل سبد معیشتی برای یک خانواده

این گزارش تأکید کرده داشتن شغل رسمی یکی از اصلی‌ترین مولفه‌هایی است که کمک می‌کند افراد به ورطه فقر سقوط نکنند، اما این ویژگی تا حدودی برای برخی از افراد در این هفت استان صادق نیست. این در حالی است که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۱۴۰۱ تنها سه استان اول چنین شرایطی را در آن سال داشته‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین نوشته عقب‌ماندگی دستمزد از نرخ تورم باعث شده که دستمزدها نتوانند سید خط فقر در ۴ استان دیگر را پوشش دهند و در نتیجه رفاه شاغلین در آن استانها نیز کاهش یافته است. فقدان سیاست حداقل دستمزد منطقه‌ای متناسب با هزینه‌های سید مصرفی خط فقر است. این سیاست جزئیات و پیچیدگیهای بسیاری داشته که باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد، اما با توجه به ظرفیت قانون کار (ماده ۴۱) برای تعیین دستمزدها بر اساس مناطق و یا صنایع مختلف کشور، همچنان می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد مورد توجه قرار گیرد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته اشتغال رسمی



در این سبد و در گروه لبنیات، اقلامی مانند «ماست»، «کره»، «پنیر» و «شیر» گنجانده شده‌اند و برای حیوانات و میوه‌ها نیز معادلهای دقیق‌تری انتخاب شده است. وبسایت «اکو ایران» بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و دیگر نهادهای حکومتی از قیمت کالاها برآورد کرده که هزینه تأمین «سبد غذایی مطلوب ایرانیان» برای هر فرد در آذرماه امسال به دو میلیون و ۵۸۹ هزار و ۶۳۹ تومان رسیده که نسبت به آبان‌ماه ۲/۲ درصد و در مقایسه با آذر سال گذشته، ۳۰/۲ درصد افزایش داشته است. در دی‌ماه افزایش ماهانه هزینه این سبد ۲/۹ درصد بوده است. جدیدترین داده‌ها نشان می‌دهد که افزایش ماهانه این هزینه در بهمن ۶/۸ درصد بوده، نرخ که بالاترین سطح از تیر ۱۴۰۳ تا کنون بوده است!

«اکو ایران» نوشته این رشد برابر با تورم کل کالاهای خوراکی در کل کشور و کمتر از تورم کل سبد مصرف خانوار در این ماه بوده است. همین مسئله نشان می‌دهد که تورم ماهانه بهمن‌ماه بیشتر متأثر از رشد قیمت اقلام خوراکی بوده است.

چهار نفره حدوداً ۲۵ میلیون تومان است که ۹ میلیون تومان آن صرف خوراک می‌شود و مابقی مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی است. ۳۹/۸ درصد به خوراکی‌ها تعلق دارد و ۶۱/۲ درصد هم غیرخوراکی‌ها شامل مسکن، حمل و نقل، پوشاک، آموزش و بهداشت را در بر می‌گیرد. پارسال این سبد معیشتی ۲۳ میلیون تومان بوده و حالا به ۲۵ میلیون تومان رسیده است.»

علی جعفری آذر عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز گفته «در نحوه افزایش حقوق و دستمزد کارگران باید به قانون عمل کنیم. تأثیر افزایش ۵۰ درصدی حقوق کارگر بر نرخ تورم کمتر از ۳ درصد است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «تجربه گذشته نشان داده است این افزایش‌ها تورم فاحشی که گفته می‌شود را به دنبال ندارد» گفته «در مسیر تعیین حداقل حقوق و دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۴ بانک مرکزی و مرکز آمار ایران باید تورم کشور را به درستی احصا کنند و بعد با اختلاف یکی دو درصد بالا یا پایین‌تر از تورم، متناسب با قانون افزایش حقوق کارگران اعلام و اجرا شود.»

سرپرستان خانوار، دیگر تفاوت چندانی میان خانوار فقیر و غیرفقیر ایجاد نمی‌کند. «دنیای اقتصاد» افزوده «شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ باعث شد که رشد اقتصادی به شدت محدود شود و حداقل دستمزد نیز از تورم عقب ماند. در نیمه ابتدایی این دهه، داشتن سرپرست شاغل معمولاً تضمین می‌کرد که خانوار از فقر در امان باشد. اما از سال ۱۳۹۷، نقش اشتغال در کاهش فقر کمرنگ شد و در نهایت در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، نسبت سرپرستان شاغل در خانوارهای فقیر و غیرفقیر تقریباً برابر بوده است.»

این گزارش افزوده «بر این در سال ۱۴۰۳، نسبت حداقل دستمزد به خط فقر به حدود ۹۴ درصد رسیده است. این بدان معناست که حداقل دستمزد دیگر حتی هزینه‌های حداقلی زندگی را پوشش نمی‌دهد و کارگران با وجود شاغل بودن، در فقر باقی می‌مانند. این شرایط موجب شده تا پدیده‌ای با عنوان «شاغلان فقیر» ظهور پیدا کند. با توجه به شرایط فعلی به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در سال آینده نیازمند ترمیم دستمزدها است. این ترمیم باید به گونه‌ای باشد که اشتغال بتواند از فقر خانوارهای دارای سرپرست

## درآمد بیش از ۸۵ درصد جامعه کارگری ماهانه کمتر از ۱۸ میلیون تومان است

تعاریف مختلف دارد. هرچند در موسسه کار و پژوهش یکسری پژوهش و اقدامات در دولت روحانی صورت گرفت و اقداماتی صورت گرفت مبنی بر اینکه در خط فقر چه خبر است، اما متأسفانه تمام مسائل کشور در مباحث سیاسی گره خورده است. در آن زمان تعیین خط فقر دچار دست اندازیهایی از سوی سیاستمداران شد.

فرامرزی توفیقی همچنین گفته «همه نگران اجرا نشدن ماده ۴۱ قانون کار هستند. ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید، دستمزد با توجه به نرخ تورم و سید معیشت باید تعیین شود که تاکنون محقق نشده است. سید معیشت تعریف آسانی دارد. سید معیشت شامل گوشت، مرغ، پنیر و برنج و نان و... است. قیمت روز را هم مرکز آمار هر ماه اعلام می‌کند. به تبع این موضوعات ما باید به تعیین سید معیشت مردم برسیم که در کلان شهرها و شهرهای کوچک عدد و رقمی دارد.»

همانطور که فرامرزی توفیقی اشاره کرده دولت سالهاست از تعیین رقم عادلانه برای سید معیشت و پذیرش آن سر باز می‌زند. امسال نیز وزارت کار به دنبال تغییر معیار تعیین رقم حداقل دستمزد است که با موجی از انتقاد و مخالفت فعالان کارگری در کشور روبرو شده است.

احمد میدری وزیر کار دولت پزشکیان معیارهای تعیین

دستمزدها شده است.

ارقام دستمزد کارگران سالهاست که با هزینه‌های زندگی در کشور همخوانی ندارد. امسال نیز به علت افزایش تورم و کاهش شدید قدرت خرید کارگران، خانوارهای کارگری به قعر خط فقر رانده شده و با مشکلات زیادی روبرو هستند. کارشناسان اقتصادی رقم هزینه سید معیشت که شامل هزینه‌های ضروری یک خانوار در یک سال می‌شود را ماهانه ۴۰ میلیون تومان برآورد کرده‌اند اما رقم مصوب دستمزد کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی رقمی حدود ۱۵ میلیون تومان است.

فرامرزی توفیقی فعال کارگری درباره فاصله میان دستمزدها و هزینه زندگی توضیح داده که «بیش از ۸۵ درصد جامعه کارگری زیر ۱۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرند؛ بنابراین ماجرای فقر و فقیر شدن شاغلین اینقدر وحشتناک و خطرناک است که کسی جرأت صحبت کردن در مورد آن را ندارد.»

همچنین درباره خواسته جامعه کارگری برای افزایش عادلانه دستمزدها گفته «معیار تعیین حقوق و دستمزد کارگران از سال ۱۳۶۹ کاملاً مشخص است. ماده ۴۱ قانون کار بند یک و دو با نگاه به تورم اعلامی بانک مرکزی و بند ۲ اعلام می‌کند فارغ از اینکه کارگر هر منصبی در هر جایی

● فرامرزی توفیقی فعال کارگری: بیش از ۸۵ درصد جامعه کارگری زیر ۱۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرند؛ بنابراین ماجرای فقر و فقیر شدن شاغلین اینقدر وحشتناک و خطرناک است که کسی جرأت صحبت کردن در مورد آن را ندارد.

● ارقام دستمزد کارگران سالهاست که با هزینه‌های زندگی در کشور همخوانی ندارد. امسال نیز به علت افزایش تورم و کاهش شدید قدرت خرید کارگران، خانوارهای کارگری به قعر خط فقر رانده شده و با مشکلات زیادی روبرو هستند.

● وزارت کار به دنبال تغییر معیار تعیین رقم حداقل دستمزد بر پایه «منطقه» و «صنف» است که با موجی از انتقاد و مخالفت فعالان کارگری در کشور روبرو شده است.

● حسین سلاح‌ورزی عضو اتاق بازرگانی هشدار داده بی‌توجهی به تعیین ارقام عادلانه برای دستمزد کارگران می‌تواند نرخ بیکاری پنهان را تا پایان ۱۴۰۴ به ۲۰ درصد برساند و اقتصاد کشور را به سمت رکود عمیق‌تر سوق دهد.

یک فعال کارگری با ارائه آماری تکانه‌دهنده گفته «بیش



رقم حداقل دستمزد را تغییر داده و خواستار تعیین دستمزد به صورت «منطقه‌ای- صنفی» شده است. بر اساس این طرح یک معیار برای رقم دستمزد کارگران منطقه یا استان محل اشتغال آنها است. معیار عجیب بعدی نیز صنف محل اشتغال آنها خواهد بود.

اگرچه تعیین رقم حداقل دستمزد به صورت منطقه‌ای از چند سال پیش مطرح شده و در حد ایده باقی مانده بود اما امسال احمد میدری وزیر کار بر پیاده ساختن این شیوه اصرار دارد.

او از شیوه تعیین رقم حداقل دستمزد به صورت «صنفی و استانی» خبر داده و گفته که «مزد منطقه‌ای ←

از ایران داشته باشد به گونه‌ای دستمزد تعیین شود که بتواند یک خانوار را با میانگین جمعیت خانوار که در آن سال تعیین شده است را پوشش دهد.»

این فعال کارگری گفته دولت حتی تعریف مشخصی از «خط فقر» هم ندارد و در نتیجه محاسبه‌های مختلفی برای این رقم انجام می‌شود که چندان هم دقیق نیستند: «خط فقر تعاریف مختلف دارد. تاکنون وزارت رفاه که بعدها با وزارت کار ادغام شد مکلف بود راجع به میزان خط فقر گزارش ارائه کند. تاکنون به هیچ عنوان در هیچ دولتی شهادت اینکه در مورد خط فقر صحبت کنند و گزارش دهند وجود خارجی پیدا نکرده است. به تبع این موضوع خط فقر

از ۸۵ درصد جامعه کارگری زیر ۱۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرند؛ بنابراین ماجرای فقر و فقیر شدن شاغلین اینقدر وحشتناک و خطرناک است که کسی جرأت صحبت کردن در مورد آن را ندارد.»

مذاکرات برای تعیین رقم حداقل دستمزد برای سال آینده در کمیته دستمزد شورای عالی کار ادامه دارد. رویکرد وزیر کار نشان داده کارگران نمی‌توانند امیدوار باشند در سال آینده دستمزدی عادلانه را دریافت کنند. این موضوع در شرایطی که چشم‌انداز تورم در اقتصاد نیز بیانگر افزایش فاصله میان دستمزدها و هزینه زندگی است، سبب افزایش درخواست‌ها از سوی جامعه کارگری برای افزایش عادلانه



## مرگ در تهران گران تر می شود



● در حالی که هزینه قبر در «بهشت زهرا»ی تهران با افزایش ۳۰ درصدی روبرو شده، بر اساس لایحه شهرداری تهران «مداحان» از امکان دفن رایگان برخوردار خواهند بود!

● شهرداری تهران خواستار افزایش همه خدمات مرتبط با کفن و دفن از جمله هزینه‌های مربوط به غسل دادن، تکفین و تدفین، حمل متوفی و هزینه نگهداری در سردخانه و نصب سنگ قبر و نصب عکس و... شده است. ● افزایش هزینه کفن و دفن تنها بخشی از هزینه‌هایی است که خانواده متوفی متحمل می‌شوند. هزینه برگزاری مراسم ختم از جمله کرایه سالن، پذیرایی و ناهار از جمله هزینه‌های سنگینی است که مرگ را در تهران و دیگر شهرهای ایران گران کرده است.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● در حالی که هزینه قبر در «بهشت زهرا»ی تهران با افزایش ۳۰ درصدی روبرو شده، بر اساس لایحه شهرداری تهران «مداحان» از امکان دفن رایگان برخوردار خواهند بود!

● شهرداری تهران خواستار افزایش همه خدمات مرتبط با کفن و دفن از جمله هزینه‌های مربوط به غسل دادن، تکفین و تدفین، حمل متوفی و هزینه نگهداری در سردخانه و نصب سنگ قبر و نصب عکس و... شده است.

● افزایش هزینه کفن و دفن تنها بخشی از هزینه‌هایی است که خانواده متوفی متحمل می‌شوند. هزینه برگزاری مراسم ختم از جمله کرایه سالن، پذیرایی و ناهار از جمله هزینه‌های سنگینی است که مرگ را در تهران و دیگر شهرهای ایران گران کرده است.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

● بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری: خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.

➔ مشکلاتی دارد ولی مزد صنفی قابل اجرا است و ما این اختیار را به استان‌ها می‌دهیم که نرخ را که در سطح ملی تعیین کردیم، با یک صنف بنشینند و روی آن اگر توافق کردند برای آن استان خاص بپذیریم، یعنی ترکیبی از صنفی و استانی لحاظ خواهد شد.»

توجیه وزیر کار دولت پزشکیان برای پیاده ساختن چنین شیوه‌ای، «سختی کار» در برخی مشاغل است. او پیشتر گفته بود «اینکه ما بر اساس حداقل هزینه زندگی و تورم اقدام به تعیین حداقل دستمزد می‌کنیم، درست نیست و این عدد باید بر اساس میزان سختی کار در صنایع مختلف تعیین شود.»

این در حالیست که در فیش حقوقی کارگران سالیان سال است ردیفی به عنوان «سختی کار» وجود دارد و کارفرمایان موظف‌اند بر اساس نوع کار و وظایف کارگر، رقمی را به عنوان «سختی کار» بر دریافتی آنها بیافزایند.

تعیین رقم دستمزد به صورت منطقه‌ای یا صنفی با واکنش شدید فعالان کارگری و کارشناسان روبرو شده است. آنها چنین روشی را برای تعیین دستمزد دارای پیامدهایی تبعیض‌آمیز علیه کارگران و تهدیدی علیه کسب و کارهای خرد و یا فعال در مناطق محروم کشور ارزیابی می‌کنند.

فعالان کارگری همچنین معتقدند بر اساس ماده ۴۱ قانون کار شیوه تعیین رقم حداقل دستمزد باید بر اساس «تورم» و «هزینه زندگی» باشد اما دولت سال‌هاست شرط دوم یعنی «هزینه زندگی» را در تعیین دستمزد نادیده گرفته و تنها با در نظر گرفتن تورم، آنهم نه عادلانه، رقم حداقل دستمزد را تعیین می‌کند.

آنها معتقدند اگر دولت پزشکیان به فکر عادلانه کردن پرداخت دستمزد به کارگران است، باید امسال «رقم هزینه سبد معیشت» را عادلانه تعیین کند و حقوق کارگران را بر اساس آن افزایش دهد نه اینکه شیوه‌ای مبهم و آزمایش نشده را پیاده کرده و بر مشکلات معیشتی کارگران بیافزاید!

اینهمه در حالیست که برخی از فعالان اقتصادی نیز معتقدند اگر دستمزد کارگران عادلانه نباشد سبب خروج کارگران از بازار کار و تشدید رکود در واحدهای صنعتی، تولیدی و خدماتی خواهد شد.

در همین رابطه حسین سلاح‌ورزی عضو اتاق بازرگانی ایران درباره وضعیت دستمزدها در کشور گفته «با افزایش تورم به بیش از ۴۰ درصد و کاهش ۶۰ درصدی قدرت خرید کارگران، بحران معیشتی این قشر به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده است.»

به عقیده حسین سلاح‌ورزی «باید حمایت فوری از نیروی کار شود چراکه که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۳ تنها ۳۵ درصد از هزینه‌های زندگی خانوار را پوشش می‌دهد.»

عضو اتاق بازرگانی ایران پیشنهاد داده که «کارفرمایان می‌توانند با افزایش دستمزدها و ارائه سبدهای معیشتی منظم، نقش موثری در کاهش فشار اقتصادی بر کارگران ایفا کنند.» حسین سلاح‌ورزی «تأمین اقلام ضروری مانند مواد غذایی، پوشاک و بهداشت، آن هم از محل ۲ تا ۴ درصد سود پنگاه‌ها، سریع‌ترین و عملی‌ترین راه برای بهبود شرایط معیشتی کارگران است. همچنین کاهش ساعات کاری، اعطای وام‌های کم‌بهره و آموزش مهارت، از دیگر راهکارهای حیاتی برای جلوگیری از رشد بیکاری و حفظ ثبات اقتصادی است.»

حسین سلاح‌ورزی هشدار داده که «بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند نرخ بیکاری پنهان را تا پایان ۱۴۰۴ به ۲۰ درصد برساند و کشور را به سمت رکود عمیق‌تر سوق دهد.»

وی افزوده «در برخی موارد، قیمت‌ها اختیاری است»

و در قطعات ۱ تا ۱۱۲ قبر جدیدی وجود ندارد، اما حق انتفاع به اعضای خانواده متوفیان اختصاص خواهد یافت.» محمد جواد تاجیک مدیرعامل سازمان «بهشت زهرا» هم گفته در صورت عدم افزایش تعرفه خدمات کفن و دفن، و با توجه به بودجه ناچیز در نظر گرفته شده برای این سازمان، تراز سازمان «بهشت زهرا» در سال آینده منفی خواهد شد! افزایش هزینه کفن و دفن تنها بخشی از هزینه‌هایی است که خانواده متوفی متحمل می‌شوند. هزینه برگزاری مراسم ختم از جمله کرایه سالن، پذیرایی و ناهار از جمله هزینه‌های سنگینی است که مرگ را در تهران و دیگر شهرهای ایران گران کرده است.

افزایش تعرفه‌های کفن و دفن از سوی شهرداری تهران با واکنش برخی کارشناسان روبرو شده است. بهروز شیخ رودی کارشناس مالی و اقتصاد شهری با اشاره به ارقام پیشنهادی شهرداری در لایحه بهای خدمات آرامستان‌های تهران در سال ۱۴۰۴ به وبسایت «خبرآنلاین» گفته «خدمات ارائه شده در آرامستان‌ها از سوی شهرداری‌ها در زمره خدمات ضروری هستند که هیچکس را گریزی از استفاده آن نیست، بر همین اساس قیمت‌گذاری این خدمات باید عادلانه و قابل پرداخت توسط عموم شهروندان انجام شود.»

بهروز شیخ رودی افزوده «شهردار تهران همواره ادعای حمایت از محرومان و ارزان کردن زندگی در تهران برای شهروندان را داشته است، حال آنکه می‌بینیم لایحه ای را امضاء و به شورای شهر پایتخت فرستاده است که در آن

۱۰	نگهداری متوفی در سردخانه (روزانه)	خدمات عمومی	۹۰۰۰۰۰۰
۱۱	خدمات آماده سازی متوفی جهت انتقال به شهرستان و فرودگاه	خدمات عمومی	۷۰۰۰۰۰۰۰
۱۲	خدمات آماده‌سازی قبور ۳۰ ساله و دست کن به ازای هر طبقه	خدمات عمومی	۱۴۰۰۰۰۰۰۰
۱۳	خدمات تدفین	خدمات عمومی	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۴	هزینه خدمات و تکلیف	خدمات عمومی	۷۵۴۰۰۰۰۰
۱۵	خدمات تغسیل، تکلیف و تدفین کودکان کمتر از ۷ سال	خدمات عمومی	رایگان
۱۶	واگذاری حق انتفاع هر طبقه قبر واقع در ناحیه یک آرامستان بهشت‌زهرا (بی‌القطعات ۱ الی ۱۱۲)	واگذاری حق انتفاع از قبر واقع در ناحیه یک	۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۷	واگذاری حق انتفاع هر طبقه قبر واقع در ناحیه دو آرامستان بهشت‌زهرا (بی‌القطعات ۲۰۰ الی ۲۵۸)	واگذاری حق انتفاع از قبر واقع در ناحیه دو	۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰

ارزانترین مبلغ پیشنهاد شده برای واگذاری حق انتفاع هر طبقه قبر برابر با ۱۵ میلیون تومان است، یعنی اگر یک خانواده داغ‌دیده بخواهد از امکان دفن رایگان متوفی در این قطعه استفاده و طبقات بالای قبر را رزرو کند باید برای هر طبقه ۱۵ میلیون تومان پرداخت کند، رقمی که همین امسال هم دریافت می‌شد و از حداقل دستمزد قانونی بیشتر بود.»

## گرانی سرسام‌آور شب عید؛ از آجیل و میوه و شیرینی تا سفر!

● پارسال قیمت شیرینی تر بین ۱۸۵ هزار تا ۲۵۰ هزار تومان بود، اما امسال قیمت شیرینی تر در محدوده ۲۷۰ هزار تا ۳۵۰ هزار تومان قرار دارد.

● قیمت آجیل نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و سبب حذف آن از سفره‌ی نوروزی بخش قابل توجهی از مردم شده است.

● معاون بازرگانی سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران درباره افزایش قیمت میوه گفته «به دلیل صادرات بیش از حد قیمت میوه‌ها افزایش یافته و این در حالی است که قرار بود در صادرات مازاد نیاز مردم صادر شود.

● افزایش قیمت برخی مواد غذایی در بهمن امسال نسبت به سال گذشته ۲ تا ۳ برابر (۱۰۰ یا بیش از ۲۰۰ درصد) بوده است.

در آستانه آغاز سال نو و تعطیلات نوروز موج تازه‌ای از افزایش قیمت در کالاهای خوراکی از جمله شیرینی، آجیل، میوه و دیگر مواد خوراکی به راه افتاده است. افزایش هزینه سفر نیز سبب داغ شدن بازار سفرهای قسطی شده است.

افزایش قیمت مواد غذایی ادامه دارد و گزارش‌ها از افزایش قیمت آجیل و شیرینی و میوه در آستانه نوروز حکایت دارند.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی به افزایش قیمت شیرینی و شکلات پرداخته و نوشته «سال گذشته قیمت شیرینی تر بین ۱۸۵ هزار تا ۲۵۰ هزار تومان بود، اما امسال قیمت شیرینی تر در محدوده ۲۷۰ هزار تا ۳۵۰ هزار تومان قرار دارد که به معنای رشد ۴۰ تا ۴۶ درصدی قیمت این محصول نسبت به مدت مشابه سال گذشته است.»

این گزارش افزوده «متوسط قیمت انواع پای، شیرینی دامارکی و شیرینی زبان ۲۰۰ هزار تومان است که سال گذشته این قیمت از ۱۲۰ هزار تا ۱۷۰ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم متغیر بود. بنابراین قیمت این نوع شیرینی‌ها بین ۱۷ تا ۶۶ درصد افزایش پیدا کرده است.»

بر اساس گزارش «تجارت نیوز» شیرینی کشمش در سال گذشته با قیمت ۱۲۰ هزار تومان در شیرینی‌فروشی‌های سطح شهر عرضه می‌شد، اما حالا، در آستانه سال ۱۴۰۴، قیمت این شیرینی با رشد ۲۵ درصدی به ۱۵۰ هزار تومان رسیده است.

همچنین بررسی قیمت شکلات نشان می‌دهد قیمت این محصول نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری پیدا کرده است. به عنوان مثال، سال گذشته شکلات پارمیدا ۶۰ درصد با وزن ۸۰ گرم با قیمت ۵۹ هزار تومان عرضه می‌شد اما حالا قیمت آن به ۱۵۸ هزار تومان رسیده که نسبت به سال گذشته معادل ۱۶۷ درصد رشد کرده است.

این افزایش قیمت‌ها به صورت «مصوب» یا رسمی است اما در برخی فروشگاه‌ها افزایش قیمت‌ها بیش از

## جین لويسون، نگهبان «گلها» و بانی «گلستان»



ویدئو

دوستداران «گلها» است، گام مهم دیگری برداشت و پروژه «گلستان» را نیز پیش برد. «گلستان» با هدف ایجاد یک منبع اطلاعاتی جهانی برای معرفی هنرهای نمایی ایران از سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفته است. «گلستان» اجراهای انفرادی هنرمندان قرن بیستم، نمایشنامه‌ها و برنامه‌های رادیویی، موسیقی محلی، صفحات ۷۸ دور، فیلم، تئاتر، و همچنین آثار چاپی، مجلات و نشریات، و آرشیه‌های خصوصی این صد سال را در بر می‌گیرد. تمامی محتوای این گنجینه فرهنگی- ادبی به صورت دیجیتال نمایه‌سازی و فهرست شده و از طریق سرفصل‌ها و کلیدواژه‌های مرتبط قابل جستجو هستند. احمد رأفت با جین لويسون که فارسی را نیز روان صحبت می‌کند، گفتگویی انجام داده است.

در تاریخ رادیو در ایران کمتر برنامه‌ای به اندازه «گلها» طرفدار و هوادار داشته است. در ۲۲ سال عمر این برنامه، که بانی آن داود پیرنیا بود، حدود ۱۵۰۰ برنامه تولید شد. در بیش از دو دهه صدها خواننده، نوازنده و شاعر و موسیقیدان با برنامه «گلها» همکاری کردند. آرشيو این مجموعه نفیس و جاودانی با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ در خطر نابودی قرار می‌گرفت، اگر یک زن پژوهشگر آمریکائی، جین لويسون، دست به کار نمی‌شد و به نجات «گلها» می‌شتافت. از چند سال پیش این مجموعه در جهان مجازی در دسترس همگاران قرار دارد.

جین لويسون پس از راه‌اندازی این پایگاه اینترنتی که موقعیتی بی‌نظیر برای پژوهشگران موسیقی سنتی و



→ ارقام دستوری از سوی دولت و اصناف صورت گرفته است.

قیمت آجیل نیز با افزایش قیمت قابل توجهی روبرو شده و سبب حذف آن از سفره‌ی نوروزی بخش قابل توجهی از مردم شده است. قیمت هر کیلو آجیل طی ماه‌های گذشته بطور متوسط ۵۰ درصد افزایش یافته است.

علیرضا ارزانی ممقانی رئیس کارگروه آجیل و خشکبار اتاق اصناف ایران گفته قیمت پسته طی دو ماه گذشته و از حد فاصل شب یلدا تا کنون ۵۰ درصد افزایش داشته است. این فعال صنفی افزوده که برخلاف سال‌های گذشته هنوز در نیمه اسفندماه، خرید آجیل و خشکبار شب عید آغاز نشده و این روزها برای عرضه‌کنندگان مانند دیگر روزهای سال سپری می‌شود و رکود سنگینی بر بازار به دلیل کاهش قدرت خرید مردم حاکم است.

رئیس کارگروه آجیل و خشکبار اتاق اصناف ایران گفته «قیمت کنونی پسته در فروش عمده در بازار از ۵۵۰ هزار تومان در هر کیلو شروع می‌شود و تا یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان ادامه دارد.»

بر اساس ارقامی که علیرضا ارزانی اعلام کرده «مغز بادام

تومان به فروش می‌رسد.

مرتضی معتمد معاون بازرگانی سازمان مرکزی تعاونی روستایی ایران گفته «به دلیل صادرات بیش از حد قیمت میوه‌ها افزایش یافته و این در حالی است که قرار بود در صادرات مازاد نیاز مردم صادر شود.»

از سوی دیگر افزایش هزینه‌ها از جمله کود و حمل و نقل و همچنین قطع مکرر برق و گاز نیز بر افزایش قیمت میوه در کشور اثرگذار بوده است.

روزنامه «پارسوق» نیز در مطلبی نوشته سیاست‌های اقتصادی متمایل به آزادسازی قیمت‌ها در دولت چهاردهم بیشترین تأثیر را بر مواد غذایی گذاشته و سفره مردم را تحت تأثیر قرار داده است.

در این مطلب آمده که «در نتیجه سیاست‌های دولت چهاردهم شاهد بروز یکی از کم‌سابقه‌ترین تورم‌های مواد غذایی در چند ماه اخیر بوده‌ایم بطوری که تورم ماهانه خوراکی‌ها در بهمن امسال به ۶/۶ درصد رسید که ۶ برابر تورم ماهانه مرداد در پایان دولت سیزدهم است.»

به گزارش «پارسوق» افزایش قیمت برخی مواد غذایی در بهمن امسال نسبت به سال گذشته ۲ تا ۳ برابر (۱۰۰) یا بیش

به ۲۶/۵ میلیون تومان است، اما با توجه به نرخ تورهای نوروزی، حتی دهک نهمی‌ها نیز نمی‌توانند در تعطیلات نوروز به سفرهای دلخواه بروند.

این گزارش در ادامه به پدیده «سفر قسطی» پرداخته و نوشته کاهش سفر تنها ضربه خود را به اقتصاد گردشگری نمی‌زند، بلکه هرچه سهم سفر از سبد هزینه خانوار ایرانی کم شود، بیشتر از آن میزان نشاط و انگیزه افراد برای ادامه فعالیت از دست می‌رود. اکنون پدیده سفر قسطی حکم سراب را دارد؛ در نگاه اول شاید راهی برای کاهش فشار اقتصادی بر خانواده‌ها باشد و بتواند امکان فراغت را فراهم کند، اما بار مالی که در بلند مدت بر دوش خانواده می‌گذارد با هدف سفر رفتن که آسودگی ذهن است، در تناقض قرار دارد و فشار مالی و روانی را تشدید می‌کند.

اردشیر گراوند، جامعه‌شناس به «اقتصاد ۲۴» گفته «حذف سفر از سبد هزینه خانوار عنوان کرد: «هر محدودیتی مانند زخمی در وجود بشر می‌ماند و انرژی فرد را می‌گیرد و او را دچار افسردگی می‌کند. ممکن است این زخم خوب شود ولی جایش می‌ماند؛ بنابراین در سطح



فردی تبدیل به افسردگی و زخم‌های فراموش نشده‌ای می‌شود. در سطح نظام اجتماعی نیز عدم انگیزه، تحرک اقتصادی و اجتماعی را از بین می‌برد و این به معنای انباشت سختی‌های زندگی است. به همین دلیل هم ما با آمار بالای خودکشی، افسردگی و اعتیاد مواجه هستیم چراکه انگیزه‌ای برای حرکت مجدد وجود ندارد.»

محسن حاجی سعید رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای راهنمایان گردشگری نیز درباره اثر تورم بر گردشگری داخلی به «اقتصاد ۲۴» گفته «تأثیر تورم همین است. وقتی درآمد مردم کاهش پیدا کند سفر از یک الزام به کالای لوکس تبدیل می‌شود. وقتی درآمد مردم کاهش و از سوی دیگر هزینه‌های زندگی افزایش پیدا کند سفر دیگر از فهرست نیازهای ضروری خط می‌خورد. درحالی که سفر به نوعی برای برگرداندن انگیزه دوباره فرد برای کار کردن است. یعنی به لحاظ روانی فرد نیاز دارد سفر برود تا بهتر زندگی کند و تجربیات سفرش را در کارش لحاظ کند، اما وقتی نتواند امرار معاش کند و نیازهای اولیه‌اش را تامین کند، سفر از زندگی‌ها حذف می‌شود.»

از ۲۰۰ درصد) بوده است.

از سوی دیگر هزینه سفر نیز با افزایش روبرو شده و از سبد هزینه بسیاری از خانوارها کنار گذاشته شده است. روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با استناد به گزارش اتاق بازرگانی تهران نوشته هر خانوار تهرانی در سال تنها قادر به صرف ۵/۵ میلیون تومان برای سفر و تفریح است که به‌زعم بسیاری از کارشناسان این رقم حتی برای یک سفر یک‌روزه نیز ناکافی است.

این در حالی است که هزینه‌های یک سفر متوسط، از جمله هزینه‌های اقامت و حمل‌ونقل، به شدت افزایش یافته است. براساس این گزارش حدود ۷۵ درصد از خانوارهای ایرانی قادر به سفر نخواهند بود، چراکه هزینه‌ها برای بسیاری از آنها بیشتر از خط فقر سفر است. طبق نتایج بررسی‌های اخیر، خط فقر سفر در سال ۱۴۰۳ معادل ۱۵ تا ۱۶ میلیون تومان تخمین زده شده است و تنها حدود یک‌چهارم خانوارها قادر به گذراندن تعطیلات در این شرایط اقتصادی هستند. هرچند گفته می‌شود هزینه ماهانه دهک نهمی‌ها نزدیک

درختی ۷۴۰ هزار تا ۹۸۰ هزار تومان، مغز بادام درختی لوکس ۸۰۰ هزار تا یک میلیون و ۴۸۰ هزار تومان، فندق با پوست ۵۶۰ هزار تا ۸۳۰ هزار تومان، مغز فندق از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، گردو ۲۷۵ هزار تا ۴۰۰ هزار تومان، مغز بادام زمینی ۱۴۵ هزار تا ۲۹۰ هزار تومان، تخمه کدو ۲۷۵ هزار تا ۳۷۵ هزار تومان، تخمه آفتابگردان از ۱۵۰ هزار تا ۲۶۰ هزار تومان، تخمه ژاپنی از ۲۱۵ هزار تومان تا ۴۲۰ هزار تومان، نخودچی از ۱۵۸ هزار تا ۲۴۰ هزار تومان، کشمش از ۱۳۰ هزار تا ۳۸۰ هزار تومان، آجیل اقتصادی از ۲۸۰ هزار تا ۷۵۰ هزار تومان و آجیل چهارمغز از یک میلیون و ۱۵۰ هزار تا یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان قیمت دارند.»

از اواخر بهمن‌ماه قیمت میوه نیز با افزایش روبرو شده است. قیمت موز از ۱۵۰ هزار تومان فراتر رفته و قیمت سیب در میدان مرکزی تهران به ۸۵ هزار تومان و در خرده‌فروشی‌ها تا ۱۲۷ هزار تومان نیز رسیده است. هر کیلو خیار گلخانه‌ای با قیمت ۵۰ هزار تومان، هر کیلو نارنگی با قیمت ۸۰ هزار تومان و هر کیلو انبه با قیمت ۲۰۰ هزار

## بحران معیشتی کارگران و دستمزدی که قرار نیست عادلانه افزایش پیدا کند!

این فعال کارگری افزود: در کمیته دستمزد، خانوارهای کارگری در دهک چهارم درآمدی قرار دارند و در این دهک، سهم خوراکی‌ها از سبد هزینه‌های خانوار ۲۸/۹ درصد است. فرامرز توفیقی با استناد به این داده‌ها و براساس فرمول استاندارد، سبد معیشت خانوارهای کارگری کشور را برای بهمن‌ماه ۱۴۰۳ محاسبه کرده که ۳۵ میلیون و ۸۵۷ هزار تومان خواهد شد. در نتیجه، سبد معیشت بهمن‌ماه خانوارهای کارگری با در نظر گرفتن فرمول‌های مورد قبول شورای عالی کار و با اتکا به داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، ۳۵ میلیون و ۸۵۷ هزار تومان است که این عدد تفاوت معناداری با رقم تصویب شده در کمیته دستمزد دارد! رقم محاسبه شده از سوی فرامرز توفیقی به رقم ۴۲ میلیون تومانی که آخرین رقم محاسبه شده از سوی تحلیلگران اقتصادی است نزدیک‌تر است. علت اختلاف بین این دو رقم هم اینست که فرامرز توفیقی قیمت‌های رسمی مورد ادعای دولت را در نظر گرفته اما برخی اقلام در بازار با قیمت‌های مصوب دولتی اختلاف دارند و بالاتر هستند. از سوی دیگر حداقل دستمزد ۱۴۰۳ با احتساب ۱/۳ فرزند و در صورت دریافت همه مزایای شغلی از جمله حق اولاد

۳۳ درصد، لوبیا قرمز ۳۲ درصد، مغز بادام درختی ۱۵ درصد، مغز گردو ۱۳ درصد و پسته ۷ درصد تورم نقطه‌ای در شش ماه گذشته داشته‌اند. در مورد برنج ایرانی نیز شاهد افزایش ۶۰ تا ۱۰۰ درصدی قیمت‌ها بوده‌ایم. در روزهای اخیر، ارزان‌ترین برنج ایرانی هاشمی در فروشگاه‌های بزرگ کیلویی ۱۵۰ هزار تومان قیمت داشته و نرخ هر کیلو برنج باکیفیت بالا، بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. در این شرایط مرکز آمار ایران، در گزارش «شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور» که در ۱۹ اسفندماه منتشر شده، نرخ تورم را زیر ۴۰ درصد و حتی ۳۵ درصد اعلام می‌کند. در این گزارش، تورم یک ساله منتهی به آبان ۱۴۰۳ رقم ۳۳/۸ درصد، آذر ۳۳/۳ درصد، دی ۳۳ درصد و بهمن ۳۲/۹ درصد اعلام شده است! فرامرز توفیقی فعال کارگری نیز با استناد به داده‌های مبنای محاسبه در کمیته دستمزد و با مرجع قرار دادن سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوار، سبد معیشت خانوارهای کارگری کشور را محاسبه کرده است. این فعال کارگری گفته برای واقعی‌سازی، باید مواد خام خوراکی فرآوری شده و تبدیل به غذا شود، اما برای اینکه

● در شرایطی که میلیون‌ها خانوار کارگری و حداقل‌بگیر در انتظار اعلام رقم حداقل دستمزد هستند، وزیر کار اعلام کرده تعیین این مبلغ به پایان سال و پس از اعلام میزان تورم اسفندماه از سوی مرکز آمار، موکول شده است. ● به گفته وزیر کار افزایش رقم حداقل دستمزد در سال آینده بر اساس نرخ تورم ماه‌های بهمن و اسفند خواهد بود. ● با توجه به نرخ تورم، افزایش حدود ۳۰ تا ۳۵ درصدی حداقل دستمزد برای سال آینده بحران‌های معیشتی اقشار کارگری را افزایش خواهد داد. ● فعالان کارگری از افزایش حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم به شدت ناراضی هستند و می‌گویند همین امسال هم رقم حداقل دستمزد فاصله زیادی نسبت به هزینه واقعی زندگی داشته و دستمزدها باید حداقل ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کند. در حالی که تعیین و اعلام رقم حداقل دستمزد به «شب عید» موکول شده، وزیر کار می‌گوید افزایش حقوق کارگران نزدیک به نرخ تورم خواهد بود. این در حالیست که نرخ تورم بر اساس ادعای دولت در محدوده ۳۰ درصد قرار دارد و کارگران خواستار افزایش دست‌کم ۲۰۰ درصدی رقم حداقل دستمزد هستند.

در شرایطی که میلیون‌ها خانوار کارگری و حداقل‌بگیر در انتظار اعلام رقم حداقل دستمزد هستند، وزیر کار اعلام کرده تعیین این مبلغ به پایان سال و پس از اعلام میزان تورم اسفندماه از سوی مرکز آمار، موکول شده است. رسانه‌های داخلی اعلام کردند که نشست کمیته دستمزد در شورای عالی کار در روز سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه بدون توافق در مورد حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۴ برگزار شد. در چنین شرایطی تصمیم‌گیری نهایی درباره این رقم به هفته آینده و آخرین روزهای اسفندماه موکول شده است. احمد میدری وزیر کار جمهوری اسلامی گفته «برآوردمان را گفتیم که دستمزد نزدیک به نرخ تورم خواهد بود. نرخ تورم را تا پایان بهمن ماه ۳۲ درصد اعلام کردند باید اسفند ماه هم به آن اضافه شود و بر اساس آن تورم تا پایان سال ذکر شود». در حالی که تنها یک هفته تا پایان سال ۱۴۰۳ باقی مانده، وزیر کار گفته «ادامه مباحث در جلسات شورای عالی کار صورت خواهد گرفت و ان‌شاءالله به زودی به جمع‌بندی و تصمیم نهایی می‌رسد»

فعالان کارگری از افزایش رقم حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم به شدت ناراضی هستند و می‌گویند همین امسال هم رقم حداقل دستمزد فاصله زیادی نسبت به هزینه واقعی زندگی داشته و افزایش ۳۰ تا ۳۵ درصدی این رقم برای سال آینده بحران‌های معیشتی اقشار کارگری را افزایش خواهد داد. کمیته دستمزد سبد با اعمال نظر دولت رقم سبد معیشت که بیانگر هزینه زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است را ۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرده است. این رقم با هزینه‌های واقعی زندگی که شهروندان در حال پرداخت آنها هستند تناسبی ندارد!

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته مبنای محاسبه سبد معیشت، نرخ خوراکی‌هاست و از قضا همین اقلام خوراکی در چند ماه اخیر به شدت گران شده‌اند. برای نمونه، حبوبات در شش ماه گذشته تا مرز ۵۹ درصد افزایش قیمت داشته است. قیمت لوبیا چیتی در بهمن‌ماه در مقایسه با شش ماه گذشته ۵۹ درصد رشد داشته است. همچنین لپه ۵۸ درصد، نخود ۴۵ درصد، عدس



و حق مسکن حدود ۱۰ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان خواهد بود. که با توجه به رقم محاسبه شده از سوی فرامرز توفیقی و تحلیلگران اقتصادی برای سبد معیشت، این دستمزد تنها یک سوم از هزینه‌های ضروری خانوارهای کارگری را پوشش می‌دهد. در نتیجه افزایش ۳۰ درصدی این رقم حتی با فرض ثابت بودن تورم و قیمت‌ها در سال آینده، باز هم نخواهد توانست هزینه‌های ضروری زندگی خانوارهای کارگری را پوشش دهند.

فرامرز توفیقی معتقد است «برای اینکه دستمزد کارگران به سبد معیشت بسیار حداقلی برسد، نیاز به بیش از ۲۰۰ درصد افزایش مزد در شورای عالی کار داریم و این شورا تنها در صورتی می‌تواند مدعی باشد برای حل بحران معاش کارگران «کاری» صورت داده که حداقل مزد را حداقل ۲۰۰ درصد افزایش دهد؛ اتفاقی که با توجه به سخنان دست‌اندرکاران تعیین مزد، بسیار بعید است.»

محاسبات ما حداکثری نباشد، تنها سه وعده غذایی در نظر گرفته شده و میان‌وعده‌ها، تنقلات، مکمل‌ها و... حذف شده‌اند. تنها یک وعده غذای گرم و دو وعده غذای ساده (صبحانه و شام) در نظر گرفته شده و در نهایت، یک برنامه ۱۵روزه برای رژیم غذایی مرسوم و حداکثری همه اقوام کشور در نظر گرفته شده و با آنالیز و ریز آیت‌های دخیل برای فراوری غذا اقدام به جامایی اعداد و ارقام به دست آمده از سوی مراجع قانونی در آن شده است.

او افزوده «به این ترتیب، با احتساب هزینه‌های وعده‌های غذایی برای هر فرد (فقط یک وعده غذایی گرم در روز) و در نظر گرفتن بُعد ۳/۳ نفری برای خانواده متوسط کارگری، نرخ سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوارهای متوسط کارگری به دست می‌آید. بر این اساس، هزینه خوراکی‌های خانوارهای کارگری تا پایان بهمن به تنهایی ۱۳ میلیون و ۹۴۸ هزار تومان است.»



یکی از عوامل مدرسه، موضوع با دستور مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان غربی مورد پیگیری جدی قرار گرفته و در دست بررسی است.»

این اطلاعیه تأکید کرده بود که «برخورد قانونی در انتظار متخلف یا متخلفان احتمالی این ماجرا خواهد بود.»

در پاییز امسال نیز سه دختر نوجوان دبیرستانی به اختلاف چند روز در سه استان مختلف ایران خودکشی کردند. علت خودکشی هر سه دانش‌آموز فشارهای ایدئولوژیک به این دختران از سوی مسئولان مدرسه با بهانه رنگ مو و ناخن بوده است.

منابع حقوق‌بشری هفتم آذرماه امسال گزارش دادند سوگند زمانپور دانش‌آموز ۱۶ ساله در استان خوزستان خودکشی کرده و جان باخته است.

در آبان‌ماه نیز خبر خودکشی دو دختر دانش‌آموز در استان‌های تهران و فارس منتشر شده بود. سه‌شنبه ۱۵ آبان‌ماه خبر خودکشی آرزو خاوری دانش‌آموز ۱۶ ساله افغانستانی منتشر شد. او دانش‌آموز یکی از مدارس شهری بود و علت اقدامش برخورد مدیر مدرسه با او بر سر نوع پوشش و تهدید به اخراج از مدرسه اعلام شده است. آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران در واکنش به این خبر بدون اشاره به موضوع خودکشی، آن را «حادثه» قلمداد کرده و اعلام کرد که «عصر روز یکشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۳ یکی از دانش‌آموزان دختر تبعه افغانستان ساکن شهری، پس از



ترک مدرسه، بر اثر سقوط از ارتفاع یک ساختمان مسکونی مصدوم شد و پس از انتقال فوری به بیمارستان و با وجود تلاش‌های تیم پزشکی، جان خود را از دست داد.»

دو روز بعد و در روز پنجشنبه ۱۷ آبان‌ماه امسال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از خودکشی یک نوجوان به نام آیناز کریمی به دلیل فشارهای ناشی از برخورد سختگیرانه مدرسه‌اش در شهرستان کازرون واقع در استان فارس خبر داد.

آیناز دانش‌آموز پایه دوازدهم و ۱۷ ساله در مدرسه قیابزد روستای دریس درس می‌خواند و به گفته برادرش، مدیر مدرسه او را اخراج کرده بود.

خودکشی سوگند هفدهمین مورد خودکشی دانش‌آموزان از ابتدای سال ۱۴۰۳ بود که خبر آنها منتشر شده است. از این تعداد ۱۴ مورد منجر به مرگ شده و تنها سه دانش‌آموز نجات پیدا کرده و به زندگی بازگشته‌اند!

صورت‌جلسه کرده‌اند.

او در مورد جزئیات حادثه توضیح داده «مثل اینکه وقتی باران آمده، بچه ذوق‌زده بدوید می‌کند و در همین حین مقداری آب روی شلوار ناظم پاشیده می‌شود. ناظم اعصابش خرد می‌شود و با لگد به پسر ملامت می‌کند. ران پسر من به خاطر این برخورد می‌شکند. با این وجود، ناظم پسر را از پشت لباسش می‌گیرد و می‌گوید باید راه بروی. هر چقدر کیان گریه می‌کند و می‌گوید نمی‌توانم راه بروم، ناظم بیشتر پسر را می‌زند. بعد هم او را پرت می‌کند که لگزش هم جابجا می‌شود.»

در ادامه این گزارش آمده که پدر کیان روز دوشنبه ۲۰ اسفندماه، از محمود نوری، ناظم مدرسه کیان، شکایت کرده اما به گفته مادر این دانش‌آموز، مسئولین آموزش و پرورش تاکنون برای دلجویی از این خانواده و پیگیری وضعیت کیان اقدامی انجام نداده‌اند.

مادر کیان در مصاحبه با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «از اداره آموزش و پرورش تماس گرفتند که می‌خواهند برای عیادت کیان بیایند اما هنوز هیچکس سراغی از ما نگرفته است. مدیر مدرسه هم تا الان یکی دوبار زنگ زده و گفته می‌خواهند بیایند عیادت. می‌گویند به هر حال اتفاق است و ناظم هم آن روز اعصابش خرد بوده است. خب اعصابش خرد باشد که نباید عقده‌اش را آن هم اینطور سر بچه ده ساله خالی کند. کیان فقط بیست‌دو کیلو وزن دارد،

## ضرب و جرح یک دانش‌آموز توسط ناظم مدرسه؛ پای کودک شکست و لگزش جابجا شد!

● روز یکشنبه ۱۹ اسفندماه کیان دانش‌آموز ۱۰ ساله ساکن مشهد در حیاط مدرسه از سوی ناظم مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرد بطوری که استخوان ران دانش‌آموز شکسته شده و لگزش جابجا شده است.

● کیان آن روز پس از بارش باران در حیاط مدرسه مشغول بازی بوده و در همین حین چند قطره آب روی لباس ناظم مدرسه پاشیده می‌شود. ناظم با عصبانیت به کیان لگد می‌زند و او را پرت می‌کند.

● والدین این دانش‌آموز از ناظم شکایت کرده‌اند اما تا کنون پیگیری از سمت آموزش و پرورش صورت نگرفته است.

یک دانش‌آموز ۱۰ ساله در مشهد از سوی ناظم مدرسه مورد ضرب و جرح قرار گرفته و به شدت آسیب دیده بطوری که یک پای کودک شکسته و لگزش جابجا شده است. علت حمله ناظم به کودک، پاشیده شدن چند قطره آب به لباس ناظم هنگام بازی این دانش‌آموز با دوستانش در حیاط مدرسه بوده است.

روزنامه اینترنتی «فراز» با انتشار این خبر نوشته روز یکشنبه ۱۹ اسفندماه «کیان» دانش‌آموز ۱۰ ساله در دبستان پسرانه «امام خمینی» مشهد واقع در خیابان طبرسی شمالی، از سوی ناظم مورد ضرب و جرح شدید قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، در نتیجه برخورد شدید ناظم، کیان از ناحیه ران دچار شکستگی شده و استخوان لگن او جابجا شده است.

کیان اکنون در بیمارستان «هاشمی‌نژاد» مشهد بستری است و به دلیل خرد شدن استخوان ران، به عمل جراحی نیاز دارد. «فراز» نوشته هر چند والدین این دانش‌آموز از ناظم شکایت کرده‌اند، تاکنون پیگیری از سمت آموزش و پرورش صورت نگرفته است.

مادر «کیان یوسفی» در مصاحبه با روزنامه اینترنتی «فراز» گفته «من یکشنبه سر کار بودم که از مدرسه به من زنگ زدند و گفتند بیا پسر از پله‌ها افتاده است. رفتم دیدم پسر خیلی بدحال است و به شدت گریه می‌کند. پرسیدم واقعا از پله‌ها افتاده و اینطور شده؟ گفتند بله. موقعی که همراه پسر و مدیر مدرسه با آمبولانس به بیمارستان می‌رفتیم، پسر به من گفت معلم مرا زده است. زمانی که از مدیر سوال کردم، حرف پسر را تأیید کرد.»

مادر کیان گفته فیلم و مدارک این درگیری کاملاً موجود است و نیروهای آمبولانس هم جزئیات حادثه را

استخوان ران چپش کامل خرد شده و به پلاتین نیاز دارد.»  
 تنبیه بدنی و آزار روانی دانش‌آموزان از سوی برخی از آموزگاران و مسئولان مدارس در سالهای گذشته با افزایش روبرو شده است. برخی از این برخوردها در پی خشم عمومی گسترده در جامعه به علت مشکلات اقتصادی و معیشتی و برخی از برخوردها نیز به دلیل نگاه ایدئولوژیک مسئولان مدارس در رابطه با ظاهر دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان دختر است.

دی‌ماه امسال خبری درباره ضرب و جرح یک دانش‌آموز در ارومیه به همراه تصاویری که والدین این کودک منتشر کرده بودند سبب واکنش آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی شد.

در اطلاعیه روابط عمومی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی ضرب و جرح دانش‌آموز تأیید شده و آمده بود که «به دنبال تنبیه بدنی دانش‌آموز در ارومیه توسط

## پیش‌بینی‌ها درباره تورم سال ۱۴۰۴



متحد به دنبال اجرای سیاست «فشار حداکثری» برود، شدت مشکلات در اقتصاد کشور نیز بیشتر خواهد شد. در این صورت ما به احتمال زیاد دوباره با افزایش رکود و حتی منفی شدن نرخ رشد اقتصادی مواجه خواهیم شد.»

این اقتصاددان نیز سهم «سیاست‌گذاران ناتوان» در افزایش مشکلات اقتصادی را برجسته ارزیابی کرده و گفته «بحران سیاست‌گذاری با تغییر سیاست‌ها می‌تواند اصلاح شود ولی بحران سیاست‌گذار ناتوان، بدون تغییر این دسته از سیاست‌گذاران راه خروجی ندارد. روند دو دهه کشورمان بسیار هزینه ساز بوده و امروز ما با وضعیتی در شاخص‌های اقتصادی مواجه شده‌ایم که در گذشته حتی قابل پیش‌بینی هم نبود.»

مرتضی عزتی با اشاره به افزایش قیمت دلار به بیش از ۹۴ هزار تومان و تشدید انتظارات تورمی در اقتصاد ایران گفته «در سال آینده اگر روند متفاوتی و مثبتی را نداشته باشیم تورم دوباره به مدار بالای ۴۰ درصدی خواهد رفت.»

همچنین محمدرضا عبدالهی کارشناس حوزه اقتصاد کلان افزایش قیمت ارز و کاهش شدید ارزش پول ملی را بستری برای افزایش تورم به بالای نرخ ۳۰ درصد اعلام شده از سوی دولت در سال آینده دانسته و گفته «با توجه به شرایط فعلی که بر بازار ارز حاکم شده، بعید است که این هدف نه چندان بزرگ دولت محقق شود و احتمالاً نرخ تورم به مراتب بالاتر از نرخ فعلی خواهد شد. به نظر می‌رسد وضعیت آینده کشور به تابعی از نرخ ارز تبدیل شده و باید منتظر باشیم و ببینیم بانک مرکزی و دولت در این عرصه چه نقش آفرینی خواهند داشت.»

برخی کارشناسان حتی معتقدند در سناریوهای بدبینانه از جمله با افزایش تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، تشدید فشارهای حداکثری دولت دونالد ترامپ و تداوم بحران انرژی، تورم در اقتصاد ایران به مرز ۵۰ درصد هم خواهد رسید.

علی قبری اقتصاددان و استاد دانشگاه گفته «با

خواهد بود.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه، جد از عوامل اقتصادی، ناهماهنگی در میان دستگاه‌های دولتی و بانک مرکزی را از جمله دلایل افزایش قیمت ارز ارزیابی کرده و گفته «ما یک تیم اقتصادی در کشور داریم که شامل سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد است و از سوی دیگر یک سری وزارت‌خانه‌های زیرساختی و اقتصادی دیگر مانند وزارت صمت، جهاد، نیرو، نفت، کار و وزارت دفاع را داریم که عملکرد همه این نهادها و وزارتخانه‌ها باعث می‌شوند که ارز وارد کشور شود.»

رحیم زارع همچنین گفته «رشد ۸ درصدی هم تابعی از عوامل مختلف اعم از تحریم، نقل و انتقال پول، نرخ ارز و ... است؛ اما با این روندی که پیش می‌رویم، تحقق رشد ۸ درصدی سخت است و به نظر من اگر بتوانیم به رشد با ثبات ۵ درصدی هم برسیم می‌تواند بسیاری از مشکلات ما را حل کند.»

آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد پایه پولی در دی ماه ۱۴۰۳ با رشد ۲۱/۲ درصدی به ۱۲۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده و نقدینگی نیز از مرز ۹۷۲۳ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این اعداد نشان می‌دهند که سیاست‌های پولی و مالی در مسیر حساسی قرار دارند و مقدمه ایجاد موج جدیدی از تورم در اقتصاد کشور هستند.

در شرایطی که کشور با کاهش درآمدهای ارزی روبروست و اقتصاد کشور در حوزه‌های مختلف با رکودی عمیق دست و پنجه نرم می‌کند، دولت برای جبران کسری بودجه و تأمین منابع ارزی اقداماتی مانند استقراض از بانک مرکزی و اصطلاحاً چاپ پول را در دستور کار قرار می‌دهد که سبب افزایش نقدینگی و افزایش تورم می‌شود.

پیشتر نیز کارشناسانی از تورم بالای ۳۰ درصد در سال آینده خبر داده بودند. در همین رابطه مرتضی عزتی اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز گفته «به باور من با افزایش فشار تحریم مشکلات ایران افزایش خواهد یافت. چنانچه دوباره ایالات

● رحیم زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه: در لایحه بودجه تورم ۳۰ درصد پیش‌بینی شده است ولی با توجه به بی‌ثباتی که در حوزه نرخ ارز شاهد هستیم به نظر من تورم قطعاً بیشتر از ۳۰ درصد خواهد بود.

● مرتضی عزتی اقتصاددان با اشاره به افزایش قیمت دلار به بیش از ۹۴ هزار تومان و تشدید انتظارات تورمی گفته «در سال آینده اگر روند متفاوتی و مثبتی را نداشته باشیم تورم دوباره به مدار بالای ۴۰ درصدی خواهد رفت.»

● برخی کارشناسان معتقدند در سناریوهای بدبینانه از جمله با افزایش تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، تشدید فشارهای حداکثری دولت دونالد ترامپ و تداوم بحران انرژی، تورم در اقتصاد ایران به مرز ۵۰ درصد هم خواهد رسید.

● بر اساس یک سناریو بدبینانه دولت پزشکیان با کسری بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو می‌شود و تلاش خواهد کرد با چاپ پول این کسری را جبران کند؛ در اینصورت رشد نقدینگی به ۳۵ درصد صعود می‌کند و سبب افزایش بیش از پیش تورم خواهد شد.

دولت پزشکیان در لایحه بودجه سال آینده تورم ۳۰ درصدی برای اقتصاد ایران پیش‌بینی کرده است اما کارشناسان و حتی برخی مقامات حکومتی معتقدند چشم‌انداز اقتصادی ایران تورمی بالاتر از ۳۰ درصد را نشان می‌دهد.

کاهش شدید درآمدهای نفتی در پی تحریم، کاهش درآمدهای غیرنفتی به دلیل مشکلات ساختاری اقتصادی و قطع مکرر انرژی واحدهای تولیدی و صنعتی، نشان از عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی در سال جدید خورشیدی و افزایش تورم دارد.

رحیم زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۴ اعلام کرده که «در لایحه بودجه تورم ۳۰ درصد پیش‌بینی شده است ولی با توجه به بی‌ثباتی که در حوزه نرخ ارز شاهد هستیم به نظر من تورم قطعاً بیشتر از ۳۰ درصد



## «انجمن حقوق بشر ایران و متحدان» و «جشنواره هنر برای صلح» برنامه هشتم مارس را در لندن برگزار کردند



ویدئو

همچنین فعالین فرهنگی از جمله از ایران شرکت داشتند. علاوه بر سخنرانی و نمایش فیلم و ویدئو، ۱۲ عکس از عکاسان سرشناس ایران که توسط فریدون فرهود مدیر «جشنواره هنر برای صلح» انتخاب شده بود، در حاشیه این مراسم در آمفی تئاتر کتابخانه کنزینگتون به نمایش گذاشته شد.

عصر شنبه هشت مارس برنامه مفصلی به مناسبت روز جهانی زن توسط «انجمن حقوق بشر ایران و متحدان» و «جشنواره هنر برای صلح» برگزار شد که مورد استقبال ایرانیان لندن قرار گرفت. در این برنامه شماری از فعالان حقوق زنان و حقوق بشر و

## مباران اطلاعاتی در حال تغییر مغز ما



ویدئو

برای مغز ساده نیست و تبعات دارد. فراموشی بخشی از زندگی روزمره بشر مدرن شده. خیلی از اوقات افراد چیزهای ساده‌ای را فراموش می‌کنند که مدت‌ها روال زندگی آنها بوده. چرا این اتفاق پیش می‌آید و آیا می‌تواند زنگ خطری بر فرارسیدن بیماری اختلال حافظه باشد؟ یا ممکن است اینقدرها هم بد نباشد؟

مغز ما در دنیای امروز مرتباً با اطلاعات گوناگون مباران می‌شود. اگر در گذشته کتاب‌ها و نشریات مسئول انتقال اطلاعات به مغز بشر بودند، امروزه تلویزیون‌ها، رادیوها، تلفن‌ها، کامپیوترها و حتی شبه‌کامپیوترهایی که رابط کاربری وسایل مختلف هستند هر کدام میزانی از اطلاعات به مغز شلیک می‌کنند. نگهداری و تحلیل تمام این داده‌ها

اعمال سیاست «فشار حداکثری» نرخ تورم به ۵۰ درصد خواهد رسید و نرخ رشد اقتصادی هم منفی می‌شود. همزمان اگر سیاست ارزی فعلی بر کشور حاکم باشد و نرخ ارز رها شود، ممکن است نرخ دلار تا پایان سال آینده رکوردشکنی‌های بزرگی داشته باشد.»

علی قنبری افزوده «این افزایش‌های صورت گرفته در روزهای گذشته بطور حتم تورم را به شکلی فزاینده بالا خواهد برد. این امر فشارهای دو چندان به اقتصاد و به‌ویژه صنایع وارد خواهد کرد و نهایتاً حذف سامانه نیما هم به تک نرخی شدن ارز نخواهد انجامید و مسیر افزایش قیمت‌ها را در کشور تسهیل کرد.»

اشاره این اقتصاددان به سیاست ارزی تیم اقتصادی دولت پزشکیان باز می‌گردد که بازار ارز نیمایی که قیمت‌ها رد آن تحت نظارت بانک مرکزی بود و واردکنندگان و تولیدکنندگان ارز مورد نیاز واردات را در این بازار تهیه می‌کردند تعطیل کرد، و در مقابل بازار ارز تجاری را راه‌اندازی کرد که قیمت‌ها در آن تابعی از قیمت ارز در بازار آزاد است. هنگامی که دولت اقدام به حذف بازار نیما کرد قیمت هر دلار در این بازار کمتر از ۵۰ هزار تومان بود اما بعد از کمتر از یک ماه قیمت دلار در بازار ارز تجاری به بیش از ۶۵ هزار تومان افزایش یافت!

افزایش قیمت دلار همواره به عنوان نض اقتصاد ایران شناخته شده است. قیمت ارز از تابستان امسال، و از زمان آغاز بکار دولت مسعود پزشکیان تا کنون با افزایش تقریباً دو برابری روبرو شده است.

به گفته محمدرضا عبدالمهی «افزایش نرخ دلار از دو جهت می‌تواند اثرات چشمگیر منفی را بر رفاه اجتماعی بگذارد که این مهم به معنای گسترش دامنه تورم در کشورمان خواهد بود. یک اثر جهش قیمت‌ها در بازار ارز به شکل مستقیم بر وضعیت رفاه جامعه اثر دارد؛ به این شکل که تضعیف ارزش پول ملی منجر به افزایش هزینه‌های تولید و متعاقب آن نرخ کالاها خواهد شد. این امر به شکل تورم مصرف کننده به دشوارتر شدن وضعیت معیشتی مردم مگر می‌شود.»

این کارشناس اقتصاد کلان تأکید کرده «با افزایش تورم انتظار داریم که طبقه متوسط و فرودست دچار مشکلات بیشتری شوند. این میان بخشی از جامعه، یعنی دارندگان دارایی‌ها، با وضعیتی متفاوت مواجه خواهند شد زیرا تورم به افزایش ثروت آنها منجر خواهد شد. پس گرانی دلار نه تنها به گسترش فقر که به رشد بیش از پیش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، به شکل افزایش فاصله طبقاتی هم دامن خواهد زد.»

دولت نه تنها تورم برای سال آینده را ۳۰ درصد برآورد کرده بلکه رشد اقتصادی نیز بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۴ هشت درصد پیش‌بینی شده است. این پیش‌بینی نیز از سوی کارشناسان نه تنها غیرعملی ارزیابی شده بلکه در سناریوهای بدبینانه رشد اقتصادی در سال آینده منفی دیده شده است.

بر اساس پیش‌بینی‌ها در صورت افزایش فشار حداکثری ایالات متحده، دولت پزشکیان با کسری بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو می‌شود و تلاش خواهد کرد با چاپ پول این کسری را جبران کند؛ در این صورت رشد نقدینگی به ۳۵ درصد صعود می‌کند و سبب افزایش بیش از پیش تورم خواهد شد.

این جهش تورمی، هزینه‌های تولید را بالا می‌برد و حاشیه سود صنایع را نابود می‌کند. بخش صنعت و خدمات هر دو زیر یک درصد رشد می‌کنند و کشاورزی با کاهش ۲ تا ۳ درصدی مواجه می‌شود؛ بحرانی که با تشدید کم‌آبی و ناترازی انرژی عمیق‌تر خواهد شد.

# تأیید احکام متهمان پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در دیوان عالی؛ «امر» کیست و کجاست؟

● دیوان عالی کشور محکومیت دو بار اعدام متهم ردیف اول و حبس و شلاق سه متهم دیگر پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر را تأیید کرده است.

● وکیل متهم ردیف اول: چطور می‌شود برای دزدی به محل جرم وارد شد ولیکن گوشی آیفون و تبلت دست نخورده باقی ماند؟ در یک شهرک اقدام به قتل کنی ولی در همان محل به کار ادامه بدهی؟

دیوان عالی کشور در حالی احکام اعدام، شلاق و حبس متهمان پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر را تأیید کرده که همچنان این پرونده با ابهامات زیادی روبروست و وکیل شاکیان معتقد است متهمان تنها مجری یک دستور بوده‌اند.

دیوان عالی کشور محکومیت دو بار اعدام متهم ردیف اول و حبس و شلاق سه متهم دیگر پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر را تأیید کرده است. این احکام در حالی تأیید شده که وکیل خانواده داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر بارها از ابهامات این پرونده گفته بودند و حالا وکیل متهم ردیف اول این پرونده نیز در گفتگو با «اعتماد» بر این ابهامات تأکید کرده است.

بر اساس رأی تأیید شده، دادگاه کریم متهم ردیف اول را به جرم دو فقره قتل به دو بار قصاص، میرویس متهم ردیف دوم را به اتهام شروع به قتل به ۱۰ سال حبس، برای سرقت مسلحانه به ۲۰ سال حبس، ورود به عنف یک سال و ۶ ماه حبس و اقامت غیرمجاز به ۳ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است. روزنامه «اعتماد» به نقل از امیر موسی‌خانی وکیل متهم ردیف اول این پرونده نوشته «از لحظه ورود اینجانب به عنوان وکیل در پرونده، کریم به شدت منکر انجام این اعمال بوده، حتی در ملاقات زندان نیز مدعی بود کلیه اظهارات ناشی از فشارها بوده است.»

امیر موسی‌خانی ضمن تأکید به اینکه متهمان نمی‌توانستند «انگیزه کافی» برای قتل را داشته باشند، گفته «برادرات مطروحه به نظرم منطقی است هرچند پذیرش یا عدم پذیرش بر عهده مقام قضایی است. مهم‌ترین مسأله‌ای که من به آن اشاره کردم بحث مترجم بود و دیگری ارائه صوت بازجویی‌های انجام‌شده و اعترافات کریم در مرحله بازجویی که هیچ‌یک مورد توجه قرار نگرفت. هر چهار متهم مسأله مترجم داشتند، هرچند آنها توانایی صحبت به زبان فارسی را داشتند ولی زبان مادری متهمان کاملاً غیرقابل فهم برای فارسی‌زبانان است. حتی یکی از متهمان نیز در پرونده اعلام کرده که کریم به زبان محلی در آگاهی با آنان صحبت کرده است، یعنی زبان محلی آنان با زبان فارسی تفاوت داشته است. معنای بعضی کلمات افغانی و محلی در این پرونده با معنای کلمات فارسی ایرانی تفاوت داشت. هر چهار متهم به لحاظ گفتاری و شنیداری فارسی را خوب بلد نبودند و این نقص در فهم معنای کلمات و معنای جملات به خوبی در جلسات مشهود بود. به نظرم قانوناً باید مترجم در کنار آنها می‌بود.»

این وکیل دادگستری خبر داده که «پرونده قتل آقای مهرجویی و همسرش یک پرونده بسیار پیچیده است که شاید هیچ‌وقت ابهامات در آن حل نشود. هیچ انگیزه قوی‌ای



مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر - تالار رودکی، تهران

همین دلایل از دادگاه کیفری استان البرز تقاضا کردیم این امر جهت بررسی بیشتر به کارشناسی ارجاع شود که امیدواریم هر چه زودتر این امکان فراهم شود تا بتوانیم در صورت امکان به سرخ‌های اولیه درباره قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر دست پیدا کنیم.»

مانوش منوچهری همراهمسال نیز بار دیگر بر وجود رد پای فرد یا افرادی که دستور این دو قتل را صادر کرده‌اند تأکید کرده و با بیان اینکه چهار متهم پرونده، انگیزه کافی برای قتل آنها نداشتند، تأکید کرده است که «حتماً پای یک آمر دیگری» در میان است و آنها تنها اجرا کننده اوامر او بوده‌اند.

وجود «امر» یا «آمران» در قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر و فرضیه «حکومتی» بودن این قتل از ساعاتی پس از انتشار خبر وقوع قتل مطرح شده بود. داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

در شرایطی که مراحل تحقیقات در این پرونده خیلی سریع پیش رفت و پرونده برای محاکمه متهمان و صدور حکم به دادسرا ارجاع و احکام نیز صادر شد، اما در تمام این مدت وکیل خانواده مهرجویی بر وجود ابهاماتی در پرونده اصرار داشت. همچنین پس از آنکه مقامات قضایی از صدور کیفرخواست این پرونده و پایان تحقیقات خبر دادند، مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی در استوری حساب اینستاگرام خود درباره روند بررسی پرونده قتل پدر و مادرش نوشت: «تا کنون هیچ‌یک از شواهد و مدارک، اقرار و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد و حضور در پرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.»

اکبر محمدی فر برادر وحیده محمدی فر نیز پیشتر به «رادپو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام اعرابی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریت فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند.

در این قتل‌ها وجود ندارد. پاسخ این سوال که‌ماکان لاینحل باقی است که چرا باید چهار متهم با یک نقشه واحد، در یک مکان واحد و با یک قصد وانگیزه واحد، عملیاتی را شروع کنند ولی با یک بهانه و مشکل از اقدام منصرف شوند ولی یک هفته بعد همان تیم در همان مکان با همان اشخاص اقدام به عملی کردن نقشه و قتل مرحوم مهرجویی و همسرش کنند؟ اگر قصد و انگیزه قتل بوده است، تفاوت این دو تاریخ چگونه توجیه می‌شود؟ کریم، موکلم من به شدت فرد معتقدی است، حتی شهود که از اهالی همان شهرک هستند گفته‌اند که به شدت به کریم اعتماد داشتند. کلید ۱۰ ویلا در دست کریم بوده که ویلای آقای مهرجویی به لحاظ مادی در برابر آن ویلاها چیزی نبوده است.»

امیر موسی‌خانی همچنین پرسش‌هایی درباره این پرونده مطرح کرده است «چطور می‌شود برای دزدی به محل جرم وارد شد ولیکن گوشی آیفون و تبلت دست نخورده باقی ماند؟ در یک شهرک اقدام به قتل کنی ولی در همان محل به کار ادامه بدهی؟ مشکل میرویس با مرحوم مهرجویی برای سه سال قبل از قتل است، چرا باید سه سال کینه را نگه دارد و بعد اقدام کند؟ از کجا می‌دانسته دوربین‌ها خراب است و هنوز تعمیر نشده است؟ تفاوت ساعت خروج کریم از ویلای محل کار و ورود به ویلای مرحوم چگونه توجیه می‌شود؟»

پیش از این و در هجدهم اسفندماه جاری مانوش منوچهری، وکیل خانواده مهرجویی، در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته بود «بسیاری از تماس‌ها و برنامه‌ها از گوشی‌های متهمان و مقتولان پاک شده‌اند و با توجه به ابهامات موجود، احتمالاً پای یک آمر در میان است.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده بود که «خیلی از تماس‌های گوشی‌های مقتولان که در روز آخر با آنها گرفته شده، هم پاک شده؛ همین‌طور اپلیکیشن‌های واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام از گوشی مقتولان و متهمان پاک شده بود و در موبایل‌ها اصلاً موجود نبود.»

او افزوده بود که «تاریخ تنظیمات بعضی تلفن‌ها نیز تغییر کرده بود و همان بخش اطلاعات موجود در گوشی‌ها به دلیل اختلال در تاریخ گوشی، قابل دسترسی نبود و به



## سهم ناچیز زنان از اشتغال در ایران؛ عقب‌تر از زنان در پاکستان و عربستان!



این قوانین گرایش به استخدام آقایان به خصوص در بخش خصوصی بیشتر است این در حالی است که این شرایط نباید به این شکل باشد اما به دلیل نگاه اصولگرایانه‌ای که حاکم است این وضعیت به وجود آمده است.

به نظر می‌رسد آنچه مرتضی افقه «نگاه اصولگرایانه» خوانده بود در اصل سیاست‌های کلی ترسیم شده از سوی علی خامنه‌ای و بر پایه ایدئولوژی جمهوری است که در نهایت دولت‌های اصلاح‌طلب نیز در برابر آن تسلیم هستند. برای نمونه مسعود پزشکیان اصلاح‌طلب به عنوان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی بارها و بارها بر اینکه گوش به فرمان علی خامنه‌ای است تأکید کرده و گفته با کلیه سیاست‌گذاری‌های رهبر جمهوری اسلامی همسو و معتقد است.

از سوی دیگر بسیاری از سیاست‌هایی که در جهت به خانه رانده شدن زنان در جمهوری اسلامی تدوین و تصویب و اجرایی شده از سوی اصلاح‌طلبان هدایت شده است. برای نمونه «طرح حجاب و عفاف» که یک جنبه آن اسقرار گشت ارشاد در خیابان‌ها بود از سوی دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی تدوین و تصویب شد و اجرای آن به دولت محمود احمدی‌نژاد واگذار شد.

در شرایطی که سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی بر افزایش جمعیت و فرزندآوری متمرکز است و در همین حال وظیفه اصلی زنان را مادر بودن و همسر بودن و فرزندآوری می‌داند و برای زنان شاغل در صورت بارداری و زایمان هیچ بسته‌ی کارآمد حمایتی ندارد، طبیعی است که شکاف جنسیتی عمیق خواهد شد.

در همین رابطه هادی صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ایلینوی اوربانا شپمین آمریکا به روزنامه «اعتماد» گفته «قبل از انقلاب شرایط برای حضور زنان در جامعه رو به افزایش بود اما پس از انقلاب دولت سعی کرد تا تقسیم کار بر اساس جنسیت باشد و نقش زنان در بازار کار محدود شد و حتی زنان تحصیلکرده هم در خانه ماندند و به فرزندآوری تشویق شدند اما پس از چند سال باز هم امکاناتی برای حضور زنان در جامعه فراهم شد به خصوص با افزایش زنان تحصیلکرده این شرایط بیشتر از قبل برای فعالیت زنان در جامعه به وجود آمد.»

اقتصاد بر اساس شاخص جهانی شکاف جنسیتی سالانه تهیه می‌شود و وضعیت فعلی و تکامل برابری جنسیتی را در چهار بعد کلیدی مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، دستیابی به تحصیل و آموزش، سلامت و بقا و توانمندسازی سیاسی بررسی می‌کند.

بر اساس این گزارش، گروهی از اقتصادهایی که کمترین سطح برابری اقتصادی بین زنان و مردان را دارند به ترتیب عبارتند از بنگلادش ۳۱/۱ درصد، سوئدان ۳۳/۷ درصد، ایران ۳۴/۳ درصد، پاکستان ۳۶ درصد، هند ۳۹/۸ درصد و مراکش ۴۰/۶ درصد. تمام این اقتصادها کمتر از ۳۰ درصد برابری جنسیتی را در درآمد تخمینی بین زنان و مردان دارند.

علاوه بر این، سطح برابری در نرخ مشارکت نیروی کار برای همه این چند اقتصاد زیر ۵۰ درصد است که کمترین آن برای ایران ۲۰/۱ درصد است. بر اساس این گزارش، ایران در زیر شاخص مشارکت و فرصت‌های اقتصادی زنان، رتبه ۱۴۴ از ۱۴۶ کشور بررسی شده را دارد. از این رو مشارکت زنان در بازار کار ایران، حتی از کشورهای در حال توسعه‌ای مانند عربستان نیز کمتر است.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز امرداد امسال در رابطه با مشارکت پایین اقتصادی زنان ایران به روزنامه «اعتماد» گفته بود طی سه سال فعالیت دولت اصولگرای ابراهیم رئیسی شکاف جنسیتی و کم‌رنگ شدن حضور زنان در جامعه بیشتر هم شده است و ساختارهای حقوقی و قانونی نیز به سمتی پیش رفته که اشتغال زنان برای کارفرمایان هزینه‌برتر هم شده است.

البته شرایط حاکم بر ایران ریشه‌دارتر و ساختاری‌تر از سطح فعالیت یک دولت اصولگرا یا اصلاح‌طلب است؛ مرتضی افقه نیز در ادامه سخنانش به این موضوع اشاره کرده و گفته بود «چند سال قبل دانشجویان دختر من که فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد بودند به آگهی‌های استخدامی تک‌جنسیتی (مردان) اعتراض داشتند و می‌گفتند در این آگهی‌ها تنها مردان را برای مشاغل موردنظرشان استخدام می‌کنند.»

این اقتصاددان توضیح داده بود که در بسیاری از کشورها بر اساس قوانینی که اتخاذ می‌شود بخشی از هزینه‌های اشتغال زنان را دولت‌ها می‌پردازند تا کارفرماها در زمان بارداری زنان بتوانند این هزینه‌ها را بپردازند اما در ایران به دلیل فقدان

● اشتغال زنان در ایران چهار دهه است زیر فشار نگاه ایدئولوژیک حکومت و از بین رفتن برابری‌های جنسیتی، رتبه‌های ناگواری کسب کرده است.

● بر اساس داده‌های جمهوری اسلامی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳ نرخ بیکاری زنان در ایران در بازه‌ای بین ۱۳/۷ تا ۲۱/۹ درصد در نوسان بوده و با اختلاف زیاد از نرخ بیکاری مردان بالاتر بوده است.

شاخص جهانی شکاف جنسیتی نشان می‌دهد ایران از این نظر در میان کشورهای خاورمیانه در انتهای جدول قرار دارد و تنها از کشور سوئدان یک رتبه بهتر است. جمهوری اسلامی همچنین در زیرشاخص «نرخ مشارکت اقتصادی زنان» با ۲۰/۱ درصد در انتهای جدول رتبه‌بندی جهانی قرار گرفته است.

اشتغال زنان در ایران چهار دهه است زیر فشار نگاه ایدئولوژیک حکومت و از بین رفتن برابری‌های جنسیتی، رتبه‌های ناگواری کسب کرده است.

بر اساس داده‌های جمهوری اسلامی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳ نرخ بیکاری زنان در ایران در بازه‌ای بین ۱۳/۷ تا ۲۱/۹ درصد در نوسان بوده و با اختلاف زیاد از نرخ بیکاری مردان بالاتر بوده است.

آمارهای حکومتی همچنین نشان می‌دهند بالاترین نرخ بیکاری زنان در تابستان ۱۳۹۵ با ۲۱/۹ درصد و پایین‌ترین نرخ در بهار ۱۳۹۹ با ۱۳/۷ درصد ثبت شده است.

از سوی دیگر، نرخ مشارکت زنان در این بازه زمانی بین ۱۰/۳ تا ۱۸/۳ درصد متغیر بوده و بالاترین نرخ مشارکت در بهار ۱۳۹۷ با ۱۸/۳ درصد و پایین‌ترین نرخ در زمستان ۱۳۹۲ با ۱۰/۳ درصد ثبت شده است.

آخرین آمار موجود هم مربوط به پاییز ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری زنان به ۱۴/۵ درصد رسیده که نسبت به تابستان همان سال (۱۴/۶ درصد) کاهش جزئی داشته است. با این حال، نرخ مشارکت زنان در پاییز ۱۴۰۳ به ۱۳/۷ درصد کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که تعداد کمتری از زنان در سن کار، یا شاغل هستند یا به دنبال کار می‌گردند.

آمارهای حکومتی همواره با تردید کارشناسان و تحلیلگران روبرو بوده و بطور خاص درباره آمار اشتغال زنان، مرکز آمار ایران تعداد افرادی را که دارای اشتغال نیمه‌وقت یا در حال کارآموزی هستند، در میان افراد شاغل دسته‌بندی می‌کند، در نتیجه ارزیابی می‌شود که نرخ بیکاری زنان بیش از آمارهای مورد ادعای جمهوری اسلامی باشد.

در آنسو اما بر اساس همین آمارها، ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی در انتهای جدول قرار دارد. برای نمونه بر اساس «گزارش جهانی شکاف جنسیتی سال ۲۰۲۴» مجمع جهانی اقتصاد در میان کشورهای خاورمیانه، وضعیت ایران تنها از کشور سوئدان بهتر است. در مقایسه با کشورهای دنیا هم وضعیت ایران در زیرشاخص برابری اقتصادی تنها از بنگلادش و سوئدان بهتر است؛ اما در زیر شاخص نرخ مشارکت نیروی کار وضعیت ایران با ۲۰/۱ درصد از همه بدتر است.

در خاورمیانه، ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی کشورهای منطقه، در میان ۱۵ کشور، رتبه ۱۴ را دارد. در این جدول امارات، اسرائیل، تونس، بحرین، اردن، عربستان، قطر، کویت، لبنان، مصر، عمان، مراکش و الجزیره به ترتیب بالاتر از ایران قرار دارند و کشور سوئدان بعد از ایران رتبه ۱۵ را دارد.

«گزارش جهانی شکاف جنسیتی سال ۲۰۲۴» مجمع جهانی

وزارت خارجه ایالات متحده:

### برای پایان دادن به چرخه خشونت سپاه به یاری شما نیازمندیم

برنامه «پاداش برای عدالت» وابسته به وزارت خارجه آمریکا روز دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ (۱۰ مارس ۲۰۲۵) پس از انتشار نام و عکس شماری از افراد وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در شرکت «کیمیا پارت سیوان» یا «کیپاس» در آزمایش، توسعه و تأمین پهپادهای سپاه نقش داشته‌اند، با انتشار ویدئویی در ارتباط با فعالیت‌های سپاه پاسداران نوشته است که این نهاد نظامی «تعداد زیادی از حملات تروریستی در سراسر جهان را تأمین مالی کرده و برای فعالیت‌های بین‌المللی خود به شرکت‌های پوششی متکی است و شرکت کیپاس بازوی تولید پهپاد نیروی قدس سپاه است. این شرکت همچنین قطعات حساس پهپاد را از شرکت‌های خارجی برای استفاده سپاه پاسداران تأمین می‌کند. در حالی که اقتصاد ایران رو به زوال است، سپاه پاسداران سرمایه‌های ملی ایران را صرف تولید و ارسال تسلیحات بیشتر به خارج از کشور می‌کند تا این پول صرف تشدید خشونت و اقدامات تروریستی گردد.» در این ویدئو نیز اسامی عباس سرتاجی، ابوالفضل مشکانی، هادی زوارکی، مهدی نقنه، رضا نهاردانی و حسن آرامبوژاد آمده که برنامه «پاداش برای عدالت» برای هرگونه اطلاعاتی از آنها و دیگر همکاران «کیپاس» و یا شبکه مالی آن تا ۱۵ میلیون دلار جایزه در نظر گرفته است. این اقدام وزارت خارجه آمریکا پس از آن صورت می‌گیرد که محسن رفیق‌دوست وزیر سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رئیس پیشین بنیاد مستضعفان در مصاحبه با برنامه «تاریخ شفاهی دیده‌بان ایران» به صراحت اعتراف کرد که خودش و پاسداران در ترورهای خارج کشور نقش مستقیم داشته‌اند.

### واکنش شاهزاده رضا پهلوی به جان باختن ابول کورکور

ابول کورکور از معترضان خیزش ملی ۴۰۱ در شهر ایذه که



دیدار گیلا گاملیل با شهبانو فرح و شاهزاده رضا پهلوی:

«امیدواریم سال آینده تهران باشیم»  
گیلا گاملیل وزیر سابق اطلاعات و وزیر کنونی علم، فناوری و فضای دولت اسرائیل در دیدار با شهبانو فرح پهلوی و شاهزاده رضا پهلوی در پاریس، ابزار امیدواری کرد که به زودی چهره خاورمیانه تغییر کند و مردم ایران و اسرائیل در کنار هم در صلح زندگی کنند. در ویدیویی کوتاه که ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۳ از این دیدار منتشر شده، شاهزاده رضا پهلوی می‌گوید: «فکر می‌کنم اکنون ایرانیان و شهروندان اسرائیلی کمی هستند که ندانند چقدر محبت متقابل و دوستی بین دو ملت ما وجود دارد و فقط امیدواریم که آن روز زودتر از آنچه تصور می‌شود فرا برسد، روزی که بتوانیم از روابط دوستانه و برادرانه لذت ببریم و دنیایی پر از صلح و ثبات، نه جنگ و ویرانی... یهودیان سال‌ها می‌گفتند: سال آینده در اورشلیم. و حالا ما می‌گوییم: سال آینده در تهران.» گیلا گاملیل در پاسخ می‌گوید: «دقیقا! همگی منتظر همین هستیم که از اسرائیل و ایران در کنار هم به تهران و اورشلیم برویم. ما واقعا دوست و خانواده هستیم. اما متأسفانه این منطقه باید تغییر کند تا درها را به روی این روابط عالی بگشاید.» وی سپس از شهبانو فرح می‌پرسد که نظر ایشان چیست و چنین پاسخی می‌شود: «امیدواریم که چنین شود؛ من باور دارم که چنین خواهد شد. نور بر تاریکی پیروز است.»

### نهایی به یاد مهسا امینی در فلورانس

هشتم مارس ۲۰۲۵ در روز جهانی زن، در پارکی در فلورانس، نهالی به یاد مهسا (ژینا) امینی از طرف شهرداری این شهر ایتالیایی کاشته شد. همچنین از لوحی به نام مهسا که به نماد خیزش «زن زندگی آزادی» تبدیل شد، پرده‌برداری گشت. در این مراسم سارا فونارو شهردار فلورانس، رییس شورای شهر و رئیس فرصت‌های برابر شهرداری و برخی ایرانیان ساکن این شهر حضور داشتند.

### پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت هشتم مارس



### وزیر انرژی آمریکا: آماده اجرای تحریم‌ها علیه تولید نفت در ایران هستیم

کریس رایت وزیر انرژی آمریکا اعلام کرد دولت ترامپ آماده است تحریم‌ها علیه تولید نفت در ایران را به اجرا بگذارد. رایت دوشنبه ۱۰ مارس (۲۰ اسفندماه) در مصاحبه‌ای با بلومبرگ گفت، «صادرات نفت جمهوری اسلامی در طول دوره اول ترامپ به میزان بسیار کمی کاهش یافت. اگرچه بایدن این تحریم‌ها را لغو نکرد اما از اجرای آنها خودداری کرد و همین [حکومت] ایران را ثروتمندتر کرد.» وزیر انرژی ایالات متحده همچنین عنوان کرد: «آیا رئیس جمهور ترامپ به دنبال توقف هرج و مرج و آوردن صلح به جهان است؟ کاملاً! آیا ما می‌توانیم از عهده کاهش صادرات نفت ایران برآییم؟ قطعاً.»

### رافائل گروسی: تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی کارآیی نداشتند و راه دور زدن آنها را بلد شدند

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ششم مارس ۲۰۲۵ (۱۶ اسفندماه) در مصاحبه با بلومبرگ توضیح داد، «کاملاً واضح است که جمهوری اسلامی راه‌های دور زدن تحریم‌ها را بلد شده است و تحریم دیگر کارآیی ندارد.» رافائل گروسی همچنین تأکید کرد که ایران از زمان خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ «پنج مدل جدید سانتریفیوژ پیشرفته» توسعه داده است. کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ۱۷ اسفندماه ۱۴۰۳ در واکنش به مواضع گروسی در بیانیه‌ای اعلام کرد «آقای مدیرکل به خوبی می‌داند که منشأ چنین ادعاهایی، گزارش‌های رژیم صهیونیستی است.»

### تحریم هفت شرکت و فرد ایرانی در کانادا به اتهام نقض حقوق بشر و ...

وزارت خارجه کانادا هفت فرد حقیقی و حقوقی ایرانی را به اتهام نقض حقوق بشر در داخل ایران و «اقدامات



بی‌ثبات‌کننده» در خاورمیانه تحریم کرد. در بیانیه وزارت خارجه کانادا نام حسین هاتفی اردکانی، مهدی گوگردچیان و حسین پورفرزانه در کنار نام چهار شرکت خرید و تأمین لوازم و تجهیزات تولید سلاح آمده است. - شرکت‌های تحریم شده عبارت از «کاوان الکترونیک بهزاد»، «بسامد الکترونیک پویا»، «طیف تدبیر» و «دفتر طراحی سیستم‌های پیشرفته فرزاتگان» هستند.

شهبانو فرح پهلوی روز جهانی زن (هشتم مارس ۲۰۲۵) طی پیامی کوتاه که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده به زنان ایران شادباش گفته است: «روز جهانی زن را به همه زنان جهان شادباش می‌گویم و از صمیم قلب برای زنان شجاع و آگاه ایرانی، آزادی و رهایی آرزو می‌کنم. نور بر تاریکی پیروز است. زن، زندگی، آزادی»

از آن زمان مجبور به زندگی مخفی شده بود، شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ در خانه‌ای که مخفی بود مورد حمله‌ی نیروهای امنیتی قرار گرفت و برای رهایی از جنگ آنان به زندگی خود پایان داد. شاهزاده رضا پهلوی با انتشار عکس وی که پرچم ملی شیروخورشیدنشان ایران را در دست دارد، در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت: «یاد #ابول\_کورکور، قهرمانی از دیار دلاورخیز ایذه گرامی و نامش جاودان.»



بانک مرکزی:

## پتروشیمی‌ها ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی را برنگردانند

علیرضا عابدینی حسابرس بانک مرکزی اعلام کرده «در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۲ درصد تعهدات ارزی پتروشیمی‌ها انجام نشده است. یعنی معادل ۸۸ درصد ارز این شرکت‌ها به کشور بازگشته اما در سال ۱۴۰۳ این درصد عدم ایفای تعهدات پتروشیمی‌ها به ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است.» وی تأکید کرده «دیوان محاسبات کشور معتقد است با توجه به تبصره بند «ه» ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، باید همه تعهدات ارزی به چرخه اقتصادی کشور بازگردد. در مورد شرکت‌های پتروشیمی و پالایشی باید تأکید کنم که این تعهدات ایفا نشده است.»

## حکم حبس علی یونسی و امیرحسین مرادی کاهش یافت

مصطفی نیلی وکیل زندانیان سیاسی، علی یونسی و امیرحسین مرادی، که از اوایل سال ۱۳۹۹ در زندان بسر می‌برند، از کاهش حکم حبس آنها خبر داد.

وی با اشاره به پذیرش درخواست اعاده دادرسی آنها در دیوان عالی کشور گفت که مجازات اشد هر یک از آنان از ده سال حبس به شش سال و هشت ماه کاهش یافت. به گفته‌ی مصطفی نیلی، حکم حبس امیرحسین مرادی قبلاً به همین میزان کم شده بود. این دو دانشجوی به اتهام ارتباط با «سازمان مجاهدین خلق» در اردیبهشت ۱۴۰۱ هر کدام به ۱۶ سال زندان محکوم شده بودند. اکنون قاعدتا آنها چهار سال از حبس شش سال و هشت ماه قابل اجرای خود را گذرانده‌اند.

## حملات گسترده سایبری علیه رسانه اجتماعی ایکس

پس از آنکه رسانه اجتماعی ایکس امروز دوشنبه ۲۰



## برنامه «پاداش برای عدالت» وزارت خارجه آمریکا: ۱۵ میلیون دلار پاداش برای اطلاعات درباره شبکه‌های مالی سپاه

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ (۱۰ مارس ۲۰۲۵) برنامه «پاداش برای عدالت» وابسته به وزارت خارجه ایالات متحده با انتشار اسامی و عکس چند تن از همکاران شرکت «کیمیا پارت سیوان» یا «کیپاس» از مخاطبان خواست هر اطلاعاتی درباره آنها و بطور کلی در مورد کارکنان ارشد، همکاران یا شبکه مالی این شرکت در اختیار دارند، از طریق که این برنامه اعلام کرده تماس بگیرند و چه بسا «واجد شرایط دریافت پاداش و جایجایی» باشند. «پاداش برای عدالت» با بیان اینکه «سپاه با تولید و فروش پهپاد، فعالیت‌های تروریستی خود را تأمین مالی می‌کند، کمک کنید این فرآیند را مختل کنیم» نوشته است که «کیپاس» بازوی تولید پهپاد نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این پرسنل کیپاس در آزمایش، توسعه و تأمین پهپادهای سپاه نقش داشته‌اند.

این افراد عبارتند از عباس سرتاجی، ابوالفضل مشکانی، هادی زوارکی، مهدی نقنه، رضا نهاردانی و حسن آرامبوژاد. برنامه «پاداش برای عدالت» تا ۱۵ میلیون دلار پاداش برای اطلاعات درباره شبکه‌های مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نظر گرفته است.

## همراهان ابول کورکور زیر شکنجه

بر اساس آنچه در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده، حسین مهری و رضا عبدالله زاده از همراهان ابول کورکور پس از بازداشت در خانه‌ای که با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور مورد حمله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت زیر شکنجه قرار دارند. در فیلمی که رسانه‌های جمهوری اسلامی منتشر کرده‌اند، این دو اسیر زندانی روی تخت بیمارستان دیده می‌شوند و دست حسین مهری در گچ است. سهراب احمدی شهروند دیگری که هنگام دستگیری در محل حضور داشت، در این ویدئو دیده نمی‌شود.



## فاجعه خاموش در جاده‌های ایران: هر ساعت، ۲ تا ۳ نفر کشته می‌شوند

طبق گزارش رسمی سازمان بهزیستی، در سال گذشته بیش از ۲۰ هزار نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست داده‌اند، که این رقم نسبت به سال قبل از آن ۲/۸ درصد افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که روزانه حدود ۵۵ نفر و بطور میانگین، هر ساعت ۲ تا ۳ نفر در جاده‌های کشور قربانی می‌شوند. سرعت بالا و عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، خستگی و خواب‌آلودگی، کیفیت پایین جاده‌ها، ماشین‌های بی‌کیفیت و عدم رعایت استانداردهای ایمنی، عوامل اصلی بروز تصادفات مرگبار در ایران هستند.

## تجمع اعتراضی کارکنان «شرکت تأسیسات دریایی»

کارکنان تأسیسات دریایی صبح دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ برای رسیدگی به خواست‌ها و حقوق خود در مقابل صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت دست به تجمع اعتراضی زدند. «شرکت تأسیسات دریایی» یکی از شرکت‌های بزرگ شرکت ملی نفت است که با ماجرای دکل گمشده معروف شد. پرونده «دکل گمشده» مربوط به قرارداد خرید یک دکل حفاری نفت از آرژانتین است که در سال ۱۳۹۴ معلوم شد با وجود پرداخت تمام هزینه‌هایش هرگز وارد ایران نشده است!

## بر مزار سپهبد نادر جهانبانی خلبان نیروی هوای شاهنشاهی ایران

سپهبد نادر جهانبانی از فرماندهان و خلبانان برجسته‌ی ارتش ملی و شاهنشاهی ایران در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ در پنجاه سالگی توسط جمهوری اسلامی در زندان قصر به جرم خدمت به میهن تیرباران شد. سال‌هاست که مزار وی در قطعه ۸۲ ردیف ۳۸ شماره ۳۵ توسط قشرهای مختلف شهروندان از جمله سربازان، خلبانان و ارتشی‌ها گلباران



می‌شود. گلزار جهانبانی دختر وی عکس‌هایی از شهروندان قدرشناسی در رسانه اجتماعی ایکس منتشر کرده که امسال نیز در ۲۲ اسفند بر مزار وی گرد آمده و خاک او را گلباران کرده‌اند. وی نوشته است:

«امروز سر مزار پدر عزیزم جمعی از خلبانان، افسران نیروی هوایی و هموطنان عزیز و وفادار با گل‌های بسیار زیبا با مهر، عشق و احترام آمدند برای یادبود از او.»

بر اساس همین گزارش‌ها، خانواده‌های هر سه تن احضار شده و زیر فشار قرار دارند. ابول کورکور از معترضان خیزش ۴۰۱ که از همان زمان بطور مخفی زندگی می‌کرد، شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ هنگام دستگیری در برابر دوربین لایو اینستاگرام با عبارت «چاره‌ای ندارم» و «ایران خداحافظ» با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد.



### عکس هفته | ایران خداحافظ!

حمید (اوول) کورکور از معترضان خیزش ملی ۴۰۱ در شهر ایذه پس از دو سال زندگی مخفی شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ در محاصره مسلحانه‌ی نیروهای امنیتی با عبارت «ایران خداحافظ» به زندگی خود پایان داد.